

تَارِيخ

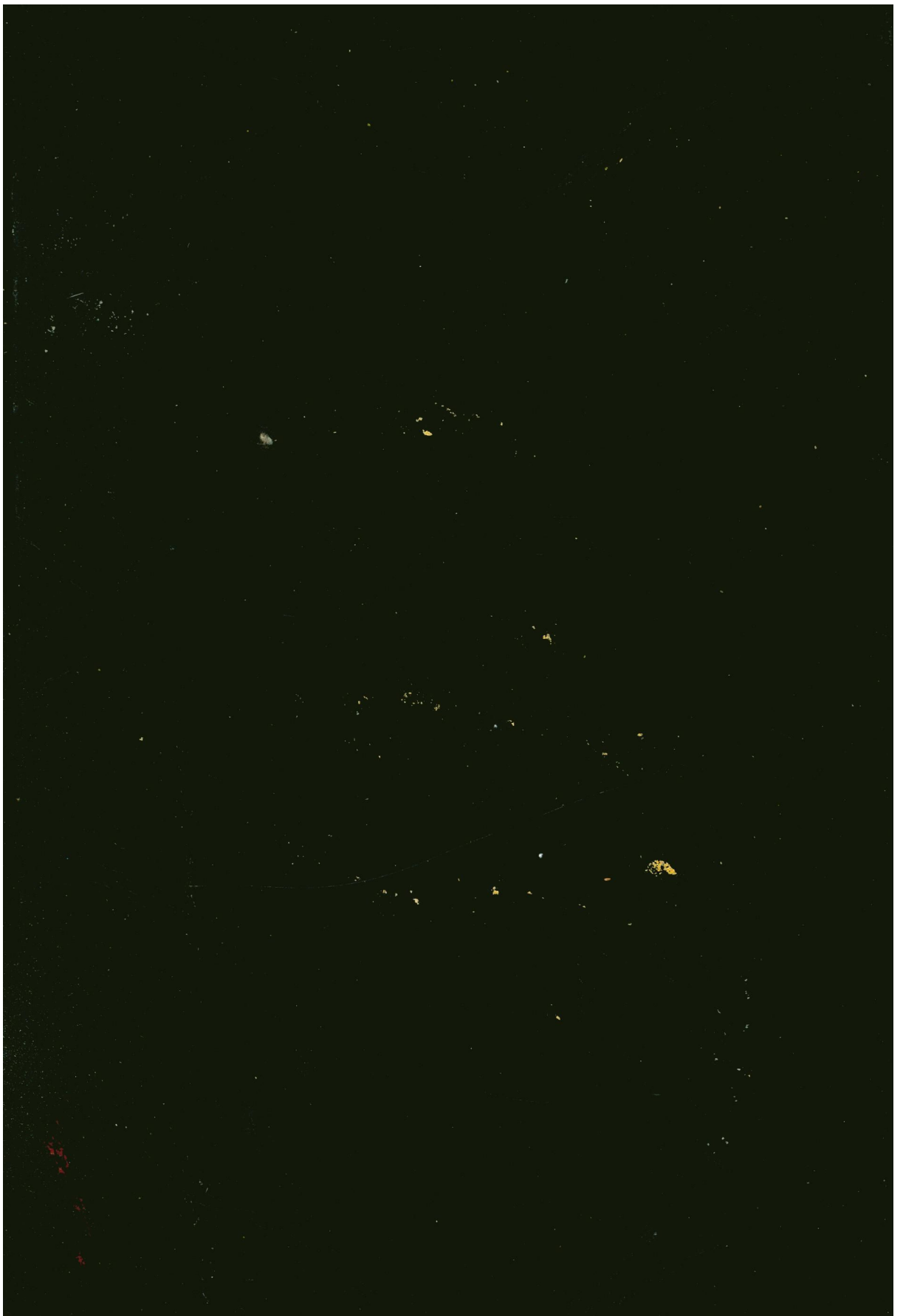
علمی و اجتماعی اصفهان

در روز و وقت سن اخیر

جلد سوم

تألیف:

سید مصدح الدین مهملوی



تَبَيَّنَ صُلْحُ الْفَرَنْجِ
مَلِكِي

بَابُ عَمَلِ أَسْمَاءَ
مَامَا فِي صَفْوَانِ

٢٤

نَشْدُ
الْمُهْدِيَاتِ

بیان سبب الہدایۃ
فی ذکر عقائد الہدایۃ

یا

تاریخ علمی و اجتماعی اصفہان

در دو تکران اخیر

جلد سوم

تألیف

سید مصحح الدین مہدوی

پہلی بار ۱۳۰۵ھ
دوسرا بار ۱۳۰۶ھ
۱۳۰۷ھ
۱۳۰۸ھ
۱۳۰۹ھ
۱۳۱۰ھ
۱۳۱۱ھ
۱۳۱۲ھ
۱۳۱۳ھ
۱۳۱۴ھ
۱۳۱۵ھ
۱۳۱۶ھ
۱۳۱۷ھ
۱۳۱۸ھ
۱۳۱۹ھ
۱۳۲۰ھ
۱۳۲۱ھ
۱۳۲۲ھ
۱۳۲۳ھ
۱۳۲۴ھ
۱۳۲۵ھ
۱۳۲۶ھ
۱۳۲۷ھ
۱۳۲۸ھ
۱۳۲۹ھ
۱۳۳۰ھ
۱۳۳۱ھ
۱۳۳۲ھ
۱۳۳۳ھ
۱۳۳۴ھ
۱۳۳۵ھ
۱۳۳۶ھ
۱۳۳۷ھ
۱۳۳۸ھ
۱۳۳۹ھ
۱۳۴۰ھ
۱۳۴۱ھ
۱۳۴۲ھ
۱۳۴۳ھ
۱۳۴۴ھ
۱۳۴۵ھ
۱۳۴۶ھ
۱۳۴۷ھ
۱۳۴۸ھ
۱۳۴۹ھ
۱۳۵۰ھ
۱۳۵۱ھ
۱۳۵۲ھ
۱۳۵۳ھ
۱۳۵۴ھ
۱۳۵۵ھ
۱۳۵۶ھ
۱۳۵۷ھ
۱۳۵۸ھ
۱۳۵۹ھ
۱۳۶۰ھ
۱۳۶۱ھ
۱۳۶۲ھ
۱۳۶۳ھ
۱۳۶۴ھ
۱۳۶۵ھ
۱۳۶۶ھ
۱۳۶۷ھ
۱۳۶۸ھ
۱۳۶۹ھ
۱۳۷۰ھ
۱۳۷۱ھ
۱۳۷۲ھ
۱۳۷۳ھ
۱۳۷۴ھ
۱۳۷۵ھ
۱۳۷۶ھ
۱۳۷۷ھ
۱۳۷۸ھ
۱۳۷۹ھ
۱۳۸۰ھ
۱۳۸۱ھ
۱۳۸۲ھ
۱۳۸۳ھ
۱۳۸۴ھ
۱۳۸۵ھ
۱۳۸۶ھ
۱۳۸۷ھ
۱۳۸۸ھ
۱۳۸۹ھ
۱۳۹۰ھ
۱۳۹۱ھ
۱۳۹۲ھ
۱۳۹۳ھ
۱۳۹۴ھ
۱۳۹۵ھ
۱۳۹۶ھ
۱۳۹۷ھ
۱۳۹۸ھ
۱۳۹۹ھ
۱۴۰۰ھ

- * بيان سبل الهداية
- * سيد مصلح الدين مهدوی
- * نشر الهداية
- * ٢٠٠٠ نسخه
- * چاپ خيام - قم
- * تابستان ١٣٦٧
- * چاپ اول
- * توزيع دار الذخائر - قم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللهم انا نشكو اليك فقد نبينا صلواتك عليه وآله وغيبه ولينا وكثرة عدونا وقلة
عدونا وشدة الفتن بنا وتظاهر الزمان علينا فصل على محمد وآله واعنا على ذلك
بفتح منك تعجله ونصر تكشفه ونصر تعزه وسلطان حق تظهره ورحمة منك تجعلناها
وعافية منك تلبسناها برحمتك يا ارحم الراحمين .

اللهم اذا نرغب اليك فى دولة كريمة تعز بها الاسلام واهله وتدل بها النفاق
واهله وتجعلنا فيها من الدعاة الى طاعتك والقادة الى سبيلك وترزقنا بها كرامة الدنيا
والاخرة .

اللهم صل على محمد وآله . وحصن ثغور المسلمين بعزتك وأيد حمايتها
بقوتك ، وأسبغ عطاياهم من جدتك، اللهم صل على محمد وآله . وكثر عدتهم،
واشحن أسلحتهم، واحرس حوزتهم، وامنع حومتهم، وألف جمعهم، ودير أمرهم،
والتريين ميرهم" ، وتوحد بكفاية مؤنهم ، واعضدهم بالتصبر ، واعتهم بالصبر ،
والطف لهم بالمكر .

اللهم صل على محمد وآله . وعرفهم ما يجهلون وعلمهم ما لا يعلمون، وبصرهم
ما لا يبصرون، اللهم صل على محمد وآله ، وأنسهم عند لقاءهم العدو ذكر دنياتهم
الخداعة الفرور ، وامح عن قلوبهم خطرات المال الفتون واجعل الجنة نصب
أعينهم ولوح منها لأبصارهم ما اعدت فيها من مساكن الخلد ومنازل الكرامة
والحور الحسان والأنهار المطردة بأنواع الأشربة والأشجار المتدلية بصنوف
الثمر حتى لا يهم أحد منهم بالادبار ، ولا يحدث نفسه عن قرنه بفرار .

قسمتی از دعاء ۲۷ صحیفه سجادیه علیه السلام

در این کتاب، با استفاده از روش‌های علمی و تاریخی، به بررسی دقیق و بی‌طرفانه‌ای از وقایع و اشخاص درگیر در این جنگ پرداخته شده است. نویسنده با گردآوری اسناد معتبر و مصاحبه با افراد مطلع، تصویری جامع و دقیق از این دوره تاریخی ارائه کرده است. این کتاب نه تنها برای علاقه‌مندان به تاریخ و فرهنگ ایران، بلکه برای عموم مردمی که می‌خواهند با حقایق این جنگ آشنایی بیشتری داشته باشند، بسیار مفید و ارزشمند است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و به نستعین

الحمد لله كما يستحق والصلوة على رسول الله وعلى آله آل الله واللعن
للعائم على اعدائهم اعداء الله .

جمع و تألیف مجلدات این کتاب مقارن با جنگ تحمیلی عراق بر ایران صورت گرفت، از پانزدهمین جلد دوم آن وقتی فارغ شدیم که هر آن احتمال بمباران هوایی دشمن بر شهر بی‌دفاع اصفهان فزونی می‌یافت و اکنون نیز که این سطور را می‌نویسم دشمن ستمگر شب و روز، گاه و بیگاه اصفهان (و بسیاری از شهرهای دیگر میهن اسلامی ما) را آماج موشک‌های خود قرار می‌دهد خانه‌ها ویران می‌کند، مردان و زنان و کودکان بی‌گناه را می‌کشد بیمارستانها خراب می‌کند مساجد و مدارس از بین می‌رود و خلاصه کلام آنچه از جنایت در قدرت دارد انجام می‌دهد.

مجامع بین‌المللی با اصطلاح طرفدار حقوق بشر در این مدت یعنی از ابتدای

جنگ تاکنون تماشاگر این صحنه مهیب بوده و از خود اظهار وجودی ننموده است. این حامیان حقوق و طرفداران بشر همه جنایات عراق را در میدانهای نبرد و شهرها از بکار بردن بمبهای شیمیایی و آتشزا و گلوله‌های توپها و خمپاره اندازه‌ها و غیره نادیده گرفته و گویا در دنیا هیچ اتفاقی نیفتاده است اما وقتی ایران در برابر رفتار ناهنجار آنان بر حسب دستور قرآن مجید که میفرماید: « فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ » (سورة البقره آیه ۱۹۴) رفتار می‌کند آنوقت همگان به جنب و جوش افتاده و بطرفداری از عراق جنایتکار و پیشقدم در جنگ بفعالیت میپردازند، روزنامه‌هایشان، رادیوهایشان، خبرگذارهایشان و بالاخره دولت‌هایشان همه و همه علیه ایران و اقدامات او شروع بکار می‌کنند و از ما می‌خواهند که با عراق سازش کنیم اما آنگونه که آنان میخواهند: « هیئات منا الذله » این درسی است که، از سرور شهیدان امام واجب‌الاطاعة خود حضرت سید الشهداء علیه السلام آموخته‌ایم. ما هرگز حاضر بجنگ نبوده و نیستم اما زیر بار ننگ و ذلت هم بخواست خداوند و توجه خاص حضرت و اسی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نخواهیم رفت.

جنگ عراق با ایران: در شب ۲ شنبه ۱۲ ذی القعدة الحرام سال ۱۴۰۰ قمری برابر ۳۱ شهریور ماه ۱۳۵۹ خورشیدی ارتش مزدور عراق بفرمان اربابان خود یعنی جهانخواران و جنگ افروزان امریکائی از مخالفین سر سخت حکومت جمهوری ایران در طول مرزهای غربی ایران به مملکت ما حمله کرد و برخی از شهرهای پیدفاع ما را با جنگ و کشتار بیرحمانه متصرف گردید. از آن تاریخ تاکنون که قریب ۸ سال می‌گذرد جنگ در تمام جبهه‌ها با کمال شدت ادامه دارد. در این مدت طولانی ملت ایران با کمال مردی و مردانگی در زیر سایه وحدت و یگانگی از خود دفاع کرده و می‌کند و در این راه از هیچ چیز نمی‌هراسد

شهرها و قصبه‌هایی که بشصرف عراق در آمده بود را مسترد داشته و همچنان از مرزهای کشور و شرافت خود پاسداری می‌کنند . اما در برابر رژیم حاکم بر بغداد یعنی رژیم بعثی صهیونیستی که هم ننگ کمونیستی دارد و هم یهودی و یهودی‌گری با کمال ناجوانمردی شهرها و مؤسسات غیر نظامی و مردم بی‌دفاع زنان و کودکان را مورد حمله هوایی و موشکی خود قرار میدهد . او که قادر نیست در میدان نبرد با رزم آوران دلیر و شجاع و جان برکف ما بستیزد چون دزدان و راهزنان در شب و روز به بیمارستانها و مساجد و مدارس و خانه‌ها و پیران و ازکار افتادگان زنان و کودکان در شهرهای بی‌دفاع حمله می‌کند و آنان را هدف گلوله‌های توپ و بمبها ، خمپاره‌ها و موشک‌های خود قرار میدهد و بتصور باطل خود قدرت پایداری و روحیه استقامت مردم را سست می‌کند غافل از آنکه فولاد چون آبدیده شود قدرت بیشتری در برابر پتک و چکش پیدا می‌کند . و طلا را چون در کوره نهند و بر آن آتش بدمند پاک و بی‌غش و خالص گردد .

از دوفکر که اختلاف می‌کنند ، دودسته که بر سرموضوعی نزاع می‌نمایند ، دو مملکت که با یکدیگر می‌جنگند مسلم است که یکی از آندو برحق بوده و دیگری راه باطل می‌پیماید . جنگ بین عراق و ایران نیز از این قانون کلی مستثنی نیست . اکنون باید دید که حق با کدام طرف است

آیا آنکه زورگویان جهان و جنگ افروزان و اسلحه فروشان و وام دهندگان و حق و توداران و استعمارگران از اوجانبداری می‌کنند برحق است یا ملتی که از حق خدادادی خود - مرزهای خود - عقیده و دین خود دفاع می‌کند و فقط و فقط چند مملکت ستم‌دیده و ظلم کشیده و طعم استعمار چشیده و از همه چیز محروم از او حمایت می‌کنند . قضاوت و داوری در این مورد با عقل سالم است .

آثار جنگ : جنگ با همه بدی و زشتی و عواقب بدی که همراه دارد نتایج

سودمندی نیز همراه دارد از اینرو نتایج حاصله از جنگ را از دو نظر مورد دقت

قرار می‌دهیم :

۱ - از نظر مادی و ظاهری .

۲ - از نظر معنوی و حقیقی .

و اما آثار مترتبه بر جنگ از جنبه مادی و ظاهری عبارتست از :

۱ - بیچارگی افراد ملت

۲ - بیماری

۳ - دربدری و بلا تکلیفی

۴ - فقر و ناداری

۵ - کشته شدن جوانان یعنی نیروی فعال جامعه

۶ - گرانی و گاهی قحطی

۷ - مرگ و نابودی

۸ - ناامنی و فراوان شدن دزدی

۹ - ویرانی و خرابی

۱۰ - یتیمی کودکان و بیوه شدن زنان و عوارض حاصله از آن .

۱۱ - و بدتر از همه اینها :

ایجاد حس یأس و ناامیدی و در نتیجه لاابالیگری و پشت پا زدن بدنی و روح درویشی همچنانکه تاریخ نشان می‌دهد پس از کشت و کشتارهای وحشیانه مغول صوفیه اغتشاشیه روی کار آمدند و پس از فتنه افغان و جنگهای نادرشاه صوفیه ایران دو مرتبه رونق گرفتند و قدرت یافتند و پس از جنگ جهانی اول و دوم هیپی گری بوجود آمد .

رواج مواد مخدر از کلیه انواع آن نیز یکی از آفتهای جنگ می‌باشد .

و اما نتایج معنوی و فوائد حاصله از جنگ را میتوان در چند موضوع زیر خلاصه کرد :

- ۱ - توجه به حضرت حق جل و علا
 - ۲ - حس انتقامجویی از دشمن بدنهاد
 - ۳ - زنده شدن روح سلحشوری در ملت
 - ۴ - صبر و شکیبائی
 - ۵ - گذشت و ایثار
 - ۶ - تقویت نیروی استقامت
 - ۷ - وسیله شناسائی دوستان و دشمنان و غیره
- شرح و توضیح درباره هر يك از این هیجده مورد را بعهدہ خوانندگان محترم وا می گذاریم .

جنگ وسیله آزمایش است : قبل از آنکه درباره این موضوع توضیح بدهیم قسمتی از قصیده‌ای را که مرحوم ملك الشعراء بهار درباره جنگ و آثار نکبت بار آن گفته است را در این جا نقل می کنیم . اینک قصیده نامبرده :

جنگ جنگ

مرحوم استاد محمد تقی ملك الشعراء « بهار » (۱۳۰۴ - ۱۳۷۰) در سال ۱۳۲۹ خورشیدی بمناسبت جنگ خونین کره و کشت و کشتار مردم مظلوم و بی پناه آن مملکت بوسیله آمریکائیان جنایتکار قصیده‌ای به پیروی از قصیده منوچهر دامغانی () که بدین مطلع شروع میشود :

فغان از این غراب بین و وای او که در نوا فکنده مان نوای او
سروده بنام : « جنگ جنگ » اینک برخی از اشعار آن بمناسبت جنگ

خانمان برانداز عراق و ایران که اینک مدت هشت سال است که بزمالت ما تحمیل گردیده نقل میشود.

فغان ز جغد جنگ و مرغوای او	که تا ابد بریده بباد نای او
بریده بباد نای او و تا ابد	گسسته و شکسته پر و پهای او
زمن بریده کرد آشنای من	کزو بریده بباد آشنای او
چه باشد از بلای جنگ صعب تر	که کس امان نیابد از بلای او
شراب او ز خون مرد رنجبر	وز استخوان کارگر غذای او
همی زندصلای مرگ و نیست کس	که جان برد ز صدمت صلائی او
همی دهد بلای خوف و میرسد	بهر دلی مهابت فدای او
همی تند چو دیو پای در جهان	بهر طرف کشیده تارهای او
چو خیل مور گرد پاره شکر	فتد بجان آدمی عنسای او
بهر زمین که باد جنگ بروزد	بخلقها گره شود هوای او
در آن زمان که نای حرب دردمد	زمانه بی نوا شود ز نای او
بگوشها خسروش تندر او فتد	زبانگ توپ غرش و هرای او
جهان شود چو آسیا و دمبدم	بخون تازه گردد آسیای او
رونده تانک همچو کوه آتشین	هزار گوش کر کند صدای او
همی خزد چو ازدها و درچکد	بهر دلی شرننگ جانگزی او
چو بر بگسترده عقاب آتشین	شکار اوست شهر و روستای او
هزار بیضه هر دمی فرو نهد	اجل دوان چو جوجه در قفای او
کلنگ سان دژ پرنده بنگری	بهندسی صفوف خوشنمای او
چو پاره پاره ابر کافکند همی	تگرگ مرگ ابر مرگ زای او
بهر کرانه دستگاه آتشین	جمعی آفریده در فضای او

زود و آتش حریق و زلزله ز اشگ و آه و بانگ‌های او
برزنگه «خدای جنگ» بگذرد چو چشم شیر املگون قباى او
تا آنجا که گوید :

جهانخواران گنج بر بجنگ بر مسلطند ورنج و ابتلای او
بقای غول جنگ هست درد ما فنای جنگ بسارگان دوی او
زغول جنگ و جنگ بارگی‌تر سرشت جنگ باره و بقای او
الا حذر ز جنگ و جنگ بارگی که اهریمن است مقتدای او

(اهریمن اشاره به شیطان بزرگ یعنی آمریکای جهانخوار است .)

این قصیده که در بحر نا مطبوع سروده شده و نشانه قدرت و استادی و مهارت
مرحوم ملك الشعراء بهار در شعر و ادب فارسی است جمعاً ۶۱ بیت می‌باشد
بهمین قدر اکتفاء شد طالبین بدیوان آن مرحوم و رساله : «زندگانی و آثار بهار»
نوشته نیکو همت مراجعه کنند .

« صلح حقیقی »

پس از آنکه ایاتی از قصیده مرحوم ملك الشعراء بهار درباره جنگ و اثرات
آن نقل کردیم بی‌مناسبت نیست که یادی نیز از صلح که آرزوی همه مردم جهان
است بنمائیم .

مرحوم استاد محمد حسین صغیر اصفهانی (۱۳) که الحق استاد
سخن و شعر و ادب در عصر حاضر در اصفهان بشمار میرفت و همگان استادی
ویرا معترف بودند در طول جنگ جهانی دوم اشعاری در تحت عنوان « صلح
حقیقی » سروده که اینک بتقل آن مبادرت می‌شود (ص ۹۵ شکوفه‌های اصفهان) :

کهی شود در نغمه آید بلبل بستان صلح
خمسنگان جنگ را شادان کند زاعلان صلح
عمر ما بگذشت چون مریخ در دوران جنگ
خرم آنکو مشتری و ش زبست در دوران صلح
زان زمان کز دامن ملد کشیدستیم پای
دست ما را کرده کوتاه چرخ از دامن صلح
تا کنون دیده است بس فاتح بخود میدان جنگ
پهلوانی کو که گردد فاتح میدان صلح
جنگ روز عالمی را چون شب تاریک کرد
ای خدا کی میدرخشد اختر تابان صلح
قحط آرامش بشر را قالب بی جان نمود
کو کریمی تا بگینی گستراند خوان صلح
خضر راهی کودر این ظلمت سرا کز همتش
تشنگان یا بند ره بر چشمه حیوان صلح
شد مشام عالمی آشفته از بوی نفاق
از کدامین سو وزد تا باد مشک افشان صلح
تا که را گردد وصال صلح بعد از ما نصیب
روزگار ما که طی گردید در هجران صلح
گر شما را اوفتاد آن شاهد زیبا بدست
باری ای نوع بشر جان شما و جان صلح
لاف انسانیت و انگاه پشتیبان جنگ
جان من انسان کامل هست پشتیبان صلح

جنگگ تا دوزخ کشاند صلح تا جنت برد
آن بود پایان جنگ و این بود پایان صلح
مادران و خواهران مسئلت باید ز حق
تا مقدر گردد از بهر بشر امکان صلح
راستی جنگ جهانی نیست غیر از قهر حق
گردد از میل معاصی منهدم ارکان صلح
بندگان را باید اول صلح کردن با خدای
آری آری ترك عصیان خود بود بنیان صلح

گر چه از جنگ است عالم بی سر و سامان صغیر
هست امید اینکه یزدانش دهد سامان صلح

نویسنده گوید : آنچه را که مرحوم صغیر می گوید که :

جنگ از آثار قهر و غضب حضرت حق عز و علا و معصیت بندگان یکی از
علل و موجبات آنست حقیقتی است که از قرآن مجید و اخبار و احادیث اهل بیت
علیهم السلام استفاده میشود و دوای این درد نیز صلح با خدا یعنی توبه از گناهان
است و بس همچنانکه قوم حضرت یونس علی نبینا و آله و علیه السلام توبه کردند
و خداوند بر آنان بخشود و از گناهشان درگذشت و عذاب را از آنان رفع فرمود .
استغفر الله ربی و اتوب الیه من جمیع الذنوب و الاثام و من جمیع ما کره الله :
تنگ و فترتین ابدی بر عالمی که کتابی انحرافی می نویسد و مردمی را از راه
حق و حقیقت بیراهه می کشاند و گمراه نموده و در دنیا و آخرت بدبخت و سیه
روز می سلود .

لعنت بر آن دانش و دانشمندی که علم را وسیله نابودی بشر قرار میدهد
و بمب آتش و شیمیائی و موشک و سایر وسائل جنگی میسازد و بر آن دولتهائی که

این آلات و ادوات جنگی را وسیله پیشرفت مقاصد استعماری و ضد انسانی خود قرار میدهند و همچنین بر کلیه متجاوزین بحقوق انسانها و حامیان باصطلاح حقوق بشری که این همه جنایات را در جنگها بخصوص در جنگ تحمیلی عراق بر ایران می بینند و تماشاگر این صحنه های دلخراش و جانسوز بوده و با سکوت مرگبار خود عملا از آنان حمایت می کنند .

مطابق عقل و منطق (صحیح) هزاران مرتبه جهل بر اینگونه دانش شرافت و برتری داشته اف بر این دانایان و تف بر علمشان .

تقسیم بندی مطالب :

این مجلد از کتاب « بیان سبیل الهدایه فی ذکر اعقاب صاحب الهدایه » را به يك مقدمه و سه فصل و يك خاتمه تقسیم می کنیم باین شرح :

* - مقدمه

۱ - فصل اول در شرح احوال ۱۷ نفر اولاد و اعقاب و نبیرگان و فرزندزادگان پسری مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی اصفهانی صاحب حاشیه .
۲ - فصل دوم شامل شرح حال ۵۱ نفر اولاد و اعقاب دختری و کلیه منتسبین به مرحوم شیخ بزرگوار صاحب حاشیه معالم .

۳ - فصل سوم ، آثار خیریه و باقیات الصالحات از : مدارس ، مساجد و موقوفات منتسب بخاندان مسجدشاهیان اصفهان .

* خاتمه : ذکر اسامی تکایای تخت فولاد و وجه تسمیه لسان الارض و ...

اینک بخواست قادر متعال شروع در مقصود می کنیم و از حضرتش توفیق

اتمام می طلبیم .

پیشگفتار

الحمد لولیه والشکر علی نعمائه

برای مقدمه این مجلد مطالب زیادی پیش بینی و تهیه شده بود لکن اوضاع نامساعد زمان و تشویش و نگرانی بی پایان وعدم اطمینان به انجام رسانیدن این مجلد در اثر حملات ناجوانمردانه و غیر انسانی دولت بعثی صهیونیستی عراق بوسیله بمب و موشک ما را بر آن داشت که دامنه سخن را کوتاه نموده و هر چه زودتر کتاب را تمام کنیم که اگر خداوند مقدر فرموده باشد که در اثر یکی از این حملات بمیریم این کتاب ناتمام نمانده باشد .

دنیا جای آزمایش است نه جای آسایش : حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در وصیت خود بفرزندش حضرت مجتبی علیه السلام می نویسد :

ان الدنيا لم تكن لتستقر الا على ما جعلها الله عليه من النعماء والابتلاء والجزاء
فی المعاد وما شاء مما لا نعلم (نهج البلاغه ص ۹۰۸ چاپ فیض الاسلام) .

یعنی : دنیا پایدار نماند مگر بر آنچه خداوند تبارک و تعالی بر آن قرار داده است از نعمت‌ها و گرفتاریها (آزمایش‌ها) و پاداش (اعمال) در روز رستاخیز و پاداش و آنچه خواسته است از آن چیزهاییکه ما نمیدانیم .
و همچنین در یکی از خطبه‌ها درباره دنیا میفرماید :

دار بالبلاء محفوفة وبالقدر معروفة لاتدوم احوالها ولا تسلم نزالها احوال
مختلفه و ثارات متصرفه العیش فیها مذموم و الامان منها معدوم و انما اهلها فیها اغراض
مستهدفه ترمیهم بسهامها و تفتنهم بحمامها .

یعنی : دنیا سرائی است پوشیده ببلیا و معروف به مکروفریب حالت آن
یکسان نمی‌ماند و ساکنین آن سالم نمی‌مانند حالاتش گوناگون و نوبتهایش در
تغییر است شادی و خوشی در آن نکوهیده و زشت و آرامش و آسودگی در آن یافته
نمیشود بدرستیکه اهل دنیا در دنیا هدف تیرهای بلایند که دنیا تیرهای خود را
بدانان رها می‌سازد و بمرگ و نیستی نابودشان میگرداند .

(نهج البلاغه ص ۷۰۷ چاپ فیض الاسلام) .

این است حال دنیا و مردم دنیا در کلام حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام وهم
از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که فرمودند : الدنيا مزرعة
الآخرة وهم گفته‌اند : الدنيا سوق ربح فیها قوم و خسر فیها قوم آخرون خوشا بر
حال دسته اول و وای بر گروه دوم از خداوند غفار مسئلت داریم که ما را از فرقه
اول و اهل یمین قرار دهد بمنه و کرمه و لطفه و احسانه انه عفور رحیم .

همه مردم مورد آزمایش قرار میگیرند : جنگگ یکی از مواد امتحانی است .
خداوند سبحان جلت عظمته در قرآن مجید میفرماید :

افحسب الناس ان ینرکوا ان یقولوا آمنا وهم لا یفتنون (سوره هنکبوت

آیه ۲) .

آیا مردم گمان کردند همینکه گفتند ایمان آوردیم رها شدند (و حرف آنان بدون چون و چرا پذیرفته شد) و آنها آزمایش نمی شوند (بلکه چنین نیست و آنان را مورد آزمایش و امتحان قرار میدهیم) .

ولقد فتنا المذین من قبلهم فلیعلمن المصادقین منهم والکاذبین .
به تحقیق که آنان که قبل از اینان بودند را نیز آزمودیم تا راستگویانشان از دروغگویان شناخته شوند .

نتیجه امتحان :

خوش بود گر محک تجر به آید بمیان

تاسیه روی شود هر که در او غش باشد

اگر آزمایش نباشد همه مدهی اینان آنهم ایمان واقعی و حقیقی هستند . همه دم از اسلام و اسلامخواهی میزنند و خویشان را طرفدار واقعی آن می شناسانند . همه و همه طرفدار ضغفاء و ستمدیدگان و دشمن ستمگران و یار بیچارگان و . . . اما چون پای امتحان در کار آمد آنوقت مؤمن و کافر و منافق - سخی و بخیل و دلسوز و قسی القلب شناخته میشوند . خداوند عالم السر و الخفیات نیازی به امتحان بندگان آفریده خود ندارد بلکه این امتحان بخاطر آنست که :

۱ - مردم خود را و حقیقت واقعی خود را درک کنند .

۲ - افراد اجتماع یکدیگر را بشناسند کسیرا که يك عمر مؤمن و موحد گمان برده اند با جزئی پیش آمدی ضمیر باطنی او آشکار شده و معلوم میشود که کافر و مشرکی بیش نبوده و در تمام این مدت یعنی در طول عمر خود برپا و خدعه مردم را فریفته است .

بنابراین آزمایشی که خداوند از بندگان خود می کند بخاطر آنست که افراد اجتماع یکدیگر را بشناسند و کسیرا بدون جهت در جایگاهی که شایسته

او نیست فرار ندهند .

گاه در اجتماع مشاهده میشود که فردی در طول عمر از اسلام و دین صحبت می کند و چون مصدر امری از امور اجتماعی (مورد آزمایش) بیدین ترین افراد از کار در می آید . از حقوق از دست رفته ضعیف و ستم دیدگان سخن می گوید و اشک تمساح میریزد چون بمقامی رسید و قدرتی یافت ظلم و بیدادش بر مردم دو چندانست چه خوش می گوید سعدی :

بیری مال مسلمان و چو مالت ببرند

بانگ و فریاد بر آری که مسلمانی نیست

مواد امتحان : هر چه را که انسان بآن سرخورد می کند و شخص در هر رتبه و مقام که باشد تمام مشاغل و برخورد ها موضوعات امتحان و همه مردم امتحان دهنده و خداوند عالم خبیر و بصیر امتحان گیرنده است .

خداوند یکی را بفقیر و دیگری را بغنا و ثروت می آزماید .

عالم را در موضوع علم و دانشش می آزماید و نادان را در جهت پرسیدن و نپرسیدن از علماء .

واعظ و گوینده را در موضوع و عطش متعظین را در باره پند گرفتن و شنوائی از گفتار گویندگان .

معلمین و شاگردان مورد آزمایشند که آیا هر کدام بوظیفه خود عمل می کنند

یا نه ؟

کارگر و کارفرما - رئیس و مرئوس - قاضی و متداعبین - تاجر و کاسب و مشتری - زارع و کشاورز با ارباب و صاحب ملک و باغ - پزشک و بیمار - نویسنده و خواننده کتاب - روزنامه نویس و شاعر خلاصه همه و همه .

عالمی که يك عمر بر سر خوان نعمت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی

فرجه الشریف ارزاق کرده و بنام مبارک آنجناب همه نوع احترام و بزرگداشت از مردم و اجتماع دیده آیا بولی نعمت خود خدمت میکند و یا خدائی نخواسته خیانت می‌ورزد و قلب مبارکش را می‌آزارد...
 از خداوند تبارک و تعالی می‌خواهیم که بما توفیق عنایت کند که از آزمایش نیکو و رؤسفهد بیرون آئیم که سعادت دنیا و آخرت در آنست.
 جنگگ باز هم جنگگ : همانگونه که ذکر شد جنگگ از وسائل آزمایش است

جهاد و دفاع یکی از مباحث اصلی فقه اسلامی است. و جوب جهاد بنا حصول کلیه شرایط آن بنص صریح قرآن و روایات منقوله از حضرات معصومین علیهم السلام یکی از ضروریات دین اسلام و منکر آن کافر است. جهاد و دفاع از واجبات کفائی است یعنی اگر عده‌ای که حاضر بجنگگ کردن شوند جهت مقابله با دشمن کالی باشد تکلیف از دیگر افراد ساقط میشود و همچنین وجوب جهاد با امر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و یا امام معصوم علیه السلام می‌باشد در زمان غیبت امام علیه السلام اگر شهر یا مملکت اسلامی مورد هجوم دشمن قرار گیرد دفاع از آن و دفع شر آنان بحکم مجتهد جامع شرایط واجب میگردد.

جهاد با سه دسته است : ۱ - کفسار و مشرکین ۲ - اهل کتاب برای قبول اسلام یا جزیه ۳ - یاغیان و باغیان و کسانیکه از امر پیغمبر و امام معصوم علیهم السلام سرپیچی می‌کنند برای مثال هر سه گروه : ۴ - جنگگ بدر و فتح مکه ۲ - جنگگ خیبر ۳ - جنگهای حضرت علی علیه السلام با ناکثین و مارقین و قاسطین .
 اما مثال جهت دفاع : جنگهای ایران و روس که بحکم شیخ الطائفه شیخ جعفر نجفی (جنگگ اول) و آقا سید محمد مجاهد (جنگگ دوم) و تا : الثورة

العراقیه که بحکم مرحوم آقا میرزا محمد تقی شیرازی و شیخ الشریعه اصفهانی
 علیه انگلیسها انجام گرفت و یا جنگ دلیران قنگستانی و لار که پامرو حکم مرحوم
 حاج سید عبدالحسین مجتهد لاری علیه انگلیس انجام یافت .
 آیات در فضیلت جهاد و مجاهدین و همچنین روایات در این باره زیاد و بحث
 در این مسئله مربوط بکتاب فقهی و حوزه های علمیه است و در این مقدمه بهمین
 اندازه اشاره اکتفاء کرده و طالبین را بکتاب فقهی و دانشمندان فقیه رهبری می کنیم .
 اکنون بخواست خداوند متعال پس از ذکر چهار حدیث درباره جنگ و مرز
 داری باصل کتاب میپردازیم :

- ۱ - الجنة تحت ظلال السیوف : بهشت در زیر سایه های شمشیر است .
- ۲ - الخیر کله فی السیف و تحت ظل السیف ولا یقیم الناس الا بالسیف
 و السیف مقابل الجنة و النار . تمام نیکی ها در شمشیر و زیر سایه شمشیر است
 و مردم (اجتماع) اصلاح نمیشود مگر بوسیله شمشیر و شمشیر کلید بهشت و دوزخ
 است .
- ۳ - رباط لیلۃ فی سبیل الله خیر من صیام شهرین . یک شب مرزبانانی
 (نگاهبانی سرحد از حیث ثواب) بهتر است از دو ماه روزه داری .
- ۴ - السیوف مفاتیح الجنة . شمشیرها کلیدهای بهشت می باشند (نهج
 الفصاحه) .

در این کتاب به بررسی و تفسیر این روایات پرداخته شده است و سعی شده است که به روشی ساده و قابل فهم این مفاهیم را به مخاطبان خود برساند. همچنین در این کتاب به بررسی و تفسیر این روایات پرداخته شده است و سعی شده است که به روشی ساده و قابل فهم این مفاهیم را به مخاطبان خود برساند.

فصل اول

اولاد و اعقاب و فرزندان پسرى مرحوم

آقا شيخ محمد تقى رازى اصفهانى

شامل شرح حال ۱۷ نفر

100

1000

10000

100000

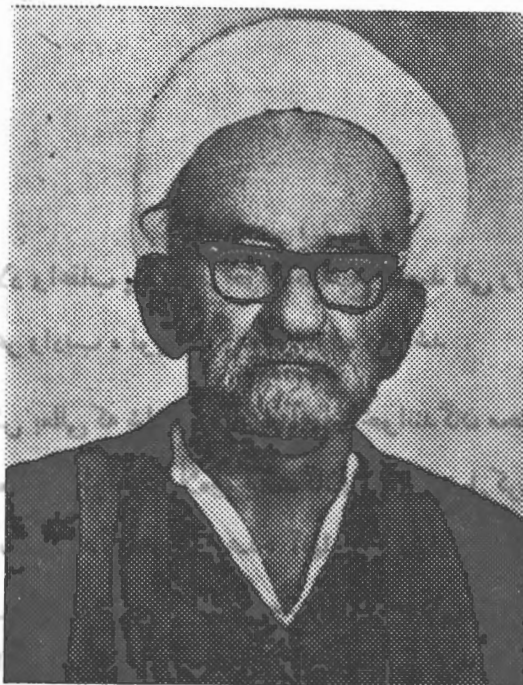
در بین اولاد واعقاب پسری مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی عده زیادی عالم و فقیه ، شاعر و ادیب ، نویسنده و محقق بوده و میباشد .

در این بخش بهائی که شاید برخی از آنها بر خوانندگان محترم مخفی نیست از ذکر اسامی علماء بزرگوار و فضلاء و نویسندگان و افراد تحصیل کرده و خدمتگزاری که در قید حیات هستند و بحمد الله عده آنها نسبتاً زیاد و عموماً افرادی شایسته ولایت در تمام رشته‌های علمی از علوم اسلامی و روحانی و دانشهای جدید در جمیع رشته‌ها از : پزشکی و مهندسی و تخصص در زبانهای خارجه و غیره میباشد خودداری می‌کنیم مگر احياناً و اجباراً و بقای عمر و سلامتی و دوام توفیق آنان را در خدمت به اسلام و میهن اسلامی و اجتماع مسلمین از خداوند قادر منان مسئلت داریم انه ولی قدیر .

مجموع افرادی که در این بخش از آنها یاد می‌شود ۱۷ نفر میباشد که سعی شده است که در عین حال که شرح حال آنان مختصر و موجز باشد جامع و کامل نیز بوده و نقطه ابهامی در آنها نباشد . در باره اعمال و رفتار گذشتگان قضاوت

کردن و حکم قطعی در خوبی و بدی آنان دادن کاری بس دشوار است (اگر غیر ممکن نباشد) بنابراین سعی شده است مطالب را همانگونه که دیده و شنیده و خوانده‌ام نقل کنم و داوری در باره آنرا بعهده خواننده منصف قرار میدهم .
اینک بخواست خداوند عالم السر و الخفیات شروع در مقصود نموده

و گوئیم :



۱ - حاج شیخ ابوالفضل نجفی

(۱۳۰۹ - ۱۳۹۱)

سومین فرزند مرحوم حاج شیخ محمد علی ثقة الاسلام نجفی

اولین فرزند مرحوم حاج شیخ مهدی نجفی - دومین فرزند مرحوم

آقا شیخ حسین ۳ - صاحب عنوان عالم فاضل .

مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الآثار (ص ۱۹۷۶) در ضمن بیان احوالات

مرحوم ثقة الاسلام درباره این بزرگوار می نویسد :

مرحوم حاج شیخ ابوالفضل از اعیان رجال عصر در اصفهانست و در علوم تاریخ و حوادث جهان و برخی از علوم اسلامی و مقتضیات زمان و معاشرت با ابناء آن بصیرتی شایان دارد .

در سنه ۱۳۰۹ متولد شده و زمزم خانم دختر عمش مرحوم حاج آقا جمال الدین را بزوجیت پذیرفته و بطوریکه آقای روضاتی در مقدمه کتاب : « الاوائل » مقدس نوشته در ظهر جمعه ۲۵ ربیع الاول سال ۱۳۹۱ در اصفهان وفات کرده و جسدش را بقم بردند (انتهی) .

علامه مفضل جناب حاج سید محمد علی روضاتی در کتاب : « زندگانی حضرت آیت الله چهار سومی » عین مطالب فوق را (ص ۱۹۹) با اندکی اختصار از کتاب : « مختصر المکارم » تألیف دیگر مرحوم معلم حبیب آبادی نقل فرموده است .

مخدره مرحومه زمزم خانم در ۵ شعبان سال ۱۳۸۲ در اصفهان وفات یافته و در قم در ایوان مجاور مقبره مرحوم حاج شیخ فضل الله شهید نوری نور الله مضجعه الشریف مدفون گردید و بعداً مرحوم حاج شیخ ابوالفضل نیز در همان ایوان در جنب او مدفون شد رحمة الله علیهما .

مرحوم حاج شیخ ابوالفضل نجفی از زوجه نامبرده خود چندین فرزند پسر و دختر یافته که ارشد از همه آنان :

ادیب فاضل محقق مدقق متببع جامع علوم قدیم و جدید نویسنده توانا جناب آقای دکتر محمد مهریار استاد دانشکده ادبیات اصفهان مؤلف و مترجم کتابهای :

- ۱ - جزوه تاریخ ادبیات جهت تدریس در دانشگاه ۴ - رشد و نمو و تربیت کودک ترجمه از نوشته دکترس کاف آمریکائی ۳ - سقوط اصفهان ترجمه از نوشته

لكهارت ٤ - فرهنگنامه واژه‌ها و روستاهای اصفهان (واژه شناسی دیه‌ها و روستاهای اصفهان) مقالاتی محققانه در : نامه سخنسرایان سپاهان نشریه اداره فرهنگ و هنر بچاپ رسیده و هر گاه بصورت کتاب بچاپ برسد کتابی بسیار سودمند خواهد بود ٥ - هلال ماه نو ترجمه تاگور فیلسوف مشهور هندی و چندین کتاب دیگر .

در شب جمعه ١٣ شعبان المعظم سال ١٤٠٨ (١١ فروردین ١٣٦٧) جهت عرض تبریک سال جدید و تجدید دیدار خدمت جناب آقای دکتر مهریار شرفیاب بودیم در ضمن صحبت سخن از پدر بزرگوارشان بمیان آمد اظهار داشتند که : در سالهای ١٣٤٧ و ٤٨ در نجف اشرف در خدمت پدرم بودیم . پدرم نسبت به علامه جلیل محقق بزرگوار مرحوم آقا ضیاء الدین عراقی محبت و دوستی زیاد و ارادت داشت و هر روز بحوزه درس ایشان که در مدرسه صدر منعقد میشد حاضر می گشت و از مباحث فقهی و اصولی ایشان استفاده مینمود .

از اجازات اجتهادی و روایتی ایشان سؤال کردم فرمودند :
من غیر از اجازه‌ای که مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری جهت ایشان نوشته‌اند چیزی نمیدانم .

توضیح : مقصود مرحوم معلم حبیب آبادی از مقدس (مؤلف کتاب :
الاول) .

عالم جلیل سید سند مرحوم حاج آقا محمد فرزند آقا سید عبدالحسین حسینی مقدس بید آبادی است (حدود ١٣٠٥ - ١٣٧٧) مدفون در تخت فولاد در تکیه‌ای مخصوص بنام خود ایشان .



۲ - حاج شیخ اسماعیل نجفی

۱۲۸۸ - ۱۳۷۰

نام : حاج شیخ محمد اسماعیل که اغلب و بطور عموم حاج شیخ اسماعیل گفته میشد .

پدر : علامه فقیه مرحوم حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی نجفی .

مادر : مرحومه بانو گوهر خانم منقطه از زنان صالحه و نیکوکار در حدود

سال ۱۳۱۶ وفات یافته است (ص ۱۰۱۰ سوم مکارم الآثار) .

تولد : مرحوم حاج شیخ اسماعیل آخرین فرزند مرحوم حاج شیخ محمد

باقر می باشد .

در تاریخ تولد آن مرحوم پدر بزرگوارش در پشمت برگنی از نسخه قرآن

مجید می نویسد :

بسم الله الرحمن الرحيم
 وبعد فقد انعم الله علينا
 على عبده المستغرق في بحر نعمائه
 بالمولود المسعود قره العين والقلب
 المسمى باسمه في الليلة السابعة
 من شهر ربيع الأول سنة ١٢٨٨
 من الهجرة الثامنة من الألف الثاني
 من الألف الثالث من الألف الثاني
 من الهجرة النبوية وهو سنة
 ثمان وثمانين ومائة بعد الهجرة
 وكان ذلك تريباً من فضائله
 وأسماؤه الكريمة بأن جعله
 العلم والأيمان وأن يحضره من
 أهل بيت الرعية وأن يحمله من
 شرفه الخلق في حقه بحسب
 الطاهر من صلوات الله عليه

بسم الله وبالله والحمد لله والصلوة والسلام على محمد وآله الطاهرين .
 وبعد فقد انعم الله سبحانه جلت آلائه على عبده المستغرق في بحر نعمائه
 بالمولود المسعود قره العين ومهجة القلب المسمى باسمه في الليلة السابعة

والعشرين من شهر الله الاعظم شهر رمضان من السنة الثامنة من العشر التاسع من المائه الثالثة من الالف الثانى من الهجرة المقدسه وهى سنه ١٢٨٨ ثمان وثمانين ومائتين بعد الالف وكان ذلك قريباً من نصف الليل واسئل الله الكريسم المنان ان يجعله من اهل العلم والايمان والعرفان وان يمتعه بالعمر السعيد والعيش الرغيد وان يجعله من خدام شريعته المخلصين فى خدمته بحق محمد وآله الطاهرين صلواة الله وسلامه عليهم اجمعين .

بنابر این تولد آن مرحوم در نیمه شب ۲۷ رمضان المبارک سال ۱۲۸۸ بوده است . چون در تقویم تطبیقی هزار و پانصد ساله غره رمضان المبارک را سه شنبه می نویسد علیهذا تولد در شب يك شنبه بوده است .

اقوال مؤلفین و بزرگان درباره او :

مرحوم علامه طهرانى در نباء البشر (ص ۱۵۲ يكم) ويرا عنوان کرده و گوید :

عالم فقيه و زور جليل وكان صالحاً نقياً زاهداً متجنباً للرياسة والزحامة .
مرحوم حاج سيد محسن امين عاملی در اعيان الشيعه (ص ۲۷۶ يازدهم) در باره آنجناب می نویسد :

عالم فاضل جليل او را در برگشت از حجاز در دمشق زيارت کردم
مرحوم الفت در نسبنامه (اعلاط در انساب ص ۱۹ بنقل از نسب نامه) می نویسد :

معلوماتش در معقول و منقول قابل تقدير و طبعاً گوشه گير و بطلب رياست و شهرت اقدامی ندارد .

نویسندگان گویند: نوشته مرحوم الفت درباره عموی بزرگوار خود بخصوص در باره معلوماتش قابل توجه و اهمیت است زیرا مرحوم الفت دانشمندی مشکل پسند و خود صاحب نظر می باشد .

اساتید و مشایخ اجازه :

مرحوم حاج شیخ اسماعیل مقدمات علوم را در اصفهان در نزد اساتید این شهر و جمعی از شاگردان پدر بخوبی فراگرفت سپس جهت تکمیل بعد از فوت پدر به اعتاب مقدسه ائمه عراق علیهم السلام مهاجرت نمود و در آنجا در خدمت مراجع عالیقدر و مجتهدین و مدرسین به تحصیل علوم معقول و منقول و فقه و اصول و حکمت پرداخت. علامه طهرانی در نقباء البشر (ص ۱۵۲ یکم) اساتید او را:

- ۱ - علامه جلیل مرحوم حاج میرزا حبیب الله رشتی .
- ۲ - حاج میرزا حسین خلیلی طهرانی .
- ۳ - مولی محمد کاظم خراسانی می نویسد .
- ۴ - مرحوم شیخ عبدالهادی شلیله شیخ روایت و استاد بطوریکه مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الآثار (ص ۱۹۵۸ ششم) نوشته است . و در اجازه آیت الله مرعشی نجفی خود آن مرحوم اشاره نموده است .
- ۵ - مرحوم آیت الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی شیخ روایت .
- ۶ - حاج میرزا حسین نوری شیخ روایت (ص ۲۷۳ یکم معارف الرجال).
و شاید جمعی دیگر از بزرگان علم و دانش با کمال جهد و کوشش مشغول گردید تا در هر یک از علوم نامبرده عقلی و نقلی صاحب نظر گردید .
مرحوم الفت در نسب نامه (بنقل اعلاط در انساب) مهاجرت آن مرحوم را به نجف اشرف در سال ۱۳۱۴ می نویسد و این تاریخ با شاگردی آن مرحوم در نزد حاج میرزا حبیب الله رشتی منافات دارد .

شاگردان و مجازین :

مرحوم حاج شیخ محمد اسماعیل عالمی منزوی و گوشه نشین و از معاشرت با مردم بطور عموم گریزان بود وقت عزیز او در اعتاب مقدسه بعبادت و زیارت و مطالعه و مباحثه با برخی از علماء آن شهرها (نجف - کربلا - کاظمین) صرف

میشد . از درس گفتن با وجود شایستگی که داشت امتناع داشت و چون مجبوراً به ایران و اصفهان معاودت نمود در گوشه‌ای خزید و در بروی خسود از خویش و بیگانه بست و حاضر بتدریس نگشت اما باصرار جمعی از مؤمنین ظهرها جهت امامت جماعت به مسجد شاه تشریف می‌آورد .

از اجازاتی که ایشان جهت علماء و فضلاء معاصر مرقوم فرموده‌اند فعلاً غیر از اجازهای جهت حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی مرقوم فرموده‌اند بیشتر اطلاع نداریم .

بسم الله الرحمن الرحيم
 و بعد فان السيد السند والبرهان المجلد والفاضل الميرزا محمد باقر الخليلي قدس سره
 السيد ميرزا محمد باقر الخليلي قدس سره
 ان يروى عنه المجلد والفاضل الميرزا محمد باقر الخليلي قدس سره
 الناشر في دارالافتاء والدراسات الاسلامية
 المجلد والفاضل الميرزا محمد باقر الخليلي قدس سره
 في شهر ربيع الثامن سنة 1342 هـ
 في مدينة قم المقدسة
 في دارالافتاء والدراسات الاسلامية
 المجلد والفاضل الميرزا محمد باقر الخليلي قدس سره

اجازه مرحوم آية الله حاج شيخ اسماعيل نجفي به آيت الله مرعشي نجفي

تالیفات :

کتاب و رسائل زیر از تالیفات مرحوم حاج شيخ اسماعيل نجفي است که ظاهراً تقریرات بحث اساتید آن مرحوم می باشد و نسخه های آن در کتابخانه فرزند ایشان عالم جليل مرحوم حاج شيخ زين الدين نجفي موجود و عموماً نسخه اصل و هیچکدام بچاپ نرسیده است .

- ۱ - رساله در استصحاب
- ۲ - رساله در اصول تا پایان بحث عموم و خصوص
- ۳ - رساله در تعادل و تراجیح
- ۴ - رساله در اصل براءت

رسائل چهلگانه فوق در ضمن مجموعه‌ای است و در پشت آن نوشته شده است :

بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين . هذا الكتاب المستطاب والمصنف المنيف من تصنيفات العالم العامل الكامل ومن ينبغي ان يشد اليه الرواحل فخر المحققين وقدة المجتهدين جامع المعقول والمنقول حاوي الفروع والاصول مقنن القوانين الرشيقه بنظره الثاقب والكاشف عن اسرار احكام الشريعة بفكره الصائب الشيخ الجليل والحبر النبيل الحاج شيخ محمد اسماعيل ابن العالم العامل مروج الملة والدين اسوة العلماء الراسخين حجة الاسلام ورئيس المسلمين العليم الزاخر والعلم الظاهر الحاج شيخ محمد باقر الاصفهاني عطر الله مضجعه ونور مضجعه .

۵ - رساله در عدالت مختصر

۶ - حواشی بر رجال علامه (خلاصه علامه) در نسخه‌ای از کتاب که در سال

۱۳۱۲ بچاپ رسیده است این حواشی غیر ملون می باشد .

۷ - حواشی بر کفایة الاصول مختصر ودر حاشیه کتاب کفایه

۸ - مجموعه‌ای کشکول مانند حادی مطالب متنوعه و متفرقه از عظیم و نشر

وحدیث و تفسیر و صورت برخی از اجازات علماء و غیره بدون تاریخ اسم و نسخه در کتابخانه مرحوم حاج شیخ زین الدین نجفی رحمة الله علیه موجود است .

سکونت در اعتاب مقدسه

از آنجائیکه مرحوم حاج شیخ اسماعیل نجفی عالمی زاهد و متقی و منزوی

و گوشه گیر بود و از ریاست و زعامت گریزان و عزالت را بر معاشرت ترجیح میداد

سکونت در عراق را به مراجعت به ایران رجحان داده و بهیچوجه حاضر به

برگشت به اصفهان نبود . بعد از آنکه تحصیلاتش مطابق خواسته او بانجام رسید گاهی در شهر سامراء و زمانی در کربلا مقیم و مجاور میشد و در هر يك از شهرهای نامبرده و نجف سالها ساکن و دور از غوغای مردم بعبادت و مطالعه و معاشرت با اهل علم و دانشمندان گذرانید و این حال تا سال ۱۳۵۵ دوام داشت .

سفر حج : علامه سید محسن امین عاملی در اعیان الشیعه (ص ۲۷۶ یازدهم)

می نویسد :

وی با عده ای از ایرانیان از دمشق با قطار راه آهن بقصد تشریف به حج حرکت کرده و بمدینه منوره جهت زیارت مشرف گردیده و بعداً در مسجد شجره محرم گردیده در بین راه مدینه بمکه عده ای از اعراب بادیه بقصد دزدی و بردن (و شاید کشتن آنان) اموالشان بدانها حمله می کنند . این عده فرار کرده و به مدینه مراجعت می کنند و از آنجا به دمشق برگشتند .

مرحوم علامه امین می نویسد : اینان همگی بغیر از مرحوم حاج شیخ اسماعیل در لباس احرام بودند و چون وقت تنگ بود نمی توانستند از راه دیگری به مکه مشرف شوند شب هنگام بنزد من آمدند و از تکلیف شرعی خود پرسش کردند در جواب آنها گفتم :

همین جا قربانی کنید و از احرام خارج شوید . این عده چون از مسئله آگاه نبودند این همه مدت را در حال احرام ماندند و آنهمه رنج و مشقت تحمل کردند .

لکن مرحوم حاج شیخ اسماعیل را با لباس غیر احرام ملاقات کردم . پرسیدم

که آیا شما قربانی کردید و از احرام خارج شدید ؟ در جواب فرمود :

نه : زیرا که برای من صحت احرام ثابت نشد . بعلمت آنکه در موقع احرام

بستن در مسجد شجره از اعراب بادیه و حمله آنان خائف بودیم .

علامه امین میفرماید : من در جواب ایشان بشوخی و مزاح گفتم :

شما از اهل علم هستید و می‌توانید برای خود راهی و عدری درست کنید . لکن اینان عوامند و راه فرار علمی را نمی‌دانند .

مراجعت به ایران

همانگونه که گفته شد :

مرحوم حاج شیخ اسماعیل در اثر زهد و تقوی از ریاست و زعامت جداً احتراز داشت و بهمین علت مایل نبود که باصفهان مراجعت کند و بالنتیجه آلوده به امور اجتماعی و قبیله‌ای و قال عام و خاص گردد . سالها در کربلا و کاظمین و سامرا مجاور گردید و مخارج او از درآمد املاک مورثی او بود که بستگانش از اصفهان برای او می‌فرستادند .

یکی از کارهای خلاف انسانی و دیانت در دوران رضا شاه جلوگیری از زیارت اعقاب مقدسه ائمه عراق علیهم السلام و ممانعت از ارسال وجوهات شرعی بمراجع عالیقدر و همچنین جلوگیری از فرستادن پول بنام اشخاص بود که مرحوم حاج شیخ اسماعیل یکی از آنها بود .

علامه طهرانی در نقباء البشر (ص ۱۵۲ یکم) می‌نویسد :

وابستگانش ارسال وجوه جهت هزینه‌های او را جهت ملزم ساختن او بمراجعت قطع کردند (در صورتیکه دولت وقت مانع ارسال آن وجوه بود) از اینرو مرحوم حاج شیخ اسماعیل از روی اضطرار و ناچارایی به ایران و اصفهان معاودت فرمود .

مرحوم حاج شیخ اسماعیل در اصفهان : مرحوم حاج شیخ اسماعیل چون به ایران و اصفهان مراجعت فرمود مورد احترام قاطبه اهالی از عالم و عامی قرار گرفت . اما آن مرحوم عزلت و انزوا را بر معاشرت مقدم داشته و در گوشه منزل

دور از ازدحام عوام زندگی بیسرو صدائی را شروع فرمود .
 امامت جماعت : سالها بود که در مواقع ظهر و شب جهت اقامه جماعت مرحوم
 حاج شیخ مهدی نجفی برادر زاده آن مرحوم حاضر میشد لکن پس از ورود عم
 بزرگوار بخواهش و اصرار و همچنان بنا بتقاضای عده زیادی از مؤمنین و مقدسین
 مرحوم حاج شیخ اسماعیل فقط ظهرها حاضر شدند که جهت اقامه جماعت به
 مسجد شاه آمده و فریضه ظهر و عصر را با جمع مؤمنین ادا نمایند .

عیال و اولاد

زوجه مرحوم حاج شیخ اسماعیل مخدره جلیله صبیبه مرحوم حاج عبد
 المحمود تاجر اصفهانی بوده و آن مرحوم از این بانو چندین فرزند یافته است
 باین شرح :

۱ - حاج شیخ محمد حسین : ابو محمد علم الهدی متولد در شب دوشنبه
 ۱۵ ماه صفر سال ۱۳۲۲ در نجف اشرف متوفی در ۱۵ شوال ۱۳۹۹ مدفون در
 خارج تکیه مادر شاهزاده در تخت فولاد .

۲ - حاج شیخ محمد حسن فاضل جلیل (ابو عبدالله عزالدین) در شب
 ۵ شنبه ۲۴ صفر المظفر سال ۱۳۲۴ در نجف اشرف متولد گردیده و در خدمت
 جمعی از افاضل تلمذ نموده و در سالهایی که مرحوم آیت الله حاج سید علی بهبهانی
 باصفهان تشریف می آوردند بحوزه درس ایشان حاضر میگردد و از خواص
 اصحاب آن مرحوم شمرده میشد .

وی در شب ۳ ذی القعدة الحرام سال ۱۳۹۹ در اصفهان وفات یافته در قم
 مدفون گردید رحمة الله علیه .

۳ - حاج شیخ زین الدین در روز ۳ شنبه ۱۰ ربیع المولود سال ۱۳۲۸ در

کربلا متولد گردید بعداً بنام ایشان اشاره مختصری خواهیم کرد .

۴ - حاج شیخ علی نقی در شعبان المعظم سال ۱۳۳۸ متولد گردیده و فعلاً بحمد الله سالم و در اصفهان سکونت دارد مرحوم حاج شیخ اسماعیل دو فرزند پسر دیگر نیز داشتند که هر دو در کودکی فوت شده‌اند :

۳ - ابوالهدی موسی بدرالدین تولد شب ۱۱ جمادی الثانیه ۱۳۳۲ در نجف .

۲ - ابو جعفر محمد تقی فخر الدین تولد روز ۵ شنبه ۱۵ ذی القعدة سال

۱۳۲۶ در نجف .

فوت و محل دفن

مرحوم حاج شیخ اسماعیل نجفی در شب ۸ ذی الحجة الحرام سال ۱۳۷۰ در اصفهان وفات یافته و جنازه پس از مراسم شرعی از تغسیل و تکفین و نماز و تشییع شایسته به عراق منتقل گردیده و در کربلا در یکی از حجرات صحن مطهر حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام مدفون گردید .

فائده : نویسنده را کتابی است بنام : « الحائریون » و در آن اسامی و شرح حال عده‌ای از علماء و ادباء و شعراء مدفون در کربلا و حائر شریف حسینی را ذکر نموده‌ام . از خداوند متعال توفیق اتمام و چاپ و انتشار آنرا مسئلت می‌کنم .

مرثیه و ماده تاریخ فوت : مرحوم یدالله برخوردار از شعرای اصفهان متخلص به « تائب » در مرثیه و ماده تاریخ فوت مرحوم حاج شیخ اسماعیل اشعاری سروده است :

اجل بردی از این عالم با مرچی سبحانی

کسیرا کو به مرش بود بر فرمان قرآنی

مسلم آیت الله بود از افعال واقوالش
 بر یکتا خداوند غفور وذات ربانی
 زمرگش اهل علم ودانش وفضل وادب هستند
 همه ماتم زده پیر و جوان از عالی ودانی
 جناب مستطاب حجة الاسلام اسماعیل
 بروزفوت باقر (ع) آنکه بد فخر مسلمانی
 امام پنجمین فرزند زین العابدین (ع) آنکو
 برده شام آن سرور بر اشتر بود زندانی
 بد او حامی دین احمد مرسل در این عالم
 که غمگین شد ز فوتش حجة الاسلام کاشانی
 بسی اشخاص بی برگ و نوا بودند و هم هستند
 که بر امر معاش يك بیکشان بود او باقی
 بگفت از شوق لبیک و بسوی روضه رضوان
 روان گردید از امر خدا زین عالم فسانی
 بتاریخ وفاتش تائب بیدل چنین گفتا
 «شد اسماعیل وارد در جنان از مهریزدانی»

توضیح : مراد از حجة الاسلام کاشانی در بیت ششم مرحوم آیت الله حاج
 سید ابوالقاسم کاشانی عالم مجاهد جلیل و مجتهد جامع نبیل فرزند مرحوم آیت
 الله حاج سید مصطفی حسینی کاشانی می باشد که آن مرحوم یعنی حاج شیخ اسماعیل
 نجفی از دوران تحصیل در نجف اشرف با ایشان آشنا و دوست بوده است .
 و سراینده اشعار مرحوم : یدالله خسان بر خوردار مهباری از شعرای اصفهان
 منخلص به تائب در روز ۳ شنبه ۸ ذی الحجه سال ۱۲۸۵ در قریه مهباز متولد

گردیده و در شب ۲ شنبه ۲۵ رمضان المبارک سال ۱۳۸۰ در اصفهان وفات یافته در تخت فولاد مدفون گردید . دیوان اشعارش متجاوز از پنجهزار بیت شعر از انواع گوناگون - قصیده - غزل - قطعه - ماده تاریخ و رباعی می باشد که بطبع نرسیده است .

۳ - حاج شیخ محمد باقر الفت

۱۳۰۱ - ۱۳۸۴

نام : محمد باقر : حاج شیخ محمد باقر نجفی
پدر : حاج شیخ محمد تقی : آقا نجفی
مادر : علویه مریم بیگم دختر علامه فقیه آقا میرزا محمد هاشم چهار سوقی
تولد : شب غره جمادی الاولی سال ۱۳۰۱ پس از سه ماه از فوت مرحوم
حاج شیخ محمد باقر نجفی . مرحوم الفت در این شب در اصفهان متولد گردید .

شهرت : مرحوم حاج شیخ محمد باقر بمناسبت تخلص شعری که « الفت » راجعت خویش انتخاب نموده بود از روزانه اول به : « الفت » مشهور گردید .

اقوال بزرگان درباره او

در هریک از کتابهاییکه نامی از مرحوم الفت برده شده ویرا بعلم وادب وفضل وکمال و عرفان وجامعیت وصفات عالی انسانی ستوده اند ، از آنجمله :
۱ - درقطعه ای که مرحوم استاد جلال الدین همائی متخلص به سنا درماده تاریخ وفات ایشان سروده ویرا بدینگونه توصیف نموده است :
چونان ادیب عارف دانشمند دیگر شود پدید ، معاذ الله

وارسته از قیود علایق بود	نه آزمند مال و نه حرص جاه
هم در کمال شعر و قلم چیره	هم از فنون علم و هنر آگاه
درخوی مردمی بمقامی بود	کانجا بجز فرشته نیابد راه
در گفتگو حدیث روان بخشش	رامش فزای بود و ملالت گاه
انسان کاملش بلقب خوانم	نه قطب و نه امام و نه شاهنشاه

۲ - و همچنین استاد فرزانه آقای نوربخش آزاد : میر سید علی خنان در

قطعه مرثیه او گوید :

همچو قلزم بیحیر طبع سلیم	چه گهرها بیروید الفت
هر کجا می نشست لفحه علم	همچو گل می پراکنید الفت
داشت بر حل مشکلات علوم	از زبانش مهیمن کلید الفت
گفتمش ذوالریاسین سزاست	سند هر دو را سزید الفت
خیر خواهی و دستگیری خلق	بهمه عمر برگزید الفت
هر کجا دید دردمند غمین	غم و دردش بجان خرید الفت

۳ - آقای میرزا عبدالکریم بصیر در ضمن قطعه ماده تاریخ گوید :

سوی حق جسته بدان سبکبار	بی خصم و پیچ کوتاه ترین راه
در طریق الی الخلق رهبر	رهنما بر سبیل الی الله
محضرش بود چون محور علم	رفتمش با مژده خفاک در گاه
بود علامه بی تظاهر	عاری از شهرت و منصب و جاه
دل بدنیابست و بچشمش	کوه زر بود همچون پر گاه
بهر وصف مقام بلندش	لفظها ، جملهها هست کوتاه

۴ - جناب آقای جعفر نوربخش همکار عزیز و گرامی متخلص به نوا در

ضمن مرثیه‌ای گوید :

افت دانشور فاضل که بود	جمع پریشانی از او در رفاه
دایره جود و سخا را مدیر	محضر احسان و کرم را گواه
قافله پیشروان را دلیل	قابطبه خسته دلان را پناه
راهنمای بری از قیل و قال	کار گشای بری از مال و جاه
مجری احکام حق و بی ریا	مفتی دین حق و بی دستگاه

۵ - علامه طهرانی در نباء البشر (ص ۱۹۸ یکم) می نویسد :

عالم حکیم و ادیب فاضل . . . وهو الیوم من مشاهیر اصفهان علماً و ادباً . . .

۶ - در کتاب : « دانشمندان و بزرگان اصفهان » درباره او (ص ۱۶۰)

می نویسد :

عالم فاضل ، عارف کامل ، ادیب جامع .

در هموم کتابهای دیگر نیز ویرا بهمین گونه بمبارتی مختلف لکن متحد

المضمون ذکر نموده اند .

اساتید و مشایخ اجازه

از اساتید مرحوم الفت در اصفهان و عراق در علوم مختلفه از فقه

و اصول و حکمت و فلسفه و ادب و زبان خارجه اطلاعات زیادی نداریم همینقدر

میدانیم که تا اواخر سال ۱۳۱۹ در اصفهان خدمت علماء این شهر تحصیل نموده

و در این موقع به نجف اشرف بر حسب امر پدر مهاجرت نموده و از اساتید

بزرگوار این شهر بهره های علمی برده و توقف ایشان در این ارض مقدس چند

سال بیش نبوده و در زمان حیات پدر باصفهان مراجعت کرده است (قبل از سال

۱۳۲۹) .

از اساتید و مشایخ ایشان : ۱ - پدر ایشان : حاج شیخ محمد تقی نجفی
(آقا نجفی) در اصفهان

۲ - مرحوم سید حسن صدر الدین کاظمینی شیخ روایت . علامه طهرانی در کتاب الذریعه (ص ۱۴۶ بیستم) . الطبقات فی الرواة و مشایخ الاجازات اجازه جهت مرحوم حاج سید صدر الدین صدر عاملی و شیخ محمد باقر نجفی فرزند مرحوم آقا نجفی (تاریخ اجازه را نقل نمی کند)

۳ - عالم بزرگوار حجة الاسلام حاج میرسید احمد روضانی در مقدمه کتاب : « مناہج العرفان » از قول مرحوم الفت (ص ۱۹۵ مقدمه) نقل می کند که :
پدرم مرحوم آیت الله آقا نجفی اصفهانی این مرد بزرگ (سید محمد حسن بن حاج سید یوسف بن میرزا بابا ابن سید محمد مهدی صاحب رساله ابوبصیر متوفی بسال ۱۳۳۶ در سلطان آباد اراک) را بخانه خود آورد تا شبها نزد او علوم غریبه را بیاموزد و روزها برای من سطح رسائل شیخ را تدریس فرماید و مدت دو سال در خانه ما میمان بود .

مرحوم آقا سید حسن از سال ۱۳۱۱ تا سال ۱۳۱۷ در اصفهان بوده است .

۴ - علامه جلیل مرحوم آقا ضیاء الدین عراقی

۵ - آخوند ملا محمد کاظم خراسانی عالم بزرگوار بنیان گذار مشروطیت ایران مرحوم الفت در نسب نامه شرح حال خود را مرقوم داشته لکن متأسفانه در موقع نوشتن این کتاب به نسخه ای از آن دسترسی نیافتیم و کسانی که نسخه ای از آن در اختیار دارند از اظهار آن امتناع دارند .

الفت و مشروطه

مرحوم الفت از اوایل انقلاب مشروطیت تحت تأثیر افکار استاد عالیقدر

خود مرحوم آخوند خراسانی و همچنین عم ارشدشان مرحوم حاج شیخ نورالله نجفی در زمره آزادی خواهان و مشروطه طلبان وارد گردیده و مجله آفتاب را در ۱۳۲۹ در اصفهان تحت نظر : « انجمن آفتاب » منتشر نموده است . و بهمین جهت در مجلس مؤسسان و مجلس شورای ملی انتخاب گردیده است .

انجمن آفتاب : مرحوم صدر هاشمی در کتاب : « تاریخ جراید و مجلات » در ضمن بیان مجله آفتاب (ص ۲۱۴ یکم) می نویسد :

انجمن ادبی آفتاب در سال ۱۳۲۹ قمری در اصفهان بمنظور بالا بردن سطح معلومات عمومی و آشنا ساختن مردم به علم و دانش تأسیس یافته . اعضاء عمده و اصلی انجمن عبارت بودند از :

۱ - حاج شیخ محمد باقر الفت صاحب امتیاز مجله آفتاب .

۲ - میرزا فتح الله خان وزیرزاده (اخگر)

۳ - نور بخش (میرزا عبد الغفار خان)

۴ - جاوید

۵ - میرزا حسین خان سنجری طهرانی

۶ - میرزا محمود خان سنجری مدیر داخلی مجله .

عضویت مرحوم الفت در مجلس مؤسسان : در سال ۱۳۴۴ در طهران مجلس مؤسسان تشکیل شد و منظور از تأسیس آن تعیین وضع سلطنت ایران بود . این مجلس که ظاهراً از ششم تا سی ام آبانماه ۱۳۰۴ خورشیدی تشکیل شده بود بالاخره رأی به خلع احمد شاه آخرین پادشاه سلسله قاجاریه از سلطنت و تفویض آن برضا خان میر پنجه که در آن موقع « سردار سپه » خوانده میشد داد . موضوع تشکیل مؤسسان را در کتاب : تقویم تاریخ در ضمن وقایع روز ششم آبان می نویسد و مرحوم معلم حبیب آبادی در نمونه مختصر المکارم در روز

۱۴ ربیع الثانی سال ۱۳۴۴ ثبت نموده است .

مرحوم الفت در این مجلس نمایندگی از طرف مرحوم حاج شیخ نور الله شرکت داشته است .

نمایندگی مجلس شورای ملی : مرحوم حاج شیخ محمد باقر الفت در دوره هفتم تقنینیه یعنی در سال ۱۳۴۷ در مجلس شورای ملی بعنوان نماینده مردم اصفهان شرکت داشته است (سال ۱۳۰۸ خورشیدی) .

تالیفات :

مرحوم الفت از دوستان کتاب و مطالعه و تحقیق بود وی قسمت عمده عمر خود را بمطالعات علمی گذرانید و کتابهای چندی از خود بیادگار گذاشت از آنجمله :

۱ - ابواب الروضات که بچاپ رسیده است ۲ - پرورش استقلال از نویسنده معروف فرانسه (الفونس اسکروس) که آنرا عبدالعزیز محمد افندی مصری از فرانسه عبری ترجمه نموده و مرحوم الفت آنرا از عربی ترجمه نموده است . ۳ - تاریخ مداخله علمای شیعه در امور سیاسی ۴ - تلخیص الروضات (بنا بنقل دانشمند بزرگوار و علامه جلیل القدر آقای حاج سید محمد علی روضاتی) ۵ - داستان هفت برادر (ظاهراً مربوط بزندگانی پدر و اعمام ایشان یعنی فرزندان مرحوم حاج شیخ محمد باقر نجفی) ۶ - دانشنامه مجموعه‌ای از اشعار شعرای انجمن ادبی اصفهان و انجمن ادبی همدان و دیوان اشعار : غبار همدانی و سنا اصفهانی و زرگر اصفهانی و شیخ اسدالله قمیسه متخلص به دیوانه و نیاز اصفهانی و شرح احوال غبار - زرگر - دیوانه - نیاز و غیره در سرلوحه اول کتاب این دو سطر شعر از مرحوم الفت نوشته شده است :

در دامن الوند غباری پیداست

بر نوسن عشق نو سواری پیداست

گر بگذری از غبار اندر پس ابر

خورشید صفت جمال یاری پیداست

این مجموعه برای اولین دفعه در سال ۱۳۴۲ قمری در اصفهان بچاپ رسیده و دیگر بار در آبانماه ۱۳۵۴ خورشیدی اداره محل فرهنگ و هنر استان اصفهان آنرا مجدداً چاپ افست از روی چاپ اول نموده است ۶ - دیوان اشعار شامل قصاید و غزلیات و رباعیات و غیره ۷ - رساله میهمانی بقلم افلاطون ترجمه از عربی ۸ - سفر نامه در احوالات خود و سفرها و خاطرات آنها در دو مجلد ۹ - کشف الحجب در اسامی کتب تألیف این کتاب بمناسبت آنکه مرحوم ثقة الاسلام تبریزی در همین موضوع کتابی تألیف فرمود ولی از ادامه کار تألیف منصرف گردید (کتاب ثقة الاسلام بنام : « مرآت الکتب » در چهار مجلد تألیف شده و دو جلد آن بطایع رسیده است) ۱۰ - مجله آفتاب که در سال ۱۳۲۹ شماره اول آن بصاحب امتیازی آن مرحوم و بمدبری میرزا محمود خان سنجری طهرانی در اصفهان منتشر گردیده است . از این مجله جمعاً ۸ شماره منتشر شده (از ۲۰ ربیع الاول تا ۲۴ رمضان المبارک ۱۳۲۹) .

مرحوم صدرهاشمی در کتاب « تاریخ جراید و مجلات » راجع به این مجله و مطالب مندرجه در آن و همچنین راجع به « انجمن آفتاب » شرح مبسوطی (از صفحه ۲۱۰ تا ۲۱۴ جلد یکم) نوشته طالبین مراجعه کنند .

۱۱ - مجمع الاجازات و منبع الافادات : مجموعه‌ای از اجازات علماء

بزرگوار است .

علامه طهرانی در الذریعه (ص ۱۲۴ یکم و ص ۱۵ بیستم) میفرماید :

مرحوم الفت این کتاب را در موقعیکه در نجف ساکن بود در حدود سال ۱۳۲۰ در ۳ مجلد تألیف نموده و علامه شیخ علی فرزند شیخ محمد رضا کاشف الغطاء آنرا در دو مجلد استنساخ کرده است .

۱۲ - نسب نامه مرحوم الفت در این کتاب کلیه افراد و خاندانهای آن که با وی انتساب داشته‌اند (سببی و نسبی) بطور مفصل ذکر نموده و درباره هر یک مطالبی طبق سلیقه خود مرقوم داشته است این کتاب از جهت احتوای آن بنام واحوال خاندانهای وابسته از مرد وزن و کوچک و بزرگ قابل توجه میباشد نویسنده آنرا در حدود سی سال قبل دیده و مطالعه کرده ام ولی در این موقع که مشغول نوشتن این کتاب میباشم بدان دسترسی پیدا نکردم ۱۳ - وسائل رستگاری از آثار : سموئیل اسمایلز انگلیسی ظاهراً ترجمه از عربی .

مرحوم الفت غیر از کتابهای نامبرده آثار دیگری نیز داشته که احتمالاً جزو کتب اهدائی ایشان بدانشکده ادبیات اصفهان میباشد و یا در نزد اعقابش موجود است (اگر از بین نرفته باشد) .

مسافرت‌ها

مرحوم الفت در طول عمر هشتاد و چند ساله خود چندین سفر (قابل ذکر) انجام داده است :

۱ - سفر به اعقاب مقدسه و نجف اشرف جهت تحصیل و تکمیل علوم سال ۱۳۲۰ . ه . ق

۲ - سفر به طهران و از آنجا به رشت و قفقاز و ترکستان در سال ۱۳۳۰ . ه . ق

۳ - سفر به عتبات و در برگشت مدت پنج ماه در همدان سکونت نموده و با عده زیادی از ادباء و شعراء و معاریف آنجا آشنا و دوست گردید و در انجمن

ادبی همدان شرکت مینموده . سال ۱۳۴۰ . ه . ق

۴ - سفر به مکه معظمه جهت ادای فریضه حج

۵ - سفر به تهران جهت شرکت در مجلس مؤسسان سال ۱۳۴۴ . ه . ق ۱۳۰۴

۸ . ش

۶ - سفر به تهران جهت شرکت در مجلس شورای ملی دوره هفتم که از

حوزه انتخاباتی اصفهان وکیل شده بود در سال ۱۳۴۷ . ه . ق

مرحوم الفت و عرفان :

مرحوم الفت ذاتاً مردی وارسته و نسبت بعلاقی دنیا بی اعتناء بود از شهرت و ریاست گریزان و بمطالعه کتب بخصوص کتابهای تاریخی و فلسفی علاقمند بود . در خانه پدر و خاندان پدری خود بیشتر مردم را از کلیه طبقات اجتماع دیده و خوب و بد هر طبقه‌ای را سنجیده بود . در طول مسافرتها با مردم مختلف شهرها از علماء و ادباء و دیگر افراد آشنا شده و در نتیجه روح تجرد و عرفان در وی غلبه یافته و برای رهایی از قیودات اجتماع تصوف و عرفان را بهترین راه تشخیص داده بود .

مرد موثقی نقل نمود که در سال ۱۳۴۸ در دوره وکالت آن مرحوم در مجلس شورای ملی جهت انجام مهمی در طهران بمنزل او رفتم که بمن کمک فکری کند . چون داخل منزل شدم گویا بکارگاه نجاری رفته‌ام ویرا مشغول کار نجاری با تیشه ورنده واره مشاهده کردم . . .

در یکی از سفرهای خود در همدان خدمت عارف معروف سید محمد غمام همدانی که مدعی عرفان و تصوف و مقاماتی بود رسید و بوی ارادت پیدا کرده مقصود خود را نزد او یافت و یکباره دل و هوش و همه چیز خود را بوی داده و تا آخرین لحظات عمر دست از دامن او نکشید .

پس از دوره وکالت دیگر گرد هیچ کاری جز مطالعه کتب نپرداخت کتابخانه آبرومندی داشت که در حد خود از حیث کمیت و کیفیت قابل توجه بود . وی وصیت فرمود که پس از مرگش کلیه کتابهای عربی او را بدانشگاه اصفهان بدهند و وارثین او نیز برحسب وصیت عمل کردند و کتابها را بدانشکده ادبیات اصفهان اهداء نمودند و با این عمل از تفرقه و تضييع آنها جلوگیری شد اما در قفسه‌ها و صندوقهای کتابخانه برای همیشه زندانی گردید .

گفتیم که مرحوم الفت دست ارادت به مرحوم غمام همدانی داد و خود او عارفی آگاه و عالمی جامع و مورخی محقق و متبع بود و منزل او مجمع دوستان و فضلاء بود بسیاری از اهل فضل و دانش شیفته محضر او بودند و تمام شبها و بیشتر روزها در مجلس او حاضر شده و از بیانات و معلومات و ارشادات او بهره مند میشدند .

نویسنده سطور نیز با عدم قابلیت در چند جلسه حضور او رسیده و بقدر فهم خود بهره‌مند شده است .

غمام همدانی : عارف مشهور سید محمد همدانی ، یوسف زاده فرزند سید یوسف حسینی مجتهد همدانی در ۲۸ رجب سال ۱۲۹۲ در همدان متولد و در شب ۱۳ رمضان المبارک سال ۱۳۶۱ در طهران وفات یافته جنازه او را بهمدان برده در مقبره خانوادگی در جنب امامزاده شاهزاده حسین مدفون گردید .

غمام همدانی از شعراء معروف و عرفاء مشهور است در شعر و ادب مقامی بلند و در عرفان صاحب نظر و عده زیادی از فضلاء و بزرگان علم و ادب جزو مریدان او بوده‌اند و همگان بوی اعتقادی کامل داشته و او را انسان کامل می‌شناخته‌اند که از آنجمله است : مرحوم سید عبدالحسین نیران شهشانه‌ای اصفهانی و شیخ موسی نثری همدانی و عده‌ای دیگر .

در هیچیک از کتابهاییکه شرح حال خمام را نوشته‌اند نامی از اساتید و مشایخ و پیران طریقت او نبرده‌اند (البته کتابهاییکه بنظر نویسنده رسیده است) در هر صورت وی در مشرب عرفان دارای ذوقی مخصوص بوده است . دیوانش بچاپ رسیده و شرح حال او را شیخ موسی نثری در مقدمه ان نگاشته و از آنجا در کتاب : « بزرگان و سخن سرایان همدان » و دیگر کتابها نقل گردیده است .

در سخنوران نامی معاصر (ص ۱۹۶ دوم) می‌نویسد : وی مدتی در ادارات دولتی خدمت کرده و زمانی به تجارت اشتغال داشته در اوائل مشروطیت در زمره آزادیخواهان و مشروطه طلبان بوده و در این راه کوششها نموده و روزنامه الفت را انتشار میداده است اما پس از آنکه مشروطیت در ایران مستقر گردید یکباره از روزنامه نویسی و آزادیخواهی و مشروطه خواهی چشم پوشیده و ترك همه این عناوین نموده است .

بسیاری از کسانی که در ابتدای امر در راه مشروطه فعالیت میکردند وقتی که مملکت مشروطه شد خویشان را بکناری کشیده و حتی برخی از آنان اظهار نگرانی و نارضایتی از آن نمودند . نمیدانم که : « آیا چه شنیدند که خاموش شدند » .

نمونه اشعار

مرحوم الفت از نظر شعر و ادب نیز از سرآمدان شعراء معاصر ایران بشمار میرود نمونه اشعار آن مرحوم در کتابهای : دانشنامه - سخنوران نامی معاصر - گلهای ادب - مجله آفتاب و مجله دانشکده اصفهان و برخی دیگر از کتابها بچاپ رسیده است . اینک چند غزل از اشعار آن مرحوم :

دلم که تار تعلق بچشم مست تو بست
ز يك نگاه خمارش هزار توبه شکست
وجود خاکی من گر چه از تورفت بیاد
خوشم از اینکه غبارش بدامنت نشست
ز دست توست که یکسر فتاده‌ام از پای
بپای توست که یکباره رفته‌ام از دست
غمت گسسته چنان رشته هلايق من
که دور از تو نخواهم بخویشتن پیوست
بهر طرف بکشانی بهر طریق کشیم
من از کمند تو هرگز نمیتوانم جست
دلم شکسته و اشکم روان ز دوری تست
چگونه آب نریزد چو آبگینه شکست
مرا بلندی قدر از سماك می‌گذرد
که در هوای تو چون خاک راه باشم پست
لطفه‌ایست بحسن تو و پرستش من
که بایدم شدن از عین هوشیاری مست
چنین که تار تعلق گسسته‌ام از خویش
بجز تو رشته الفت نمیتوانم بست
مپرس حال دلم را که از غمت چونست
بین که دامم از اشك دیده جیحونست
چه فتنه‌ای تو در این دور ای پری رخسار
که بر جمال تو هر جا دلیست مفتونست

غم تو هر که فرو شد بشادی دو جهان
 در این معامله روز حساب مغبونست
 مگر بگوشه چشمت تملقی دارد
 دلم که بیخبر از فتنه‌های گردونست
 تودستگیر شو ای عشق چاره ساز که عقل
 هنوز در خم اندیشه چون فلاطونست
 مرا بشعرچه حاجت که وصف قامت دوست
 بهر زبان کنم از حرفهای موزونست
 ز تاب طره لیلی نکو توان دانست
 که عقده‌های فراوان بکار مجنونست
 حدیث روز حسابم چه می‌کشی ای شیخ
 گناه من بخدا از حساب بیرونست
 بخاکپای بتی سر نهاد الفت و گفت
 گدای کوی تو فارغ ز گنج قارونست
 این صبح و شامها که بدور زمان گذشت
 بر من نه آن گذشت که بر دیگران گذشت
 بازیچه حیات ز گهواره تا بگور
 بر من بجز خدای نداند چسان گذشت
 دردا که آخرم سفر هولناک همسر
 یکباره بی نصیب در این خاکدان گذشت
 لب تر نکردم از می جان پرور نشاط
 تا دور جام گردش رطل گران گذشت

بر من گذشت آنچه ز طوفان برق و باد
 بر مرغ پر شکسته بی آشیان گذشت
 آن طایرم که سبزه و گل زین چمن ندید
 هم در خزان بزاد و هم اندر خزان گذشت
 بخت بدم براه صلاح و سداد خویش
 در خواب ماند تا که از او کاروان گذشت
 تنها نبود غربت من دوری از وطن
 بس ماه و سالهاش که در خانمان گذشت
 شصت و سه سال عمر پس از رنج بی حساب
 هرگز نداشت سود و زین زبان گذشت
 این کشتی شکسته ز دریای حادثات
 منت خدایراست که بی بادبان گذشت
 الفت بصیر کوش که شکر و شکایت
 بی حاصل است گرچه زدل بر زبان گذشت
 يك عمر دلم ناله زد و از نفس افتاد
 قايك شبم آن زلف دو تا دسترس افتاد
 شبگرد سر زلف تو عقل از سر من برد
 ای مژده که بدمست بچنگ عسس افتاد
 بر تارك قدرش نرسد افسر خورشید
 آن سر که بخاك قدم چون تو کس افتاد
 هرگز نکند آرزوی گلشن فردوس
 مرغیکه ز دام بکنج قفس افتاد

هر کس غم جان دارد و من از پی جانان
در عمر همینم ز خدایا ملتمس افتاد
پاک نشد جان ز هوس عشق نیاموخت
اما دل هر خام طمع در هوس افتاد
هرگز نشود رام کسی گردش این چرخ
عقبا نتوان گفت بدمام مگس افتاد
الفت که در این قافله پیش از همه میراند
آیا چه خطا رفت که از جمله پس افتاد
هزار مرتبه عقلم ز عشق منع نمود
ولی من آن کنم آخر که عشق میفرمود
ربوده عقل من از سر پری و شی عیار
که دل ربود ز خلق جهان و رخ نمود
ز جلوه رخ دلدار آنچه ازان ماتم
که نیستم بحضورش مجال گفت و شنود
مرا مصدر اول برای عشق تو ساخت
از آنکه نیست کنون آنچه در نخست نبود
هزار مرتبه مردم میان بیم و امید
که زخم تیر توام دیر می کشد یا زور
غلام نرگس جادو فریب مست توئیم
که عقل و دین و دل از ما بیک نگاه ربود
تو رهنمای دل ما شدی بجانب خویش
و گرنه راه ترا کس بخود نمی پیمود

چو دل بدوست سپردی مکن دریغ از جان
ترا که خرقه بسوزد بگو چه تار و چه بود
ترا چه حاصل از این علم بی عمل ای شیخ
چو راه مینروی از دلیل راه چه سود
از آن بکنج خرابات آرمید الفت
که وعظ و اعظ دین عقده ازدلش نگشود
چشمی که بر جمالت هر دم نظر ندارد
در دیده بصیرت نور بصر ندارد
این سنبل است یاخط برعارضت که امروز
چون فتنه اش بعالم دور قمر ندارد
من آدمش نخوانم کز چون تو ماهروئی
مهری بدل نگیرد ، عشقی بسر ندارد
گردیده ایم عالم ، بس دیده ایم آدم
جنس تو را بخوبی نوع بشر ندارد
دانسته ام که هرگز سودایت از سر من
تا من نیفتم از پای ، او دست بر ندارد
ای جان من فدایت ، دردت مباد هر چند
از حال دردناکم جانت خبر ندارد
سالی گذشت و امشب دور از تو سر نیامد
شام فراق ایماه ، گوئی سحر ندارد
این طره پر از تاب هر شام تا سحرگاه
تاری ز مویش از من بیتاب تر ندارد

الفت بروزگاری میداشت کار و بلری
امروز جز هوایت کاری دگر ندارد
بس خارها که رفته ز حسرت بدیده‌ام
در گلشنی که هیچ از آن گل نچیده‌ام
صیاد خویش را نشناسم ولی یقین
تیرش خطا نرفته که در خون طلیده‌ام
آن طایرم که رسم و ره آشیانه را
گم کرده است، بسکه بهر سو پریده‌ام
در جستجو بکعبه و بتخانه رفته‌ام
افسانه‌ها ز شیخ و برهمن شنیده‌ام
از بسکه برده رنج فراز و نشیب راه
گویند هم‌رهان که بمنزل رسیده‌ام
در خواب هم ندیده‌ام آسایش خیال
بازم گمان برند که خوش آریده‌ام
شیرین مذاق وصل نداند که من بعمر
طعم فراق را بچه تلخی چشیده‌ام
ترسم که عاقبت نفشانم پهای دوست
این بارجان که تا سر کویش کشیده‌ام
از عاقبت چه طرف ببندم که من بشوق
درد و غم ترا بدل و جان خریدم
خون دلست و ناله جانسوز و اشک چشم
اسپاد عشرتی که بیاد تو چیده‌ام

الفتر ابگفتگوی پختگان چه کار

من از تو حاتمتر بحقیقت ندیده‌ام

اینک چند رباعی از آثار مرحوم الفتر نقل از یاد نامه چهلمین روز درگذشت
آن شادروان :

این آتش جانسوز که مهتر افروخت

دین و دل و دانش مرا یکسر سوخت

چون دید که از هستی خود وارستم

آنگاه مرا درس محبت آموخت

* * * * *

تا دست خدا نگیرد از آدم دست

از بند هوی چگونه بتواند رست

تا خود نشود همانکه می‌باید بود

کی بهره برد از آنچه در عالم هست

* * * * *

گفتم که دل خرابم آباد شود

یا جان فکرم از غم آزاد شود

این هر دو نشد ولی من از حاصل عمر

خرسندم اگر دلی بمن شاد شود

* * * * *

من جمع شوم و یا پریشان باشم

دانای زمانه یا که نادان باشم

این جمله کمال و نقص شمارم کاش

آنیکه بیایدم شدن آن باشم

* * * * *

ایدل اگر آرزوی هستی داری
وزباده هست میل مستی داری
زین هستی خود مست خیالی هشدار
کان هستی اگر زخویش رستی داری



مجله آفتاب

مرحوم صدرهاشمی در کتاب : تاریخ جرائد و مجلات ایران (ص ۲۱۱ جلد اول) در باره مجله آفتاب بخلاصه می نویسد :

مجله آفتاب زیر نظر انجمن آفتاب ، ماهیانه در اصفهان منتشر میشده است .
صاحب امتیاز : حاج شیخ محمد باقر الفت .

مدیر : میرزا محمود خان سنجری طهرانی (مرحوم صدر هاشمی در يك جا نیز نامی از میرزا حسین خان سنجری طهرانی برده و گوید از دبیرستان کالج طهران دیپلم داشت و در کمپانی : زیگرمنشی بوده اما در پشت مجله همه جا نام میرزا محمود خان است نه میرزا حسین خان) .

محل انتشار : شهر اصفهان و محل اداره - بازار . تیمچه حاج کریم .

تاریخ انتشار شماره اول : ۲۰ ربیع الاول سال ۱۳۲۹ (۲۱ مارس ۱۹۱۱ میلادی) و تاریخ انتشار شماره چهارم غرة تیرماه جلالی ۸۳۳ مطابق ۲۲ جمادی الثانی ۱۳۲۹ هجری ۲۰ ژوئن ۱۹۱۱ میلادی .

از این مجله جمعاً هشت شماره منتشر گردیده که شماره هفتم و هشتم آن در يك مجله نوشته است که :

غره مهر ماه و آبانماه مطابق رمضان و شوال برابر سپتامبر و اکتوبر .
نویسنده و مترجم مقالات عموماً خود مرحوم حاج شیخ محمد باقر الفت می باشد .

کتابهای ضمیمه : دو کتاب : ۱ - پرورش استقلال ۲ - وسائل رستگاری
هر دو ترجمه از زبان عربی بوسیله مرحوم الفت ضمیمه مجله است که شرح
مختصر آندو را در تألیفات مرحوم الفت یاد آور شده ایم .

مجله آفتاب ماهیانه بوده و اول هر ماه شمسی منتشر میشده است و می نویسد :
مجموعه ای است آزاد ، ادبی ، سیاسی ، اجتماعی ، بیطرفانه از حقایق امور
بحث می کند ، برای نمونه : مطالب شماره پنجم (مرداد ماه) :

۱ - ذیلان بی جهت (فقهاء - فلاسفه - قضاة - پاکدامن - کشاورزان -
فقراء)

۲ - فلسفه روسو (تراجم مشاهیر)

۳ - اکتشافات نجومی

۴ - اندرز

۵ - فلسفه شك و یقین

۶ - حفظ الصحة

۷ - فقرای لندن

۸ - وسائل رستگاری

۹ - پرورش استقلال

انجمن آفتاب : همانگونه که ذکر شد مجله آفتاب زیر نظر انجمنی که در

همان سال ۱۳۲۹ در اصفهان تشکیل شده و مقصودش بسالابردن سطح معلومات عمومی و آشنا ساختن مردم به علم و دانش بوده است اعضاء این انجمن عبارت بودند از :

- ۱ - مرحوم حاج شیخ محمد باقر الفت
- ۲ - مرحوم میرزا عبدالغفار خان نوربخش
- ۳ - میرزا فتح الله خان وزیرزاده (اخگر)
- ۴ - جاوید

اولاد مرحوم الفت

مرحوم حاج شیخ محمد باقر الفت از زوجه دائمیه خود مرحومه جهان خانم دختر عمویش مرحوم حاج شیخ محمد علی ثقة الاسلام چهار فرزند (يك پسر و سه دختر) یافته است بشرح زیر :

- ۱ - مرحوم حاج میرزا بهاء الدین الفت متخلص به مفتون
- ۲ - مخدره حاجیه رباب خانم الفت زوجه مرحوم حاج آقا مهدی میر عمادی فرزند مرحوم حاج میرزا عبدالحسین سیدالعراقین خاتون آبادی پاقلمه‌ای .

- ۳ - مخدره خانم شریعت
- ۴ - مخدره خانم

فوت : مدفون

مرحوم الفت در بامداد روز چهارشنبه (در ساعت ۳۰ / دقیقه) ۲۶ ربیع الاول سال یکهزار و سیصد و هشتاد و چهار در سن هشتاد و سه سالگی (هشتاد و دو

سال ودهٔ میاه و بیست و شش روز) در منزل خود مقابل امامزاده احمد در محله حسن آباد فوت گردید. مراسم تغسیل و تکفین و نماز در همان روز در منزل انجام شده و صبح روز پنجشنبه جنازه با کمال عزت و احترام و تشییع عموم افراد خاندان مسجد شاهیان، آقایان نجفی و جمعی کثیر از دوستان و آشنایان و مؤمنین اهل محله از منزل به مقبره مرحوم آقا نجفی پدر بزرگوارشان منتقل و در جلو قبر پدر مدفون گردید.

مجالس ختم از طرف خانواده و دوستان ایشان در مسجد شاه و مدرسه چهار باغ منقذ و عموم طبقات علماء و فضلاء و اساتید دانشگاه و محترمین در آن شرکت نمودند.

عده‌ای از شعراء جهت آن مرحوم مرثیه و ماده تاریخ سرودند و در جزوه‌ای که بنام: «یاد نامه الفت» بمناسبت چهارمین روز فوت آن دانشمند بزرگوار بچاپ رسید.

ماده تاریخهای فوت: در مجموعه‌ای یاد شده از دوازده نفر از شعراء اصفهان مرثیه و ماده تاریخ نقل گردیده که عبارتند از: ۱ - آزاد: سید احمد شهشانهی ۲ - آزاد: سید علی خان نوربخش ۳ - برنا فضل الله اعتمادی ۴ - بصیر عبد الکریم ۵ - بهنیا: میرزا حسن ۶ - حسام: حاج آقا حسام الدین دولت آبادی ۷ - دریا: حاج سید محمد رضا بهشتی ۸ - سنا: استاد جلال الدین همائی ۹ - مفتون: بهاء الدین الفت ۱۰ - نوا: جعفر نوربخش ۱۱ - نیر ۱۲ - یکتا: مجید اوحدی.

ماده تاریخها: ذیلا اشعار ماده تاریخ بترتیب جزوه نامبرده نقل میشود.

۱ - مرحوم استاد همائی:

باقر چو شد ز جمع برون گفتم « از ما برید رشته الفت آه »

۱۳۸۴ مساوی ۳۰۳ - ۱۶۸۷

۲ - مرحوم حاج آقا حسام الدین دولت آبادی :

سال مرگش حسام ابن چنین گفت

« الفت بی بدیل از جهان رفت »

توضیح : ماده فوق ۱۳۱۶ میشود و باید ماده چنین باشد

« الفت بی عدیل از جهان رفت » ۱۳۸۴

۳ - استاد ارجمند گرامی جناب حاج میرزا سید علی خان نوربخش آزاد:

گفت آزاد بهر تاریخش « حیف الفت ز ما برید الفت »

۱۳۸۴

۴ - مرحوم عبدالمجید اوحدی متخلص به یکتا:

شد چو باقر زمین یکتا گفت « رشته الفت احباب برید »

خورشیدی ۱۳۴۳ مساوی ۳۰۳ - ۱۶۴۶

۵ - آقای عبدالکریم بصیر :

سال فوتش بصیر اینچنین گفت « الفت از بین ما رفته ناگاه »

۶ - آقای جعفر نوا بخش متخلص به نوا :

رفت و نوا سال وفاتش نوشت « الفت علامه ما رفت آه »

۱۳۸۴

(آه) باید ۷ حساب شود

۷ - آقای میرزا حسن بهنیا متخلص به متین :

الفت روشندل دانا که بود روشنی محفل ما ، شمع ما

رفت و متین گفت بتاریخ او « آه که رفت الفت از جمع ما »

۸ - آقای حاج سید محمد رضا بهشتی متخلص به دریا :

گفت با «آه» سال او دریا «الفتی نیست بین ما دیگر»

۱۳۸۴ مساوی ۶ باضافه ۱۳۷۸

۹ - آقای نیر اصفهانی :

الفت آن اوستاد عالیقدر چو روانش روان بجنّت شد

نیر از بهر سال آن گفتا «قصر طوبی نصیب الفت شد»

۱۰ - آقا میرزا فضل الله خان اعتمادی خوئی متخلص به برنا :

ایشان دو ماده تاریخ یکی بسال قمری و دیگری خورشیدی سروده اند:

نامه برنا دو تاریخ از پی فوتش نوشت

هریکی در مصرعی با سال هجری عرب

«بود از الفت مصفا گلشن ارباب علم»

۱۳۸۴ هـ - ق

«بود با الفت موقر ساحت اهل ادب»

۱۳۸۴ هـ - ق

درقطعه دیگر نیز دو تاریخ برحسب سالهای خورشیدی :

بهر سال وفاتش دو تاریخ زد بشمسی رقم کلک برنا

«الفتی بین ارباب دل نیست» «رفت از بین ما الفت ما»

۱۳۴۳ هـ - ش

۱۳۴۳ هـ - ش

۲ - بهاء الدین الفت

۱۳۲۲ - ۱۴۰۲

فرزند مرحوم حاج شیخ محمد باقر الفت و مادرش دختر مرحوم حاج شیخ

محمد علی ثقة الاسلام

فاضل ادیب شاعر . در شب ۱۸ ذی القعدة سال ۱۳۲۲ در اصفهان متولد

گرددیده تحصیلات قدیم و جدید خود را در این شهر در نزد اساتید و بزرگان اهل علم انجام داده و بخصوص از محضر پدر بهره‌های علمی و ادبی بسیار برده و در انجمن ادبی مرحوم شیدا گاهی شرکت میفرموده است. قریحه و استعداد او در سرودن انواع اشعار از قصیده و غزل و رباعی خوب و در اشعار «مفتون» تخلص مینمود.

مجموعه‌ای در چندین مجلد از اشعار شعراء از قدمات و متأخرین فراهم آورده که خود تذکره‌ای جامع و مفید و در موضوع خود قابل توجه میباشد. برخی از اشعارش در مجله دانشکده بصاحب امتیازی مرحوم میرزا عباس خان شیدا دهکردی (۱۲۹۹ - ۱۳۹۹) و همچنین در دانشنامه (ص ۳۶) و در تذکره شعرای معاصر اصفهان (ص ۴۶۱) نقل گردیده است.

اینک نمونه اشعار:

گر مرا دولت وصل تو میسر میشد
خود ندانم که از این کار چه بهتر میشد
خون دل بود و یا اشک ندانم که چه بود
دوش دیدم ز فراقت مژه‌ام تر میشد
دوش در محفل صاحب بیگانه نبود
نام زیبای تو پوسته مک‌رر میشد
مستی از چشم خمار است نه از می امروز
رفت آنروز که از گردش ساغر میشد
تا که از رشک بسوزد شود از خجالت آب
کاش با روی تو خورشید برابر میشد
سینه هر چند که میسوختی از شعله عشق
پند ناصح بدلم سرد و خنک‌تر میشد

هر قدر جلوه حسن تو فزونتر می‌گشت
 صبر من از رخ زیبای تو کمتر میشد
 کاش میداد نشان تو کسی با مفتون
 جای پا تا بهره کوی تو از سر میشد
 ربنوده آن صنم گل عذار سیم اندام
 ز جان قرار و ز دل تاب و از کفم آرام
 شب فراق تو انسان فغان و ناله کنم
 که خون شود ز ترحم دل مدام بجای
 نه مونسى که توان شرح ماجرا گفتن
 نه جرئتى که ز لعل لب بگیرم کام
 بیا بیا که به خاک رهت فشانم جان
 مرو مرو که مرا بی تو زندگیت حرام
 مگر ز نور رخسار ماه خیره مانند امشب
 که بهر دیدن رویت شده است بر لب بام
 بغیر طره مشکینت ای بهشتی روی
 که چشم آهوی مست تو آورد در دام
 نه مشک چین چو دوزلف توفتنه در برداشت
 نه همچو قد او سرو چمن نمود خرام
 بطرف زلف دلارام ، شانہ چون گنفری
 بهوش باش که جمعی نموده‌اند مقام
 دلم ز آتش جور زمانه سوخته بسود
 اگر که سایه نیفکنده بود لطف غمام

شکایت از غم عشق بتان مکن مفتون

چو می توان بخم زلفشان گرفت آرام

در مرثیه و طلوع محرم گوید :

پربشان کرده مشکین زلف بردوش	در آمد از درم گلچهره ای دوش
چو گیسویش سرا پایش سیه پوش	چو موی خویش احوالش پربشان
بتلخی گفت زان لعل شکر نوش	نگاهی کرد بر من از سر خشم
بیفکن جام و دیگر بساده مینوش	نه امشب وقت عیش و گاه مستی است
بمطرب گو ، دگر بیهوده مخروش	بساقی گو مکن ساغر دگر می
که تا گردد هیاهو ما فراموش	نوائی بایدت از نینوا زد
همه محزون نشسته گوش تا گوش	نظر بر عالم جان کن که بینی
همه کرویشان گردیده مدهوش	بلب انگشت از حیرت ملایک

محرم آمده عشرت حرام است

بکن اندرز مفتون حلقه در گوش

در مجموعه : « یاد نامه الفت » هفت رباعی از او درباره پدر بزرگوارش

(ص ۱۷) بچاپ رسیده است از آنجمله :

ای رفته بخواب الفت ، ای الفت ما

ای گشته خلاص از غم و محنت ما

چون شد که خلاف مسلک خود کردی

آسودگی خویشتن و زحمت ما

الفت که یگانه رهنمای ما بود پیوسته رضایش برضای ما بود

آسوده بخفت و جمله هستی ما

رفت آنچه بماند غم برای ما بود

فوت :

مرحوم حاج آقا بهاء الدین الفت در ۹ ذی القعدة سال ۱۴۰۲ در اصفهان وفات یافته در مقبره مرحوم آقا نجفی مدفون گردید . رحمة الله عليه .
از مرحوم حاج آقا بهاء الدین الفت چندین فرزند همگی شایسته و تحصیل کرده بجای ماند بقای عمر و سلامتی همگان که برخی از آنان از همکاران فرهنگی نویسنده بودند را از خداوند خواهانم .

۵ - آقا جلال الدین نجفی (جعفر)

۱۲۸۱ - ۱۴۳۷

اکبر و ارشد اولاد مرحوم حاج شیخ محمد تقی آقا نجفی مادرش دختر مولی محمد صالح جویناره ای مازندرانی در سال ۱۲۸۱ در اصفهان متولد گردید مادرش در کودکی وفات یافت و پدرش زنی دیگر اختیار کرد و او در تحت تکفل جسدش مرحوم حاج شیخ محمد باقر نجفی قرار گرفت . دوره کودکی و جوانی او در اصفهان گذشت در این شهر در نزد عده ای از بزرگان تحصیل نمود . در سال ۱۳۰۰ که حاج شیخ محمد باقر به نجف مهاجرت نمود ویرا نیز همراه خود برد او در آن شهر مقدس تا سال ۱۳۰۷ به تحصیل علوم و تکمیل مراتب علمی و عملی پرداخت . در خدمت عموی بزرگوارش مرحوم حاج شیخ محمد حسین علاوه بر کسب فضائل و دانشها به تصفیه باطن و روح پرداخت .

مرحوم بلاغی در اعلاط در انساب (ص ۲۱) بنقل از نسب نامه الفت در

باره او می نویسد :

گویا تلخی بیسر و سامانی در آغاز عمر به او این درس را آموخته بود که :
بایستی هر چه بیشتر بجمع مال و تحصیل ثروت بکوشد . بنابراین تحصیلات

علمی خود را هنوز (موافق اصول مدرسه) به پایان نرسانیده دختری از خانواده علمی نجف ازدواج نموده و به اصفهان برگشت و با کوشش هرچه تمامتر بتحصیل ملك و مال پرداخت . خوشبختانه اسباب خارجی و اتفاقات نادر الوقوعی که کمتر پیش آمد می کند و با نیروی نفوذ و ریاست پدر بانسلك مدتی صاحب علاقه و املاك و خانه و زندگانی موافق میباش گردید .

گفتیم در نجف در خدمت مرحوم حاج شیخ محمد حسین عم بزرگوارش تلمذ نموده و با او از نزدیک خلطه و آمیزش داشته و اخلاق ستوده او در وی اثر گذارده بود اما نتیجه این مصاحبت از اینقرار بود که : عیش فقراء بنماید و حساب اغنیاء را باز دهد .

از طرف دیگر مصاحبت با عموی وارسته و از همه دنیا و مافیها گذشته اش تأثیر عمیقی در وجودش نموده بود که بر اثرش مدام در کنج عزلت با افکار و اطوار غیر متعارف بسر میبرد از لذائذ حاصله از مال و جاه محروم ، با لباس وصله دار خوراکی مختصر و فقیرانه ، در اطافی با فرش و اسباب مندرس و پست زندگانی میکرد . تعیین مقام و مرتبه علمی آن را نمیتوانم کرد زیرا بامتحانش نپرداخته اند اینقدر معلوم است که هوش و ذکاوت خوبی داشته ، از گوشه و کنار معلوماتی که از حدود احکام شرع تجاوز نمیکرد اندوخته بود و بیسواد شمرده نمیشد .

پس از وفات پدر چند صباحی باقاه جماعت و منبر و تدریس در مسجد شاه پرداخت و نظر باینکه طبعاً از معاشرت گریزان و بعزلت مایل بود آن مناصب عالی شریعت را در عهده پسر مراهق (نوجوان) خود گذاشت و مجدداً بکنج عزلت خزید .

از : مآثر اخلاقی او این بود که معتقد بود هرچه نعمت و عزت خداوند باو عطاء فرموده است همه از برکت و آثار تـوسـل بـعـزاداری حضرت سید الشهداء

عليه السلام است بنابر این هیچ عبادتی را قرین روضه خموانی و عزاداری بر آنحضرت نمیشمرد و تا آن مرتبه در این خصوص اهتمام نمود و بترویج و تشویق اینکار پرداخت که هیچ سابقه نداشت (انتهی با اندکی تصرف در عبارت) .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان (ص ۵۵ جلد سوم) در باره او می نویسد:
مجتهدی مبرز و متمول بود تدریس فقه و اصول مینمود .

همسران مرحوم آقا جلال الدین : مرحوم حاج آقا جلال الدین نجفی دارای دو زوجه دائمیه و یک زوجه منقطعه بشرح زیر بوده است .

۱ - دختر علامه فقیه حاج شیخ مهدی فرزند شیخ موسی بن شیخ الظائفه
شیخ جعفر کبیر نجفی

۲ - دختری از اعقاب علامه حاج محمد جعفر آباده‌ای

۳ - دختر سید محمد رضا روضه خوان (منقطعه)

فرزندان مرحوم آقا جلال الدین : مرحوم آقا جلال الدین از سه نفر عیاله خود جمعاً ۴ پسر و ۲ دختر یافته :

۱ - حاج میرزا عبدالحسین از زوجه منقطعه دختر مرحوم آقا سید محمد رضا روضه خوان

۲ - حاج شیخ محمد حسین فوت ۱۸ جمادی الثانیه ۱۳۸۵

۳ - حاج شیخ محمد علی

۴ - یک دختر این سه نواذ حاجی آباده‌ای

۵ - دختری دیگر از دختر مرحوم شیخ مهدی نجفی

فوت و محل دفن . مرحوم حاج آقا جلال الدین در شب ۶ ذی حجه سال ۱۳۳۷ در اصفهان وفات یافته نخست در مقبره پدر مدفون و پس از مدتی استخوانها بکربلا نقل شده و در آن ارض اقدس مدفون گردید .

مرحوم میرزا عبدالحسین قدسی خوشنویس در مرثیه و تاریخ آن قطعه‌ای
سروده تاریخ آنرا چنین گفته است :
قدسی آن دم که برون رفت جلال الدین گفت
آیت الله بفردوس بوین کرد مقام



۶ - حاج شیخ جمال الدین نجفی

۱۲۸۴ - ۱۳۵۴

پدر : حاج شیخ محمد باقر کبیر نجفی

مادر : علویه فاطمه خانم معروف به خانم نجفی دختر خاله زن مرحوم حاج
شیخ محمد علی ثقة الاسلام برادر مرحوم حاج شیخ جمال الدین از سادات اخوی
طهران .

علویه نامبرده زنی با تقوی و احترام بوده در سال ۱۲۶۹ متولد گردیده و در

ربیع الثانی سال ۱۳۵۲ در اصفهان وفات یافته در بقعه مرحوم آقا شیخ محمد تقی در تخت فولاد در جنب قبر مرحوم آقا سید زین العابدین خونساری چهار سوقی بخاک رفت .

مشارالیهها پس از فوت مرحوم حاج شیخ محمد باقر به زوجیت ظل السلطان درآمد و از او پسری بنام : شیخ فیروز الدین میرزا در آمده است . اولاد فیروز میرزا در اصفهان ساکن می باشند (ص ۱۰۰۹ سوم مکارم الاثار) .
مرحوم بلاغی در کتاب : « اعلاط در انساب » بنقل از نسب نامه الفت درباره این مخدره محترمه می نویسد :

خانم نجفی از شیرین و تلخ حوادث روزگار بسی سطل گران گوارا و ناگوار چشیده و نوشیده (ص ۶ - اعلاط در انساب) .

تولد : مرحوم حاج شیخ جمال الدین در سال ۱۲۸۴ در اصفهان متولد گردیده است .

اقوال بزرگان :

در کلیه کتابهاییکه نامی از آن مرحوم در آن آمده ویرا بعلم و تقوی و مرجعیت ستوده اند از آن جمله :

۱ - مرحوم محدث قمی علیه الرحمه در : « فوائد الرضویه » درباره او می نویسد :

العالم الجلیل الصالح التقی (ص ۴۱۰ دوم فوائد الرضویه) .

۲ - علامه طهرانی رحمه الله علیه در نقباء البشر (ص ۳۰۸ یکم) می نویسد :

عالم جلیل و مرجع جلیل و اه تصانیف لایحضرنی اسمائها فی الحال .

۳ - مرحوم معلم حبیب آبادی در باره او می نویسد :

از علماء و فقهاء بزرگ و بزرگوار اصفهان و در شادانده و احوال پناه مردم آن
سامان بوده (زندگانی آیت الله چهار سوقی ص ۱۵۴) .

اساتید و مشایخ اجازه :

مرحوم حاج شیخ جمال الدین مقدمات علوم را در اصفهان در نزد علماء
و فضلاء این شهر بخوبی آموخته و چندین سال از محضر پدر و مجلس درس
ایشان و هم مجلس درس دو برادر خود مرحومین حاجتین آیتین آقای نجفی
و مرحوم حاج شیخ محمد علی نقة الاسلام بهره‌مند شده سپس جهت تکمیل در
سال ۱۳۰۸ رهسپار نجف اشرف گردیده و تا سال ۱۳۱۳ در آن ارض مقدس
ساکن و از آیات عظام مرحوم حاج میرزا حبیب الله رشتی و آخوند خراسانی
و بنا بقولی مرحوم آقا سید محمد کاظم یزدی مستفیض و کامیاب گردیده و در سال
۱۳۱۳ با کسب اجازات روایتی و اجتهاد باصفهان معاودت کرده و بدرس و مباحثه
و اقامه جماعت در مسجد شیخ لطف الله اشتغال جست .

بنابراین اساتید ایشان عبارتند از :

- ۱ - حاج شیخ محمد باقر نجفی پدر آن مرحوم
- ۲ - مرحوم حاج میرزا حبیب الله رشتی که عمده تلمذ آن مرحوم در نجف
در خدمت این استاد بزرگوار بوده است
- ۳ - مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی
- ۴ - مرحوم آقا سید محمد کاظم طباطبائی یزدی علیه الرحمه

شاگردان و مجازین از مرحوم حاج جمال الدین نجفی :

مرحوم حاج آقا جمال الدین نجفی پس از مراجعت از اعصاب مقدسه در

اصفهان جلسه درس و مباحثه در مسجد شیخ لطف الله محل اقامه نماز جماعت خود و پس از مهاجرت (تبعید) بطهران در مسجد سید عزیز الله در بازار بزرگ به تدریس فقه و اصول مشغول گردیده و جمعی از فضلاء از محضر ایشان بهره مند می شدند . ذیلا بنام برخی از آنها اشاره می کنیم :

- ۱ - مرحوم حاج شیخ احمد کتابفروش طهرانی .
- ۲ - حاج شیخ محمد باقر نجفی فرزند ایشان سلمه الله تعالی .
- ۳ - شیخ محمد حسین لنکرانی طهرانی از علماء معاصر طهران حفظه الله .
- ۴ - مرحوم حاج شیخ محمد حسین امام نجفی فرزند آن مرحوم .
- ۵ - مرحوم آقا سید ریحان الدین مهدوی در مدت دو سال که در طهران مقیم بوده از محضر ایشان و برخی دیگر از دانشمندان استفاده علمی نموده است .

- ۶ - مرحوم آقا سید محمد علی حسینی شهشانی اصفهانی
- ۷ - مرحوم آقا شیخ محمد علی نجفی فرزند ایشان که در جوانی وفات یافته است .

- ۸ - مرحوم حاج میرزا محمد همدانی مؤلف رساله : « مجلة الزاهره فی اثبات الخلافه » که بامر و دستور ایشان تألیف گردیده و بچاپ رسیده است .
- ۹ - مرحوم حاج شیخ مرتضی حجت نجفی فرزند ایشان در اصفهان از جلسه درس پدر بهره مند شد .

- ۱۰ - علامه فقیه حاج شیخ مرتضی مظاهری اصفهانی صاحب تألیفات کثیره .

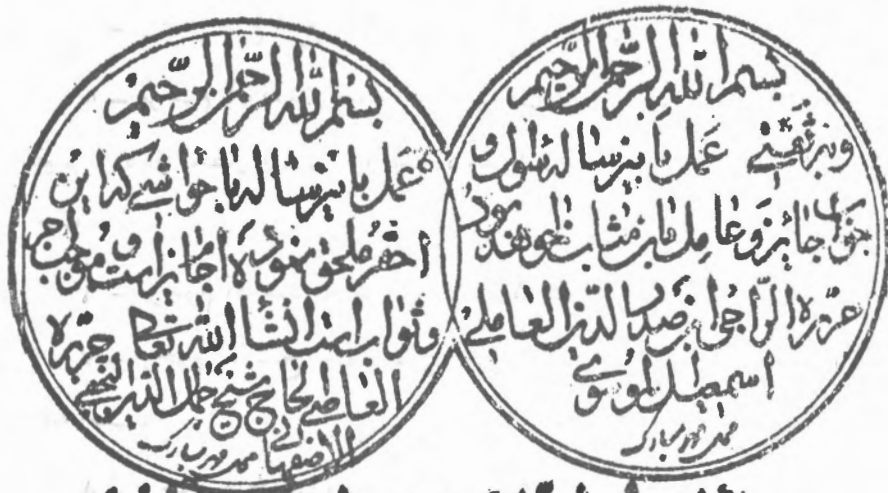
- ۱۱ - مرحوم شیخ موسی فرزند میرزا محمد خونساری نجفی متوفی بسال

۱۳۶۳ در نجف اشرف عالم فاضل محقق مدقق مؤلف : « رساله لباس مشکوک »
 از بحث و تقریر استاد خود مرحوم حاج شیخ جمال الدین نجفی (صفحه ۲۹۵
 هیجدهم الذریعه) .

تاکنون به اسامی دیگر شاگردان آن مرحوم بر خورد نکرده ام .

تالیفات :

مرحوم حاج شیخ جمال الدین نجفی را تالیفاتی است که ذیلا بنام برخی
 از آنها اشاره میشود :



رساله انبئ المقلدين في احكام الدين المبين

۱ - حاشیه بر رساله عملیه موسوم به : « انیس المقلدین » حواشی در داخل
 پرانتز و بخط نازکتر از متن و در متن می باشد در ۶۷ صفحه خشتی چاپ دوم
 مطبوع بسال ۱۳۲۹ بخط محمد علی نسخه ای از این رساله که مالک آن صدیق
 مکرم آقای حاج آقا رضا نجفی فرزند مرحوم حاج شیخ محمد جواد فرزند
 مرحوم حاج شیخ محمد تقی آقا نجفی می باشند بنظر رسید .

رساله انیس المقلدین از رسائل عملیه مرحوم آیت الله حاج سید اسماعیل صدر (۱۲۵۸ - ۱۳۳۸) می باشد که چندین دفعه بچاپ رسیده است و حواشی نامبرده در چاپ دوم آن می باشد .

۲ - رساله در دماء ثلثه و صبیغ عقود ، نکاح و متعه و تحلیل ضمیمه انیس المقلدین در ۵۳ صفحه بچاپ رسیده است .

رساله نامبرده را مرحوم حاج شیخ احمد کتابفروش طهرانی یکی از شاگردان ایشان از کتاب : نجات الشیعه آن مرحوم استخراج نموده و بنظر ایشان رسانیده و طبع کرده است .

۳ - نجات الشیعه فی احکام الشریعه از کتب فقهیه . در رساله دماه ثلثه بدان اشاره شده و مستخرج محترم گفته که رساله دماه ثلثه و . . . از این کتاب استخراج گردیده است .

حاج آقا جمال الدین و مشروطیت :

مرحوم حاج آقا جمال الدین در تمام جریانات و پیش آمدهای اصفهان در زمان حیات مرحوم آقا نجفی در کارها مداخله نمود و تنها به تدریس و اقامه جماعت و ارشاد خلسق میپرداخت در سالهای اول انقلاب مشروطیت نیز بیطرف مانده و بهیچ یک از احزاب و جمعیتها توجهی نمیفرمود اما پس از قضایای خراب کردن مجلس شورای ملی بوسیله مأمورین محمد علیشاه و گرفتاری آزادیخواهان و قتل و تبعید برخی از آنان یعنی در دوره استبداد صغیر که علمای نجف اشرف حضرات آیات عظام: مرحوم حاج میرزا حسین بن حاج میرزا خلیل طهرانی و مرحوم آقا شیخ عبدالله مازندرانی و مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی علیه دستگاہ و بفتح مشروطه خواهان اعلامیه صادر کردند و بمردم دستور دادند که بدولت مالیات نپردازند

علمای اصفهان حضرات آیات عظام آفایان آقا نجفی وحاج شیخ نورالله وحاج آقا جمال الدین نجفی نیز بنوبه خود اعلامیه‌هایی صادر و منتشر کردند که صورت آن اعلامیه‌ها در کتاب : مقیم و مسافر (صفحات ۱۰۲ و ۱۰۳ چاپ اصفهان) اینک صورت مرحوم حکم حاج آقا جمال الدین نقل از کتاب نامبرده :

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله والصلوة والسلام على صفة خلقه وخير برينه محمد وآله الطاهرين المعصومين .

بلی احکام محکمه صادره از حجج اسلام نجف اشرف و سایر علماء اعلام و حصون اسلام ادام الله ظلالم علی رؤوس الانام رادر خصوص استحکام مبانی معدلت و تاسیس اساس مشروطیت و عدم جواز مخالفت ملاحظه و زیارت شد . معلوم است اطاعت احکام حجج اسلام و حصون دین و ایمان برکافه اهل اسلام واجب و لازم است . حرره الاحقر الطلاب المحصلین شیخ جمال الدین عفی الله عن جرائمه (صفحه ۱۰۳ مقیم و مسافر) .

گرفتاری مرحوم حاج آقا جمال الدین بدست سربازان روسی :

مرحوم الفث در نسب نامه (بنقل کتاب : اعلاط در انساب ص ۱۸) می نویسد :

در طوفان جنگ عمومی جهان پس از آنکه قشون روس ولایت اصفهان را اشغال کردند این میهمانان ناخوانده در تمام امور اصفهان دخالت میکردند و از اسباب زحمت و آزار مردم را از همه طبقات فراهم آوردند . بی گناهان را گرفته زندان میکردند و از عده‌ای پولهای زیادی بعنوانین مختلف می گرفتند . اموال مردم را مصادره مینمودند و آنچه جنایت و ظلم و ستم بود نسبت بمردم این شهر بجای آوردند .

مرحوم حاج آقا نورالله از ترس گرفتاری بدست آنان فرار کرده و بعراق عرب از راه بختیاری و کرمانشاه روانه گردید . در این موقعیت بحرانی مرحوم حاج آقا جمال الدین چند صباچی بامور اجتماعی و رسیدگی بکارهای مردم اقدام نموده و مداخلاتی مینمود . بنا بر این روس وانگلیس وبسنگان ایرانی آنها یعنی خائنین به ملك و ملت ودین كه هیچگاه از مسجد شاهیان سودی نبرده بودند بلکه زبانها دیده بودند وجود آن مرحوم را مخالف و مانع اجراء مقاصد سوء خود پنداشته و ناگهان عده‌ای از سالداتهای روسی بخانه‌اش ریخته و با بی‌احترامی هرچه تمامتر ویرا سروپای برهنه از اندرون منزل بیرون کشیده و بعد از دو روز با عده‌ای سرباز مسلح تحت الحفظ به طهران روانه‌اش کردند .

این اقدام در اصفهان جز نفرت عمومی و تکدر خاطر وانکسار قلوب و اخافه نفوس مردم تأثیر دیگری نداشت . . . (اعلاط در انساب ص ۱۸ بنقل از نسب نامه مرحوم الفت با اندکی تغییر عبارت و تصرف) .

بیان مرحوم انصاری : مرحوم حاج میرزا حسن خان جابری انصاری در کتاب « تاریخ اصفهان وری » در ضمن وقایع سال ۱۳۳۴ (صفحه ۲۷۴ قسمت پائین صفحه) می‌نویسد :

آقای حاج شیخ نور الله حرکت قزاق روس را که شنیدند از بختیاری بعراق و کرمانشاه رهسپار و برای عتبات روانه شدند

هزار و دویست نفر قزاق روس با استعداد از شمس آباد شلیک نمودند و چراغملی خان و سردار صولت و رضا جوزدانی گریختند

آقای حاج شیخ جمال الدین را بمظنه آنکه با رضا جوزدانی و با بختیاری تباری دارد تا اصفهان را بشوراند قونسولگری روس فرستاد بردند دو روز نگاهداشت و بطهران فرستاد .

مرحوم حاج آقا جمال الدین نجفی در طهران

در حدیث آمده است که : « اذا اراد الله شیئی هیأ اسبابه » چون خداوند قادر متعال اراده انجام کاری و چیزی فرماید وسائل آنرا مهیا میگرداند . خداوند توفی و پیشرفت و نفوذ و عزت مرحوم حاج شیخ جمال الدین نجفی را خواست برای این کار دشمنان اسلام و ایران و شخص ویرا وسیله آن قرار داد که گفته اند : « عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد » مرحوم حاج آقا جمال الدین را بدان کیفیت که نوشتیم از اصفهان بطهران فرستادند . مردم پای تخت این عمل غیر انسانی و خلاف مروت قشون مهاجم روسی را شکستی برای مسلمین دانسته و بجبران آن از مرحوم حاج شیخ جمال الدین با کمال عزت و احترام استقبال و پذیرائی کردند و هر روز بر عظمت و قدرت و شخصیت اجتماعی او افزوده شد تا جائیکه در ردیف علماء درجه اول طهران محسوب گردید .

روزها در مسجد سید عزیز الله در بازار بزرگ طهران حوزه درس داشت و جمعی از فضیلاء در آن شرکت مینمودند و هم در آن مسجد که بعد از مسجد جامع و مسجد شاه طهران مهمترین مساجد پای تخت بود اقامه جماعت میفرمود و در برخی از ایام پس از نماز منبر تشریف برده مردم را موعظه و ارشاد مینموده از سال ۱۳۳۴ تا سال ۱۳۵۲ قمری یعنی تقریباً ۱۸ سال .

نماز جماعت

قبل از شرح و توصیف يك نماز جماعت از مرحوم حاج آقا جمال الدین نجفی لازم است مقدمه ای جهت اطلاع خوانندگان نقل کنیم :
در اصفهان بین مردم از خاص و عام شهرت دارد که :

شاه عباس گبیر صفوی در بی جهت روضه مطهره علویه در نجف اشرف ساخت
و بدان ارض مقدس و عتبه علیه فرستاد و در بی که قبلا در آنجا بود را باصفهان
آورده در عمارت عالی قاپو در میدان شاه نصب کرد .

از آن تاریخ تا حدود پنجاه سال قبل در بین مردم مسلمان و متدین اصفهان
رسم بود که روز بیست و یکم ماه مبارک رمضان عده زیادی از زنها از مردم شهر
و روستاهای نزدیک در پای این درب آمده و بمنوان تیمن و تبرک حلوا و آش نذری
می پختند و جماعت مردم و تماشاچی در آن روز دیدنی بود .

در سال ۱۳۴۶ که مرحوم حاج آقا نورالله در قسم وفات یافت ، برای انجام
مراسم سوگواری و فاتحه آن مرحوم آقای حاج شیخ جمال الدین باصفهان
تشریف فرما شدند . دسته های مردم که باستقبال رفته بودند ضمن اشعاری که
میخواندند این مصرع نیز خوانده میشد :

آیتی رفت ز نو آیت دیگر آمد .

مرحوم حاج آقا جمال الدین ماه رجب و شعبان و رمضان را در اصفهان مانده
و در مسجد شیخ لطف الله اقامه جماعت میفرمودند .

من در آن تاریخ حدود دوازده سال داشتم با اتفاق یکی از بستگانم برای
درک نماز و تماشای منظره جمعیت به میدان شاه رفته بودیم . روز بیست و یکم بود
جمعیت مأمونین بسیار زیاد، جای نماز امام جماعت یعنی مرحوم حاج جمال الدین
را پای میله های میدان جلو مسجد شاه انداختند جمعیت مرد و زن تمام سطح میدان را
پر کرده بود و صفوف جماعت تا قیصریه کشیده شده بود . در آن سالها وضع
میدان غیر از وضع حالیه را داشت یعنی حوض وسط و نهر بندیهای اطراف وجود
نداشت در جلو قیصریه حوضی بزرگ وجود داشت جمعیت نماز گزار در آن
موقع شاید قریب بیست هزار نفر یا اندکی کمتر و یا بیشتر تخمین زده میشد و از

کلیه طبقات در آن دیده میشد از روحانیون و مقدسین و محترمین بازار و کارمندان
دوائر دولتی و کسبه و دهاقین . الحق دیدن منظره جماعت نمازگزار برای
بینندگان و بخصوص افرادی همچون من در آن سن و سال دیدنی و تماشایی
ولدت بخش بود .

نمونه این نماز با شکوه را کمتر دیده و شنیده ایم فقط در سالهای بعد از
اخراج رضا شاه از مملکت در روز ۲۱ ماه رمضان در مسجد شاه دیدیم که تا این
اواخر ادامه داشت . والحمد لله علی ذلک .

حاج شیخ جمال الدین و قیام علماء علیه دستگاه رضا شاه :

قبلاً گفته ایم که در سال ۱۳۴۶ علمای اصفهان بزعامت مرحوم حاج آقا نورالله
بهمراهی جمعی کثیر از وجوه مردم اصفهان ظاهراً بعنوان اعتراض به تصویب
و اجرای برخی از قوانین و باطناً مخالفت با شخص رضا خان بقم مهاجرت کردند
و پس از استقرار در آن شهر بدعوت از علماء شهرها شروع نمودند . در این دعوت
عمومی نقطه اصلی و هدف نهائی شهر طهران یعنی پای تخت و محل سکونت
شاه و جایگاه وزارتخانهها و مجلس شورای ملی بود .

یکی از مهمترین و بانفوذترین علمای تهران هم در جامعه روحانیت و هم در اجتماع
بازاریان و تجار که اساساً باید قیام و نهضت را کمک و یاری کنند و بدون مساعدت
آنان کارها پیشرفت نخواهد کرد مرحوم حاج شیخ جمال الدین نجفی بود .
مرحوم حاج شیخ جمال الدین در بازار تهران و بین بازاریان محبوبیتی
فوق العاده داشت و مورد توجه بود بطوریکه گاه میشد که در امور از خاندان
امام جمعه و بهبهانی نیز تقدم می جست .

از اینرو و هم از آنجهت که آن مرحوم فی الجمله در دستگاه دولتیان نیز نفوذ

داشت و وزراء و نمایندگان مجلس هر کدام بعلی خود را بساو نزدیک نموده و دوست نشان میدادند گرچه همه در واقع نوکر رضاخان و مخالف علماء و روحانیان بودند . مرحوم ثقه الاسلام صلاح دانستند که آقای حاج آقا جمال الدین بعنوان عالم بیطرف در تهران بماند و رابط بین علماء آن شهر و بازرگانان و مخترمین آنجا و هیئت مهاجر ساکن قم باشد و طهران را آماده قیام و نهضت و مخالفت کند . شرح این ماجرا و اقدامات آن مرحوم در این مرحله از حوصله این کتاب خارج و نیاز به کتابی مفصل درباره « نهضت علماء علیه رضا خان در سال ۱۳۴۶ » دارد .

انتقاد از دستگاه حاکمه و تبعید به اصفهان : در سال ۱۳۵۲ قانونی از مجلس شورای ملی و نمایندگان منتخب دستگاه گذشت که طبق آن سن ازدواج را برای دختر و پسر ۱۸ و ۲۰ سال معین کرده بود و این قانون را بدفتر ثبت ازدواج ابلاغ نموده و برای متخلفین مجازات از زندان و غیره معین کرده بود .

علماء بزرگوار اسلام که در طول تاریخ همیشه حامی و پشتیبان قوانین و مقررات شرع مطهر بوده اند علناً با تصویب این قانون خلاف شرع بنای مخالفت گذاردند و برخی علناً و صراحتاً وعده ای نیز بکنایه از آن شروع به انتقاد نموده و بیان خلاف بودن آن باموازین شرعی را نمودند .

مرحوم حاج شیخ جمال الدین نجفی طبق وظیفه شرعی بنای مخالفت نهاده و در چندین منبر در مسجد حاج سید عزیز الله در طهران مخالف بودن آنرا با شرع اسلام بیان داشته و ضمناً فرموده بود که من : دختر عاقله رشیده ده ساله را عقد می کنم .

مأمورین از خدا بی خبر جریان را به امامت بالاتر گزارش داده و بیان داشته بودند که : این مخالفتها کم و بیش از طرف علماء اظهار شده و اگر دولت اقدام سریع و مجدانه نکند ممکن است کار دشوار شود . لذا از طرف شاه دستور جلب و تبعید

مرحوم حاج شیخ جمال الدین به اصفهان صادر گردید و ایشانرا باصفهان آوردند و پس از مدتی که از دید و بازدید با مردم ممنوع بود اجازه نماز در مسجد شیخ لطف الله و منبر در تخت فولاد در شبهای جمعه جهت برگزاری مراسم دعاء کمیل علیه الرحمه و احیاء (البته زیر نظر مأمورین) داده شد .

در همین سال بود که واعظ دانشمند مرحوم حاج شیخ اسماعیل کلباسی فرزند مرحوم حجة الاسلام حاج میرزا محمد رضا کلباسی را نیز بهمین جرم (دفاع از حریم اسلام و انتقاد از قانون جدید ازدواج) در بزدگرفته و زندانی کردند .
مرحوم حاج شیخ جمال الدین نجفی تا آخرین روزهای زندگانی خود زیر نظر مأمورین اداره شهربانی در اصفهان زندگانی مینمود رحمة الله علیه .

اولاد و اعقاب :

مرحوم حاج آقا جمال الدین نجفی جمعاً از دو همسر دائمیه خود چهارده فرزند شش نفر پسر و هشت نفر دختر یافته است مادران این فرزندان عبارتند از:
۱ - علویه عالم تاج خانم دختر مرحوم حاج آقا محسن عراقی سلطان آبادی عالم معروف .

۲ - مخدره زرین تاح خانم اسماعیلی از مردم طهران .
اسامی فرزندان آن مرحوم پسر و دختر بشرح زیر میباشد . (بر حسب حروف نهجی) .

اما پسران :

۱ - آقای حاج شیخ احمد نجفی سلمه الله ساکن طهران (ایشان اگر چه در لباس روحانیت نمی باشد لکن به شیخ احمد شهرت دارد) .
۲ - حاج شیخ محمد باقر نجفی از علمای ساکن طهران . ایشان در زمان

حاضر سن ترین فرد خاندان نجفی است .

۳ - مرحوم حاج شیخ محمد حسین امام نجفی رحمه الله علیه .

۴ - جناب آقای مهندس رضا نجفی سلمه الله از زوجه طهرانیه .

۵ - مرحوم شیخ محمد علی نجفی که در زمان حیات پدر در طهران وفات

یافته در ابوان یکی از حجرات صحن مقدس حضرت عبدالعظیم در شهر ری مدفون گردید .

۶ - مرحوم حاج شیخ مرتضی حجت نجفی .

و اما دختران که همگان وفات یافته اند :

۱ - زوجه مرحوم آقا میرزا محمد ابراهیم آل رسول شمس آبادی موسوم

به : « زهرا خانم » .

۲ - زوجه مرحوم حاج شیخ ابو الفضل نجفی فرزند مرحوم حاج شیخ محمد

علی ثقة الاسلام موسوم به « زمزم خانم » .

۳ - زوجه مرحوم حاج شیخ محمد جواد نجفی فرزند مرحوم حاج شیخ

محمد تقی آقا نجفی .

۴ - زوجه مرحوم حاج شیخ محمد رضا جرقویه ای اصفهانی موسوم به « رباب

خانم » .

۵ - زوجه مرحوم حاج شیخ زین الدین نجفی فرزند مرحوم حاج شیخ

محمد اسماعیل نجفی موسوم به « حاجیه صغری خانم » .

۶ - زوجه مرحوم حاج آقا محمد آل رسول شمس آبادی فرزند مرحوم

آقا میرزا محمد ابراهیم شمس آبادی .

۷ - زوجه مرحوم حاج آقا مرتضی رشتی فرزند مرحوم حاج میرزا عبد

الرزاق موسوم به « محترم خانم » .

۸ - زوجه مرحوم حاج آقا نورالله امام سندهی فرزند مرحوم حاج میر سید علی موسوم به : « فاطمه خانم » .

فوت و محل دفن :

مرحوم حاج شیخ جمال الدین پس از آنکه از طهران باصفهان تبعید شد مدت‌ها محترماً در منزل خودشان تحت نظر مأمورین بوده و از معاشرت و رفت و آمد با مردم ممنوع بود بعداً بایشان اجازه دادند که جهت اقامه جماعت به مسجد شیخ لطف الله رفته و ظهرها در آنجا نماز را بجماعت میخواندند ضمناً شبهای جمعه نیز در تکیه میرزا رفیعا نائینی در تخت فولاد مراسم احیاء قرامت و دعاء کمیل برقرار گردید و جمعی کثیر از مؤمنین زن و مرد در این جلسه شرکت مینمودند. حالت بکاه و ابکاه مرحوم حاج آقا جمال الدین همه را تحت تأثیر قرار میداد و الحق این جلسه دعاء و احیاء قابل توجه بود.

در شب جمعه ۲۵ جمادی الاولی سال ۱۳۵۴ یا شب جمعه قبل از آن مرحوم حاج آقا جمال الدین حالت مخصوصی داشت و طرز دعاء و عبارات مواعظ اشاراتی به مرگ و جدائی و وداع با مردم و اجتماع را داشت که گوئی با این وضع و روحیه و بیانات خبر مرگ خود را میداد رحمة الله علیه .

در شب یکشنبه ۲۵ جمادی الاولی در اثر جزئی عارضه کسالت وفات یافته روز یکشنبه جنازه را در منزل غسل داده و کفن نموده در مسجد شاه مراسم نماز بر جنازه برگزار شد و جنازه با تشییع عموم طبقات و دستجات سینه زنی با وجود مخالفت و ممانعت شدید مأمورین شهر بانی به تخت فولاد منتقل گردیده و در بقعه تکیه آقا شیخ محمد تقی در پائین پای مرحوم شیخ بخاک سپرده شد .

از قضایای قابل ذکر آنکه مأمورین از خدا بی خبر نگذاشتند پیش از چند

ساعت مراسم ختم آن مرحوم در مسجد شاه برگزار شود و از انعقاد مجالس دیگر در سایر مساجد نیز بستگی جلوگیری کردند.

ماده تاریخ وفات :

درسوك اين عالم جليل از طرف عده‌اي از شعراء و گویندگان بهر بی و فارسی اشعاری سروده شد اینک جهت نمونه بذکر دو ماده تاریخ اکتفاء می کنیم :

۱ - مرحوم انصاری قصیده‌ای گفته که در اطراف سنگ مرقد ایشان منقور است :

جمال الدین یگانه آیت الله فرشته خو
که چشم دهر کمتر دید در علم و عمل چون او
حسب را با نسب خلق نکو را جمع آورده
که هر کس بنگرد خورشید را بیند از هر سو
نسب از خاندان اعلم و اتقی ابا عن جد
حسب آن فقه اکمل را اصولش داده صدنیرو
چو رفتی بر فراز منبر تدریس و وعظ الحق
فشانند از بحر عمانش هزاران رشته لوانو
بعمر خود که هفتاد آمد اندر نشر علم دین
ندید از پرتو نورش کسی جز خصلت نیکو
بسال غم شدی در جنب رضوان و شد غمها
بقلب مسلمین از شادی شیطان پر جادو
از این ثلمه که در دین رخنه افکنده شده پیدا
هزاران طعنه‌ها بر ما زبیدینان هذیان گو

بشیخ جابری بس ناگوار آمد که دم بندد
 دوچشم او پراز اشک و دل از خون جگر مملو
 مدد جست از روان پاک او در جنت المآوی
 که تاریخش نویسد بهر آن ذات ملائک رو
 سر از جنت برون آورد و گفتنا خود بتاریخش
 « جمال دین زحق دیده جمال ورفته در مینو »

۱۳۵۴ مساوی ج ۳ - ۱۳۵۸

۲ - مرحوم معلم حبیب آبادی نیز قطعه‌ای سروده که در کتاب : « زندگینامه
 آیت الله چهار سوقی » بچاپ رسیده است (ص ۱۵۵) چند بیت آن بقرار زیر
 است :

دلا دیدی که از دوران گردون	چهارخ داد در این سال و این مه
چه بازبهای رنگارنگ گردید	عبان از گردش و سیرخور و مه
قوانینی ز دولت شد مقنن	بتصویب گروهی دون و گمره
تا آنجا که گوید :	

جمال الدین راد اصفهانی	که بود از هر سخن شخصش منزّه
چو این اوضاع دید و تاب ناورد	ز غم گردید رویش زرد چو که
بناگه روح او از تن برون شد	دو روزی ظاهراً بودش کساله
بماه و سال تاریخش معلّم	بگفت این شعر با حالی مرفه
جمادی یکم در بیست و پنجم	« جمال دین به جنت رفت تا که »

۲۵ جمادی الاولی (۱۳۵۳)

تصویر مرحوم حاج آقا جمال الدین : در بقعه مرحوم آقا شیخ محمد تقی
 رازی بر سر قبر مرحوم حاج شیخ جمال الدین تصویری قلمی مدادی از آن مرحوم

نصب گردیده که از آثار دوره جوانی جناب آقای دکتر هادوی فرزند عالم جلیل مرحوم شیخ هادی اصفهانی استاد دانشگاه تهران است .

حاج شیخ جمال الدین و عرفان : مرحوم سید عبد الحجت بلاغی مانند همه صوفیان که هر جا بزرگی است او را بخود نسبت میدهند در مقالات الحنفاء (ص ۲۴۷) می نویسد :

آن جناب (یعنی حاج شیخ جمال الدین) در اواخر عمر در اوقات مختلفه از حقایق عرفان راز می جست و مولانا شمس العرفاء شمه‌ای از عوالم درویشی را در اواخر با ایشان در میان گذارده بود (انتهی والعهدة علیه) .

رفع اشتباه : مرحوم حاج میرزا حسن خان انصاری در کتاب : « تاریخ اصفهان وری » در ضمن وقایع سال ۱۳۵۴ وفات سه تن از علماء و مراجع را (ص ۱۰۴ قسمت پائین صفحه) در این سال می نویسد :

۱ - مرحوم آیت الله آخوند ملا محمد حسین فشارکی .

۲ - مرحوم آیت الله حاج شیخ جمال الدین نجفی .

۳ - مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم یزدی حائری .

و برای دومین بار اول و سوم اشعاری در ماده تاریخ فوت آنان گفته است .

اینک گوئیم : فوت مرحوم آخوند فشارکی در شب ۸ ذی القعدة سال ۱۳۵۳ بوده .

وفوت مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری نیز در شب ۱۷ ذی القعدة سال ۱۳۵۵ در رقم بوده است .

و ماده تاریخی که جهت مرحوم آخوند فشارکی گفته : « ما شارك الفشارکی علیهم » مطابق است با سال ۱۳۵۴ .

اما ماده تاریخ فوت مرحوم حائری :

آورد ناله جمع بآه و بناله گفت

« عبد الکریم مرد نگون شد رواق علم »

۱۳۵۵ مساوی ۵۰هـ - ۷ باضافه ناله ۸۶ باضافه ۱۲۶۲

(آه) کلمه آه را معمولا ۶ حساب می کنند یعنی الف را یکی لکن در این

ماده تاریخ دو حساب شده است .

۷ - حاج شیخ محمد جواد نجفی

۱۳۹۷ -

فرزند مرحوم حاج شیخ محمد تقی آقا نجفی رحمة الله علیه .

زوجه مشارالیه دختر مرحوم حاج آقا جمال الدین نجفی عم بزرگوار ایشان

بوده است .

در اصفهان از دختر مرحوم حاج محمد رضا وارث موسوم به زبیده خانم متولد گردیده وهم در این شهر در نزد جمعی از افاضل تحصیل نموده سپس وارد تصوف و عرفان شده ودست ارادت به آقا سید محمد غمام همدانی داده ومدت العمر را برسیدگی با امور خانوادگی و سرپرستی اوقاف و دیگر کارهای اجتماعی گذرانیده و پس از فوت زوجه اولیه خود دیگر بار عیالی اختیار کرده واز هر دو زوجه خود اولاد بجای گذاشته است .

مرحوم حاج شیخ محمد جواد (اگر چه در لباس روحانیت نبود لکن عنوان

روحانیت خود را حفظ نموده بود) در ۲۴ ربیع الاول ۱۳۹۷ وفات یافته در مقبره


مرحوم آقا نجفی مدفون گردید .

۸ - میرزا محمد حسن نجفی زاده

۱۴۰۷ - ۰۰۰۰

فرزند مرحوم آیت الله آقای حاج شیخ مهدی نجفی و داماد مرحوم آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی مادرش دختر مرحوم حاج شیخ محمد تقی معروف به آقا نجفی میباشد .

مرحوم نجفی زاده در اصفهان در خاندان علم و روحانیت بدنیا آمده و در نزد اساتید و بزرگان از علماء این شهر همچون پدر و مرحوم حاج ملا فرج الله دزی و جمعی دیگر تلمذ نموده فاضلی ارجمند و عالمی جامع گردید . سالها در محله جلفای اصفهان محضر اسناد رسمی داشت و به امور اجتماعی مردم آن ناحیه از مسلمان و ارمنی با کمال دقت و دینداری رسیدگی مینمود . امتیاز روزنامه‌ای بنام « اسلام در شرق » را داشت که مدتی در اصفهان بمدیریت دانشمند گرامسی آقای ناصر دهاقانی از دبیران آموزش و پرورش اصفهان منتشر میشد . ضمناً مرحوم نجفی زاده در اداره آموزش و پرورش نیز شغل فرهنگی داشته و تربیت و تعلیم نوآموزان اشتغال داشت .

<p>نام هفتگی صاحب امتیاز محمد حسن نجفی زاده مدیر (و مسئول و نگارنده): ناصر دهاقانی جای اداره: اصفهان - خیابان شاه چهار چهارراه سرتیپ اداره روزنامه اسلام در شرق اسلام در شرق</p>	<p> چهارشنبه ۵ آذر ماه ۱۳۳۱ مطابق ۷ خ ۱ ۳۷۷ تک شماره ۳ ریال ما زنده باشیم که آقام تکبیر موجیب که آسایش ما در عدم ما است. اتحاد و اتفاق بهترین وسیله مبارزه است.</p>	<p>بهای اشتراک سالانه ۱۰۰ ریال . تخفیف نداد . مشتمل بر مهمترین موضوعات سیاسی - ادبی - علمی - دینی طبی - تاریخی - اقتصادی سلاطین مصر و روم و جمعی از چهار به از ظهر تا ساعت هفت بعد از ظهر میباشد</p>
--	--	--

در اواخر عمر مبتلا بمرض رعشه گردیده و تقریباً در منزل منزوی و بستری

بود تا سر انجام در شب ذی قعدة سال ۱۴۰۷ در اصفهان وفات یافته
در قبرستان جدید موسوم به : « باغ رضوان » مدفون گردید رحمة الله عليه .

۹- حاج شيخ محمد حسين نجفی

۱۲۶۶ - ۱۳۰۸

فرزند مرحوم حاج شيخ محمد باقر نجفی مسجد شاهی

در جلد دوم در ضمن شرح حال مرحوم حاج شيخ نورالله ثقة الاسلام نجفی
ترجمه رساله‌ای که آن مرحوم در شرح حال برادر بررگوار خود مرقوم داشته
است را نقل کردیم اینک جهت مزید فائدت گوئیم :

نام : حاج شيخ محمد حسين (دومین فرزند پسر)

پدر : حاج شيخ محمد باقر نجفی

مادر : علویه دختر علامه فقیه رجالی آفا سید صدر الدین محمد عاملی

مرحوم حاج شيخ محمد حسين عالم عامل عابد زاهد ناسک تارک دنیا صاحب
مکاشفات و کرامات دائم الذکر قائم اللیل دارنده انفاس قدسیه جامع علوم ظاهری
و مقامات معنوی

تولد : مرحوم حاج شيخ محمد حسين در دوم محرم سال ۱۲۶۶ در اصفهان
متولد گردید . در هیچ يك از کتابهای موجود بروز تولد از ایام هفته اشاره نشده
لکن معلّم در مکارم الآثار (ص ۱۸۰۷ پنجم) روزيك شنبه می نویسد و همچنین
در تقویم تطبیقی هزاروپانصد ساله غره محرم زاد سال ۱۲۶۶ روز شنبه می نویسد
بنابراین تولد در روز يك شنبه واقع گردیده است .

اقوال بزرگان و نویسندگان درباره او :

در عموم کتابهاییکه نامی از آن بزرگوار برده شده و برا بعلم فقاہت وزهد و تقوی و اعراض از دنیا و کلیه عوارض آن ستوده‌اند ذیلا بچند نمونه از آنها اشاره می‌کنیم :

۱ - مرحوم الفت در نسب نامه (اعلاط در انساب ص ۱۲) درباره او

می‌نویسد :

او را در سن سی سالگی از برادران بلکه از پدر عالی‌مقدارش نیز اعلم و اتقی می‌شمردند و اگر خود باحر از مقام ریاست و اشغال محراب و منبر تن در داده بود از همگی برتر و بیشتر بدست آورده بود لکن بزهد و اصرار بعزلت و اعراض از جمیع زخارف دنیا و عدم توجه به ارادت عوام و عقیده خواص نموده . . . این مرد بتمام معنی يك زاهد متقی است نه عارف است نه حکیم و نه متصوف هرچند که از این امور هم بی اطلاع نیست . . . تا آنجا که نگارنده اطلاع یافته سیر و سلوکش بر طبق دستور و هدایت هیچ استادی نبوده از حدود معرفت بظواهر شرع تجاوز ننموده است .

۲ - علامه سید محسن امین عاملی در اعیان الشیعه (ص ۲۵۹ چهل و چهارم)

درباره مشار الیه می‌نویسد :

الامام الزاهد العارف . . .

۳ - مرحوم حاج میرزا حسن خان جابری انصاری در تاریخ اصفهان (ص

۱۰۹ جلد یکم قسمت بالای صفحه) در ضمن بیان احوال آن مرحوم

می‌نویسد :

در زهد و عبادت سلمان و ابی ذر و بققاہت و علوم شرعیہ از اقران خویش برتر

جذبات الهیه آن حضرت را از دنیا و مافیها منصرف داشت . . .

۴ - محدث قمی در فوائد الرضویه (ص ۵۲۹ دوم) گوید :

عالم ربانی و فاضل صمدانی و حیدر بلاتانی جامع کمالات نفسانیه در علم و عمل شیخ مجاهدین و افضل سالکین زهد و زرید در دنیا هنگامی که دنیا اقبال کرد بوی و ترک کرد ریاست را در وقتی که اتفاق کلامه شد بر او متزوی شد از مردم و مشغول گشت بتکمیل نفس خویش و توجه کرد بعالم قدس پس گشود حق تعالی بر او خزائن رحمت خود را .

۵ - محمد حسن خان اعتماد السلطنه در کتاب : المآثر والایثار (ص ۱۶۱

ستون دوم) در باره او می نویسد :

فقاهتش مسلم است و در نجف از علماء بزرگ بشمار می آید .

۷ - مرحوم شیخ محمد حرزالدین نجفی در معارف الرجال (ص ۲۵۴

دوم) در ضمن شرح حال او می نویسد :

کان عالماً محققاً متقناً .

در کتاب نامبرده (ص ۲۵۴ دوم) به تبعیت از مرحوم حاج شیخ آقا بزرگ

طهرانی در نقباء البشر زوجه آنجناب را دختر مرحوم علامه آقا سید صدرالدین محمد

عاملی می نویسد که باید دختر مرحوم آقا سید محمد علی معروف به : آقا مجتهد

فرزند آقا سید صدرالدین می نوشت .

۸ - مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار (ص ۱۸۰۷ پنجم) می نویسد :

وی از : اجله علماء محققین و افاضل نفهائ و اصولیین عصر خود بوده و در

حکمت و کلام و هیئت و نجوم و سایر ریاضیات بدرجه قصوی نائل ، و در زهد

و تقوی و مرتبت سیر و سلوک و تهذیب اخلاق و تصفیه نفس امتیازی بین داشته .

۹ - علامه طهرانی در نقباء البشر (ص ۵۳۹ دوم) درباره ایشان می نویسد :

من اجلاء علماء عصره . . .

عاد الى النجف في ١٣٠٣ مشتغلاً بتكميل النفس منقطعاً عن كل احد لا يأنس
بغير ربه حتى وصل الى عالم القدس وشاهد اسرار الملكوت . . .

اساتيد و مشايخ اجازه :

مرحوم حاج شيخ محمد حسين نجفي در خاندان علم و فقاهايت بدنيا آمد و با
علم و زهد و تقوى رشد و نمو يافته و بزرگ شد . مقدمات علوم را در اصفهان در
نزد جمعي از افاضل پياموخت و همچنين بدرس پدر بزرگوار حاضر شد با اتفاق
برادر بزرگ خود مرحوم حاج شيخ محمد تقى آقا نجفي به نجف مشرف گرديد
و در آنجا و در سامرا در نزد بزرگان مجتهدين تلمذ کرد تا بمقام عالى اجتهاد
نايل گرديد . در کتابها از اساتيد او بزرگان زير را نام برده اند :

- ١ - مرحوم شيخ ميرزا باقر شكي در حكمت در نجف اشرف (فوت ١٢٩٠) .
- ٢ - مرحوم حاج شيخ محمد باقر نجفي پدر علامه اش در اصفهان .
- ٣ - مرحوم آيت الله حاج ميرزا حبيب الله رشتي در نجف اشرف .
- ٤ - مرحوم آيت الله العظمى حاج ميرزا محمد حسن شيرازي : ميرزاي
بزرگ شيرازي در نجف اشرف .
- ٥ - مرحوم آيت الله شيخ راضى نجفي در نجف اشرف .
- ٦ - مرحوم آقا شيخ محمد على ترك در حكمت . مرحوم امين عاملى در
ايعان الشيعه (ص ٢٥٩ و چهارم) در بساره او مى نويسد : استاد حكمت
و فلسفه در زمان خود در نجف بشمار ميرفت و مرحوم حاج شيخ محمد حسين
اسفار را نزد او خوانده است .

شاگردان :

بطوریکه در کتابهای مسطور ودر افواه بزرگان علماء مشهور است مرحوم حاج شیخ محمد حسین پس از مراجعت از نجف اشرف در اصفهان در مسجد نو بازار امامت و تدریس مینمود و پس از اقامه جماعت به متبر و عظم رفته و مردم را موعظه مینموده است .

حوزه درس ایشان رونقی یافته اما مدت آن ادامه نیافته و ترك مسجد و محراب نموده ودر سال ۱۳۰۰ در خدمت پدر به نجف مراجعت کرده است .

ورود باصفهان ایشان پس از انجام تحصیلات در ۱۲۹۶ و مسافرت حج باتفاق برادر بزرگ خود مرحوم حاج شیخ محمد تقی (آفانجفی) در سال ۱۲۹۹ مراجعت از این سفر ۱۳۰۰ ودر همین سال ویا سال ۱۳۰۳ مجدداً به نجف مهاجرت نمود .

ظاهراً در دفعه دوم نیز در نجف چند صباحی دروس و مباحثه مشغولیتی داشته لکن آنرا مخالف با عزلت و انزوا و ترك معاشرت با مردم یافته ترك گفته و تا آخر عمر فقط به عبادت و زیارت و ریاضات شرعیه پرداخته است .

از اسامی شاگردان ایشان در این ادوار مختلف اطلاع زیادی نداریم و بطور اجمال میدانیم که افراد زیر از او بهره علمی یافته اند :

- ۱ - مرحوم آقا جلال الدین فرزند مرحوم آقا نجفی
- ۲ - مرحوم حاج سید محمد جواد صدرعاملی فرزند مرحوم آقا سید محمد علی آقا مجتهد
- ۳ - علامه مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی فرزند آن مرحوم
- ۴ - مرحوم ثمة الاسلام حاج شیخ نور الله نجفی

تالیفات :

مرحوم حاج شیخ محمد حسین نجفی بیشتر اوقات خود را به اورا دواذکار و ادبیه مشغول بوده و حالت انزوا و عزلت و ترك معاشرت و اجتناب از اجتماعات حتی حضور در جلسات درس و بحث و مباحثات علمی بر وی غلبه داشته از اینرو کمتر بفکر تألیف و تصنیف بوده است مع الوصف چندین کتاب و رساله تألیف فرموده است که از آنجمله است :

۱ - تفسیر قرآن و آنرا در ایام عزلت خود بمشوب عرفان تألیف نموده است. مرحوم الفت در نسب نامه (ص ۱۲ کتاب : اعلاط در انساب بنقل از نسب نامه) گوید :

جنبه تعبد این کتاب بر جنبه تحقیقش می چربد و بر نهایت خلوص نیت مؤلفش بیشتر از مقام علمی وی دلالت دارد و بهر حال کتاب خوبی است .
مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار (ص ۱۸۰۹ پنجم) در باره این تفسیر می نویسد :

دارای بسی از اخبار محبت و ولایت و بعضی از دقایق عربیت و ادبیت است و همانا (از اول سورة الحمد) تا آخر آیه ۲۰ سورة البقره (فلا تجعلوا لله اندادا و انتم تعلمون) بیشتر نرسیده است .

علامه طهرانی در الذریعه (ص ۲۷۴ چهارم) در باره این تفسیر می نویسد :
وهو مشحون بالتحقیقات مع انه لم يتجاوز عن اواخر سورة البقره (که باید میفرمود : عن اوائل) .

محدث قمی در فوائد الرضویه (ص ۵۲۹ دوم) در باره این تفسیر میفرماید :
اگر تمام می گشت جامع بسیاری از علوم قرآن می گشت .

این بود نظریه مرحوم الفت وداوری این بزرگان بین تفاوت ره از کجاست تا بکجا .

تفسیر نامبرده اولین دفعه بسال ۱۳۱۷ بقطع خشتی بچاپ سنگی در اصفهان بطبع رسیده ودر آخر رساله‌ای بقلم مرحوم ثقة الاسلام حاج شیخ نور الله نجفی در شرح حال آن مرحوم ضمیمه شده که ترجمه آن در مجلد دوم بنظر خوانندگان محترم رسید . اخیراً نیز کتاب بنام : « تفسیر: مجد البیان فی تفسیر القرآن » در تهران زیر چاپ است با مقدمه‌ای بقلم مرحوم مجد العلماء رضوان الله علیه .

۲ - جزواتی در فقه و اصول که در هنگام درس بر شاگردان خود در نجف اشرف املاء میفرموده و آنها آن مطالب را نوشته اند (نقباء البشر بنقل از تکمله) .

۳ - رساله‌ای در اثبات اعجاز قرآن (تاریخ اصفهان صفحه ۹۶ جلد سوم تألیف مرحوم انصاری) .

۴ - رساله‌ای در اصل برات (نقباء البشر) .

نسخه کتاب بنام : « عدة مسائل من البرائه » در نزد عالم فاضل آفای حاج شیخ محمد تقی نجفی موجود است .

آغاز : بسم الله الرحمن الرحيم .

المطالب الثانی فی دوران حکم الفعل بین الوجوب و غیر الحرمة من الاحکام و فیہ مسائل اقول فیما اشتبه حکمه الشرعی الکلی من جهة فقد النص المعتبر کما اذا ورد خبر ضعیف او افتی جماعة ...

انجام : فان كان معلوماً تفصيلاً استدعى الاثبات بمتعلقه فقط وان كان مردداً بین سبئین امضى ذلك العلم الاجمالي الاثبات بكل الطرفين لاعلى ان يكون کل منهما مأموراً به حتى يلزم التشريع بل على . . .

تاریخ نسخه : شب شنبه ۲۶ ذی القعدة ۱۳۲۲ کاتب محمد رضا بن محمد

علی السکی العربستانی خط نسخ بدون شماره صفحه بقطع خستی صفحات
۱۳ سطری برخی از صفحات ۱۴ سطر (و برخی کمتر یا بیشتر در ۲۶۵ صفحه
در حاشیه تصحیح شده است .

در کتاب از : شیخ انصاری و صاحب فصول و محدث بحرانی و عده‌ای دیگری
از بزرگان نقل می کند مالک نسخه موجود : جناب آقای حاج شیخ محمد تقی
نجفی فرزند مرحوم حاج میرزا عبدالحسین فرزند آقا جلال الدین فرزند مرحوم
آقا نجفی رحمة الله علیه وعلیهم .

۵ - رساله‌ای در اصول که آنرا بعنوان مرحوم آقا جلال‌الدین فرزند مرحوم
آقا نجفی تألیف نموده است و ظاهراً نسخه آن نزد عالم فاضل آقای حاج شیخ
محمد تقی نجفی فرزند مرحوم حاج میرزا عبدالحسین موجود است . ممکن است
این رساله همان اصل براءت (قسمت اول) و یا یکی از جزواتی باشد که مرحوم
حاج شیخ محمد حسین نجفی بر شاگردان خود تدریس و املاء مینموده است
والعلم عند الله تبارک و تعالی .

۶ - شرح شرایع (قطعه‌ای در ...) مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان
(صفحه ۶۹ جلد يك) این کتابرا بآن جناب نسبت میدهد .
۸ - رساله‌ای در اصول عقاید نیز بآن عالم جلیل نسبت میدهند .

درس اخلاق

يك درس آموزنده برای همه افراد :

محدث قمی رضوان الله علیه در فوائد الرضویه (ص ۵۲۹ دوم) در ضمن
بیان شرح حال آن مرحوم می نویسد :
وآن جناب شدید البحت قوی الجنان سلیس الکلام بود .

نقل است که چون باصفهان رفت و مرجعیت پیدا کرد در امامت و جماعت
و متصدی حکومت شرعیه گشت و مردم را در منبر موعظه میفرمود .

فرمود وقتی شروع کردم در علم اخلاق و تکمیل نفس دیدم من خودم ناقصم
و شایسته نیست که ناقص تکمیل ناقص دیگر کند « خفته را خفته کی کند بیدار ؟ »
پس دست از جمیع ریاست و مناصب خود برداشتم و از اصفهان بیرون شدم
برای تکمیل نفس خویش (انتهی) .

نویسنده گوید : چه بسیار خوب و مناسب فرموده است :

ذات نایافته از هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش

آنکس که در گرداب هواهای نفس شیطانی خود غوطه میخورد و بفکر نجات
خود از گمراهیها و صفات رذیله خود نیست چگونه میتواند راهنمای دیگران
بصراط المستقیم سعادت و فضائل گردد . تو هر چه می گوید و آنچه می کند
بخواست دل خود می کند نه بخاطر خدا ، او شیطانی است بصورت و لباس
آدمی از او باید ترسید و از معاشرت با او پرهیز کرد .

نقل است که روزی یکی از زنان صحابه کودک خود را بمحضر مقدس
رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم آورد و اظهار داشت که :

ای رسول خدا این فرزند من خرما زیاد میخورد و برای او زیان دارد شما
او را نصیحت فرمائید که خرما نخورد . حضرتش فرمودند او را امروز بپز و فردا
بیاور ، زیرا که من امروز خرما خورده ام . از اینروست که گفته اند : « رطب
خورده منع رطب کی کند » .

این موضوع باید درسی باشد برای کلیه کسانی که میخواهند مردم را هدایت
و ارشاد کنند و از گمراهی و تباهی و فساد اخلاق نجات دهند . خداوند قادر متعال
در قرآن مجید میفرماید :

« یا ایها الذین آمنوا انفسکم واهلیکم ناراً . . . » سورة التحريم آیه ۶
یعنی ای کسانی که ایمان آورده اید خودتان و خانواده خود را در برابر آتش
دوزخ حفظ کنید

در این آیه شریفه بصراحت خود افراد را در موضوع امر بمعروف ونهی
از منکر از دیگر افراد مقدم می شمارد و چرا چنین نباشد تا کسی خود اهل هدایت
و متصف بصفات اسلامی نباشد چگونه میتواند خانواده خود و سپس اجتماع خود
را اصلاح کند .

عیال و فرزندان :

مرحوم حاج شیخ محمد حسین علویه رباب بیگم دختر علامه جلیل مرحوم
آقا سید محمد علی معروف به آقا مجتهد خالوزاده خود را بزوجیت داشته و از این
مخدره سه فرزند یافته است بدین شرح :

۱- علامه فقیه مرحوم آیت الله آقا شیخ محمد رضا ابوالمجدد مسجد شاهی
نجفی اصفهانی .

۲- مخدره خانم زوجه مرحوم سید آقا نور الدین فرزند مرحوم سید ابو
جعفر خادم الشریعه دائی زاده آن مرحومه . مرحوم آقا سید نور الدین در زمان
حیات پدر حدود سال ۱۳۱۹ در نجف اشرف و عیالش حدود سال ۱۳۲۲ بدون
اولاد وفات یافته است .

۳- مخدره آغا بی بی که در مرحله اول زوجه دائی زاده اش مرحوم سید صدر
الدین فرزند علامه مرحوم آقا سید ابو جعفر خادم الشریعه شده و از او دختری
آورد که بزوجیت مرحوم آقا نور الدین مقدس بیدآبادی (متوفی در شب ۲۱
رمضان المبارک سال ۱۴۰۰ مدفون در تکیه مرحوم بروجردی در تخت فولاد

اصفهان در جنب دو برادر خود عالمین عاملین آقا سید علی و آقا سید احمد مقدس
رحمة الله علیها) در آمد .

مخدره نامبرده پس از فوت مرحوم آقا سید صدر الدین خادمی که در ربیع
الثانی سال ۱۲۲۲ در نجف اشرف رویداد بزوجیت خالوزاده دیگرش مرحوم آقا
سید صدر الدین عاملی فرزند مرحوم حاج سید محمد جواد مسجد شاهی فرزند
علامه جلیل مرحوم آقا سید محمد علی آقا مجتهد در آمده و از او فرزندانسی
یافته .

این زن و شوهر بترتیب در سالهای ۱۲۸۸ و حدود ۱۳۶۰ در اصفهان وفات
یافتند .

مسافرتها :

مرحوم حاج شیخ محمد حسین در طول عمر کوتاه خود مسافرتها ی زیور را
انجام داده است :

- ۱ - سفر به عتبات عالیات جهت تحصیل در سال ۱۲۸۱ ق .
- ۲ - مراجعت به ایران پس از تکمیل تحصیلات ۱۲۹۶
در طول این مدت سفرهای عدیده جهت زیارت کربلا و کاظمین و بسامراء
نموده است .
- ۳ - سفر به مکه معظمه در سال ۱۲۹۹ و مراجعت ۱۳۰۰ به اصفهان
- ۴ - هجرت به عراق جهت سکونت و مجاورت در سال ۱۳۰۰ و یا ۱۳۰۳ .
در کتابهای مختلف که بنظر رسیده در تعیین سالهای مسافرت جزئی اختلافی
مشاهده میشود که زیاد مهم و قابل توجه نمی باشد آنچه بیشتر مورد نظر است
حالات روحی این عالم ربانی و فقیه صمدانی و زاهد عارف حقیقی است که در

تمام حالات بخود مشغول بوده و از حال ذکر و فکر آنی غفلت نمیفرموده است
ذکر دائمی او : « یا الله » بوده که از تکرار این کلمه طبیه خستگی و ملال در خود
احساس نمی کرده است فطوبی له ثم طوبی له .

در اصفهان پس از پشت پا زدن بمقبولیت عامه و توجه خواص در گوشه انزوا
خزیده و گوشه ای تاریک جهت عبادت خود انتخاب کرده و همی بیاد خدای گریسته
و از خوراک و پوشاک به اندکی قناعت مینموده و مازاد آنرا بفقراء و محتاجین
می بخشیده است .

فوت و محل دفن

مرحوم حاج شیخ محمد حسین پس از يك عمر ریاضت در اوائل ظهر روز
يك شنبه غره ماه محرم الحرام سال ۱۳۰۸ پس از چهل دو سال عمر الا يك
روز (چهل و يك سال و یازده ماه و بیست و نه روز تمام) در نجف اشرف وفات
یافته و در صحن شریف در حجره معروف به : « مقبرة العلماء » مدفون گردید .
این حجره واقع است در سمت مغرب صحن مطهر علوی متصل بباب معروف
به « سلطانی » طرف راست کسی که وارد صحن مطهر میشود .
برخی از مدفونین در این حجره : عده زیادی از علماء از قدیم و جدید در
این حجره مبارکه مدفون گردیده اند که اسامی عده ای از آنها بدینقرار است :

۱ - حاج شیخ محمد حسین نجفی اصفهانی (۱۲۶۶ - ۱۳۰۸)

۲ - شیخ عبد علی بن امید علی رشتی مجاز از شیخ جعفر کاشف الغطاء و سید

بحر العلوم و مؤلف : منهاج الکلام

۳ - حاج شیخ محمد علی ثقة الاسلام اصفهانی

۴ - سید محمد علی آقا مجتهد اصفهانی

- ۵ - حاج ملا فتحعلی عراقی از خواص میرزای بزرگ شیرازی (۱۳۱۸)
- ۶ - حاج میرزا مسیح طهرانی (۰۰۰۰ - ۱۲۶۳)
- ۷ - ملا میرزا محمد اندرمانی طهرانی شاگرد صاحب جواهر
- ۸ - سید صدر الدین محمد عاملی اصفهانی (۱۱۹۳ - ۱۲۶۴)
- فائده : در فوائد الرضویه (ص ۲۳۶ یکم) در شرح حال شیخ عبد علی رشتی
 بنقل از تکلمه امل الامل تألیف مرحوم سید حسن صدر الدین کاظمینی می نویسد :
 در نجف وفات یافت و در حجره ما (حجرتنا) که قبر سید صدر الدین است
 دفن گردید .

ماده تاریخ وفات :

- در تاریخ فوت مرحوم حاج شیخ محمد حسین شعراء و گویندگان عربی
 و فارسی اشعاری گفته اند از آنجمله :
- ۱ - جمله « ثلم الاسلام ثلمه » یکی از مواد تاریخ است که در رساله‌ای که
 مرحوم حاج آقا نورالله درباره برادر خود نوشته گوید : این جمله را من در
 تاریخ آن یافتم .
- ثلمه به هاء باید حساب شود .
- ۲ - یکی از شعراء گفته است (شاید ضمن قطعه‌ای بوده است)
 « با حسین شهید شد محشور » .
- ۳ - مرحوم ثقه الاسلام حاج شیخ نورالله نجفی نیز دو قصیده در مرثیه برادر
 خود گفته که در جلد دوم بدانها اشاره شد .
- ۴ - مرحوم سید جعفر حلی (۱۲۷۷ - ۱۳۱۵) شاعر معروف و از نوابغ
 شعر و ادب و رفیق و دوست یکدل مرحوم آقا شیخ محمد رضا نیز قصیده‌ای در

مرثیه آن مرحوم در ۴۷ بیت سروده و از او و خاندانش بعظمت و بزرگی یاد کرده
و هم دوست خود را تسلیت و تعزیت گفته است .

این قصیده در دیوان مرحوم سید جعفر که بنام : « سحر بابل و سجع
البابل » در سال ۱۳۳۱ در صیدا بچاپ رسیده از (ص ۴۱۷ تا ۴۱۹) موجود
است .

در باورقی مکارم الآثار (ص ۱۸۱۲) مطلع و مقطع قصیده نقل شده و همچنین
مرحوم مجد العلماء در « المختار من القصائد والاشعار » هفت بیت آنرا نقل
نموده است (ص ۱۹ نسخه خطی) .

اینک تمام قصیده نقل از دیوان نامبرده :

ما زال قوسك نبله یرمینا	کم یا هلال محرم تشجینا
بالدین یوغل حدك المسنونا	ما انت الاخنر بید الردی
لأرأیتك تشبه العرجونا	ولقد جنیت ثمار صنعك مرة
لكن اراك من البلا مشحونا	فلتجرین بلج افك زورقا
مما تشل بنصلها المطمونا	بل انت صعدة جابر مشية
لعذا بلحم الطائرات بطینا	لو كنت في كف الغضنفر مخلباً
کي تمحون من السودا عیونا	اشبهت نون الخط لكن ایضا
تغرب فما ابهى اللیالی الجونا	اطلعت کي تجلوا اللیالی الجون فله
لو كنت طيراً لم تكن میمونا	کابحت بروء یتك العیون جمعیها
یالیت برجك لم یکن مسکونا	قد قدرتک ید الاله منازل
تدع المصائب فی سواه عوناً	تأني بشهرك کل بکر مصیبة

و تعد في قرب الولود جيننا
 فلقد صرعت كما اشتبهت الدينا
 لتركت للشرع الشريف امينا
 انا وقد عزم الرجل بقينا
 حتى خططن لموته التأينا
 و اعزها و ابي عليها الهونا
 وبه نخطي من يقول (بنونا)
 مازاد في كشف الغطاء يقينا
 كابدت داه في حشاي دفيننا
 كل الجوارح ان تكون جفونا
 ليقال ان من العيون عيونا
 فقدانه من يمنع الماعونا
 و الناس عن صلواتهم ساهونا
 ان قابل المحراب منه جينا
 في اصبهان و اتلفوا القانونا
 اولى به ان لم يكن محقونا
 ودم الزنادق لم يكن مأمونا
 للأمن منهم لم يكن مأمونا
 ركبوا له نصر الاله سفينا
 وارى الرضا بعلى ابيه قمينا

فبفلكك العالي نعدك اشيبا
 اكف سهامك يا زمان عن الورى
 لو تترك لنا الامام ابا الرضا
 و امض في احشائنا من فقهه
 ما جفت الاقلام من اطرائه
 سبط لجعفر^(١) حاط ملة جعفر
 هو بعضه من جعفر و هو ابنه
 ولجده كشف الغطاء و ان يكن
 اضحى دفيننا في التراب و بعده
 فلا بكن لفقده متمنيا
 و لاروين حشا الثرى بمدامعي
 لا يمنع الماعون من افضاله
 يسهو عن الدنيا بذكر صلواته
 يلقي على المحراب نور امامة
 هم معشر نهضوا بدين محمد
 و المقتفي القانون في احكامه
 مدر و ادم القوم الذين تزدقوا
 لو أن بابيا تعلق بالسهي
 ولو انه من خلف سبعة البحر
 لا اسخطن من الزمان لفعله

(١) جده من امه - كما تقدم - الشيخ الاكبر كاشف الغطا قدس سره

مولى تحمل علم اهل البيت بالا
 يرنو المغيب في فراسة مؤمن
 سبط اليمين فلو رأتها ديمة
 ولا نشدتها اذا يمزقها الهوى
 واذا نظرت لحسنه ووقاره
 لو تنظر الحرباء ليل وجهه
 خذها كطبعك فهي تقطر رقة
 لو كان في الشعراء مثلى سابق
 كل المصائب قد تهون سوى التي
 يوم به ازدلفت طغاة امية
 نادى الاهل من معين فلم يجد
 فبقي على وجه الصعيد مجرداً
 وسروا ابنسوته على عجب المطا
 او مثل زينب وهي بنت محمد
 وغدا قبالتها يقلب مبسما
 نثرت عقيق دموعها لما غدا
 لهم لا كسبا ولا تلقينا
 فبحده تجدد الظنون يقينا
 حلفت وقالت ما وصلت يمينا
 (ماذا لقيت من الهوى ولقينا)
 فلقد رأيت البدر والراونا ١١
 لتلونت فرحاً به تلوبنا
 وتسيل مثل ندى يدك معينا
 لتركته بادي العثار حرونا
 (تركت فؤاد محمد محزوننا)
 كي تشفين من الحسين ضغونا
 الا المحددة الرقاق معينا
 مانال تغسيلا ولا تكفيننا
 تطوي سهولا بالفلا وحزوننا
 برزت تخاطب شامتا معلونا
 كان النبي برشفه مفتونا
 بعصاه ينكت اولؤ مكنونا

١٠ - حاج شيخ محمد حسين امام نجفى

.....-١٣٩٢

فرزند مرحوم آيت الله حاج شيخ جمال الدين نجفى .

(١) الراهون جبل

داماد مرحوم حاج شیخ محمد تقی نجفی (آقا نجفی) هموی گرامی خود
موسوم به : ملکه خانم .

در اصفهان متولد گردیده و در نزد بسیاری از بزرگان و مجتهدین این شهر
و نجف اشرف تحصیل نموده در فقه و اصول و حکمت و فلسفه صاحب نظر گردید.
وی به « امام نجفی » شهرت داشته است . عالمی فاضل و دانشمندی کامل بود .
از آثار او دو جلد کتاب بنام : « خدا هست » به فارسی بچاپ رسیده است .
مشار الیه در روز ۳ شنبه ۱۹ صفر سال ۱۳۹۲ در اصفهان وفات یافته در
تخت فولاد در بقعه تکیه مادر شاهزاده در پشت قبر پدر مدفون گردید .
مرحوم امام نجفی از مخدیره نامبرده فرزندان برومند و تحصیل کرده بجای
گذاشت که هر یک در مقام خود از فضلاء و دانشمندان این خاندانند اگر چه
در لباس روحانیت نمی باشند .

اگر چه نویسنده بعلی از ذکر نام افراد دانشمند و فاضل این خاندان جلیل
و وابستگان بدانها که اکنون در قید حیاتند و سلامتی و موفقیت همه آنان را از
خداوند قادر منان مسئلت دارم خودداری کرده و از همه آنان پوزش طلبیده ام لکن باز
بجهاتی چند که ذکر آنها مورد ندارد بنام برخی از آنها اشاره شده است اینک
گوئیم :

نویسنده توانا و مترجم زبر دست آقای ابوالحسن نجفی فرزند مرحوم حاج
شیخ محمد حسین امام نجفی یکی از مفاخر ادبی این خانواده بوده و از ترجمه های
ایشان چندین کتاب و رساله بچاپ رسیده و مورد توجه و عنایت اهل تحقیق و مطالعه
قرار گرفته است . کتاب : غلط نویسیم ایشان که در سال قبل بچاپ رسیده از
جمله کتابهایی بود که مورد نظر پژوهشگران قرار گرفته است و همگان آنرا
پسندیدند و نویسنده آنرا مورد تجلیل و ستایش قرار دادند . توفیق بیشتر ایشان را
در راه خدمت بعلم و ادب از خداوند مسئلت دارم .



۱۱ - حاج شیخ زین الدین نجفی

۱۳۲۸ - ۱۴۰۷ ه. ق

فرزند مرحوم حاج شیخ محمد اسماعیل نجفی عالم جلیل فاضل صالح
متقی .

در روز ۳ شنبه ۱۰ ربیع الثانی سال ۱۳۲۸ در کربلا متولد گردیده پس از
گذراندن ایام صباوت و فراگرفتن مقدمات علوم به اصفهان در اوائل جوانی
مهاجرت نموده و ابتداء نزد عالم فاضل مرحوم حاج ملا فرج الله دری در مدرسه
عربان و از آن پس به محضر حضرت آیت الله حاج شیخ عباسعلی ادیب حبیب
آبادی حاضر گردیده و سطوح عالیہ و خارج فقه و اصول را نزد ایشان تلمذ نمود.

مرحوم حاج شیخ زین الدین عالمی خلیق و مهربان و در رسیدگی بامور ضعیفان و درماندگان ساعی و کوشا دور از خود نمائی و ریسا میزبست و در نزد کلیه طبقات بالاحص علماء و روحانیون محترم و معزز بود .

سرانجام در بامداد یکشنبه ۱۵ ذی قعدة سال ۱۴۰۷ پس از یک عمل جراحی وفات یافته و جنازه ایشان در بقعه مرحوم آقا شیخ محمد تقی نجفی جد بزرگوارش مدفون گردید .

محل قبر ایشان در بقعه نامبرده بالاسر مرحوم شیخ در پشت سر قبر مرحوم علامه زاهد حاج میرزا زین العابدین موسوی خونساری در پای دیوار قرار دارد . نویسنده علاوه بر قرابت سببی که با ایشان دارم متجاوز از چهل سال نیز رفاقت و دوستی واردات خدمتشان داشتم و الحق ویرا مسلمانی وارسته و عالمی بزرگوار و دوستی صادق یافتم خدایش با صادقین و صالحین محشور فرماید بمنه و کرمه .

ماده تاریخ وفات

ادیب ارجمند و گرامی و شاعر گرانمایه آقای فضل الله اعتمادی متخلص به « برنا » در رثاء و ماده تاریخ فوت ایشان گوید :

فاضل و روحانی ذی عز و شأن	سر شناس مردم پیرو جوان
یادگار دودمان زهد و علم	شیخ زین الدین نبیل مهربان
طالب علم و مطیع امر حق	از رجال و صالحین اصفهان
دست خود شست از حیات عاریت	پا کشید از قید آمال جهان
از مضافات و علائق دیده بست	کرد از قید بدن آزاد جان
روسوی جانان نمود از این سرا	شد بسی آزوده ز ایناه زمان
الغرض چو سال فوتش خواستند	تا نشان باشد بر اهل فضل ، آن

زد رقم برنا بابجد مصرعی «سوی جنت زین دین رفت از جهان»

۱۴۰۷

و همچنین حجة الاسلام آقای حاج شیخ حبیب الله روحانی کاشانی در مرثیه

و ماده تاریخ گوید :

عالم و فاضل و نبیل و امین	آیت الله شیخ زین الدین
یار ام الكتاب و شرع مبین	پیرو امر دین و حامی خلق
خلف الصدق عالمان مهین	آنکه بود از طریق اصل و نسب
در جهان چیست خدمتی به از این	مینمودی بمستند احسان
گفت لیک در پی تمکین	چونکه از دوست ارجعی بشنید
در فراقش همه شد غمگین	شد ز دار فنا و یارانش
« برده وی رو بسوی خلد برین »	طبع روحانی سال فوتش گفت

۱۴۰۷

۱۲ - حاج میرزا عبد الحسین نجفی

ح ۱۳۱۲ - ۱۳۴۸

فرزند مرحوم آقا جلال الدین فرزند مرحوم حاج شیخ محمد تقی آقا نجفی

علیهم الرحمه

مرحوم حاج میرزا عبد الحسین در حدود سال ۱۳۱۲ در اصفهان از دختر
مرحوم آقا سید محمد رضا روضه خوان متولد گردید . در زمان حیات پدر در
مسجد شاه به امامت پرداخت . در نزد جمعی از بزرگان این شهر تحصیلاتی
نمود و در مسجد شاه نیز خود حوزه تدریس تشکیل داد و جمعی از فضلاء
و مجتهدین گمنام را در نزد خود نگهداشته و بوسیله آنان بفصل خصوصیات
ورسیدگی بدعوات مردم پرداخت (یکی از فضلاء و مجتهدین حاضر در جلسات

او مرحوم حاج ملا اسد الله معروف به حاج فاضل بید آبادی بوده است) .
مرحوم بلاغی در اعلاط در انساب (ص ۲۰) بنقل از نسب نامه مرحوم
الفت می نویسد :

بمساعی پدرش جانشین آقا نجفی شد و با شور و شعفی مسجد و محراب
و منبر موعظه و کرسی تدریس و تولیت اوقاف او را تصاحب نمود و آمال و آرزوهای
بسیار داشت (انتهى ملخصاً) .

فوت : مرحوم حاج میرزا عبد الحسین در شب ۲۲ رجب سال ۱۳۴۸ در
اصفهان وفات یافته نخست در مقبره آقا نجفی مدفون و پس از ۳ سال جسد او را
بمشاهد مشرفه ائمه عراق علیهم السلام حمل کردند .

عیال و اولاد : صاحب عنوان دختر مرحوم آقا محمد جواد قزوینی در دشتی
را بزوجیت داشته و از این مخدره چهار فرزند پسر و چهار فرزند دختر یافت :

۱ - حاج شیخ محمد علی فوت ۲ شنبه ۱۰ ربیع الاول ۱۳۸۷ مدفون در بقعه

آقا نجفی

۲ - حاج شیخ محمد حسین

۳ - حاج شیخ محمد تقی عالم بزرگوار سلمه الله تعالی

۴ - حاج آقا نور الدین فرت شوال ۱۳۹۸ مدفون در مقبره آقا نجفی

بیان مرحوم آقا سید زین العابدین ابرقوئی

مرحوم عالم جلیل عارف زاهد متقی آقا سید زین العابدین ابرقوئی در کتاب :

« ولایة المتقین » حدیثی از کتاب کافی باین شرح نقل می کند :

يك طائفة از بندگان خدا هستند که تولدشان در عافیت و آسودگی ، و تعیش

می کنند در دنیا بعافیت و راحتی و می میرند در عافیت و خرسندی . یعنی از بدو

طفولیت تا از این دنیا بروند دائماً در خرسندی و راحتی می باشند ، تا آنکه وارد بهشت گردند و این بنده يك نفرا يقين دارم که مصداق فرمایشات حضرت امیر علیه السلام بود اما لذت و عاقبت دنیایش را با لعیان مشاهده نمودیم که همیشه در عیش و کامرانی و صحت و عاقبت و ثروت و تمول روزگار شیرین با عزت و شرافت بود . و اما آخرتش را و بهشت رفتنش را از آنجایی که بعد از چند سال قبرش را شکافتند بدنش ترو تازه بود همانطور که آنرا غسل داده بودند همانطور بود الحمد لله که مصداق این کلمات مولی بالحس والعیان از برای احقر ظاهر گردید (انتهی) در پا ورقی (ص ۱۰۰ چاپ دوم) می نویسد :

ظاهراً مراد ، مرحوم حاج شیخ عبدالحسین نجفی استاد مؤلف است



۱۳ - حاج شیخ محمد علی نجفی

۱۲۷۱ - ۱۳۱۸

نام : شیخ محمد علی

پدر : مرحوم حاج شیخ محمد باقر نجفی فرزند شیخ محمد تقی صاحب
هدایة المسترشدين

مادر : دختر علامه جلیل فقیه ادیب رجالی مرحوم آقا سیدصدرالدین موسوی
عاملی علیه الرحمه .

همسر : مخدره محترمه فاطمه خانم مشهور به : « میرزا بیگم » دختر مرحوم
آقا محمد ابراهیم تاجر قزوینی اصفهانی . مادر این مخدره علویه رضویه بانو
خدیدجه سلطان بیگم نام داشته است .

مخدره میرزا بیگم پس از فوت شوهر بسرپرستی فرزندان و رسیدگی بامور
آنان پرداخته و در شب جمعه غره جمادی الثانیه ۱۳۵۲ در اصفهان بمرض استسقاء
بسن قرب بهفتاد وفات یافت (بنا بر این تولد مشارالیه حدود سال ۱۲۸۲ خواهد
بود) و جنازه بقم منتقل گردیده و در حجره مجاور حجره مرحوم حاج شیخ
فضل الله شهید نوری نور الله مضجعه الشریف مدفون گردید و بعداً فرزندش
مرحوم شیخ ابوالفضل نجفی را نیز در ایوان همین حجره مدفون ساختند .

لقب و شهرت : مرحوم حاج شیخ محمد علی به « ثقة الاسلام » شهرت
داشته است .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان (ص ۱۱۶ جلد یکم) در ضمن شرح
حال مختصری که از او مینویسد گوید :

ثقة الاسلام حاج شیخ محمد علی ولد اوسط حجة الاسلام حاج شیخ محمد
باقر در عقل ودانائی و ترویج شرع مطهر بی نظیر بود و این لقب را برارنده
مینمود .

پس از فوت آن مرحوم لقب ثقة الاسلام را به برادر دیگرش مرحوم حاج آقا نور الله نجفی دادند و او بدین لقب معروف گردید .

ثقة الاسلام کلینی: تا حدود يك قرن قبل از این القاب و کلماتیکه برای معرفی علماء و بزرگان بکار برده میشد محدود و در تحت قانون و قاعده و ضابطه ای بود هر کسی را محدث و یا حکیم و ادیب نمی گفتند کلماتی مانند: آیت الله - حجة الاسلام - ثقة الاسلام - علامه و امثال آنها بر همین قیاس مثلا: لقب آیت الله اختصاص داشت به علامه حلّی

لقب ثقة الاسلام مخصوص بود به جناب ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی. حجة الاسلام فقط به حاج سید محمد باقر شفتی بید آبادی گفته می شد . اما در دوره های بعد یعنی از قریب یکصد سال و شاید کمتر این القاب عمومیت یافت و کسانی دیگر را نیز بآن نامیدند و شهرت یافتند . بطور مثال: ثقة الاسلام تبریزی: میرزا علی آقا فرزند شیخ موسی (۱۲۷۷ - ۱۳۴۰) که در عصر روز عاشورای سال نامبرده روسها و برابا عده ای دیگر از مردم تبریز بدار آویختند و در تاریخ شهادت او گفتند:

« قتل روز عاشورا » محرم

بشمسی سال شد « آلوده درغم »

۱۲۹۰

۱۳۴۰

وی مؤلف کتب چندی است از آن جمله: مرآت الکتب در چهار مجلد که

دو جلد بطبع رسیده است .

ثقة الاسلام مازندرانی: سید محمد بن فضل الله .

ثقة الاسلام مشهدی: سید عبدالمجید خادمی (ص ۲۷۴ یکم نقباء البشر).

ثقة الاسلام نوری: مرحوم حاج میرزا حسین نوری مؤلف بزرگوار:

مستدرک الوسائل و عده زیادی کتب و رسائل دیگر نیز به ثقة الاسلام و محدث

نوری معروف است .

اما در اصفهان : سه نفر به لقب ثقة الاسلام شهرت یافتند بدین ترتیب :

۱ - ثقة الاسلام اصفهانی : حاج شتخ محمد علی صاحب عنوان .

۲ - ثقة الاسلام نجفی : حاج آقا نور الله نجفی اصفهانی .

۳ - ثقة الاسلام میر محمد صادقی : مرحوم آقا سید عبد الله مدرس میر

محمد صادقی عالم جلیل محقق مدقق این سه نفر هر يك پس از مرگ دیگری

باین لقب شهرت یافته اند .

برای کسانی که به القاب دیگر معروفند باید بکتابهای مربوطه مراجعه شود
و بخصوص باید توجه داشت که در زمان ما کلمه حجة الاسلام و شریعتمداری مانند
الفاظ جنابعالی و حضرت تعالی از تشریفات معمولی است و از آن هیچگونه معنی
و مفهومی در نظر گرفته نمیشود . فتدبر .

تولد : مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الانار (ص ۱۹۷۴ ششم) تولد

او را در احد الربیعین می نویسد و مرحوم حاج شیخ مهدی نجفی در : الانهار
(ص ۲۵) در ربیع الاول سال ۱۲۷۱ ذکر می کند .

اساتید و مشایخ اجازه مرحوم حاج شیخ محمد علی ثقة الاسلام :

مرحوم حاج شیخ محمد علی ثقة الاسلام مقدمات علوم و قسمتی از سطح
و خارج را در نزد پدر دانشمند خود و جمعی دیگر از بزرگان بخوبی فرا گرفت
در هفده سالگی یعنی حدود سال ۱۲۸۸ رهسپار نجف اشرف گردید و در آن ارض
اقدس در خدمت اساتید بزرگ بکسب علوم و معارف با جدیت تمام اشتغال جست
و از آن پس بسامراه مشرف گردیده و محضر میرزای بزرگ شیرازی مرحوم
آیت الله میرزا محمد حسن را درك نمود و از آنجا مجدداً به نجف برگشته و پس

از وصول بمقام اجتهاد و کسب اجازات به اصفهان مراجعت نموده و در زمان حیات پدر بدرس و مباحثه شروع نموده اساتید او تا آنجا که اطلاع داریم بقرار زیر میباشند :

۱ - حاج شیخ محمد باقر نجفی پدر بزرگوارش استاد و شیخ روایت

۲ - حاج میرزا حبیب الله رشتی استاد

۳ - آیت الله میرزا محمد حسن شیرازی ، جناب میرزا : استاد

(شیخ حسن بن جعفر و صاحب جواهر بوسیله پدرش بطوریکه در مکارم الآثار

ص ۱۹۷۴ ششم نقل کند) .

۴ - شیخ راضی نجفی

۵ - شیخ مهدی بن شیخ علی کاشف الغطاء نجفی و این پنج نفر را مرحوم

آقای حاج شیخ مهدی نجفی فرزند آن مرحوم در کتاب : الانهار (ص ۴۱) نام

برده است .

اسامی برخی از شاگردان و مجازین از مرحوم ثقة الاسلام :

مرحوم حاج شیخ محمد علی پس از مراجعت از نجف اشرف به اصفهان همان

روزانه اول به تدریس و بحث پرداخت و پس از وفات پدر به اقامه جماعت پرداخت

وی در مسجد شاه و مدرسه عربان تدریس و در سال آخر عمر در مدرسه ای که خود

بنا کرده بود، مدرسه ثقة الاسلام جلسه تدریس فقه و اصول منعقد ساخت و چون عالمی

خوش بیان و صاحب تحقیقات و تدقیقات رشیکه دقیقه ای بود فضلاء محصلین بحوزه

درس او رو نمودند هم از مباحث علمی او بهره مند میشدند و هم از خوان نعمت او

متنعم میگردیدند .

مرحوم حاج شیخ مهدی نجفی فرزند ایشان در کتاب الانهار (ص ۲۸)

در این باره می نویسد :

« وكان مجلس درسه ملجأ الاصاغر والاكابر ولم يكن هناك مجمع الفضلاء
المحصلين اكثر من ذلك المجمع وبلغ تلاميذه من المحصلين الى مائة وخمسين .
شاگردان و حاضرین حوزه درس او عموماً همان شاگردان مجلس درس
برادرش مرحوم حاج شیخ محمد تقی آقا نجفی بودند و بیشتر طلاب ساکنین
مسجد شاه - مدرسه ناصری - عربان - الماسیه - مریم بیگم و برخی از مدارس
دیگر اصفهان . ذیلاً بنام برخی از آنان اشاره می کنیم :

- ۱ - مرحوم میرزا سید محمد جعفر میر دامادی سدهی
- ۲ - مرحوم آیت الله العظمی آقا سید جمال الدین گلپایگانی (۱۲۹۵ - ۱۳۷۷)
- ۳ - مرحوم آقا شیخ محمد جواد صافی گلپایگانی (۱۲۸۸ - ۱۳۶۸)
- ۴ - شیخ حبیب الله نائینی (فوت ۱۳۴۸)
- ۵ - مرحوم آقا سید محمد حسن قوچانی معروف به آقا نجفی
- ۶ - مرحوم میر سید حسن میر دامادی سدهی (فوت ۱۳۲۲)
- ۷ - مرحوم آقا سید حسن واعظ : فانی یزدی اصفهانی (۱۲۷۱ - ۱۳۳۸)
- ۸ - مرحوم آیت الله میرزا سید حسن روضانی چهار سوقی (۱۲۹۴ - ۱۳۷۷)
- ۹ - مرحوم حاج میرزا محمد حسین مدرس کهنگی (حدود ۱۲۸۸ - ۱۳۷۶)
- ۱۰ - مرحوم آقا حسین بلند موسوی (فوت ۱۳۴۸)
- ۱۱ - مرحوم سید عبدالوهاب معین العلماء مهدوی (۱۲۸۴ - ۱۳۶۸)
- ۱۲ - مرحوم حاج سید محمد علی معین الاسلام (۱۲۹۰ - ۱۳۸۴)
- ۱۳ - مرحوم شیخ علی اکبر بن محمد صادق سدهی (فوت ۱۳۳۹)

۱۴ - مرحوم حاج سید فخر الدین رضوی خونساری (فوت ۱۳۴۸)

۱۵ - مرحوم آقا سید محمد لطیف طباطبائی ابرقوئی خواجه‌روئی (حدود

(۱۲۸۵ - ۱۳۷۸)

۱۶ - مرحوم حاج ملا محمد هرتمنی (فوت ۱۳۶۱)

۱۷ - مرحوم حاج شیخ مهدی نجفی فرزند ایشان (۱۲۹۸ - ۱۳۹۳)

وده‌ها تن دیگر که فعلا اسامی آنها بر نویسنده مجهول است .

فائده : یکی از شاگردان مرحوم حاج شیخ محمد علی ثقة الاسلام مرحوم

عالم جلیل سید سند آقا سید محمد حسین بن آقا سید محمود بن آقا سید محمد

جواد موسوی معروف به : آقا حسین بلند می‌باشد که بمناسبت سکونت در محله

مسجد حکیم گاهی ایشان را به مسجد حکیمی نیز میخواندند .

نویسنده در کتاب « رجال اصفهان » در ضمن اسامی شاگردان مرحوم

درچه‌ای (ص ۲۰۸) و همچنین در کتاب : « دانشمندان و بزرگان اصفهان » (ص

۳۰۰) نامی از آن مرحوم برده و فقط متذکر شده‌ایم که وی از بهترین و سر

آمد شاگردان مرحوم آقا سید محمد باقر درچه‌ای بوده و در یکی از مسجدهای

بازار بجای پدر امامت مینموده و امید ترقیات زیادی درباره او بوده لکن متأسفانه

در سال ۱۳۴۸ در سفر عتبات در کرمانشاه وفات یافته و ظاهراً همانجا مدفون

گردید .

در کتاب : « تراجم الرجال » (ص ۵۲) دانشمند محقق متتبع بزرگوار

حجة الاسلام آقای حاج سید احمد حسینی اشکوری شرح حال نسبتاً جامعی از

آن مرحوم نوشته که مناسب چنان دانستیم که آنرا بطور اجمال در این جا نقل

کنیم :

در سال ۱۲۹۷ در اصفهان متولد گردیده و در نزد بزرگان علم و دانش این

شهر تلمذ نموده و از اساتید فقه او یکی مرحوم حاج شیخ محمد علی نجفی است و عمده تحصیلات او در نزد مرحوم آقا سید محمد باقر درجه‌ای بوده و از مشاهیر شاگردان این استاد بزرگوار بشمار میرفته و مرحوم درجه‌ای ویرا اجازه اجتهادی داده که در آن مقام علمی او را بسیار ستوده است وی همچون استاد خود عالمی پرهیزگار و فقیهی دقیق بوده اوقات شب و روزش مرتب و منظم و هر ساعتی را برای کاری اختصاص داده بود که از آن تخلف نمی‌کرد مگر گاهی آنهم بجهت ضرورتی مهمتر . اوائل شب را می‌خوابید و حدود دو ساعت به اذان صبح از خواب برمی‌خاست و بمطالعه و عبادت و نوشتن مطالب علمی میپرداخت پس از طلوع آفتاب بدرس و مباحثه و رسیدگی بامور مراجعین میپرداخت قبل از ظهر کمی استراحت مینمود . بعد از ظهرها نیز بمطالعه و تألیف میپرداخت . (ظهر و شب در مسجد نزدیک مدرسه نیم‌آورد در بازار اقامه جماعت مینمود و عده‌ای از خواص مؤمنین در جماعتش حضور می‌یافتند) .

کتاب و رسائل زیر از آثار علمی اوست : ۱ - رساله در اجتماع و نهی ۲ - رساله در اجزاء ۳ - ادله عقلیه ۴ - اوامر ۵ - تداخل اسباب ۶ - ترتب ۷ - تعادل و تراجمیح ۸ - تقریرات مرحوم حاج شیخ محمد علی نجفی ۹ - حاشیه بر فرائد الاصول ۱۰ - خلل ۱۱ - دلالة النهی علی فساد المنهی عنه ۱۲ - صحیح و اعم ۱۳ - قاعده فراغ و تجاوز ۱۴ - مسأله ضد ۱۵ - مقدمه واجب ۱۶ - نیسه الصوم ۱۷ - الوضع .

مرحوم آقا حسین در سال ۱۳۴۲ (مطابق نوشته تراجم الرجال) بزیارت اعتبار مقدسه ائمه عراق علیهم السلام مشرف گردید و در نجف دچار بیماری شد و در مراجعت در همین سال در کرمانشاه وفات یافته در مقبره پشت مقبره آقا محمد علی کرمانشاهی مدفون گردید رحمه الله علیه .

تالیفات و تصنیفات

مرحوم ثقة الاسلام در طول عمر نسبتاً کوتاه خود موفق گردید کتابهای چندی تألف و تصنیف کند ذیلاً به اسامی آنها اشاره می‌کنیم :

۱ - رساله در اصول دین و اخلاق در سال ۱۲۸۸ تألیف شده و بسال ۱۲۹۷ بطبع رسیده است بفارسی .

۲ - حواشی بر ارشاد الازهان علامه حلی که بدستور ایشان فرزندش حاج شیخ مهدی بفارسی ترجمه نموده و ایشان بر آن حاشیه نوشته‌اند (ص ۱۲ کتاب الانهار - ص ۷۷ چهارم الذریعه) .

۳ - حواشی بر مجمع المسائل در سال ۱۳۲۳ در طهران با حواشی مرحوم آقا نجفی بچاپ رسیده نسخه‌ای از آن بشماره (۷۲) کتب چاپی فقه و اصول در کتابخانه مدرسه فاضلیه مشهد مقدس بوده است (ص ۱۵۱ فهرست کتابخانه فاضلیه) .

۴ - حواشی بر رساله عملیه فارسی در عبادات بنام : « سراج العوام و مشکوة الظلام » تألیف مرحوم میرزا احمد بن محمد علی واعظ اصفهانی که با حواشی مرحوم آقا نجفی بچاپ رسیده است (ص ۱۹۷۴ مکارم الاثار ششم - پاورقی) .

۵ - رساله در کیفیت نماز شب و استخاره و نماز جناب جعفر طیار که بخواهش مرحوم میرزا سلیمان خان رکن الملك نایب الحکومه اصفهان تألیف گردیده و در سال ۱۳۱۱ دو مقدمه قرآن چاپ رکن الملکی بطبع رسیده است

* - لسان الصدق در مواعظ و اخبار بفارسی مطبوع .

علامه طهرانی در الذریعه (ص ۵ هیجدهم) و مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار (ص ۱۹۷۳ ششم) و همچنین علامه طهرانی در نقباء البشر (ص

۱۳۴۸ چهارم) این کتاب را جزو تألیفات مرحوم ثقة الاسلام نام برده‌اند لکن مرحوم خانباامشار در فهرست کتابهای چاپی فارسی (ص چهارم) می‌نویسد: تألیف شیخ احمد بن محمد حسین خونساری متوفی بسال ۱۳۴۵ مطبوع در طهران .

علامه مفضال جناب آفسای روضاتی در پاورقی مکارم الانار (ص ۱۹۷۴ ششم) شرحی در باره علت اشتباه مرحوم علامه طهرانی مرقوم فرموده است طالبین مراجعه نمایند .

۶ - رساله در معاصی کبیره بفارسی مطبوع . مرحوم ثقة الاسلام در این کتاب نام یکصد گناه از گناهان کبیره را با ذکر اخبار و آیات و ادله بیان نموده و در خاتمه کتاب فضیلت توبه و شرایط آن را ذکر کرده است .

۷ - رساله در مناسک حج بفارسی مختصر و مطبوع .

۸ - رساله در ولایات بهربی مطبوع سال ۱۳۱۳ بقطع خشتی بخط محمد علی بن محمد صادق ورنو سفاد رانی (سدهی) در ۱۷۴ صفحه .

علامه محقق متببع جناب حاج سید محمد علی روضاتی در پاورقی شرح حال مرحوم ثقة الاسلام در کتاب مکارم الانار (ص ۱۹۷۳ ششم) درباره این کتاب می‌نویسد :

این رساله محققانه فقهی عربی که در مسئله ولایت پدر وجد و وصی و حاکم شرع است بقطع ربع در ۱۷۴ صفحه (ظاهراً در اصفهان) چاپ شده بسعی حاجی میرزا محمد جعفر گلستانه تاجر کتابفروش اصفهانی (از سادات گلستانه) و آقا محمد حسن بن محمد جعفر تاجر کتابفروش اصفهانی و کاتب آن : « اقل الطلاب واحقر الکتاب » محمد علی بن محمد صادق ورنو سفاد رانی سدهی اصفهانی است که در ۸ ماه رمضان ۱۳۱۳ هـ از آن فراغت یافته و لابد در همانسال

بطبع رسیده است. روی صفحه اول مدح بلیغی از مؤلف نوشته شده و خود در سر آغاز کتاب گوید: « اما بعد فیقول العائر القاتر محمد علی بن محمد بساقر: هذه وجيزة فی مسائل الولايات الخ... » .

بیان مرحوم انصاری: مرحوم حاج حسن خان جابری انصاری در کتاب « تاریخ اصفهان وری » در ضمن وقایع سال ۱۳۱۵ (ص ۳۲۷ قسمت پائین صفحه) می نویسد:

در محله احمد آباد حاج آقا منیر الدین که یکی را که مست بوده گفته بود نگاهدارند تا بهوش آید (جهت اجرای حد) شیخ العراقین فرستاد او را خلاص کردند و اشرار رعایای خود را تفنگ داده نگذارد حاج آقا منیر برای نماز به مسجد ایلیچی برود... امام جمعه فرستاد شیخ العراقین را بیاورند رفت قمشلو بظل السلطان اشرفی تقدیم نمود.

و چون حاج آقا منیر قبلاً نسبت با آقایان مسجد شاه می گفت من اعلم هستم آقای حاج شیخ محمد علی باطناً دلتنگ بود و حمایت از شیخ العراقین کرد که بعضی یکی از جهات کوتاهی عمر آن بزرگ را حمایت از خویشان ستمکارش دانسته اند. یکی از خصوصیات مرحوم ثقة الاسلام: انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۳۴۴ قسمت پائین صفحه) در ضمن وقایع سال ۱۳۲۲ پس از بیان مطالبی راجع بجاعلین اسناد مهر علماء می نویسد:

سوی مرحوم حاج شیخ محمد علی که سجل های خود را ثبت بر می داشت دیگران افعال نموده و اسباب مرارت مردم شده.

مرحوم ثقة الاسلام و مبارزه علیه بیدینی، فساد و استعمار خارجی

در شرح حال مرحوم آقا نجفی در جلد یکم شرحی از مبارزات آن عالم غیور علیه

بایان و قلع و قمع آنان و همچنین مبارزات بی امان و خدا جو بانه او علیه فساد برخی از متجاهرین بفسق و فجور از شربخواران و قمار بازان و دیگر مرتکبین معاصی نوشتیم در تمام این مراحل مرحوم حاج شیخ محمد علی ثقة الاسلام برادر را یار و یاور و معین و همدست بوده و این دو عالم رشید در امر بمعروف و نهی از منکر و برابری با حاکم ستمگر کوششها کرده ورنجهها کشیده‌اند و الحق پشت و پناه مردم ستمدیده بوده و از یاری مردم و ترویج دین آنی غفلت نورزیده‌اند و بهمین علت و هم بعلم مخالفت با سیاستهای استعماری و بیگانگان هدف تیر مخالفت جمعی افراد بی اطلاع و گروهی مغرض قرار گرفته‌اند .

مبارزه علمای اصفهان علیه قرار داد تنباکو و اعلان تحریم استعمال مواد دخانیه در مرحله اول از طرف علماء اصفهان و سر انجام حکم قاطع و صریح حضرت آیت الله العظمی جناب میرزای شیرازی در این باره موضوعی است که در آن تاریخ دنیائی را متوجه خود ساخت . این نهضت و قیام ضد استعمار و استعمار خارجی از اصفهان شروع و نتیجه حکم مرحوم آقای نجفی و مرحوم حاج شیخ محمد علی ثقة الاسلام و دیگر علمای بیدار و ضد استعمار این شهر بود .

در حقیقت این دو برادر را باید پرچمدار مخالفین سیاستهای خانمان برانداز استعماری بیگانه در ایران دانست .

همچنین مبارزات سه برادر (این دو برادر با تفاق مرحوم حاج آقا نور الله) علیه سیاست اقتصادی انگلیسیان بطور خصوصی و عموم خارجیان در تشکیل شرکت اسلامی و تهیه پارچه‌های وطنی نیز یکی دیگر از مظاهر اقدامات ضد استعماری خاندان مسجد شاهیان علیه بیگانگان است . از اینرو باید انصاف داد که آنان در بیدار کردن ملت حق بسیاری دارند .

بعضی از اقدامات مفید مرحوم ثقة الاسلام : مرحوم انصاری در تارخ

اصفهان وری (ص ۳۳۵ قسمت پائین صفحه) ضمن وقایع سال ۱۳۱۸ پس از بیان فوت مرحوم ثقه الاسلام گوید :

وآن بزرگ عقل اکمل آقایان مسجد شاه بود و بکارهای خوب اقدام نمود :

۱ - دادن سالی هزار تومان بدولت عوض مالیات قهوه‌خانه‌های اصفهان و بستن آن انجمن مفاسد و کارخانه اتلاف مال و جان و وقت و شرافت و آسایش مردم .

۲ - جلوگیری از خیالات سطحی برادرش آقای حاج شیخ نور الله .

نویسنده گوید: قهوه‌خانه در زمان صفویه مجمع ارباب‌دب و شعراء و اهل حال بوده و مطابق آنچه نصر آبادی در تذکره خود یاد آور شده است که گاهی پادشاهان صفوی نیز در آنجا شرکت میکرده‌اند . برای سرگرمی کسانی که در آنجا بودند (نقال - قصه گو - مورخ) شاهنامه می‌خواند و تاریخ می‌گفت که این رسم تا این اواخر در برخی از قهوه‌خانه‌های اصفهان (و شاید برخی از شهرهای دیگر) معمول بود . اما در طول مدت قهوه‌خانه‌ها از اهمیت خود افتاده و ارزش معنوی خود را از دست داده و مرکز تجمع بیکاران گردیده بود . گرچه برخی از این قهوه‌خانه‌ها بصورت مجمع صنفی مثلاً بنا و غیره بود اما اکثریت بسا دسته اول بود که غیر از ضرر و زیان جهت اجتماع چیزی دیگر نبود . و بستن آنها حتماً خدمتی به جامعه بوده است .

اما راجع به خیالات سطحی مرحوم حاج شیخ نور الله مؤلف محترم که خود از معاصرین و معاشرین آن خاندان جلیل بوده چیزی یاد آور نشده است که راز گشای مطالب باشد و منظور او را برساند .

فرزندان پسر و دختر

مرحوم ثقة الاسلام از زوجه دائمیه خود جمعاً ده فرزند ، چهار پسر و دو دختر یافته که دو پسر و دو دختر از آنها در زمان حیات پدر مرده و شش فرزند از او پس از مرگ باین شرح بجای ماندند :

۱ - مرحوم حاج شیخ مهدی نجفی اولین فرزند پسر .

۲ - مرحوم حاج شیخ ابوالفضل نجفی سومین فرزند پسر .

واما دختران :

۱ - بانو جهان خانم زوجه مرحوم حاج شیخ محمد باقر الفت .

۲ - بانو بی بی خانم زوجه مرحوم حاج میر محمد صادقی کتابی .

۳ - بانو سکینه خانم زوجه مرحوم حاج میرزا هاشم کلباسی .

۴ - بانو زهرا خانم زوجه مرحوم حاج آقا هلال الدین کتابی .

شرح حال مرحومین کتابی و کلباسی در فصل دوم این مجلد بیسان خواهد

شد .

آقا شیخ حسین وفوت او : دومین فرزند پسر مرحوم ثقة الاسلام آقا حسین نام داشته است مشار الیه در جمادی الاول (ربیع الاخر) سال ۱۳۰۸ متولد گردیده و در شب شنبه ۱۹ محرم الحرام سال ۱۳۱۸ بسن ده سال و هشت ماهگی در اصفهان وفات یافته در تخت فولاد در بقعه تکیه مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی در بالا سر مادر شاهزاده و پشت سر علامه فقیه زاهد جلیل آقا میرزا زین العابدین موسوی خونساری مدفون گردید .

اثر فوت فرزند : مرگ این فرزند که در نوجوانی بمرض حلق (ظاهراً دیفتری) رویداد و مورد کمال علاقه و محبت پدر بود در آن مرحوم بسیار مؤثر

واقع شده تا جائیکه جسم او را نحیف و غم و غصه استخوانش را فرسوده ساخت. پدری که قبلاً فربه و چاق و سمين و سر حال بود لاغر شده و بيش از پوستی بر استخوان نماند. اثر شادی و سرور که در سيمای او جلوگر بود محو شد و آثار ملال و خستگی ظاهر گشت (ص ۲۹ - کتاب الانهار) .

ماده تاريخ فوت آقا حسين : در فوت این فرزند که پس از مرحوم حاج شيخ محمد حسين نجفی متولد گردیده بود و بنام او مسمی شده مرحوم حاج آقا نور الله نجفی قطعه‌ای در رثاء او سرود :

حفرو الجسمك فى الثرى قبر أوما	شعروا بمالك فى القلوب قبور
ما كنت احسب قبل حطل فى الثرى	ان النجوم لفسى التراب ثغور
ان غبت عن عينى القريحة ان لى	قلباً يذكرك لا يزال قفور
من سر بعدك فليسبر فان لى	قلباً ابى ان يعتره سرور
قد خاضتته الغانيات فما	عشته اليل الا خاضتته الحور
قد كان بدرأ يستضاء بنوره	لو كان بدر فسى النهار ينير
فالعين بعدك ارمد و الليل	منك مسهد والدمع فيك غزير
ما كنت احسب قبل ان افجى	به ان الزمان مع الكرام بجور

مرحوم حاج شيخ مهدى نجفی در رثاء برادرش آقا حسين گفته است (ص

۳۰ - كتاب الانهار) :

این الذين لقد سموا فترفوا	كانوا رمالا فى عدا وعديد
الكسريون الذين لقد هوى	هام الملوك اليهم بسجود
و ثمود الغر الذين تبوؤا	الاطراد رب بوارق و رعود
اودى بهم غير الزمان فاصبحوا	ثاوين بين جنادل و لحدود
متوسلين ترابها فكانما	الفوا مضاجعة الحسان الغيد

اضحوا وقد اكلتهم دود الثرى
وتهافتوا خضع الرقاب وعندهم
وطئهم جرد الخيول وانهم
الحنف حم و النفوس ابية
ماخى مالك و الزمان كانما
عشراً قضيت و ما قضيت لبانة
يا من فقدت لفقده طعم الكرى
ويازده سطر ديگر جمعاً ۲۳ سطر .

خبر از مرگ دادن

مرحوم حاج شيخ مهدى نجفى در كتاب : « الانهار » در فصل چهارم (ص ۲۵) پنج حكايه كه اشاره اى به پيش بينى مرگ آن بزرگوار دارد مى نمايد كه براى نمونه آنرا نقل مى كنيم :

۱ - مرحوم حاج شيخ مهدى مى نويسد كه : چند شب قبل از وفات ايشان در عالم رؤيا چنان ديدم كه بعتبات مشرف شده و در آنجا بزيارت قبر عمويم آقا شيخ محمد حسين رفته ام . حالتى بسيار غمناك داشتم در آنجا ديدم قبرى مى كنند و لحدى آماده مى كنند درويشى شروع كرد بخواندن قصيده اى در ذم دنيا و بى اعتبارى آن چند شب پيش از اين خواب نگذشت كه پدرم وفات يافته و او را به نجف بردند و در همان اطاق و همانجا دفن كردند .

۲ - مرحوم آقا ميرزا محمد على معين الشريعه نقل مى كند كه :
در شبى كه خبر وفات عالم جليل زاهد مرحوم حاج ملافتحلى عراقى باصفهان رسيد تعداد زيادى صلوات بر محمد و آل او صلوات الله عليهم اجمعين فرستادم

و ثواب آنرا ب روح آن مرحوم قربت نمودم . در عالم خواب بنظرم رسید که در خدمت مرحوم ثقة الاسلام ب زیارت قبر او رفته ایم . شیخ مرحوم بمن فرمود آنچه خواندی ثوابش بمن رسید . بعداً اجازه برگشتن خواستیم بمن اجازه داد و بمرحوم ثقة الاسلام فرمود :

تو اینجا بایست و نرو . تعبیر این خواب بعد از یکی دو ماه ظاهر گردید . تذکر : از این رؤیای صادقه معلوم میشود که فوت مرحوم حاج ملافتحعلی عراقی در سال ۱۳۱۸ بوده و آنچه علامه طهرانی در : زندگانی میرزای شیرازی سال ۱۳۱۲ می نویسد احتمالی بیش نیست .

فوت مرحوم عراقی در ۴ ربیع الاول سال ۱۳۱۸ رویش داده است (نمونه مختصر المکارم) .

۴ - مرحوم حاج شیخ مهدی نجفی در کتاب نامبرده (ص ۲۷) می نویسد : پدرم از مدتها قبل از مرگش عباراتی می گفت که اشاراتی بمرگ او داشت از آنجمله :

یکی از مخصوصین او برایم نقل کرد که شبی در خدمتش در باغ پهلوی خانه بودیم . در نیمه های شب بیدار گشته و گفت :

من از میوه این باغ نمی خورم یا در این سال نمی خورم (تردید از مرحوم حاج شیخ مهدی است) زیرا در خواب دیدم که از میوه آن برایم آوردند و نتوانستم بخورم .

بیماری حاج آقا نورالله : مرحوم انصاری در « تاریخ اصفهان وری » در ضمن وقایع سال ۱۳۱۸ می نویسد :

مشرف برفوت شدن آقای حاج شیخ نورالله از التهام مجرای بسول و بکار زرفتن میل و تصمیم بر شق آلت که مهلك بود و عجز آقای حاج شیخ محمد علی

که يك ميل ديگر بزويد و زدن ميل را وشفا يافتن وفوت خود آقاي حاج شيخ محمد علي (ص ۳۲۵ قسمت پائين صفحه ۴) .

سعدی گوید :

شخصی همه شب بر سر بیمار گریست

چون روز شد او بمرد و بیمار بزیست

در بیماری مرحوم حاج شيخ نورالله وفوت حاج شيخ محمد علي مفهوم این

شعر بحقیقت پیوست و مصداق پیدا کرد .

فوت و علت آن :

مرحوم حاج شيخ محمد علي نجفی در اواخر ماه و جب سال ۱۳۱۸ جزئی کسالتی یسافته و طبیب معالج جهت مداوا روغن بادام شیرین تجویز می کند بر حسب اتفاق عطار سرگذراشتباها روغن بادام تلخ میدهد و اهل منزل و پرستاران بدون آنکه روغن بادام را بچشند آنرا به بیمار می خوراند و در اثر آن مشارالیه مسموم گردیده و پس از يك هفته فوت می شود (تاریخ اصفهان وری صفحه ۳۳۵ قسمت پائین صفحه با اندکی تصرف) .

و اما مرحوم حاج شيخ مهدی نجفی فرزند آن بزرگوار در کتاب « الانهار »

در فصل پنجم از نهر دوم (ص ۴۶) می نویسد :

پس از مرگ آقا حسین بر پدرم امراض گوناگون مستولی شد که گاهی آنرا ابراز میکرد و زمانی پنهان میداشت تا روز شنبه غره شعبان المعظم ۱۳۱۸ در شب این روز جزئی کسالتی داشت بعداً عرق کرده و رفع کسالت از او شد بطوریکه در منزل بکارهای قضائی و مراجعات و مراجعات مردم رسیدگی فرمود و هنگام ظهر بمسجد رفت چون بدانجا رسید پاهایش سست شد بطوریکه قدرت

ایستادن نداشت بخانه برگشت و در بستر خوابید و تا روز دوشنبه سوم شعبان مرض شدت یافت و علت فلج پاها را نمیدانستند .

برخی گفتند که ویرا مسموم ساخته‌اند و برای آن ادله و مؤیداتی نیز موجود بود مانند ، سستی و فلج پاها و پاره شدن زبان ایشان و بیرون آمدن خون از دهان ایشان پس از دفن و غیره (مسمومیت در اثر خوردن روغن بادام تلخ بوده است) . خلاصه آنکه در اثر شدت مرض حالت اغماء و بیهوشی بدیشان دست داد و زبانشان سنگین شده قادر به تکلم و سخن گفتن نبودند .

حالت استرخاء پاها و سنگینی زبان و بیهوشی ادامه داشت تا شب ۳ شنبه چهارم شعبان .

در این شب قریب سه ساعت از شب گذشته مرحوم حاج شیخ محمد علی وفات می‌یابد .

خبر فوت در شهر منتشر شده و مردم جهت تشییع جنازه جمع میشوند . مراسم تغسیل و تکفین انجام گردیده و مرحوم حاج شیخ محمد تقی آقا نجفی بر جنازه برادر نماز خوانده سپس جنازه آن مرحوم با انبوه مشیمن که تعداد آنرا بین سی تا چهل هزار نفر زن و مرد می‌نویسند به تخت فولاد حمل گردیده و از سلطان عبد الحمید پادشاه عثمانی اجازه گرفتند که جنازه را به اعتبار مقدسه حمل کنند (مدت‌ها بوده که از طرف دولت عثمانی حمل جنازه به اعتبار مقدسه ممنوع بوده است) و پس از تحصیل اجازه نعش آنجناب را اول بکربلا و سپس به نجف اشرف بردند و در هریک از این دو شهر مراسم تشییع و بردن در حریم‌های مطهر انجام یافته سپس در اطاقیکه قبلا مرحوم حاج ملا فتحعلی عراقی (و جمعی دیگر از علماء که قبلا نامشان ذکر شده است) را دفن کرده بودند بخاک سپردند . از غرائب اتفاقات اینکه چون هنگام دفن کفن آنجناب را گشودند دیدند

که جنازه هیچ تغییری پیدا نکرده و گوشت و صورت و حتی بوی او نیز تغییر
ننموده است و او مانند کسی است که خوابیده است و حال آنکه در این وقت
تقریباً دو ماه از مرگ آن مرحوم می گذشته است .

مراسم ختم آن مرحوم نیز در مسجد شاه اصفهان برگزار گردید و جمعیت
زیادی از عموم طبقات مرحوم از علماء و طلاب و تجار و بازرگانان و کشاورزان
و غیره در آن شرکت کردند و عموم شرکت کنندگان از پیش آمد مرگ او متأثر
و متأسف و گریان بودند .

مرحوم انصاری می نویسد در مرگ مرحوم ثقة الاسلام هفتاد وصیت نامه
از ثروتمندان (که او را وصی خود قرار داده بودند) پاره شد .

فوت هفت نفر از علمای اصفهان :

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۳۳۵ قسمت پائین صفحه)
و همچنین در کتاب : آگهی شهان از کار جهان (ص ۱۱۳ سوم) ضمن وقایع سال
۱۳۱۸ می نویسد :

فوت هفت نفر از علمای اصفهان :

۱ - ثقة الاسلام آقای حاج شیخ محمدعلی (۴ شعبان)

۲ - آقای حاج میرزا بدیع درب امامی (۲۱ شعبان)

۳ - حاج سید مهدی کرمانی

۴ - حاج میرزا زین العابدین امام مسجد صفا (مدفون در امامزاده سرتن

جنب مسجد آقا نور)

۵ - آقا سید محمد رضا

۶ - حاج میرزا عبدالرزاق رشتی که نظر بعلم و ثروت زیاد لیاقت تعالی داشت .

۷- به اعلم عصر حجة الاسلام آقای میرزا محمد هاشم چهار سوقی خشم شد . (۱۷ رمضان المبارك) واز اعیان هم حاج میرزا علی نقی مستوفی انصاری که در سلسله بسی خوش طینت و با همت بود تاریخ فوت او « علی نقی بولای علی بخلد رسید » .

نویسنده گوید : در اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن ۱۴ هجری دو نفر دانشمند بنام : حاج میرزا عبد الرزاق رشتی در اصفهان سکونت داشته اند :

۱- حاج میرزا عبد الرزاق فرزند ملاعلی محمد لنگرودی رشتی متوفی ۱۲ ربیع الثانی ۱۲۲۰ مدفون در قبرستان سر قبر آقا در مزار « خابجون » که بعد از آنکه این قبرستان از طرف شهرداری تسطیح شد به تخت فولاد در پهلو آب انبار معروف « حاج حسین سمائیان » نقل گردید .

۲- حاج میرزا عبد الرزاق فرزند حاج میرزا محمد کاظم بن حکیم بزرگوار حاج میرزا محمد جعفر بن حاج محمد صادق لنگرودی رشتی عالم فاضل جلیل داماد مرحوم آقای حاج سید جعفر فرزند مرحوم سید حجة الاسلام رشتی متوفی در ۱۹ ذی قعدة سال ۱۳۱۹ در نجف اشرف در اوان مسافرت زیارت و ظاهراً مقصود از مرحوم انصاری از حاج میرزا عبد الرزاق ایشان می باشد .

بنابراین در سال (یعنی سال ۱۳۱۸) عالمی بنام حاج میرزا عبد الرزاق رشتی در اصفهان فوت نشده است .

و اما آقا سید محمد رضا را نیز تاکنون نشناخته ایم .

مرحوم معلم حبیب آبادی در حاشیه تاریخ اصفهان - مرحوم انصاری (بنا بنقل علامه محقق متبوع صدیقنا الاکرم جناب حاج سید محمد علی روضاتی درباره این شخص اضافه می کند ، از اهل سده ماربین اصفهان (نقل بمعنی) .

ماده تاریخ وفات :

در تاریخ وفات مرحوم حاج شیخ محمد علی ثقة الاسلام نجفی عده‌ای از گویندگان بعربی و فارسی اشعاری سروده‌اند که از آن جمله است :

۱ - مرحوم ملا عبد الجواد خطیب اصفهانی فاضل ادیب شاعر قطعه‌ای بفارسی گفته که در کتاب : « الانهار » نقل گردیده است بدین شرح :

اسلام را پدید شدی ثلمه‌ای عجب

در هم شکست قائمه شرع زین سبب

شدرایتی زشرع نگون کز تزلزش

رکن الهدی تهدم والسقف قد خرب

همدم باهل دین زوضیع وشریف شد

از این قضیه غصه وغم محنت و تعب

ای چرخ کجنهاد زدور تو تا بچند

باشند اولپای خدا بر بلا مصب

آن بحر علم و دانش وحکمت که از شرف

بد بر محمد وعلیش نام منتسب

آن عندلیب گلشن دین از چه شد خموش

آن نکته سنج شرع نبی از چه بسته لب

ایگل چه شد ترا که شدی ناگهان خزان

ای سرو چون زیبای فتادی تو بی سبب

افسوس آن غیاث زمین ملجأ زمان

صد حیف زان ملاذ عجم مرجع عرب

آن آفتاب شرع چو شد از نظر نهران

شد روز از اهل دین ز غمش تیره همچو شب

تاریخ این مصیبت جانسوز گفت آه

اسلام را پدید شده ثلمه عجب

۱۳۱۸

۲ - مرحوم حاج میرزا حسن خـان جابری انصاری در تاریخ وفات آن

مرحوم می گوید :

« ثقة الاسلام لای بالجنان » ۱۳۱۸ (آوی مساوی ۱۸ حساب شده

است) .

۳ - در « الانهار » گوید : وقال ایضاً که ظاهراً مراد آنست که شعر از مرحوم

خطیب است :

بسال سیصد و هیجده پس از هزار گزید

مقام روح شریفش بقصر دار سلام

۴ - مرحوم آقا شیخ عبد الرحیم فصولی در تاریخ وفات آن مرحوم گوید :

« آه کاندردین احمد رخنه آمد پدید » ۱۳۱۸ (حرف : آ در آه و آمد هر

کدام ۲ حساب می شود شرح حال مرحوم آقا شیخ عبد الرحیم فصولی در قسمت

دوم این مجلد ذکر خواهد شد :

۵ - مرحوم حاج شیخ مهدی نجفی در مرثیه پدر والا گهر خود گوید :

مالی اری الاشراق لیلا مظالمأ و اری بناء المکرمات تهدما

و اری جبال الارض زلزل و عرها حتی تکاد لهدها تهدما

و اری نجوم الافق کدر ضوئها و اری زلال الماء بدل علقما

و اری علی هام المکرم غبرة و اری کان المجد البس ماتما

حملوک من فوق الطلی و اطالما نال الطلی و من فیض جودک مغنما

شقوا عليك جيوبهم لكنما
 لاغرو ان لبسوا السواد فطا لما
 من لى بمجالس درك السامى الذى
 من لى بوعظك فوق منبرك الذى
 ما اشبه الدنيا بمومس غادة
 تستبدل الارواح قائلة لهم
 تبنى البيوت وانت تامل نزلها
 تلهوا وترجوا ان تكون مخلداً
 دفنوا بدفنك فى الثرى نار القرى
 دفنوا بدفنك غوث كل ملمة
 ونزلت جاراً الموصى ومن يكن
 لله عهدك لم اخله لطيبها
 هل بعد رزئك ماتم احشاه لى
 وعذات قبلك من بكى لملمة
 وكففت عن عينى الدموع تكرماً
 فى السبع بعد الاربعين واشهر
 مرحوم حاج شيخ مهدى نجفى در كتاب : « الانهار » بعد از نقل اشعار
 فوق (ص ٤٠ / ٢٩) مى نويسد :
 در سال ١٣١٩ تمام شد بعداً تصرفاتى در آن نمودم .

۱۴ - حاج شیخ کمال الدین شریعتمداری

۱۲۸۳ - ۱۳۵۳

پدر : حاج شیخ محمد تقی معروف به آقا نجفی رحمة الله علیه
مادر : مخدره دختر ملا محمد صالح مازندرانی جویبارهای داماد
آقا سید صدر الدین عاملی اصفهانی ، مرحوم شریعتمداری دومین فرزند مرحوم
آقای نجفی از این مخدره که نخستین زوجه ایشان بوده است می باشد . مشاعر
الیها در حدود سال ۱۲۸۵ در نجف اشرف بچوانی وفات یافته و فقط دو فرزند
آورده بود که مرحوم آقا جلال الدین وصاحب عنوان میباشند .
تولد : مرحوم شریعتمداری در سال ۱۲۸۳ متولد گردید و پس از دوران
رضاع به مصیبت مرگ مادر گرفتار شد پدرش زوجه دیگری اختیار کرد . دختر
علامه مرحوم آقا میرزا محمد هاشم چهار سوقی داماد دیگر مرحوم آقا سید
صدر الدین عاملی بنابراین دونفر از زوجات مرحوم آقای نجفی دختر خاله های
ایشان بوده اند زیرا مرحوم حاج شیخ محمد باقر نجفی نیز داماد آن علامه بزرگوار
بوده است .

تحصیلات

مرحوم شریعتمداری در نجف و اصفهان مقدمات علوم را نزد اساتید بزرگوار
بخوبی قرار گرفت و دوره سطح را نیز نزد عده ای از علماء اصفهان و وابستگان
به آفایان مسجد شاه آموخت . سالها بدرس پدرش در فقه و اصول حاضر میشد
لکن گرفتاریهای شخصی و رسیدگی بامور پدر مانع از آن شد که در آن پیشرفت
کند لکن هوش و استعداد و قریحه ذاتی و حافظه قوی او جبران معلومات او شده
و عموماً ویرا عالمی خبیر و جامع میدانستند .

مرحوم شریعتمدار در زمان پدر

رسیدگی به کارهای اجتماعی و سرپرستی از امور خانوادگی و همچنین نظارت در آنچه مربوط به : نهی از منکرات و انجام حدود و تعریضات بود از اهم کارهای مرحوم شریعتمدار در دوره حیات پدر بوده است .

در کلیه جریانات سیاسی و اجتماعی از سال ۱۳۰۷ بعد : موضوع بابی کشی تحریم تنباکو و داستان بابی کشی سال ۱۳۱۳ و دیگر امور اگرچه عنوان مستقلی ندارد لکن وجودش در تمام این موارد بی تأثیر نبوده است .

در موضوع تأسیس شرکت اسلامی - و فعالیتهای اجتماعی - اقتصادی و سیاسی که مرحوم حاج شیخ نور الله اقدام میفرمود وی نیز با آن مرحوم همگام و همقدم و همراه بود .

در زمان پدر همیشه ملازم و همراه آن مرحوم بوده و بسیاری از موارد واسطه ایشان و دیگر علمای اصفهان در رسانیدن نظرات و پیغامهای مرحوم آقای نجفی بآنان بوده است .

بدین مناسبت‌ها مرحوم شریعتمدار عالمی سرشناس و معروف گردید و کلیه طبقات اجتماع از مأمورین دستگاه حکومت و شخص ظل السلطان - تجار و بازرگانان - رؤسا و سردمداران محلات - علماء و پیشوایان مذهبی همگی او را می‌شناختند و در گرفتاریهای خود باو مراجعه کرده و ویرا نزد پدر واسطه قرار میدادند . گرچه طرز برخورد مرحوم آقا نجفی با کلیه طبقات بخصوص ارباب حاجات نیازی بواسطه و میانجی نداشت همه مردم بسهولت و بدون مانع میتوانستند بخدمت آن مرحوم برسند و عرض حاجت کرده و عموماً مقضی المرام خشنود و دلشاد برگردند .

ظاهراً در سفر اول مرحوم آقا نجفی وی همراه ایشان نبوده لکن در سفر دوم از ملازمین پدر بوده است اما در مدت توقف مرحوم آقا نجفی در طهران باصفهان مراجعت کرده و به امر ونهی و

تراشیدن زلف : یکی از کارهای بی اساس و خارج از رویه مرحوم شریعتمدار تراشیدن زلف و موهای سر بعضی از بازاریان بود در آن زمانها عموم مردان سر را می تراشیدند و از موقهیکه پای اروپائیان در این مملکت باز شد و با مردم مراد و رفت و آمد پیدا کردند یکی از نشانه های تجدد در بین جوانها تراشیدن موی سر و بلند گذاشتن آن بود . البته بعضی از مردم متعصب این کار را خلاف سنت جاریه میدانستند و از این رو با آن مخالف بودند ولی جمعی دیگر این روش را مقدمه ای برای نفوذ افکار و رفتار بیگانگان دانسته و باین علت آنرا بد می شمردند در هر حال بیشتر مردم آنرا نمی پسندیدند .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۴۸ پاورقی ، ضمن وقایع سال ۱۳۱۹ می نویسد :

اقدام شریعتمدار و اتباع آقای نجفی جلوگیری بعضی تاجرزاده ها که عمامه کوچک بسر بسته و سر را تراشیده و آوردن دو نفر آنها را و تراشیدن زلفهای زیر عمامه را . (جای آنها امروز خالی است) .

محمد علی مکرم موضوع سر تراشیدن را سال ۱۳۴۲ را می نویسد (ص ۱۲۰ دیوان مکرم) و آنرا به انگیزه مخالفت با مشروطه طلبها و متجددین می نویسد :

اگر نوشته مکرم و تاریخ آن درست باشد (از طرف عده ای از طابعین و پیر مردان این موضوع تأیید نشد) باید موضوع تراشیدن زلف دودفعه هر دو بار زیر نظر و دستور مرحوم شریعتمدار انجام یافته باشد .

باید یادآور شویم که : مکرم حبیب آبادی بعنوان مبارزه با خرافات با کلیه علماء زمان خود مخالف بود و هر موضوعی را برای انتقاد دستاویز خود قرار میداد البته در برخی از موارد حق گوئی کرده و در بسیاری از جاها تندروی نموده است .

مخالفت بابائیان و متهمین به بابت :

مرحوم انصاری در « تاریخ اصفهان وری » ضمن وقایع سال ۱۳۲۱ و جریان بایی کشی در اصفهان (ص ۳۴۲ قسمت پائین صفحه) می نویسد :

جمعی از دولت آباد وسده بدستور شریعتمدار ریختند درب منزل آقا میرزا احمد دولت آبادی که او را نیز بکشند . آقا میرزا احمد رفت در منزل شیخ العراقین و قنصل روس را هم یا با سابقه و یا بی سابقه آنجا وعده گرفته بودند . شیخ العراقین تفنگچیهای دهات خود را با نوکرانش مسلح نموده که مردم را بزنند و مردم بر گشتند .

توضیح : یکی از خاندانهاییکه در اصفهان متهم بوده و از ازل بیان شمرده میشدند خاندان دولت آبادی حاج میرزا هادی و فرزندانش بودند . عده ای از آنان یقیناً از این اتهام مبرا بوده اند مانند مرحوم حاج میرزا مهدی دولت آبادی فرزند حاج میرزا هادی و برخی دیگر اتهامشان از جنبه شرعی ثابت نشده است اگر چه مؤیداتی بر اثبات این اتهام در زندگانی آنان موجود است و چون ظاهراً ادعاه نداشته اند از ذکر اسامی آنان خودداری شد .

قابل توجه : مرحوم حاج آقا منیرالدین بروجردی و آقا میرزا احمد دولت آبادی هر دو در محله احمد آباد ساکن بودند . موضوع اتهام آقا میرزا

احمد (بجهت اتهام پدر و برادرش) سبب شده بود که مرحوم حاج آقا منیرالدین نسبت باو و عقایدش بیش از دیگر علماء اصفهان حساس باشد .

روزی قرار میشود که آقا میرزا احمد در مسجد ایلچی منبر برود و در حضور عموم مردم و مؤمنین و مؤسسین فرقه ضاله مضله را علناً با اسم و رسم لعن نموده و از آنان تبری جوید .

آقا میرزا احمد منبر رفته پس از مقدمه‌ای در باب عقاید خود يك يك رؤساء فرقه جدید را لعن می‌کند و در آخر کلام می‌گوید : « بر پدر آقا لعنت » یعنی پدر حاج آقا منیرالدین که متهم ببهائیت بوده است . عموم حاضرین و خود حاج آقا منیرالدین بصدای بلند ویرا لعن می‌کنند .

توضیح آنکه پدر مرحوم حاج آقا منیرالدین معروف به بابی بوده است .

مرحوم شریعتمدار و مشروطه

از موقعیکه عنوان عدالت خواهی و آزادی طلبی و مبارزه علیه استبداد و قدرت بیش از اندازه و خارج از رویه پادشاه (در مرحله اول ناصر الدین شاه و سپس مظفر الدین شاه) در ایران بین مردم تحصیل کرده و روشن فکر رواج گرفت علماء دین بطور کلی سه گروه شدند :

۱ - جمعی از آنان هواخواه آزادی و بالاخره مشروطه شده و از هیچگونه فعالیتی در این باره کوتاهی نکردند .

۲ - برخی دیگر که آینده‌نگر بودند عواقب این کار را اندیشیده و دانستند که این افکار ظاهر فریب اگر چه در اصل موضوع صحیح و مورد پسند هر فرد عاقل می‌باشد اما چون دست خارجی‌ان در آن دخالت دارد خواه و ناخواه منافع آنها در این کار بیش از منافع ایرانیان خواهد بود از اینرو با آن مخالف بودند .

۱ - عده‌ای نیز جانب هر دو طرف را رها کرده و فقط بکار اساسی خود که ابلاغ احکام اسلام و بیان مسائل حلال و حرام می‌باشد پرداخته و از اظهار نظر در نفی و اثبات آن خودداری می‌کردند .

شرح این موضوع خارج از بحث کتاب بوده باین جهت از ادامه آن خودداری نموده تا این بکتاب مربوطه و تاریخهای مشروطه مراجعه کنند .

مرحوم آقای نجفی و اطرفیانشان از علماء من جمله شخص شریعتمدار از زمره گروه سوم بوده‌اند و بدون توجه به اوضاع زمان بکار خود ادامه میدادند گوئی هیچ پیش آمدی در مملکت روی نداده است اگر چه گاه و بیگاه بنفع مشروطه خواهان و ضرر مستبدین اعلامیه‌ها صادر و اقداماتی انجام میدادند . بنابراین آنهایی که مرحوم آقای نجفی را مخالف مشروطه می‌نویسند اگر از روی غرض نباشد از روی بی‌اطلاعی و عدم آگاهی از حالات و روحیات آن مرحوم است . زیرا مرحوم آقای نجفی با آن عقل و کیاست و فهم و فراست که درباره او همه متفقند دریافته بود که صلاح مردم در آن بحبوحه و گیردار آنست که ایشان از این کشمکش‌ها بدور باشد . مرحوم شریعتمدار نیز بتبعیت از پدر در این جریان از هر دو طرف بر کنار بوده است اگر چه روح قدرت طلبی و نفوذ و ریاست بر او غلبه داشته است و ذاتاً مستبد و مخالف با تجدد و آزادیخواهی بوده است (بنا بنوشته مرحوم الفت) .

موضوع کشته شدن حاج محمد جعفر خونساری: پس از استقرار مشروطیت و تشکیل دوائر درلنی طبق قوانین جدید کفالت شهرداری (بلدیہ) اصفهان را بمعهده حاج محمد جعفر خونساری که از تجار معروف و متدین و خوشنام و بکفایت و کاردانی معروف بود واگذاشتند . (ریاست بلدیہ بمعهده وثیق الملک انصاری بود) .

سال ۱۳۲۹ قمری مصادف با کمبود ارزاق و گرانی و تقریباً قحطی بود. شهردار جدید میکوشید که بهر کیفیت شده گندم مورد نیاز شهر را تأمین کرده و مردم را از مضیقه کمبود نان نجات بخشد. لازمه این کار فشار آوردن به مالکین دهات بود که گندم موجودی خود را بجای انبار کردن و احتکار در اختیار نانوایان قرار دهند. البته محتکرین از خدا بی خبر فقط بانباشتن جیب‌های فراخ خود و افزودن به سرمایه چیزی دیگر نمی‌خواستند آنچه برای آنان موضوعیت نداشت مردم و حال مستمندان بود.

اکنون بجهت روشن شدن موضوع به مطالب زیر با کمال دقت توجه فرمائید تا مجرم یا مجرمین حقیقی را بهتر بشناسید:

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۴۳۹ پاورقی) ضمن وقایع سال ۱۳۲۹ می‌نویسد:

میرزا نصرالله انصاری که برای آوردن گندمش از چوم (نام یکی از دهات) بوئیق الملك دشنام داده و بئیق الملك سیدی را گفته بود او را با تیر بزن سید آمده استخاره کرده با زنجیر خوب آمده چند زنجیر با او زد میرزا نصرالله بوسیله محتکرین در مقام تلافی بر آمد و از آتش او حاج جعفر بکشتن رفت (این دو نفر یعنی میرزا نصرالله و بئیق الملك هر دو از خاندان انصاری) می‌باشند. همچنین مرحوم انصاری در کتاب: آگهی شهان از کار جهان (ص ۱۳۳ سوم) می‌نویسد:

میان اعضای انجمن ولایتی اصفهان و قوام الدوله حکمران برای محاسب الدوله خلاف افتاد. سردار فاتح نیز بکمین بود که نقشه حکومت سردار اشجع را بچیند و محرمانه پول بهوچیان میداد. حاج جعفر خونساری کفیل بلدی به مالکین خالصجات که توانائی دادن جنس داشتند سخت گرفته گندم میخواست شهرت‌هایی

هم از برگشت محمد علی‌شاه دردهان آشوب طلبان بود. قوام‌الدوله را مفسدین گفتند شورش اصفهان بنفع او تمام میشود که استعداد کامل از طهران خواسته و به استبداد دیوان حکومتش را آراسته مدتی انجمن ادارات را منحل سازد هوچیان به اطمینان او و نخست بانجمن وارد دفتر و اناثیه‌اش را غارت کرده و در نشیمنگاه ۱۹۰۴ وارد شده (۵۰) بروی یکدیگر چیده و از آنجا بعدلیه ریخته دوسید محاکمات را برده و سوخته و ببلدیه‌رفته حاج جمفر خونساری را کشیدند و بضریات متوالیه کشند و از حکومت هیچ جنبشی نشد و اگر يك فراش با چوبش نهیب کرده بود اراذل می‌گریختند. این حسن کفایت قوام‌الدوله دولت را ناچار کرد حکومت را بسردار اشجع بختیاری داده سردهسته باطنی هوچیان مطلب را باو هم مشتبه کرده تا وثیق‌الملک بی‌گناه را بگشنیزگان فرستاده .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری در ضمن وقایع سال ۱۳۲۹ شرح داستان را مفصلتر می‌نویسد (ص ۳۶۳) باین بیان :

میان انجمن ولایتی اصفهان و قوام‌الدوله حکمران که در انجمن ولایتی اصفهان آمده بود شریعتمدار برخاسته احترام کرده و محاسب‌الدوله شریعتمدار را فرو نشانیده و بعد پسر محاسب‌الدوله (مرحوم میرزا اسد الله خان مصفی) که مالیه را برای اداره کردن کفیل شده و میرزا نصر الله و سایر رنود مالیه قدیم بقوام‌الدوله رسانند او را خواسته برای حقوق و فحش داده خصومت‌ها پدید آمد . انجمنی‌ها تلگراف بطهران کرده عزل قوام‌الدوله را خواستند . از طرفی نزدیک حاصل و جنس کم و حاج جمفر کفیل بلدیه از آقای شریعتمدار و دیگر ملاکین معتبر از اعضای ظل السلطان جنس خواسته و آنها نداده و او با آنها تندی کرده و از چوم خالصه راجع بمیرزا نصر الله که از کفالت پسر محاسب‌الدوله بمالیه

سخت اوقات تلخ بود و با وثیق الملک رئیس بلدیہ کنبہ کهنہ موروثی داشت و در آن ایام شبنامه‌هایی هم برای آقا نجفی بدیوارها چسبانیده میشد بوسایلی بر آقای نجفی مدلل داشته شد که آنها عملیات حاج جعفر و وثیق الملک است خصوصاً آنها نیز بی ملاحظه در غیاب آقا سخنانی می گفتند . از يك طرف سردار فاتح در اصفهان بکمین که وسایلی برای عزل قوام الدوله و حکومت بختیاری بدست آورد پول برنود آثار شپست میرساند ، شهرت آمدن محمد علیشاه نیز در آشیانه دماغها تخم گذارد .

بقوام الدوله گفتند : تو نواده صدری و اصفهان خانه جدت و چون ظل السلطان بحکومت باید مستقل و مقتدر باشی ، يك شلوغی راه میاندازیم ادارات و انجمن را برچینند و تو تلگراف بطهران کن قوه ام کم و سوار بمن بدهید و حکومت استبدادی کن و اگر محمد علیشاه نیز آمد بطهران بگو برای خدمت بشاه اصفهان را آشوب انداختیم و اساس مشروطه اش را بر هم زدیم . آن ترک صادق را باور آمد ، گفت خوب است ، گفتند ضمناً يك نفر هم کشته میشود ، گفت بشود . گفتند تو اقدامی بجلوگیری نکن گفت چشم . میرزا نصرالله چند تن از سادات قاضی عسگر را که برای وظیفه پیرو سخنش بودند با بعضی اشرار دیگر بشورش تهیه کرد . سید احمد سر چقی سباز قاضی عسگری و رحیم قوزی آدم اسدالله خان را وجهی اندک از قول شریعتمدار و حکومت گفتند بآنها رسیده و زنی را نان بدی ساختگی داده نزد حاج جعفر خلوت کرده که ما این نان را میخوریم . حاج جعفر گفته بود من جدیت دارم باصلاح نسان . آن پتیاره بیرون آمده بدروغ گفته بود فحش ناموسی داده و جمعیتی را که مستعد کار بودند برده حاج جعفر را گرفتند و کشیدند و آوردند و زدند و کشتند و جنازه اش را بالای بازار کلاه دوزان آویختند و دنبال حاج سید رضا علاف محتکر رفتند و او را

نیافتند و میرزا نصرالله اول برای کشتن و وثیق الملك هم سخن گفته اما عموم او را میخواستند اثر نکرد. شورشیان ریختند و انجمن را غارت و نشیمنگاه... را غایب چیده و بعدلیه رفته دو سید محاکمات را برده و رضا جوزدانی را از حبس بیرون کرده و اگر از حکومت يك فراش جلو رفته بود همه برگشته بودند آنگاه میرزا نصرالله و سراج الملك و وزیر ظل السلطان و همراهانشان نوشتجاتی بدروغ بطهران فرستاده و وثیق الملك را محرك قرار داد. لذا حکومت را بسردار اشجع داده و او وثیق الملك را به گشینگان فرستاد و آقای نجفی مانع نشد بلکه مایل بود.

محمد علی مکرّم که مخالفت او با آقایان مسجد شاه زبازد خاص و عام است در این مورد می نویسد :

از ماه جمادی الاولی ۱۳۲۹ مرحوم حاج محمد جعفر خونساری بتحریرك فرزند مرحوم مقبره (مراد مرحوم آیت الله آفا نجفی میباشد) مقتول شد و او را بقتل کشتند و جنازه آن شهید را بالای سر درب قیصریه و ارونه بدار آویختند. این بود نتیجه عمل مرحوم حاج محمد جعفر خونساری که گندمهای عمده المحتکرین را از « نه گنبد » یزد بسوی اصفهان برگردانید و جنازه آن مرحوم در میدان شاه آویخته شد. بطور مسلم مرحوم آقای نجفی از قتل مرحوم حاج محمد جعفر اطلاعی نداشتند.

نتیجه : با توجه بدانچه گفته شد موجبات کشته شدن مرحوم حاج محمد جعفر خونساری از اینقرار بوده است :

۱ - اختلاف و دشمنی میرزا نصرالله انصاری و وثیق الملك که اولی از اتباع ظل السلطان و دومی رئیس بلدیه وقت بوده است .

۲ - اختلاف نظر انجمن ولایتی اصفهان و حکومت وقت که بصورت اختلاف بین محاسب الدوله عضو انجمن و قوام الدوله صدری حکمران اصفهان ظاهر گردید .

۳ - تحریکات سردار فاتح و سردار اشجع بختیاری که هر دو بر ضد قوام الدوله عمل میکردند .

۴ - فریب خوردن قوام الدوله و افکار مستبدانه او و خیالات خام و نسنجیده .

۵ - سودجویی عده‌ای از مالکین و انباردارها از اتباع ظل السلطان و غیره که علاوه بر آنها نام حاج سید رضا - ع - لاف و شریعتمدار نیز در بین آنها برده میشود .

و در نتیجه تحقیق کامل علت اصلی شورش و بلوا که به کشته شدن مرحوم حاج محمد جعفر خونساری آنهام بدان طرز فجیع منتهی گردیده در درجه اول حکمران طماع و نالایق و در درجه دوم اختلاف خانوادگی دو تن از خاندان انصاری و بعداً سودجویی محتکرین است و آنان که شریعتمدار را مجرم اصلی معرفی می‌کنند عموماً از روی بی اطلاعی و یا غرض ورزی است . این نتیجه ظاهری از گفتار نویسندگان و مطالعین است و علم واقعی و حقیقی را فقط خداوند عالم خبیر بصیر دارد و بس .

تذکر : نویسنده در نظر نداشت که موضوع کشته شدن مرحوم حاج محمد جعفر خونساری را بشرحیکه نقل شد بیان کند و مایل بود آنرا بطور اجمال سر بسته نوشته و طالبین را بکتاب مربوط راهنمایی کند اما پس از آنکه مشاهده کرد که :

- ۱ - مرحوم انصاری آنرا در دو کتاب تاریخی خود بشرح بیان داشته است .
- ۲ - محمدعلی مکرم حبیب آبادی در دیوان اشعار خود ذکری از آن نمود .
- ۳ - مرحوم بلاغی در تاریخ طهران (ص ۱۴۲ دوم) آنرا از دیوان مکرم

نقل کرده و خود بر آن مطالبی افزوده و پای دیگران را نیز بمیان کشیده و اگر چه می‌نویسد :

« تعهد صحت و سقم بیانات مکرم بر عهده خود ایشان است » .

۴ - در اثر شهرت و مخالفت عده‌ای که مهمترین آنها عوامل خارجی و مشروطه‌چان تندرو بوده‌اند کلیه اتفاقات و پیش آمدهائیکه بضرر جامعه بوده است را منتسب به روحانیت می‌کردند و چون معروفترین خاندان روحانی آن زمان در اصفهان آقایان مسجد شاه بودند بنابراین قضیه کشته شدن حاج محمد جعفر خونساری و چندین پیش آمد دیگر را بآنها مستقیماً و بدون شرکت دیگران نسبت دادند بنا بر جهات ذکر شده لازم بود که موضوع کمی روشنتر بیان شود و گفته شود که اگر بعضی از افراد وابسته به این خاندان از ماجرا خبر داشتند اما یقیناً دستور کشتن احدی را نداده بودند و این مردم رجاله و اوباش هستند که وقتی اجتماع کرده و بدنبال منافع شخصی (نه اجتماع) افتادند دیگر همه چیز را فراموش می‌کنند و مرتکب هر نوع جنایتی از قتل و غارت و هتک ناموس و غیره میشوند نه از خدای می‌ترسند و نه کسی میتواند از آنها ممانعت کند .

آنچه نوشتیم ظاهر قضایا بود و اکنون قریب ۷۶ سال از تاریخ وقوع این پیش آمد می‌گذرد و وسیله تحقیق جز نوشته‌های کتب نداریم . از خدا می‌خواهیم مرحوم حاجی خونساری را با شهداء بزرگوار محشور کند و قاتلین و محرکین قتل را بسزای اعمالشان برساند .

گرفتاری مرحوم شریعتمدار بدست قوای روسیه

از عادات نکوهیده مال غالب و رفتار ناستوده آنان نسبت به ملت‌های مغلوب گرفتن - زندان کردن - مصادره اموال و بالاخره کشتن افراد و شخصیت‌هایی

است که تصور می‌کنند مانع پیشرفت و نفوذ آنها می‌باشند .

در سال ۱۳۳۴ در طول جنگ اول جهانی قشون روسیه تزاری بعامل واهی باصفهان وارد شدند شرح رفتار ناهنجار اینان بامردم این شهر خود داستانی مفصل است . از جمله کارهای آنها :

- ۱ - گرفتار کردن مرحوم آیت‌الله حاج شیخ جمال الدین نجفی وزندانای کردن ایشان . مدت دوروز وسپس تبعید بطهران که مقدمه پیشرفت وشهرت ونفوذ آن مرحوم گردید : « عدو شود سبب خیر گر خدا خواهد » .
- ۲ - گرفتار ساختن وزندانای کردن جمعی دیگر از شخصیتهای این شهر از آن جمله مرحوم شریعتمدار .

این گرفتن ها واذیت وآزار رسانیدن به اشخاص بیشتر جنبه انتقامجوئی افراد از یگدیگر داشت . کسانی که خود را وشرافت خود را بقنسواگری روس فروخته بودند وبه وابستگی بدولت خارجی افتخار میکردند در این موقعیت حساس بفکر مخالفین خود افتاده وهریک را بهانه ای گرفتار میکردند .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۳۷۴ قسمت پائین صفحه) ضمن وقایع سال ۱۳۳۴ می‌نویسد :

ظل السلطان بستگی روس بطهران آمده اصفهان را باو دادند (قبلا در اثر اقدامات آقایان مسجد شاه ومردم از حکومت اصفهان معزول شده بود) ومحمود میرزا حاکم شد وبا صادقخان منشی قونسولگری بیچارگان را که در عزا وعروسی کباب میشوند مبتلا بصدمات روسفیل وانگلیس کردند . . .

وهمو در ضمن وقایع سال ۱۳۳۵ در کتاب نامبرده (ص ۳۷۵ پاورقی)

می‌نویسد :

ترقی اجتناس باغراض باطنی شریعتمدار با صارم الدوله (که معلوم میشود يك قسمت از موجبات گرانی اختلاف نظر این دو فرد بوده است) .

شریعتمدار وعزل صارم الدوله :

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۲۷۶ پاورقی) در ضمن وقایع سال ۱۳۳۵ می نویسد :

صادق خان منشی قونسولگری روس که میخواست با دختر حاج میرزا رضا ملاباشی خواهرزاده شریعتمدار وصلت کند و شریعتمدار راضی نبود بیهانه جو خواستن برای قزاق فرستاد شریعتمدار را گرفته آوردند در قونسولگری وحبس کردند .

و در ضمن وقایع سال ۱۳۳۵ نیز می نویسد :

ظل السلطان که از فرنگ آمده بود و اصفهان را باوداده بودند . محمود میرزا مردم را منفجر و صارم الدوله خود دخالت نمود . و در وقایع سال ۱۳۳۶ می نویسد :

عزل صارم الدوله نظر بخصوصیت و تحریک شریعتمدار خلق را : که تصور کرده بود حبس او در قونسولگری با آقای صارم الدوله بصادق خان بوده که قرابت سببی داشتند .

با توجه بمطالب یاد شده معلوم میشود هرچه بر اصفهان و اصفهانیان در این دوره رسیده و بیشتر پیش آمد بعلت اختلاف دو جناح مسجد شاه و باغ نو بوده است .

در زمان حیات مرحوم آفای نجفی بعلت قدرت و نفوذ آن مرحوم در جامعه وهم بعلت عقل و کیاست وزیر کی آن عالم بزدگوار کلیه اختلافات را (که همیشه

بین این دو مرکز قدرت وجود داشت و بخصوص پس از فوت مرحوم حاج شیخ محمد باقر نجفی شدت یافته بود (بدون برخوردارهای شدید بملایمت و مسالمت حل و فصل میکردند اما پس از فوت آن بزرگوار و مهاجرت حاج شیخ نورالله بعتبات و تبعید حاج شیخ جمال الدین بطهران تنها فرد شاخص خاندان مسجد شاهیان در اصفهان آقای شریعتمداری بود که نه آن قدرت و نفوذ معنوی را داشت و نه آن عقل و فراست را و در مقابل حرص شدید در جمع مال و ثروت و اخلاق تند و خشونت آمیز و مخالفت او با تجدد و آزادیخواهی و روح استبداد همه را از وی رنجانیده و او را تنها گذاشته بودند . او بود و امیال نفسانی خود .

مسافرت به مکه معظمه

مرحوم شریعتمدار در دوره حیات پدر و تا چند سال بعد از آن موفق به مسافرت به حجاز و اداء فریضه حجة الاسلام نشد .

در سال ۱۳۲۹ با اتفاق چند تن علماء و اطرافیان خود به سفر مکه رفت و در آنجا بدر بار شریف مکه با عزت و احترام راه یافت و بنام شیخ العجم و رئیس شیعه خوانده شد .

مشار الیه در مکه و مدینه پول زیادی به خدام حرمین شریفین و فقراء آندوشهر و بالاخص سادات نخاوله ساکنین مدینه طیبه انعام نمود . در مدینه منوره حکومت حجاز را با بذل پول زیاد حاضر کرد که موافقت کنند که وی در قبرستان بقیع صحن و بارگاه ائمه اطهار علیهم السلام را توسعه داده و برای آن استخر و حجرات و کلیه مایحتاج آنرا بنا کند پس از موافقت دولت حجاز شروع بکار نموده و اقدام بخراب کردن قبور سنیان اهل مدینه نمود .

عمل تخریب قبور و نبش آنها و جابجا کردن استخوانهای مردهای اهل سنت

عموم مردم شهر مدینه و عشایر عرب را به مخالفت با او و عداوت با عموم شیعیان برانگیخت و موضوع بصورت اختلاف شیعه و سنی جلوه کرده و شهر مدینه حالت فوق العاده و غیر عادی بخود گرفت که در نتیجه جان او و همراهانشان و همچنین جال و مال و هستی عموم حجاج در مخاطره افتاد و دولت حجاز بسختی توانست جلو شورش و بلوای مردم را بگیرد و جان شیعیان را حفظ کند. البته مرحوم شریعتمدار نیز مجبور شد که مبلغ زیادی پول به دولت حجاز و رؤسای عشایر و بزرگان شهر مدینه بپردازد و بدانوسیله خویشان را از آن مهلکه نجات دهد. مرحوم الفت می نویسد که: در این سفر مرحوم شریعتمدار قریب یکصد هزار تومان متضرر شد که بیشتر آن را بر اثر تعصب و جاه طلبی بمصرف رسانید.

برگشت از مکه و اقامت در نجف اشرف: مرحوم شریعتمدار پس از برگشت از سفر حج زیارت اعتاب مقدسه ائمه عراق علیهم السلام مشرف گردید و قریب یک سال در نجف ساکن گردیده و در آنجا خانه‌ای برای سکونت خویش تهیه نمود.

برگشت به ایران: مرحوم شریعتمدار در سال ۱۳۴۱ باصفهان مراجعت نموده و همچون سالهای قبل از مسافرت بر تق و فتق امور و رسیدگی بکارهای اجتماعی و امر بمعروف و نهی از منکر پرداخت.

این دوره مصادف بود با ایام بقدرت رسیدن رضا خان میرپنجه سوادکوهی هر چه رضا خان بیشتر قدرت پیدا میکرد روحانیت و علماء از قدرتش بیشتر کاسته میشد.

تاریخ این چند ساله یعنی از سوم حوت (اسفند) ۱۲۹۹ خورشیدی مطابق ۱۲ جمادی الثانیه ۱۳۳۹ تا موقع بسطنت رسیدن او یعنی ۲۹ جمادی الاولی ۱۳۴۴ مطابق ۱۳۰۴ نیاز به کتاب بلکه کتابهای مفصل دارد. خوانندگان باید بکتب

مربوطه مراجعه کنند .

فروش املاك دولتی بنام خالصه : مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۵۲ قسمت بالای صفحه) می نویسد :

خالصه حقاً ام باطلا دهاتی بود که در پنجاه سال سلطنت ناصر الدینشاه به تصرف دیوان بود و بذر دیوانی در آن مزروع شده

وهم آن مرحوم در کتاب نامبرده (ص ۷۵ قسمت بالای صفحه) در بیان اقسام خالصه می نویسد : خالصه دیوانی ، ضبطی ، ثبتی ، انتقالی ، وقفی ، بذری .
وقفی ناصر الدینشاه ب فکر مسافرت خارج افتاد برای این سفر پول لازم بود اولیای دولت بهترین و بی زحمت ترین راه فروش املاك دولتی را پیشنهاد کردند .
اعتماد السلطنه در : « المآثر والاثار » در ضمن کارهای انجام شده در دوره سلطنت ناصر الدین شاه (ص ۱۳۰ ستون دوم) می نویسد :

« بیع املاك خالصه دیوان اعلی » .

و در توضیح آن بطور مختصر می گوید :

املاك دولتی عموماً بصورت مخروبه بوده و برای دولت فائده نداشت .
استعداد آب و خاک و رعیت در آن املاك باطل میشد .

طبق دستور و اشاره شخص پادشاه آنرا بشروتمندان و مالکین فروختند .
اینک آن املاك عموماً آباد شده است .

فائده لغوی : مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار (ص ۷) در ضمن شرح حال جناب : ابراهیم الاصفغر فرزند حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام می نویسد :

قبرش در نزدیکی : قطیعه که محله ای است در بخسداد مشهور است . سپس

گوید :

قطیعه : فعلیل بمعنی مفعول و تأنیت آن بجهت این است که وصف ارض واقع شده و آن از قطع از باب منع در لغت خدا کردن جزئی است از کلاش :

و در اصطلاح این است که امام یا خلیفه زمینی بدون مالک را بکسی بدهد که او آنرا آباد و تحجیر نماید و ملک خود او باشد و طلبیدن چنین زمینی را از خلیفه : اسنقطاع و دادن او آنرا بکسی اقطاع گویند که دو مفعول بگیرد ، اول آن کسی که زمینی را باو میدهند و دوم خود آن زمین و آن زمینی را که داده میشود قطعه بضم قاف و جمع آن قطع بضم و بعد از آن فتح و قطعات بسو ضمه است (انتهی) بنا بر این اراضی خالصه همان قطع و قطعات می باشد .

خرید و فروش املاک خالصه و قبـول آن از طرف علماء : قبلا گفته ایم که عقیده علماء درباره املاک خالصه و تصرف دولت و شاه در آنها مختلف بوده است .

از علماء مسجد شاه مرحوم آقا شیخ محمد تقی سر دودمان این خاندان جلیل از جمله کسانی است که واگذاری املاک خالصه را به اشخاص از طرف دولت صحیح میدانسته (و یا آنکه چون مجتهد بوده درباره شخص خود مشروع میدانسته است) و از اینرو موقعیکه فتح علیشاه قریه : « شهاب آباد » لنجان را باهتمام مرحوم عبد الله خان امین الدوله فرزند حاج محمد حسین خان صدر بعنوان تیول بوی وا گذاشت وی قبول فرمود .

در کتاب : اعلاط در انساب (ص ۵) می نویسد :

شیخ هنوز از گندم آن نانی نخورده بود که وفات یافت .

دیگر علماء و مجتهدین این خاندان همگان خرید و فروش خالصه را جائز دانسته و خود بدان قیام کرده اند غیر از مرحوم حاج شیخ محمد حسین نجفی که بدانچه از پدر بعنوان ارث باو رسیده بود اکتفاء نموده و چیزی بر آن نیفزود

و مرحوم آقا شیخ محمد رضا املاك موروثی پدر را بتدریج فروخته و هزینه زندگانی خود ساخت رحمه الله عليهم .

شریعتمدار و باغات عهد صفوی : قبلا گفتیم که در زمان ناصر الدینشاه و حکومت ظل السلطان املاك خالصه بهر اسم و عنوان که بود (انواع خالصها را دولت بمردم بضمن بخش میفروخت و پول آنها بجای آنکه اصلا صرف آبادی ممالک شود در راه مسافرت شاه بخارج ایران و دیگر هزینه های غیر لازم صرف میشد خریداران این املاك عبارت بودند :

۱ - شاهزادگان درجه اول .

۲ - وابستگان بدستگاههای حکومت .

۳ - عده ای از علماء و مجتهدین که خرید و فروش آنرا جائز میدانستند .

۴ - وابستگان به علماء از تجار و مالکین و غیره .

مرحوم شریعتمدار از جمله کسانی بود که بیشتر املاكش از این راه بدست آمده بود یعنی از راه خرید خالصه .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۳۶۱ قسمت بالای صفحه ستون دوم و ذکر اسامی باغهای عهد صفوی در اصفهان می نویسد :

اما باغاتی که آقا کمال الدین شریعتمدار فرمان گرفته بود :

۱ - باغ داروغه دفتر با سر درب قریب پانزده هزار ذرع .

۲ - باغ وقایع نویس با سر درب بیست و هشت هزار ذرع تخمیناً .

۳ - باغ دیوان بیگی نزدیک به بیست و پنجهزار ذرع .

۴ - باغ تفنگچی آفاسی قریب سی هزار ذرع و این باغرا در ۱۳۱۲ هجری

حاج میرزا حسین خان ولد میرزا نصر الله خان استوفی فرمان گرفته و بمحمد حسین گیوه فروش فروخته و سالها حسین گیوه ای پا در کفش شریعتمدار کرده

و باصفهان و طهران متظلم شده عاقبت سرش بی کلاه ماند .

نویسنده گوید: جمع مساحت چهار عدد باغ نامبرده نود و هشت هزار زرع مربع میشود که مرحوم شریعتمدار از دولت وقت فرمان گرفته و تصرف نموده با قیسد اینکه یکی از آنها را دیگری قبلاً متصرف بوده و مأمورین جهت يك باغ دو فرمان بنام دونفر در دو تاریخ صادر کرده اند البته اگر فروش باغ از طرف دولت صحیح و جائز باشد حق با خریدار اولی است و خریدار دومی باید طبق موازین شرعی احقاق حق کند نه آنکه بزور و قدرت ملك را متصرف شود . این ظاهر قضایاست و از حقیقت امر خدا آگاه است .

بلاغی در کتاب : « اعلاط در انساب » ضمن شرح حال او (ص ۲۲) بنقل از نسب نامه الفت می نویسد :

(شریعتمدار) در اندوختن ملك و مال و دینار بر طبق آنچه شرعاً حلال و جائز میسرمد کوشش داشت (نمیدانیم در باره ذخیره گنم و گرانفروشی آن در سال مجاعه و قحطی مرحوم الفت در باره برادر چه میفرمایند .) در اواخر عمر بفقراء ارحام خود بانفاق و بذل مال میپرداخت .

شجاع ، سرسخت ، خسته نشدنی بود با مخالفین خود مخصوصاً عمال دولت مدام در زد و خورد بود .

و هم در : اعلاط در انساب (ص ۲۰) ضمن شرح حال مرحوم آقا جلال الدین می نویسد :

گویا تلخی بی سر و سامانیهای آغاز عمرشان (دو برادر) این درس را بهتر آموخته بود که بایستی هر چه بیشتر بجمع مال و تحصیل ثروت بکوشند و با کوشش هر چه تمامتر بتحصیل ملك و مال پرداختند . خوشبختانه اسباب خارجی و اتفاقات نادر الوقوعی با نیروی نفوذ و ریاست پدرشان همدست شد

وباندك مدتی صاحب علاقه واملاك و خانه وزندگانى موافق مطلوبشان گردیدند .

مجلس مؤسسان

بیان مرحوم انصاری : مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۳۹۵
در قسمت پائین صفحه) ضمن وقایع سال ۱۳۴۴ می نویسد :

تشکیل مجلس مؤسسان برای تعیین سلطنت رضا شاه پهلوی و آمدن سید
احتشام و کیل بدعوت آقای حاج شیخ نور الله وجدیت آقا که بنده نیز همراه
ایشان بروم و امتناع بنده باین بهانه که اگر آقا حاضر میشوند که همه علمای ایران را
دعوت بحضرت عبد العظیم نموده مصارفشان را بدهند بعنوانی که این جا محل
مثیرکی است و محترم و اجماع علمای بزرگ در این محل شده، آنگاه پهلوی
را ابتداء از طرف علماء تقاضا کرده بیاید و عهد و پیمان کند بحفظ حدود اسلام
و بعد از معاهده بروند طهران مجلس تاجگذاری رسمی آقای حاج شیخ نور الله
حاضر بادای مصارف و قبول پیشنهاد نشده و بنده هم نرفتم .

مجلس تاجگذاری رضا شاه : مرحوم معلم حبیب آبادی در کتاب : نمونه
مختصر المکارم در ضمن وقایع سال ۱۳۴۴ می نویسد :

جلوس سلطان رضا شاه پهلوی ۲۹ جمادی الاولی سال ۱۳۴۴ و در تقویم
تطبیقی آنرا در چهارم اردی بهشت ماه سال ۱۳۰۵ ذکر می نماید و بر حسب
محاسبه طبق نوشته مرحوم معلم ۱۲ شوال می شود .

پیش آمدی قابل توجه : مرحوم انصاری در دنباله مطالب فوق (ص ۳۹۵
تاریخ اصفهان وری قسمت پائین صفحه) می نویسد :

شرحی از طرف عموم علماء تکلیف به بنده نمودند بخط روشن نوشتیم :
امروز که بحکم : « قل اللهم مالك الملك تؤتی الملك من تشاء » خدای

یگانه سلطنت آن اعلیحضرت را خواسته علمای اصفهان نیز بادای وظائف تهنیت پرداخته در مجلس تاجگذاری چون صدر الاسلام را صاحب صدائی غرا شناخته بمشار الیه داده تا مانند خطیب نامه را بلند بخواند . صدر الاسلام یا بهت ابهت گرفته و یا درست نظرش نگرفته شنیدم :

« خدای یگانه را » « خدای بیگانه » خوانده بود که پهلوی متوحش گشته بود (مثلی است معروف : چوب را که بر میدارند گربه دزد فرار می کند . او جا داشت متوحش شود چون بدستور بیگانه و کمک بیگانه روی کار آمده بود) .

گفته بود خدای بیگانه کیست و چیست ؟

عریضه را گرفتند و درست خواندند که : خدای یگانه .

حال چه سر ایزدی در اشتباه خواندن این لفظ بود که بر زبان صدر الاسلام جاری شد خدای میدانند .

شریعتمدار و مهاجرین قم

بطوریکه در جلد دوم نوشتیم : در سال ۱۳۴۶ علمای اصفهان بریاست وزعامت مرحوم حاج آقا نور الله ثقه الاسلام ظاهراً بعنوان مخالفت با قانون نظام اجباری و باطناً جهت دگرگونی اوضاع و خلع رضا شاه از سلطنت بقم مهاجرت کردند . در دنباله این مهاجرت از علمای طهران و سایر ولایات بوسیله پیک و نامه جهت همکاری دعوت بعمل آمد .

مرحوم شریعتمدار واسطه مرحوم حاج آقا نور الله و علمای طهران بود که در طول تقریباً شش ماه مهاجرت چندین سفر به طهران رفته از يك طرف با علماء و بزرگان شهر ارتباط حاصل نموده و آنجا را برای اقدامات بعدی و انجام دستورات هیئت اجرائی مهاجرین آماده مینمود و از سوی دیگر با مأمورین

دولتی از نخست وزیر و وزیر دربار و غیره ملاقات و مسذاکره میکرد و راه حسی جهت اصلاح اموری می جست از این جا رضا شاه با وی و روحیه او و طرز اندیشه اش آشنا شد و متوجه شد که او نیز همچون حاج آقا نور الله دشمنی خطرناک جهت او و سلطنت او می باشد اما موقعیت اجازه هیچگونه اقدامی به او نمیداد تا . . .

آیت الله حاج آقا نور الله در قسم بطور مرموزی وفات یافت و جمعیت مهاجرین از هم پاشیده شد و هر يك بشهر و دیار خود رفتند و مرحوم شریعتمدار نیز باصفهان آمده مانند قبل بمخالفت با دستگاه حکومت می گذرانید .

مسافرت رضا شاه باصفهان : رضا شاه در سال ۱۳۴۷ باصفهان مسافرت نمود در این موقع هیئت علمیه وعده ای از علماء اصفهان چنان صلاح دیدند که از او ملاقات نموده و ضمن این دیدار او را متوجه برخی از اعمال و رفتار اطرافیاناش نمایند شاید باینوسیله بتوانند از بغض و کینه او نسبت بساهل علم و روحانیت بکاهند .

مرحوم شریعتمدار در قسمت جنوبی رودخانه چادری زد و جمعی از علماء را دعوت نمود و شاه را بدانجا دعوت کردند و او نیز با عده ای از همراهانش در آن جمع حضور یافت .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۴۰۰) در ضمن وقایع سال ۱۳۴۷ می نویسد :

چون شریعتمدار بر خلاف حاج شیخ نور الله در آداب صحبت محاورت قاصر بود و حسن معاشرت نداشت و با خشم آوری آنش سجاف خواست سخنان آسمان شکاف گوید که هماره باصحاف و عراف و نداف و اکاف در میان داشت مورد تغییر (تقیر) باطنی شاه شد (انتهی) .

شاه رنجیده از چادر علماء خارج گردید و باهیچکدام از آنان درباره امور صحبتهی نداشت مخالفین شریعتمدار یعنی صارم الدوله و مشار الدوله (حکمران اصفهان) بر آتش غضب شاه دامن زدند و آنچه سالها آرزوی آنها داشتند یکباره اظهار داشته و موجبات تبعید مرحوم شریعتمدار را بمراق عرب (نجف اشرف) فراهم ساختند .

باز هم شریعتمدار : مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۴۰۰ پاورقی) ضمن وقایع سال ۱۳۴۷ می نویسد :

خراب کردن شاهنده (رئیس شهرداری آن موقع) سقف بازار چهار سوق مقصود را با قسمتی از بازار کفاشان برای بردن آجرهای آن که دنباله اش بخراب شدن سقف بازار چهار سوق نقاشی شد و آجرهای آنها شریعتمدار و کازرونی بردند (ظاهراً این دو نفر وعده ای دیگر آجرهای قدیم و مرغوب را بتمن بخش دراهم معدود از شهرداری خریده و بعداً خود فروخته و با در ساختمانهایشان بکار برده اند) .

در زمان ریاست شاهنده بسیاری از بازارها و ساختمانهای قدیمی خراب شده است از آنجمله : خراب شدن یا خراب کردن دروازه طوقچی از آثار دیالمه است که در طرح خیابان هانف خراب شد و آجرهای آن مثل دیگر آجرها فروخته شد .

در کتاب مرآت البلدان ناصری (ص ۳۱ جلد چهارم) و همچنین در سفرنامه اوژن فلاندن (ص ۱۱۲) و همچنین در کتاب : نصف جهان فی تعریف « اصفهان » تألیف محمد مهدی ارباب اصفهانی (ص ۲۶) از باغ قوشخانه و مسجد باباسوخته (مسجد قباصورت) نام برده شده و آنها بی بهترین وضع وصف نموده اند و محل آنها در کنار چهار باغ می نویسند (این چهار باغ از آثار دیالمه بوده است) .

در دو طرف راست و چپ دروازه طوقچی دو شیر سنگی قرار داشته که بنا
بنقل برخی از مطلعین (ص ۲۹۳ گنجینه آثار تاریخی اصفهان قسمت پاورقی)
در زمان حکومت حاج محمد حسین خان صدر اصفهانی به جبهه شرقی پل
خواجه انتقال یافته است و بعداً چه شده و یکجا رفته من نمیدانم .

تبعید به عراق

در سال ۱۳۴۷ دولت وقت در اثر سعایت صارم الدوله و مشار الدوله مرحوم
شریعتمدار را بعراق تبعید کردند و علت آنرا : مخالفت با حکومت مشروطه رضا
خانی و قوانین جدید بیان داشتند . مرحوم شریعتمدار به نجف اشرف مهاجرت
نموده و در آنجا در خانه‌ای که در چند سال قبل خریده بود ساکن شده و زیارت
مشغول گردید .

برگشت از عراق :

مرحوم شریعتمدار از سال ۱۳۴۷ تا سال ۱۳۵۱ یعنی قریب چهار سال در
عراق عرب بحالت تبعید بسربرد و در این سال بنا بنوشته برادرش مرحوم الفت در
نسبنامه (ص ۲۴ - اعلاط در انساب) با قیدالنزام بعدم مداخله در امور مملکت و ترك
معارضه با دولت اجازات رجوع به ایران را حاصل کرد و باصفهان برگشت .
رضاخان در این سالها كاملا بر اوضاع مسلط شده بود و مخالفین خود از هر
طبقه و مقام بعنوان کشته و نابود کرده بود و یا در کنج زندانها محبوس
گردانیده بود . نفس‌ها در سینه‌ها و قدرت تکلم و اظهار کوچکترین حرف مخالفت
آمیز را از همگان سلب نموده بود . با تغییر لباس از قدرت روحانیت کاسته بود
و علماء واقعی را خانه نشین و رابطه بین مردم آنان را قطع کرده . از دستجات

غزاداران ممانعت میکرد ووعاظ و منبریان را نیز تحت شکنجه و آزار و فشار قرار داده بود .

مرحوم شریعتمدار باصفهان آمد اما همچون جسمی بیروح در گوشه خانه و تحت نظر مأمورین روزها را بشب میرسانید . رابطه او با علماء مردم قطع شده بود وحقاً دیگر کاری از او ساخته نبود .

در این موقع بیشتر اوقات اورسیدگی به امور شخصی خود بود و بس .

مرحوم بلاغی در دنباله مطالب یاد شده اضافه می کند که :

از اخلاقیات او این بود که نامه ها بلکه هر کاغذی بسا آستین پیراهن خود میگرفت و آستین پیراهنش بلند بود .

دیگر از جمله کارهایش آنکه برای تمام کارها استخاره میکرد بخصوص در موقع پول دادن به ارباب استحقاق و خودش استخاره نمیکرد بلکه حاج میرزا آقا سدهمی که ملازم او بود کارش فقط استخاره بود آنهم با تسبیح (بسا سبحة بضم سین) .

فوت :

مرحوم شریعتمدار در اواخر عمر تقریباً بیمار و مریض بود (واز بیماری نقرس و استسقاء رنج میبرد) و در یکی دو هفته آخر بستری گردیده و سرانجام در شب ۱۰ ماه مبارک رمضان سال ۱۳۵۲ وفات یافته جنازه را در منزل غسل داده و به مسجد شاه آورده در آنجا با انبوه جمعیت از عموم طبقات بسا لایخص علماء مراسم نماز انجام گرفته و جنازه را در شبستان مسجد قرار داده و مؤمنین دسته دسته میآمدند و بر جنازه فاتحه خوانده و میرفتند بالآخره جنازه بسه نجف اشرف حمل گردیده و در آن ارض مقدسه در اطایقه قبر مرحوم حاج سید اسدالله بید

آبادی (فرزند سید حجة الاسلام شفتی بیدآبادی) مدفون بود طرف راست وارد شونده از درب قبلی صحن مطهر علوی مدفون گردید و مجالس ختم در اصفهان و طهران و قم و نجف جهت آن مرحوم اقامه گردید .

ماده تاریخ فوت :

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۴۰۹ قسمت پائین صفحه) ضمن وقایع سال ۱۳۵۲ می نویسد :

وفات حاج شیخ کمال الدین شریعتمدار و چون بعد از خود مقداری از ثروتش را بخیرات ارحامی قرار داده بتاریخش گفتم :

برای سال فوتش شد یکی بیرون و خوش گفتم

«کمال الدین زیك رحلت کند اکمال ابن دین را»

خورشیدی ۱۳۱۳ مساری ۴۰ - ۱۳۵۲

توضیح : فوت مرحوم شریعتمدار در زمستان سال ۱۳۱۲ خورشیدی رویداده است .

اولاد

مرحوم شریعتمدار بطوریکه مرحوم بلاغی در اعلاط در انساب (ص ۲۱) بنقل از نسب نامه مرحوم الفت می نویسد :

فقط يك دختر داشته بنام : حاجیه طلعت خانم نجفی زوجه عموزاده اش مرحوم حاج شیخ محمد علی فرزند آقا جلال الدین فرزند ارشد مرحوم حاج شیخ محمد تقی آقا نجفی علیهم الرحمه . مشار الیها از این شوهر سه فرزند پسر و سه دختر یافته است .

در «اعلاط در انساب» از قول مرحوم الفت در نسبتنامه می نویسد :
وی از بهترین خانمهای شهر اصفهان محسوب میشد ولی بسیار تیره بخت
بود .

قابل توجه : علامه طهرانی در الذریعه (ص ۴۷ سیزدهم) می نویسد :
شرايع تأليف مولى محسن فيض كاشانى مختصر كتاب بزرگ او در دوفن
ويك خاتمه : فن اول در عبادات و سياسات و فن دوم در عادات و معاملات و هر
فنى در شش كتاب كه مجموعاً دوازده كتاب مى شود و هر كتابى مشتمل بر
مقدمه و چندین باب .

نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه شیخ ابوالقاسم فرزند آقا کمال الدین
شریعتمدار فرزند آقا نجفی اصفهانی موجود است .

نویسنده گوید : آنجا که ما آگاهی داریم در خاندان مسجد شاهیان کسی را
باسم از مرحوم شیخ ابوالقاسم نجفی نمی شناسیم و برای مرحوم شریعتمدار
تاکنون فرزند پسری سراغ نداریم و متأسفانه مرحوم علامه طهرانی نیز بیشتر از
این در مورد این فرزند اطلاعی و مطلبی نمی نویسد در هر حال ماخذ این گفتار
بر ما مجهول و عدم صحت آن معلوم است .

مرحومه حاجیه طلعت خانم در ۱۶ جمادی الاولی ۱۳۹۱ در اصفهان وفات
یافته و در بقعه مرحوم آقا نجفی مدفون گردید رحمة الله علیها .

واما مرحوم حاج شیخ محمد علی بن آقا جلال الدین بن حاج شیخ محمد
تقی نجفی (آقا نجفی) در روز ۲شنبه دهم ربیع الاول ۱۳۸۷ در اصفهان بسن متجاوز
از هفتاد سالگی وفات یافته در مقبره مرحوم آقا نجفی مدفون گردید .

عقیده مرحوم انصاری درباره مرحوم شریعتمدار : مرحوم انصاری در تاریخ

اصفهان وری (۱۳۰۹ هجری قمری) ضمن وقایع سال ۱۳۵۲ فوت آن مرحوم مینویسد:
شریعتمدار اگر علم برادر بزرگش آقا جلال را داشت :
وتواضع ولطف بیان آقای حاج آقا نور الله :
واقدام مرحوم آقای نجفی را در اصلاح امور عامه :
با قوت قلب آنها شاید جایگیر پدر میشد . (انتهی) .

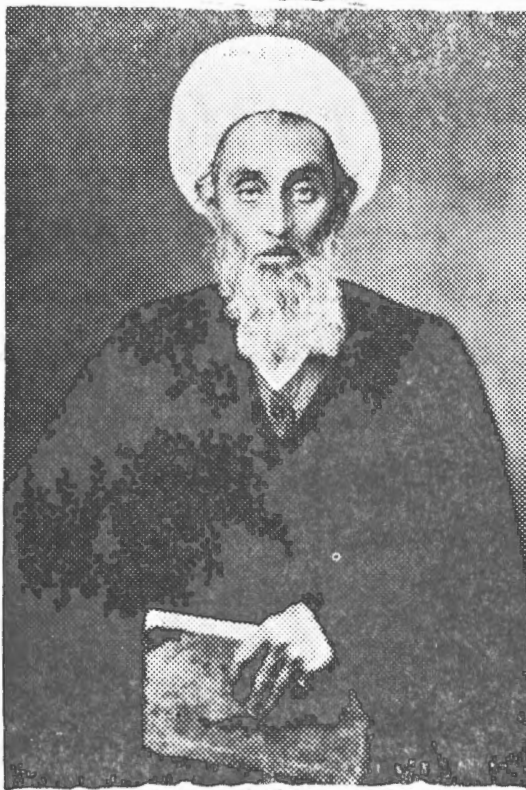
اما متأسفانه حب مال وجاه و توجه بگرد آوری ثروت از هر راه که باشد
گرچه مرحوم الفت برادر را از تهمت احتکار و گرانفروشی بیرون برده و گوید :
از هر طریقی که مشروع و حلال میدانست . اما شهرت دارد که در سال مجامعه
وگرانی اصفهان که صدها نفر از گرسنگی مردند و شرح گرفتاری مردم و سختی
ورنج آنان در آن سال خارج از حد شرح و بیانست وی یکی از دارندگان گندم
بوده و آنرا ببهای گران و هرروز گرانتر می فروخته است .

شرح اعمال خلاف رویه اودر تراشیدن زلف و اجرای حدود شرعیه و تعزیرات
را نیز قبلاً متذکر شدیم که با وجودیکه مجتهد نبود بکارهائیکه مربوط به مجتهدین
عادل است اقدام میکرد و با مراجعین به خشونت و بدخلقی برخورد میکرد و در
این عمل حتی نسبت بعلماء بزرگوار نیز چنین رفتار ناهنجاری داشت در نتیجه
بطوریکه مرحوم الفت می نویسد همه از او رنجیدند و بمخالفتش حتی دشمنی
با او قیام کردند .

آثار خیریه

از مرحوم شریعتمدار با آنهمه ثروت و مکنت و با وجود آنکه اولاد او منحصراً
در یک دختر بود هیچگونه اثر خیری باقی نمانده است بر خلاف پدر و عمویش
مرحوم آقا نجفی و حاج شیخ نور الله که قسمتی از اموال خود را وقف کردند
و نام نیکی از خود باقی گذاشتند .

وی منحصرأ در زمان حیات پدر و شاید بدستور آن مرحوم در سال ۱۳۲۰ طرح ساختمان مسجد دارالشفاء را ریخته و بطوریکه مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۲۹۹ قسمت بالای صفحه) می‌نویسد آنجا را: «مسجد اقصی» نامیده لکن خود موفق به اتمام آن نگردیده و حال آنکه تقریباً سی و سه سال بعد از این تاریخ در کمال عزت و قدرت و ثروت زنده بوده است. راجع به این مسجد در قسمت آثار خیریه خاندان مسجد شاهیان اصفهان بحث خواهیم کرد طالبین بدانجا مراجعه فرمایند.



۱۵ - مجد العلماء نجفی

۱۳۲۵ - ۱۴۰۳

مرحوم حاج شیخ امجد الدین (مجد الدین محمد علی) معروف و مشهور

به : « مجد العلماء » رحمه الله عليه فرزند مرحوم آیت الله آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی نجفی اصفهانی .

در جلد دوم (صفحه ۱۷۴) نام آن مرحوم و شرح حال اجمالی ایشان و ذکر اسامی برخی از اساتید و مؤلفاتشان برده شد اینک جهت تکمیل مطالب یاد شده ذکر چند نکته زیر را لازم میداند :

الف : مرحوم مجد العلماء رضوان الله عليه

عالم عامل و فقیه کامل و مفسر ادیب جلیل القدر عظیم المنزله استاد ریاضی و هیئت جامع معقول و منقول و حاوی فروع و اصول و از مدرسین خارج فقه و اصول در مدرسه مرحوم ثقة الاسلام عموی والد بزرگوارشان و امام جماعت مورد وثوق قاطبه طبقات اجتماع در مسجد نو بازار ، آثار زهد و تقوی از سیمای او نمودار که : « سیمای فی وجوه من اثر السجود » بیشتر از چهل سال پس از فوت پدر در مسجد ایشان در ظهر و شب اقامه جماعت مینمود و عده کثیری از مؤمنین حضور بجماعتش را غنیمت میشمردند .

ب - اساتید آن مرحوم در مقدمات و فقه و اصول و ریاضی عبارتند از :

۱ - مرحوم آیت الله شیخ الفقهاء والزاهدین آقای حاج آقا رحیم ارباب .

۲ - مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی پدر علامه آن مرحوم .

۳ - مرحوم علامه فقیه اصولی آیت الله حاج میر محمد صادق مدرس

خاتون آبادی .

۴ - مرحوم حاج سید عبد الحجت بلاغی مقدمات علوم .

۵ - مرحوم عالم جلیل آقا شیخ علی مدرس یزدی سطوح ادبیات و فقه .

۶ - مرحوم آیت الله استاد الفقهاء آقا میر سید محمد نجف آبادی .

۷ - مرحوم آیت الله حاج آقا منیر الدین بروجردی .

- ۸ - مرحوم عالم بزرگوار سید میرزا اردستانی رحمة الله عليه .
- ۹ - مرحوم آیت الله حاج آقا نور الله ثقة الاسلام نجفی .
- ۱۰ - مرحوم مجد العلماء در ایام مهاجرت علماء اصفهان بقم بدستور پسر به حوزة درس مرحوم آیت الله العظمی مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری مؤسس حوزة علمیه قم نیز گاهی حاضر گردیده و از محضر علمی آن عالم جلیل و محقق بزرگوار استفادة مینمود لکن مدت آن زیاد نبوده است شاید از چندین ماه تجاوز نکرده باشد .
- ۱۱ - مرحوم آیت الله آقای حاج سید ابوالحسن اصفهانی اجازه ایشان به آن مرحوم در صفحه بعدی کلیشه شده است .
- ج - اینک اسامی برخی از شاگردان ایشان بر حسب حروف تهجی :
- ۱ - آقای آقا شیخ احمد مهدیان .
- ۲ - عالم خدمتگزار جناب آقای حاج آقا احمد فقیه امامی از مدرسین حوزة علمیه اصفهان و مؤسس و بنیانگذار: « کتابخانه و قراةتخانه الزهراء » واقع در جنب مسجد الزهراء (مسجد باغچه عباسی سابق) که بهمت ایشان و برادر بزرگوارشان تجدید بنا گردیده . جناب آقای فقیه امامی در منبر و محراب بوظائف روحانیت آنچنان که باید و شاید و زمان اقتضاء نماید عمل می فرماید و فقه الله وایانا لما تحب وترضی .
- ۳ - آقا شیخ اسماعیل غروی .
- ۴ - آقا سید محمد باقر احمدی .
- ۵ - آقای حاج سید محمد تقی موسوی بیدآبادی فرزند مرحوم عالم جلیل زاهد آقا حسین بن سید ابوالقاسم بن سید محمد علی بن سید محمد باقر حجة الاسلام شفتی بیدآبادی . صهر جلیل مرحوم مجد العلماء و یکی از ائمه جماعت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

المجد لله رب العالمين والصلوة والسلام على خيرا اصطفاه
من الأولين والآخريين وبعثه رحمة للعالمين محمدا وآله الطاهرين واللعنة
الدائمة على أعدائهم أجمعين من الآن لايوم الدين وبعد فان حجاب
العالم العامل الفاضل الكامل قدوة العلماء العاملين وتبجعة المجتهدين
الشيخ محمد الدين العنقي نجل المرجوم العلامة الحجة الشيخ محمد رضا
العنقي الأصغر في أعلى المقامه ممن صرف عمره الشريف في تحصيل العلوم
الشرعية ويزل جهده في تنقيح مباحثها النظرية ويجتهد حتى
فان يوحى الله تعالى ما هو المأمول من الفضل والسداد فله العمل
بما يستنبطه من الأحكام على النهج المألوف بين الأعلام واجتازت له
ان يردى عنى كلما صحت لى بر وانيه من كتيب الأحكام لاسيما الأربعة
التي عليها المدارس واوصيه ما اوصاني به من اجتناب الكليبات من سلوك
طريق الاحتياط فاندر سبيل النجاة وللرجومته ان لا يفتاني من صالح
الدعوى في ٢٢ شهر صفر ١٢٤٤ هـ



مسجد سيد حجة الاسلام .

٦ - آقا شيخ حبيب الله فشاركي از مدرسين حوزه علميه قم .

٧ - آقا سيد حسن حسيني .

- ۸ - عالم بزرگوار آقای حاج آقا حسن فقیه امامی فرزند عالم جلیل زاهد مرحوم حاج آقا عطاء الله درب امامی حسینی از مدرسین مدرسه ذوالفقار و از خدمتگزاران واقعی و صمیمی اسلام و مسلمین زنده کننده مدارس مخروبه دینی اصفهان (باتفاق برادر بزرگوار خود) امام مسجدین، مسجد حاج محمد جعفر آباده‌ای و مسجد الزهراء از خداوند می‌خواهیم که بر توفیقات ایشان بیفزاید .
- ۹ - آیت الله حاج شیخ حسینعلی منتظری نجف آبادی . شهرت جهانی ایشان ما را و امثال ما را از گفتن و نوشتن فضائل و کمالات علمی ایشان بی‌نیاز میدارد .
- ۱۰ - آقا شیخ حیدر علی جبل عاملی .
- ۱۱ - مرحوم آقا شیخ داود مصاحبی نائینی .
- ۱۲ - آقا شیخ رضا مداح الحسینی .
- ۱۳ - آقا شیخ عبد الرحیم فضیلتی .
- ۱۴ - آقا شیخ علی شمس .
- ۱۵ - آقا شیخ علی اکبر فقیه .
- ۱۶ - آقا شیخ قاسم کاظمینی .
- ۱۷ - عالم بزرگوار آقای حاج آقا محمد فقیه احمد آبادی فرزند علامه فقیه زاهد مرحوم حاج سید محمد تقی موسوی احمد آبادی مؤلف : آداب الجمععات و مکیال المکارم و غیره .
- ۱۸ - آقای حاج آقا محمود امام جمعه زاده خوراسکانی .
- ۱۹ - مرحوم حاج سید مرتضی حبیب آبادی بر خواری .
- ۲۰ - آقا شیخ مرتضی شفیع .
- ۲۱ - دانشمند بزرگوار آقای حاج آقا مرتضی مقتدائی فرزند مرحوم حاج

میرزا محمود مقتدائی خوراسکانی عضو شورای عالی قضائی در تهران .

۲۲ - آقا شیخ مظفر کاظمینی .

۲۳ - صدیق مکرم عالم جلیل آقای حاج شیخ مهدی غیسات الدین نجفی

فرزند ارجمند مرحوم مجد العلماء و وارث بالاستحقاق محراب و منبر ایشان سلمه

الله تعالی .



آیة الله حاج شیخ مهدی مجد الاسلام نجفی

۲۴ - دوست عزیز گرامی آقای آقا شیخ هادی فرزند جناب حاج شیخ

مهدی سالف الترجمه مشوق وساعی و کوشا در امر تألیف این کتاب که ۴۰۰

کوشش مداوم ایشان و لطف و محبتشان نبود شاید این مجموعه باین کیفیت فراهم

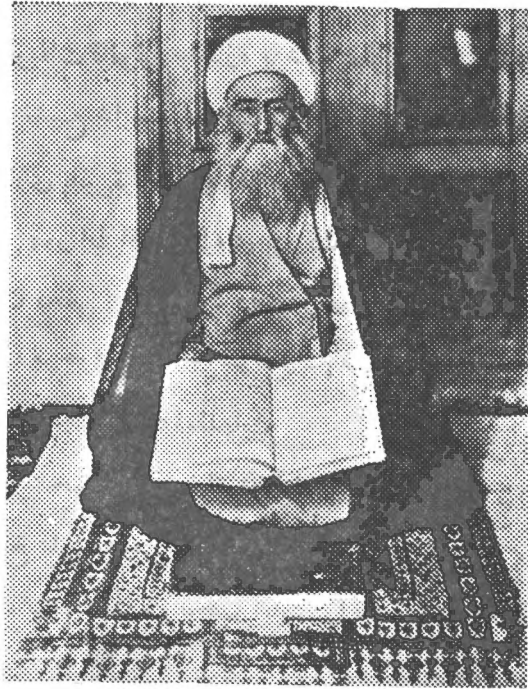
نمی شد ، خداوند بایشان توفیق تحصیل بیشتر عنایت فرماید .
 وجمعی دیگر از علماء وفضلاء وائمه جماعت و مدرسین واهل منبر اصفهان
 که فعلا اسامی آنان را مستحضر نیستیم . (صورت اسامی فوق را فاضل محترم
 آقای آقا هادی نجفی تهیه فرموده اند) .

د- ماده تاریخ وفات مرحوم مجد العلماء اثر طبع وقاد حجة الاسلام والمسلمین
 آقای حاج آقا مجتبی منیر صادقی فرزند عالم جلیل مرحوم حاج سید محمد باقر
 صادقی احمدآبادی و نواده علامه جلیل فقیه ادیب رجالی مرحوم حاج آقا منیرالدین
 بروجردی اصفهانی اعلی الله مقامه .

لهفی لموت البطل العظیم	ذی المجد ثم الحسب القدیم
اف لدهر یقتطف ثمر الهدی	من دوحه العلم ذی النسب الکریم
فاردت ان اورخ عام وفاته	لیکون تذکرة الاخلاف والحمیم
الحق الی المجموع سبعا ثم قل	« نرجو لمجد العلم مثوی فی النعیم »

خورشیدی ۱۳۶۲ مساوی ۷ باضافه ۱۳۵۵

ه- اخیراً بهمت و کوشش حفید بزرگوار آن عالم جلیل ، آقای آقا هادی
 نجفی قسمتی از تفسیر : « البیواقیت الحسان در تفسیر سوره الرحمن » و « المختار
 من القصائد و الاشعار » هر دو تألیف آن مرحوم پا کنویس و منقح و آماده چاپ
 گردیده و امید است همزمان با چاپ این کتاب از طبع خارج شود . انشاء الله
 تبارک و تعالی .



۱۶ - حاج شیخ مرتضی عماد الاسلام نجفی

حدود ۱۲۱۵ - ۱۲۸۶

مرحوم حاج شیخ مرتضی نجفی معروف به عماد الاسلام وحجت نجفی
فرزند مرحوم حاج آقا جمال الدین نجفی و داماد مرحوم حاج شیخ محمد تقی
نجفی (آقا نجفی) هم بزرگوار خود .

در اصفهان از دختر مرحوم حاج آقا محسن عراقی حدود سال ۱۲۱۵ متولد
گردید و در این شهر در نزد علماء و بزرگان تحصیل نمود عالمی خلیق و مهربان
و فاضلی زاهد و عابد و نکته دان دائم الذکر در صورت و سیرت ممتاز و در نزد
عموم طبقات محترم در مسجد قصر منشی امامت مینمود و جمعی از مؤمنین شرکت
در نمازش را غنیمت میشمردند سر انجام در بعد از ظهر روز دوشنبه ۲۶ جمادی
الثانیه سال ۱۲۸۶ هنگام برگشت از مسجد در بین راه در اثر سکتة وفات یافته

جنازه پس از تشریفات قانونی و اجازه پزشک بمنزل منتقل شده و پس از مراسم تغسیل و تکفین با تشییع شایسته به تخت فولاد حمل گردیده و آنجا در پشت تکیه آقا حسین خونساری پائین تر از بقعه آقا محمد بید آبادی مدفون گردید و سپس بر قبر او گنبدی عالی و در اطرافش تکیه‌ای بزرگ بنا نهادند که بنام خود آن مرحوم به : « تکیه حجت نجفی » معروف گردید . رحمة الله علیه و اسمة .

از اساتید آن مرحوم در فقه و اصول و ادبیات باید :

- ۱ - حاج ملا فرج الله دری مقدمات
- ۲ - حاج میر محمد صادق خاتون آبادی
- ۳ - آقا شیخ علی مدرس یزدی
- ۴ - آقا سید محمد مدرس نجف آبادی را نام برد رحمة الله علیهم اجمعین



۱۷ - حاج شیخ مهدی نجفی

۱۲۹۸ - ۱۳۹۳

فرزند مرحوم حاج شیخ محمد علی نفة الاسلام فرزند مرحوم حاج شیخ
محمد باقر نجفی

مادر : مخدره بانو فاطمه سلطان مشهوره به میرزا بیگم دختر مرحوم آقا
محمد ابراهیم تاجر قزوینی اصفهانی

تولد : در اواخر ماه شعبان سال ۱۲۹۸ در اصفهان متولد گردیده است .
بلاغی در کتاب : اعلاط در انساب (ص ۳۶) بنقل از نسب نامه الفت درباره
مرحوم حاج شیخ مهدی می نویسد :

برای ادامه تحصیل به نجف اشرف رفت و طبق اصول مدرسه درس خواند
و همیشه بادامه تحصیل مشغول است در سال ۱۳۲۹ قمری به اصفهان بازگشت .
در مسجد سارو تقی جنب مدرسه پدرش نماز جماعت میخواند و درس در مدرسه
میداد . پس از مردن ائمه جماعت مسجد شاه در آنجا پیشنهادی می کند . حالت
تشف و پرهیزکاری خشک و تقریباً با خشونت بر طبعش غلبه دارد و مورد اعتماد
و محل ارادت عموم عوام الناس و ساده لوحان اصفهان است .

نویسنده گوید: اتفاقاً مرحوم حاج شیخ مهدی نجفی محل اعتماد و وثوق کلیه
طبقات اجتماع مردم اصفهان از عالم و عامی و تاجر و کاسب و زارع و کارگر
و کارمند و تحصیلکرده بوده و نشانه آن نماز جماعت آن مرحوم در ایام ماه مبارک
رمضان بود که در روزهای معمولی زیر گنبد و مقصوره و چهارستون مسجد و قسمتی
از صحن از مأمونین که عموماً افرادی فهمیده و درس خوانده بودند و عده زیادی
از طلاب و علمای در بین آنان دیده میشد پر میشد و در ایام تعطیل تمام صحن
مسجد و بخصوص در روز بیست و یکم ماه رمضان صفوف جمعیت تا خارج
مسجد ادامه داشت و دو مدرسه طرفین شرقی و غربی نیز مملو از جمعیت زن و مرد
بود و اینان همگی عوام الناس نبودند بلکه بیشترین خواص بودند .

دنباله سخن از کتاب اعلاط : و بعضی اخلاق و اطوارش خالی از غرابته-ی نیست و بهر حال امروزه خوشنامترین (فرد) خاندان مسجد شاهیان است .

اساتید

در فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی (ص ۱۰۰ ششم) شرح حال مختصری از مرحوم حاج شیخ مهدی نجفی از قول خود ایشان نقل شده که ذیلا بنقل نکات اساسی آن میادرت می شود :

مقدمات و سطوح و ریاضی را در اصفهان خوانده و از سال ۱۳۱۴ درس خارج فقه و اصول را نزد پدر شروع نموده و مدت چهار سال از محضر پدر استفاده علمی نموده پس از وفات پدر بنجف اشرف مهاجرت نموده آنجا بدرس آیتین حجتین کاظمین یزدی و خراسانی حاضر گردیده و پس از وصول بمقام اجتهاد در سال ۱۳۲۹ با کسب اجازات روایتی و تصدیق اجتهاد از مرحوم آقا سید حسن صدر کاظمینی و آقا میرزا محمد حسین غروی نائینی و مرحوم آقا سید محمد کاظم طباطبائی یزدی با اصفهان معاودت نموده در اصفهان نیز از مرحوم آخوند ملا محمد حسین فشارکی اجازه گرفته است .

دیگر از اساتید او در نجف اشرف مرحوم حاج میرزا فتح الله شیخ الشریعه اصفهانی میباشد مرحوم آقا سید حسن صدر در اجازه ای که جهت ایشان مرقوم داشته بنام : « اللمعة المهدیه » بتاريخ شنبه ۱۸ صفر ۱۳۲۹ ویرا بصفت و القاب علمی زیادی ستوده است .

و « تذکره شعرای معاصر اصفهان » (ص ۴۷۸) درباه او می نویسد :
از رؤساء و معاریف علماء و مدرسین اصفهان (در مدرسه حاج شیخ محمد علی ثقة الاسلام تدریس مینمود) و مورد وثوق و اعتماد عموم طبقات اهالی

اصفهانست در بین علماء معاصر اصفهان از حیث زهد و تقوی علم و فضل براغلب مزیت و برتری دارد . بفارسی و عربی شعر می گوید و دارای تالیفات زیادی است .

تالیفات

مرحوم حاج شیخ مهدی نجفی از جمله علمائی است که هیچگاه عمر عزیز خود را مهمل و بیهوده صرف ننمود و همیشه در کار مطالعه و تالیف و تصنیف و عبادت بوده است . کمتر در امور اجتماعی شرکت نموده و مخصوصاً بعد از قیام و نهضت عمومی بزرگوار خود مرحوم حاج آقا نور الله و مهاجرت او به قم و سرانجام به مرگ مرموز او خاتمه یافتن نظر خوبی و خاطره شیرینی نداشت و از سیاست و امور مربوط به آن گریزان بود .

وقت گرانبهای او صرف نوشتن کتاب و مطالعه و تدریس در مدرسه میشد . کتب زیر از مؤلفات ایشان است که نام بسیاری از آنها مأخوذ از آیه کریمه : اولئك لهم جنات عدن تجري من تحتها الانهار . . . سورة الكهف آیه ۴۱) اینک اسامی تالیفات :

- ۱ - آگهی های علمی بفارسی در سال ۱۳۶۰ بچاپ رسیده است .
- ۲ - ارائك الاصول بعربی مطبوع . مرحوم الفت با همان طرز اندیشه و فکر مخصوص بخود کتابرا مورد انتقاد قرار داده و گوید : کسی آنرا بجای کفایة الاصول آخوند خراسانی نخواند . باید از مرحوم الفت پرسیده میشد که آنهمه کتاب که در اصول فقه بعد از کفایه مرحوم آخوند نوشته شد، چه شد؟ آیا همه آنها جای کفایه را گرفتند و یا باید همه را بگوشه ای و دور انداخت . و یا باید دیگر کسی در این موضوع کتاب ننویسد و تحقیق نکند .

۴ - اساور من ذهب در شرح حال حضرت زینب سلام الله علیها بفارسی
در سال ۱۳۵۰ بچاپ رسیده است .

۴ - اصول دین بفارسی در سال ۱۳۴۷ چاپ شده است بفارسی .

۵ - الانهار بفارسی در پنج نهر در مطالب گوناگون بدون شماره صفحه در
سال ۱۳۳۵ بچاپ رسیده است .

نهر اول دربرخی از کرامات و معجزات نهر دوم در شرح حال پدرش نهر
سوم سفرنامه خراسان و مراجعت از راه یزد نهر چهارم منتخباتی از اشعار نظامی
نهر پنجم منتخباتی از مرثیاتی حضرت سید الشهداء علیه السلام .

۶ - ترجمه ارشاد الازهان علامه که به امر و دستور پدرش مرحوم ثقة الاسلام
انجام داده است غیر مطبوع .

۷ - جنات عدن یا مفتاح الجنان در ادعیه و اذکار منتخب از کتب اربعه در
سال ۱۳۴۸ بچاپ رسیده است .

* جنگ صفین بنام سندس و استبرق .

۸ - دیوان اشعار بعبری و فارسی . مرحوم حاج شیخ مهدی همانگونه که
قبلاً گفته شد بعبری و فارسی شعر میسرود و نمونه اشعارش در کتاب : الانهار -
اساور من ذهب - تذکره شعرای معاصر اصفهان بچاپ رسیده است .

۹ - رساله در رد و هابیون بعبری در سال ۱۳۴۵ بچاپ رسیده است . مرحوم
حاج شیخ مهدی خویشتن را در آخر رساله بدینگونه معرفی می کند :

قد حصل الفراغ منه بید مؤلفه الفقیر الی الله عبدالله احد طلبة العراق .

بلاغی در اعلاط در انساب (ص ۳۶) بنقل از نسب نامه الفت در باره ابن

کتاب می نویسد :

رساله در رد قاضی القضاة و هابیه در موضوع تخریب قبور چهار امام علیهم

السلام واقع در بقیع بزبان عربی و این رساله ظاهراً فقط بین طلاب مدرسه ثقه الاسلام « از والد خودشان » توزیع شد ولیکن عده‌ای که مقدمات خوان بودند در نمی‌یافتند نه موضوعاً نه عبارتاً .

۱۰ - سندس واستبرق ترجمه کتاب صفین تألیف نصر بن مزاحم (ابوالفضل منقری کوفی عطار مؤلف کتابهای : جمل - صفین - نهران - مقتل الحسین علیه السلام و اخبار مختار و غیره نجاشی درباره او می‌نویسد : مستقیم الطریقه صالح الامر غیرانه یروی عن الضعفاء کتبه حسان انتهى وی در زمان حضرت باقر علیه السلام بوده است) . کتاب سندس واستبرق در سال ۱۳۴۵ در اصفهان بچاپ رسیده است .

۱۱ - شهاب ثاقب در تفسیر آیه : انا زینا السماء الدنيا بزینة الکواکب (سوره الصافات آیه ۶) در سال ۱۳۳۵ بچاپ رسیده است .

۱۲ - صفت حکمت بفارسی مختصر

۱۳ - کشکول . علامه طهرانی در الذریعه (ص ۸۰ هجدهم) از قول خود مرحوم حاج شیخ مهدی نجفی می‌نویسد که مشغول نوشتن آن می‌باشم .

۱۴ - المرتفق بفارسی در رد فلسفه داروین و مادریون و طبیعیون در سال ۱۳۴۸ در اصفهان بچاپ رسیده

۱۵ - نعم الثواب در سیر و سلوک و اخلاق و عرفان کتاب ارزشمند و خوبی است تاریخ فراغت از تألیف اواسط ماه رجب سال ۱۳۲۷ کتاب بچاپ رسیده است .

از کتب فوق کتاب : الانهار اولین کتاب مطبوع و صفت حکمت آخرین آنها می‌باشد .

دیگر از آثار مرحوم حاج شیخ مهدی نجفی ترجمه توحید مفضل است به

انگلیسی که بدستور ایشان انجام یافته و بچاپ رسیده است .

نمونه اشعار عربی و فارسی

مرحوم حاج شیخ مهدی نجفی در کتاب «الانهار» دو قصیده که در مرثیت پدر خود گفته (در صفحه ۳۰ و ۳۹) نقل نموده و ما نیز آنرا عنباً در شرح حال مرحوم ثفة الاسلام نقل نمودیم و در این جا نیازی بتکرار نمی باشد .

قصیده در توحید و ثنای خدای عز وجل نقل از « اساور من ذهب والانهار

ص ۹۴ » :

دیشب که بیاویخت فلک عقد گهر بر
افروخت زهر گوشه فروزنده شرر بر
بر بست شه زنگ مسگر زستاره
یک لشکر موج چو دریای خزر بر
انداخته کیوان سه حمایل زبر دوش
با هشت سپهرش شده سرگرم سمر بر
گردننده بگرد خور رخشنده نجومی
همچون پسرانی خورد بر گرد پدر بر
من خیره در آن شعبده ها می نگر بستم
با خاطری آمیخته با فکر و عبر بر
الحق که بسی نغز و لطیف و خوش و مرغوب
انداخته طراح جهان طرح صور بر
قیوم جهان شاه جهان نور عوالم
طغرای نویسنده منشور قدر بر

زینت ده افلاك به اجرام سماوی
 زیور ده ابچار بدر وبه گهر بر
 فرمانده افلاك و فروزنده انجم
 آرام ده خاك بکوه وبه کمر بر
 سرخاب کش چهره رعناى شقایق
 غماز کن نرگس شهلا به بصر بر
 در کنه جلالش نرسد صرصر اوهام
 در نغمت کمالش نبرد راه فکر بر
 از خوان عطایش همه عالم متنعم
 از بحر نوالش همه خلق بیر بر
 از اوست قرازه-ره سر عرش معلا
 از اوست فروزنده رخ شمس وقمر بر

این قصیده سی و سه بیت است بهمین قدر اکتفاء گردید .

نمونه‌ای از اشعار عربی آن مرحوم :

وفدت الیک یا ربی ولالی من الحسنات والاعمال زاد
 وحمل الزاد للاضیاف جهل بان ذا البیت ذو فضل جواد
 وراجع به تولد حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام گوید :
 وولدت فی البیت العتیق فزده شرفاً علی شرف بمولدك السنی
 والعرش قال تلهفاً وتأسفاً لما تراك علی الثری : یا لیتنی
 اشاره به آیه شریفه : یا لیتنی كنت ترابا .

همچمین دو قطعه شعر در رثاء مرحوم آقای نجفی عم بزرگوار خود گفته :

مطلع قصیده اول ۱۹ بیت (ص ۹۸ - الانهار) :

يا عامراً داراً عليك تنوح يبقى لغيرك نزلها ونروح

مطالع قصیده دوم ۲۱ بیت (الانهار صفحه ۱۰۴) :

حملوك يا علم الهدى ولطالما حملوا نذاك على الطى مشهورا

در تقریظ (تقریض) کتاب نقد فلسفه داروین تألیف مرحوم آقا شیخ محمد

رضا نجفی فرماید :

صحيفة تصنيف شيخنا الرضا على الطيبين سيف متضى

ردت لهم ابصار هم خائبه كانها البرق اذا ما اومضا

حارت لها الباهم حسيه كانما قد اورثنها مرضا

تفعل فى قلوبهم من وقعها ما تفعل النار باجزال الغضا

ظلت لها اعناقهم خاضعه كانها سيف على المرتضى

اسامی برخی از شاگردان مرحوم حاج شیخ مهدی نجفی

مرحوم آقای حاج شیخ مهدی نجفی بعد از مراجعت از نجف اشرف
وسکونت در اصفهان در مدرسه‌ای که پدرشان بنیان نهاده بود (مدرسه ثقة الاسلام)
شروع بتدریس فقه و اصول نموده و جمعی از طلاب بخصوص ساکنین آن مدرسه
بحوزه درس ایشان حاضر میشدند. افراد زیر از جمله حاضرین در جلسه درس
آن مرحوم بوده‌اند :

۱ - عالم جلیل آقای حاج سید اسماعیل فرزند آقا سید حسن موسوی
طالخونچه‌ای معروف به هاشمی از مشاهیر علماء معاصر اصفهان سلمه الله تبارک
و تعالی .

۲ - مرحوم میرزا محمد حسن نجفی زاده فرزند ایشان .

۳ - مرحوم آقا شیخ محمد حسین فقیه نطنزی . در سالهای آخر عمر که

مرحوم آقای حاج شیخ مهدی بعلمت کبر سن و ابتلاء بامراض جهت اقامه جماعت به مسجد شاه نمی آمدند بجای خود مرحوم آقا شیخ محمد حسین را معین نموده و ایشان در مواقع ظهر و شب جهت اقامه جماعت بمسجد زامبرده حاضر میشدند و مورد نسوق و احترام قاطبه اهالی بوده و مؤمنین و اهل علم و دیگران در نماز جماعتشان شرکت مینمودند .

مشار الیه در در اصفهان وفات یافته و در تخت فولاد دفن گردید و اکنون فرزند ایشان فاضل محترم آقای حاج شیخ علی فقیه نظنزی در هر دو وقت در مسجد مزبور اقامه جماعت می نماید . من خود از مرحوم آیت الله آقا شیخ مجتبی لنگرانی شنیدم که میفرمود : آقا شیخ علی عادل است و من باو اقتداء می کنم و از شاگردان خوب و ساعی و فاضل جلسه درس من می باشد .

۴ - مرحوم آقا شیخ داود بن ملا علی اکبر مصاحبی نائینی .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والعروة الوثقى والستاد على سبيل الاولين
والاخيرين محمد بن حاتم النبیین علی علی بن ابی الطاهر بن ابا بن
فان العالم الم الم المرید والمجرب السنن المجد والمفاضل المجد
الانعام والسهب المسدد العلم السید شهاب الدین ابی المالی
المقرب المبین المحسین المحسنی المرفعی المجدی المهدی المصون المبدی
والممام الامامی شیخ الدین السید محمد المرعشی اسکندری
منادیر المبان واهل علی بن شایب النفران علی اسجانان
فاخر الم مجزی علی اکبر به ان مهدی معی هارید من
المستاجر الکرام الم بن هم المشرس الطاهر الامان المرافی مصر الم
مصر الصادقین علیها السلام مکن المردان مهدی معی مصنفان
واوصیایان بربان وجود المرفعی من نزل الاحاسان الم المجدی
وهو المجدی المجدی وان المبان المردان مکن المهدی المرفعی المجدی
المصنفان المجدی المجدی المجدی المجدی المجدی المجدی

اجازة مرحوم آية الله آقای حاج شیخ مهدی نجفی به آية الله آقای نجفی مرعشی

۵ - حضرت آیت الله العظمی آقای حاج سید شهاب الدین مرعشی نجفی
مجاز از مرحوم آقا شیخ مهدی نجفی .

برخی از حالات روحی

مرحوم الفت در نسب نامه (اعلاط در انساب ص ۳۶ بنقل از نسب نامه)
در باره او می نویسد :

حالت تقشف و پرهیزکاری خشک و تقریباً با خشونت برطیش غلبه دارد
و بعضی از اخلاق و اطوارش خالی از غرابتی نیست . (انتهى محل الحاجه) .
نویسنده : سالها بنماز جماعت آن مرحوم حاضر میشدم مشاهده میشد که گاهی
در بین نماز و یا بین الصلواتین عبا را بر سر می کشید و از مسجد خارج میشد و گاه
میشد که خطاب بمأمونین میفرمود : نماز را خودتان بخوانید بعضی از مواقع
برای نماز دوم مراجعت میکرد و گاهی بعد از آن یکی دو روز بمسجد نمی آمد .
جزئی حرکتی از مأمونین او را ناراحت می کرد و باحالت مخصوص به افراد ایراد
میگرفت و گاه میشد که پرخاش میکرد که چرا در بین اذان و اقامه حرف زدی و یا از
جلو صفوف جماعت رد شدی .

نسبت با افراد مختلف رفتارش یکسان بود .

دانشمند بزرگوار محقق متبع جناب حاج سید محمد علی روضاتی ایدة الله
تعالی در رساله : « هدیه نجفیه » که بر حسب خواهش آیت الله زاده مرعشی
جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای دکتر حاج سید محمود مرعشی در شرح
احوال سه تن از علماء اخیر اصفهان : مرحوم آقا سید محمد نجف آبادی -
مرحوم آقا سید عبد الله ثقة الاسلام مدرس میر محمد صادقی و مرحوم آقای حاج

شیخ مهدی نجفی مرقوم فرموده‌اند درباره ایشان (ص ۱۵ نسخه عکس) مرقوم فرموده است :

وی دارای حالات و روحیات خاصی بود و بر خلاف مرحوم آقا سید عبدالله نفة الاسلام که بخوش مجلسی و شیرین سخنی شناخته میشد وی در عموم مجالس و محافل حالتی جدی داشت و اهل مزاح و مطایبه نبود تاچه رسد به پرداختن بکلام باطل و بیهوده و اتلاف وقت و با غیبت و تهمت و تفحص و تجسس در امور دیگران اگر چه سایر علماء اعلام و بزرگانیرا که دریافتیم جملگی از این عیوب مبرا و به محاسن آداب و مکارم اخلاق منصف بودند .

شنیده شد روزی در جلسه درس مرحوم آقای آخوندخراسانی بحث : « طلب و اراده » به جاهای باریک کشیده شد که ناگاه مرحوم آقای حاج شیخ مهدی بصدای بلند می گوید : مجلس معصیت شد و بیدرننگ بر خاسته و خارج میشود .
و دیگر :

یکی از فضلاء می گفت روزی آن مرحوم بخانه ام آمد ، بدرج اطاق که رسید نگاهی در آن افکند چند قفسه کتاب جلب توجهش را کردخواست که داخل نشود و گفت : آمدن در این اطاق اشکال دارد . این همه کتاب را اینجا جمع کرده‌اید برای چه منظوری ؟ بزحمت او را قانع ساختم که باین کتب احتیاج داشته و در طول زمان يك يك آنها را با مشقت گرد آورده‌ام الحال نیز دائماً مراجعه می کنم . آخر سر بکراهت آمد و نشست .

فاضل موثق دیگری نقل کرد دوسه سال قبل از فوت او مبلغ قابل توجهی پول نقد برای او بردم و گفتم این را شخصی تبرعاً برای شما فرستاده است با اینکه ظاهراً احتیاج داشت قبول نکرد و پس از مبالغه و اصرار فقط متعهد شد که او

محتاجان که می شناسد را معرفی کند و من خود متصدی پرداخت مبلغ تعیین شده بدانها کردم .

دیگر ده سال قبل این جانب (آقای روضاتی) از سفر حج باز گشته بودم آن مرحوم مطلع شده و بدیدن آمد . در کفش کن بیرون اطاق قطعه فرش مستعملی انداخته بودند بنظرش اسراف آمد و اعتراض کرد و بعد هم چای آوردند آب لیمو تولید دو سه قطره آب لیمو روی زمین ریخت بسیار ناراحت شده مثل اینکه مالی را تفریط کرده باشد . اصرار بهای چند قطره آب لیمو را بدهد و آخر تا حلالیت لفظی نطلبید رها نکرد .

اینها همه حالت واقعی بود نه تصنعی .

سپس علامه روضاتی در دنباله مطالب یاد شده می نویسد :

شاید اگر اینقدر بساریک بین نبود و بمسائل پیش پا افتاده اهمیت نمیداد ترقیات بیشتری داشت و خدمات بزرگتری از او بظهور می پیوست .

نویسنده گوید : مرحوم حاج سید محمد علی معین الاسلام مشهور به ناظم مازندرانی عالمی بیداد و فاضلی هوشیار بود تا کسی را خوب نمی آزمود باو اظهار محبت و دوستی نمیکرد دانشمندی صریح اللهجه وزیرک بود . در سالهای آخر در ایام ماه مبارک و رمضان جهت درک نماز جماعت ظهرها به مسجد شاه می آمد در آن موقع وسیله ایاب و ذهاب کمتر یافت میشد و آن مرحوم با کبر سن و ضعف مراجع مسافت بین منزل خود را که در کنار خیابان شیخ بهائی در یکی از کوچه های جنوبی در کنار نهر قرار داشت تا مسجد را پیاده می آمد و برمی گشت .

آن مرحوم نسبت به نویسنده لطف مخصوصی داشت و غالباً در موقع نماز در یک صدف و پهلوی هم قرار می گرفتیم . روزی بایشان بر سیبل مزاح گفتم : شما که احدی را عادل نمی دانید چگونه است که نسبت به آقای حاج شیخ مهدی

نجفی اظهار ارادت می‌کنید. ایشان فرمود مرا بایشان حکایتی است. داستان را پرسیدم در جواب فرمود:

در ایام تحصیل در خدمت حاج شیخ محمد علی ثقة الاسلام تلمذ می‌کردم و روزهای تاسوعا و عاشوراء عموم طلاب و محصلین علوم دینی که جمعیت آنها قریب سه هزار نفر میشد در مسجد شاه جمع میشدند و بصورت دسته‌های عزادار در حال نوحه خواندن از مسجد بیرون آمده و بازار رفته و از آنجا در مسجد نو بازار حاضر شده و سینه میزدند. مرحوم آقا شیخ حسین رشتی رئیس الطلاب عنوان مرشد و من نفر دوم بودم. تمام آقایان مسجد شاه از آنجمله مرحوم حاج شیخ محمد علی در جلو جمعیت حرکت می‌کردند. پس از سالها بعد از مرگ مرحوم ثقة الاسلام و چندین سال بعد از مراجعت مرحوم حاج شیخ مهدی از نجف اشرف (حدود سالهای ۱۳۳۵ بیهد).

وقتی کتاب: شرح باب حادی عشر مطالعه می‌کردم موضوع معاد جسمانی و حشر اجساد و شبهاتی که در این باره از طرف حکماء و فلاسفه و مخالفین شده است مرا بخود مشغول کرده بود جوابهای ترا که باین شبهه‌ها و اشکالات (شبهه آکل و مآکول) داده بودند مرا قانع نمی‌ساخت در یکی از شبها که ساعتها در این گونه افکار و اندیشه‌ها بودم و چندین کتاب در این موضوع مطالعه نمودم بخواب رفتم در عالم رؤیا چنین بنظر رسید که:

روز عاشوراء می‌باشد و بجهت شرکت در دسته عزاداران طلاب بسمت مسجد شاه می‌روم از بازار مسکرها وارد میدان شلم مشاهده کردم که جمعیت از مقابل مسجد شیخ لطف‌الله بسمت بازار می‌رود به تعجیل خود را به دسته عزادار رسانیدم تا مرحوم ثقة الاسلام را در جلو جمعیت دیدم بمن فرمودند:

آقا سید محمد علی جواب سؤال خودتان را (شبهه خودتان را - تردید از

من است) از حاج شیخ مهدی بپرسید. از خواب بیدار شدم. فردا برای نماز بسمت مسجد شاه حرکت کردم و بنماز آقای حاج شیخ مهدی حاضر شدم. وقتی رسیدم که حاج شیخ مهدی در محراب نشسته بودند و مرا ندیدند. بین الصلواتین مرحوم حاج شیخ مهدی روبه جمعیت عقب سر خود کرده و مرا باسم صدا زدند جلو رفتم و پس از سلام و احوالپرسی فرمودند: با شما کاری دارم فردا صبح بیائید منزل تکرار کردند فردا صبح.

صبح فردا اول وقت جهت ملاقات ایشان بمنزل آن مرحوم رفتم طبق معمول منقل در جلو ایشان بود و قوری چای در پهلویش و استکان و نعلبکی و قنددان در جلو ایشان. خود ایشان شخصاً چای ریخته و تعارف کردند و بدون مقدمه فرمودند: آقای آقا سید محمد علی مطلب همانست که ائمه اطهار علیهم السلام فرموده اند معاد همانست که آنها گفته اند دنبال حرف حکماء و فلاسفه نروید که گمراه میشوید. فهمیدید چه گفتم.

آنچه مرا و افکار مرا بخود جلب کرد اینکه:

۱ - آقای حاج شیخ مهدی از کجا می دانستند که من در صف جماعت ایشانم؟

۲ - از کجا متوجه اشکال من در موضوع معاد شده بودند؟

۳ - ظاهراً مرحوم معین الاسلام فرمودند که: آقای حاج شیخ مهدی دنباله سخن گفتند که:

شما چرا بسراغ من نمی آئید و از من احوالپرسی نمی کنید و تا شما را نفرستادند خودتان نیامدید در هر حال آن خواب و این بیداری مرا مرید آقای حاج شیخ مهدی کرده است.

المکثار کحاطب اللیل. از ضرب المثلهای معروفست که می گوید:

آنکس که سخن بسیار می گوید مانند کسی است که در شب هیزم و چوب در بیابان گرد می آورد بمناسبت تاریکی هوا هر خس و خاشاکی را نیز با چوبها بر میدارد .

درباره مرحوم آقای شیخ مهدی وحالات روحی ایشان و همچنین دیگر افراد این خاندان جلیل چه آنانکه شهرت و عنوان دارند و چه آنها بیکه زیاد مشهور نیستند حکایات و داستانهای زیادی در ستایش آنها و یا در نقل ابرادات و نقایص اخلاقی آنان شنیده و بیاد دارم لکن از ذکر آنها خوداری می کنم که مبادا مشغول ضرب المثل معروف عربی گردم که می گوید :

« المكثر كحاطب الليل »

فوت :

مرحوم حاج شیخ مهدی نجفی در یکی دو سال آخر عمر در اثر ضعف مزاج و ابتلای به امراض در منزل تقریباً بستری و ترك جماعت و معاشرت نموده و بجای خود مرحوم آقا شیخ محمد حسین فقیه نطنزی عالم فاضل از ساکنین مدرسه حاج شیخ محمد علی نقه الاسلام را که محل وثوق و اعتماد ایشان بود جهت امامت در مسجد شاه تعیین و در مواقعیکه مرحوم آیت الله العظمی آفای حاج سید علی بهبهانی در اصفهان تشریف داشتند (تقریباً سالی شش ماه) ایشان ظهرها در مسجد نامبرده امامت میفرمودند .

مرحوم آقای حاج شیخ مهدی در شب يك شنبه پنجم ماه صفر المظفر سال ۱۳۹۳ در اصفهان وفات یافته جنازه در روز دوشنبه با تشییع شایسته که عموم طبقات بالاختصاص علماء و طسلا ب در پیشاپیش جمعیت مشیعی در حرکت بودند

به فرودگاه (تخت فولاد) حمل گردیده و از آنجا به مشهد مقدس انتقال یافت
و در تحویلخانه دار السیاده آستان مقدس رضوی سلام الله علیه در حجره‌ای که
جمعی از علماء بزرگ در آن مدفون هستند بخاک سپرده شد .

برخی از مدفونین در تحویلخانه : نویسنده قصد ندارد که نام کلیه علمای
مدفون در این حجره مبارکه را از لابلای کتابها یافته و در این جا ذکر کند فقط
بنام چند تن از آنان که با اسم آنها برخورد کرده‌ایم اکتفا میشود :

۱ - مرحوم آقا سید اسماعیل امام جمعه (۱۲۰۷ - ۱۲۶۲) بنقل از کتاب :
تاریخ علمای خراسان (ص ۸۶)

۲ - مرحوم شیخ محمد تقی بن ملا حسن مدرس شاهرودی (فوت ۱۳۵۳)

۳ - مولی محمد حسین بن علی اصغر قوچانی سبزواری (فوت ۱۲۶۲)
بنقل از : تاریخ علمای خراسان (ص ۸۷) و مطلع الشمس (ص ۴۱۹ دوم)

۴ - حاج سید عباس بن علی موسوی شاهرودی (فوت ۸ شوال ۱۳۴۱)

۵ - مولی عبد الرحمن شیخ الاسلام (فوت ۱۲۹۰) نقل از تاریخ علمای
خراسان (ص ۱۱۴ - مطلع الشمس ۴۲۱ دوم)

۶ - حاج ملا عبد الله کاشی (فوت ۱۳۰۳) بنقل از تاریخ علمای خراسان
(ص ۲۹۷)

۷ - مولی عبد الوهاب شیخ الاسلام (فوت ۱۲۶۲) بنقل از تاریخ علمای
خراسان (ص ۸۵)

۸ - حاج شیخ محمد کوهستانی (فوت ۱۳۹۲) شب جمعه ۱۴ ربیع المولود

و همچنین مرحوم : تقوی شیرازی و جمعی دیگر از علماء و بزرگان رحمة

الله علیهم اجمعین .

ماده تاریخ فوت :

در فوت مرحوم حاج شیخ مهدی نجفی برخی از شعراء اصفهان بعربی و فارسی اشعاری می گفتند که از آن جمله است : مرثیه ای که حجة الاسلام والمسلمین عالم بزرگوار جلیل آقای حاج سید اسماعیل هاشمی طالخونچه ای از علماء بزرگوار معاصر اصفهان سروده اند (شرح حال مختصر ایشان در جلد دوم در ضمن شاگردان مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی ذکر شد) :

لهف قبلی علی طیف اشتیاق	رحمه الله ربه يوم التلاق
غاب عن عیننا الحبيب ولكن	لم یغب عن قلوبنا بافترق
وهو العالم الفقیه طیف الز	هد والتقوی مع الاشتیاق
عالم، زاهد، سخی، وفی	عارف ناسک و ذو اخلاق
من هداه الله وهو المهدی	لسنام الکمال فهو الراق
راح عنا الی جوار امام	هو شمس الشمس فی الافاق
فجباه الاله نعم الثواب	من الانهار کم له من خلاق
واکتسی سندساً من الثواب خضرا	ومن استبرق من الخلاق
متکاه علی الارائك حقاً	فیفضل الاله ام باستحقاق
حسن المرتفق بجنات عدن	لفقید الفقیه باطلاق
ارخ الهاشمی عام وفاته	هو فی مصرغ مع الاوفاق
فل لتاریخ بعد خمس وعشرون	بقی العالم ماذا الدهر باق

۱۳۹۵ مساوی ۲۵ باضافه ۱۳۷۰

این ماده تاریخ دو سال زیاد است و احتمال مصرع اول : « ثلث وعشرین »

بوده است ضمناً در این قصیده بمناسبت اسامی برخی از تألیفات آن مرحوم ذکر شده است .

اولاد

مرحوم حاج شیخ مهدی نجفی دو فرزند پسر بنامهای : ۱- شیخ محمد علی ۲- میرزا محمد حسن و دو دختر داشته که یکی از آندو زوجه مرحوم : آقا رضا صدر العلماء- هاشمی و دیگری زوجه مرحوم حاج شیخ محمد باقر فشارکی بود مادر اینان (یعنی همسر مرحوم حاج شیخ مهدی نجفی) مخدیره خدیجه خانم مشهوره به نصرت خانم دختر مرحوم حاج شیخ محمد تقی آقا نجفی از علویه مریم بیگم دختر علامه فقیه آقا میرزا محمد هاشم چهار سوقی می باشد یعنی خواهر ابوینی (اعیانی) مرحوم حاج شیخ محمد باقر الفت .

مرحوم حاج شیخ محمد علی در زمان حیات پدر وفات یافته و در بقیه مرحوم آقانجفی مدفون گردید .

مرحوم آقا میرزا محمد حسن نجفی زاده در سال ۱۴۰۷ وفات یافته در گورستان جدید مدفون گردید ترجمه مختصر ایشان گذشت .

تذکر : مرحوم حاج شیخ مهدی نجفی بر حسب تقاضای مرحوم معلم حبیب آبادی رساله‌ای در شرح حال خود بطور تفصیل مرقوم داشته که نسخه اصل آن اینک در کتابخانه علامه مفضل جناب آقای حاج سید محمد علی روضاتی در اصفهان موجود است .

فصل دوم

اولاد و اعقاب دختری مرحوم

آقا شیخ محمد تقی رازی اصفهانی

و کلیه منتسبین باین خاندان از طبقه علماء

شامل شرح حال ۵۱ نفر

مقدمه

بخش دوم

در ذکر اولاد و اعقاب دختری و وابستگان سببی و نسبی مرحوم شیخ محمد تقی رازی . در این قسمت سعی شده است که تا حد امکان مطالب در نهایت اختصار اما جامع الاطراف بوده و از هر جهت بتواند بیانگر حالات و گزارشات صاحبان عنوان باشد .

بیشتر مطالب با ذکر مأخذ نوشته شده و کمتر موضوعی در آن بدون ذکر سند مستند و مورد اعتماد بیان گردیده است . راجع بمقام علمی و شخصیت اجتماعی افراد هیچگونه داوری نشده و مطلبی گفته شده است فقط ذکر اقوال نویسندگان دیگر بوده و قضاوت درباره آنها رابعده تاریخ و آینده و انصاف و رأی خوانندگان قرار داده ام .

سعی شده است درباره بزرگانیکه در حال تألیف این کتاب در قید حیات می باشند (و از خداوند طول عمر و موفقیت آنان را بدعا مستثنا می نمایم) و من

نسبت به همه آنان ارادت داشته و دارم ذکر می‌کنم و این عمل بعلت‌ها و جهاتی است که شاید برخی از آنها بر خوانندگان محترم روشن می‌باشد و اگر احیاناً نامی از یکی از اینان برده شده صرفاً برای تکمیل مطلب بوده است و نظر خاصی در بین نمی‌باشد. اکنون از همه کسانی که شایسته نامبرداری بوده‌اند و بعلت یاد شده از آنها یاد نشده است پوزش خواسته و امید است که عذر مرا بحسن قبول تلقی نموده و این تقصیر و یا قصور مرا ببزرگی خود نادیده گیرند.

در ضمن حالات برخی از بزرگان اشاره‌ای به موضوعات تاریخی شده است باید یاد آور شوم که مقصود نویسنده تاریخ نگاری نبوده و آنچه بنظر میرسد برای روشن شدن مطلب و اشاره به وضع زمان و مکان است که این بزرگان در آن میزیسته‌اند.

اینک بخواست خداوند قادر متعال شروع در مطلب می‌کنیم.

این بخش شامل :

- ۱ - دختر زادگان و نبیرگان دختری در هر طبقه‌ای که باشند
- ۲ - دامادها و منسوبین بآنها
- ۳ - اولاد و اعقاب مرحوم الله وردی بیک جد مرحوم آقا شیخ محمد تقی

۱ - آقا ابراهیم بهبهانی

فرزند آقا احمد بن آقا محمد علی بن وحید بهبهانی آقا باقر علیهم الرحمه .

مادر : علامه طهرانی در الکرام البرره (ص ۱۰۱ یکم) در شرح حال آقا

احمد پدرش می‌نویسد :

زوجه او (عیال آقا احمد) خواهر دو عالم بزرگوار آقا شیخ محمد تقی

مؤلف حاشیه و آقا شیخ محمد حسین صاحب فصول می‌باشد و از این مخدیره

آقا ابراهیم و خواهرش فاطمه زوجه امیر محمد علی شهرستانی و مادر میرزا محمد حسین شهرستانی متولد شدند .

محدث قمی نیز در فوائد الرضویه (ص) در ضمن شرح حال مرحوم آقا میرزا محمد حسین شهرستانی بنقل از کتاب : « موائد » از تألیفات او در ضمن شرح حال آقا محمد ابراهیم (صاحب عنوان) می نویسد : وی خالوی حقیر است برادر اعیانی والده بود و مادر ایشان همشیره صاحب فصول بود .

در کتاب : « وحید بهبهانی » (ص ۴۴۰) در ضمن شرح حال آقا احمد نقل از مرآت الاحوال می نویسد :

در سال ۱۲۱۵ برادر نامدار والاتبار : آقا محمد جعفر و بجهت تمشیت امور دختر خیرالحاج حاجی رحمت الله ساکن آن شهر را (کرمانشاه) که والده نور چشمی محمد ابراهیم است نکاح کردم .

جمع بین این دو گفتار : ۱ - آنچه مرحوم شهرستانی می نویسد ۲ - آنچه خود آقا احمد می نویسد ظاهراً مشکل و حل آن باین طریق است که ابن محمد ابراهیم که مادرش دختر حاجی رحمت الله بوده در کودکی وفات یافته و آقا احمد از زوجه اولیه خود که دختر خاله اش بود فرزند پسری یافته و آنرا نیز محمد ابراهیم نام نهاده که مشار الیه صاحب عنوان میباشد والعلم عندالله تبارک و تعالی .

علامه طهرانی در : الکرام البرره (ص ۸ یکم) می نویسد :

شیخ آقا ابراهیم بهبهانی سبط (دختر زاده) صاحب فصول بوده و از قول خواهر زاده اش علامه سید محمد حسین شهرستانی حائری در کتاب « موائد » گوید :

وی (آقا ابراهیم) از علماء اعلام است و بشارت تولد مرا در سال ۱۲۵۵ بپدرم داد بنابراین مؤلف فصول دائی مادر اوست بدین جهت وی در کتاب

تألیفاتش از او به دائی (خال) تعبیر می‌کند .
مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الآثار (ص ۱۴۸۵ پنجم در ضمن شرح حال
مرحوم صاحب فصول گوید زوجه او (زوجه صاحب فصول) دختر پسر خاله اش
آقا احمد بهبهانی است (انتهی) بنابراین مرحوم آقا ابراهیم برادر زن مرحوم
صاحب فصول میشود نه سبط او . قبلا نیز گفته ایم که : خواهر مرحوم آقا شیخ
محمد حسین صاحب فصول و آقا شیخ محمد تقی صاحب حاشیه زوجه مرحوم آقا
احمد بوده است و از مخدره یک پسر بنام آقا محمد ابراهیم و پسر دیگری بنام محمد باقر
نیز یافته که قبل از سال ۱۲۱۵ در کربلا بکودکی وفات یافته است و دختری بنام :
فاطمه سلطان یافته است، که مشارالیه مادر مرحوم آقا میرزا محمد حسین شهرستانی
بوده است (ص ۹۹۸ سوم مکارم الآثار) .

بنابر آنچه گفته شد : ۱ - آقا ابراهیم خواهر زاده صاحب فصول است
نه نواده او و این نکته را مرحوم علامه طهرانی خود در (اصلاح
نموده و عبارت نواده صاحب فصول (ص ۱۶۸ دوم الذریعه) را به نواده صاحب
فصول برگردانیده است .

۲ - مرحوم آقا میرزا محمد ابراهیم شمس آبادی . آل رسول

قبل از ۱۲۹۰ - ۱۳۵۶

داماد مرحوم حاج شیخ جمال الدین نجفی علیه الرحمه

فرزند عالم جلیل مرحوم آقا سید عبد الله فرزند علامه فقیه میر محمد علی
شمس آبادی (۱۲۲۲ - ۱۲۸۸) مترجم جلد هشتم و دهم بحار الانوار و غیره
فرزند مرحوم میر سید محمد (متوفی در ۱۲۴۸) فرزند سید عبد الله بن سید
اسماعیل بن حسین موسوی شاهاندشتی مازندرانی اصفهانی علیهم الرحمه .

پدرانش عموماً از علماء از گیاه‌دانشمندان زمان خود بوده‌اند .

مرحوم آقا میرزا ابراهیم عالم فاضل غیور و در امور دینی بخصوص ساعی و کوشا در امر بمعروف ونهی از منکر جدی و متعصب و از علماء متنفذ و محبوب القلوب عند الخاص والعام بود در قبل از سال ۱۲۹۰ در اصفهان متولد گردید و در نزد علمای این شهر همچون : ۱ - مرحوم آقا سید ابوالقاسم دهکردی ۲ - آخوند ملا محمد باقر فشارکی ۳ - حاج میرزا بدیع درب امامی ۴ - مرحوم حاج شیخ محمد تقی آقا نجفی ۵ - جهانگیرخان قشقائی ۶ - ملا محمد کاشانی ۷ - آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی و جمعی دیگر از فضیله این شهر تحصیل نموده تا بمقامات عالیہ رسیده در علم و عمل سرمشق و مقتدای مردم و مورد احترام و تکریم جمیع طبقات قرار گرفته در محله شمس آباد ساکن و در یکی دو مسجد از مساجد آن ناحیه امامت میفرمود .

در سال ۱۳۵۶ بسن قریب بهفتاد (یا متجاوز از هفتاد) در اصفهان وفات یافته و در تکیه ملک در تخت فولاد مدفون گردید و در سال ۱۳۶۳ عظام آن مرحوم به نجف اشرف حمل و در وادی السلام در جنب قبر پدر وجد خود بخاک سپرده شد . نویسنده در تشییع آن مرحوم در نجف در روز ۲۵ محرم الحرام ۱۳۲۳ شرکت داشتم که عده زیادی از علماء و مدرسین و از آنحمله مرحوم آیت الله العظمی آقا شیخ محمد کاظم شیرازی در آن شرکت داشت شرکت نمودم رحمة الله علیه .

اولاد و اعقاب آن مرحوم از دو مخدره یکی از اهل قمیسه مادر سه فرزند (از آنجمله مرحوم حاج آقا محمد آل رسول که بعداً ذکرى از ایشان خواهد شد) و همچنین مخدره صبیبه مرحوم حاج شیخ جمال السدین چند نفر از اولاد پسر و دختر یافته همگان افرادی شایسته و فقیه الله لمراضیه .

۳ - آقا احمد کرمانشاهی

محرم ۱۱۹۱ - ۱۲۳۵

فرزند مرحوم آقا محمد علی کرمانشاهی فرزند مرحوم وحید بهبهانی : آقا باقر علیه الرحمة والرضوان

مادرش دختر الله وردی بیک بیگدلی و خود داماد مرحوم محمد رحیم بن الله وردی بیک بیگدلی بوده بعبارت دیگر خواهر مرحوم آقا شیخ محمد تقی صاحب هدایه و مرحوم آقا شیخ محمد حسین صاحب فصول زوجه او بوده است . مرحوم آقا احمد از بزرگان علماء و محققین و فضلاء و مجتهدین بوده در کلیه علوم از طبیعی و ریاضی و تاریخ و ادب و فلسفه و علوم غریبه و آگاهی از تراجم رجال علمی شیعه و سنی و دیگر علوم صاحب نظر و بصیر و دانا بوده است . شرح حال او در بسیاری از کتابها بطور تفصیل و اجمال نقل گردیده و آنچه اکنون در نزد نویسنده موجود است و از آن استفاده شده بدینقرار است :

۱ - اعیان الشیعه جلد ۱۴ صفحه ۲ - الذریعه مواضع متعدده ۳ - ریحانة الادب ص ۴۴۶ دوم ۴ - الفيض القدسی ص ۲۶ چاپ کمپانی ۵ - الکرام البرره ص ۱۰۰ یکم ۶ - مکارم الاثار ص ۹۹۴ سوم ۷ - وحید بهبهانی ص ۳۳۸ چاپ دوم .

آنچه از مجموع این کتابها برمی آید آنکه وی در ۱۹ محرم سال ۱۱۹۱ در کرمانشاه متولد گردیده و در موطن خود و نجف و قم تحصیل کرده دو باره بهندوستان مسافرت کرده و یک دفعه نیز بقصد زیارت به اعتاب مقدسه ائمه عراق علیهم السلام مشرف گردیده و سر انجام در چهل و چهار سالگی در سال ۱۲۳۵ در کرمانشاه وفات یافته در جنب پدر مدفون گردیده است .

وی در نزد پدر و برادر خود آقا محمد جعفر در کرمانشاه و سید بحر العلوم و شیخ جعفر نجفی و مولی اسماعیل عقدائی در نجف و مرحوم میرزای قمی در قم تحصیل نموده و از جناب میرزای قمی و شیخ جعفر و سید علی صاحب ریاض و سید محسن اعرجی و آقا سید محمد مجاهد و مولی حمزه قائمی و میرزا مهدی شهرستانی اجازه روایت و اجتهاد داشته است .

میرزا علی آقا ثقة الاسلام تبریزی (۱۲۷۷ - ۱۳۳۰) در کتاب : مرآت الکتب (ص ۴۲ یکم) ویرا عنوان کرده و از مشایخ اجازه او مرحوم میرزا سید مهدی شهید خراسانی را نیز یاد کرده است .

مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الآثار نام بیست و هفت کتاب و رساله از تألیفات او را ذکر نموده و دانشمند محترم جناب آقای دوانی در کتاب و حیدر بهبهانی نام بیست و چهار کتاب و رساله ذکر نموده و با توجه بهر دو کتاب چندین کتاب دیگر داشته که مجموع مؤلفاتش قریب ۳۲ کتاب و رساله میشود . مرحوم معلم درباره هر یک از کتابها شرحی و توضیحی مرقوم داشته طالبین مراجعه کنند .
مرآت الاحوال جهان نما : معروفترین تألیف مرحوم آقا احمد کرمانشاهی بفارسی در دو مجلد در تراجم برخی از رجال حاوی نکات تاریخی و رجالی و جغرافیائی است .

کتاب : مرآت الاحوال مشتمل بر پنج مطلب و یک خاتمه است بدین شرح :

۱ - مطلب اول شرح حال مرحوم علامه مولی محمد تقی مجلسی جدمادری

او .

۲ - مطلب دوم شرح حال مرحوم علامه مولی محمد باقر مجلسی علیه

الرحمه .

۳ - مطلب سوم شرح حال مرحوم مولی محمد صالح مازندرانی جد مادری او .

۴ - مطلب چهارم شرح حال مرحوم وحید بهبهانی جد پدری او و فرزندان و بستگانش .

۵ - مطلب پنجم شرح حال مؤلف (آقا احمد) از ابتدای تولد تا موقع مراجعت از سفر هندوستان .

خاتمه : در بیان علت نگارش کتاب و شرح اوضاع هندوستان و مردم آن سامان و بیان اوضاع ممالک فرنگ و پادشاهان آنها مخصوصاً پادشاه انگلیس و کمپانی انگلیسی (کمپانی هند شرقی) و چگونگی حکومت آنها در آن سرزمین (خلاصه با اندکی تصرف در عبارت نقل از کتاب وحید بهبهانی) .

از این کتاب نسخه‌هایی در کتابخانه‌های عمومی و خصوصی در ایران و عراق یافت میشود و مع الاسف با وجود کمال اهمیت آن هنوز بچاپ نرسیده است .

مرحوم آقا احمد بهبهانی دارای دو پسر و دو دختر بوده است (وحید بهبهانی ص ۴۴۵) که نخستین پسر مرحوم آقا ابراهیم می‌باشد . علامه طهرانی در : الکرام البرره (ص ۲۰۱ یکم) می‌نویسد :

آقا احمد علامه بر آقا ابراهیم چهار فرزند پسر داشته است .

دامادهای آقا احمد : تاکنون دو داماد از صاحب عنوان می‌شناسیم (وی دو دختر و دو پسر داشته است) :

۱ - میرزا محمد علی بن میرزا محمد حسین شهرستانی حسینی .

۲ - علامه مرحوم آقا شیخ محمد حسین صاحب فصول (ص ۱۴۸۵ پنجم) مکارم الآثار بنقل از الذریعه (ص ۳۲۴ سوم) .

۴ - شیخ اسدالله دزفولی کاظمینی

حدود ۱۱۸۶ - ۱۲۳۴

فرزند حاج اسماعیل بن ملا محسن بن مجد الدین بن معز الدین تستری دزفولی کاظمینی از اکابر علماء و محققین شرح حال او در اکثر کتب رجال بعظمت و بزرگواری یاد شده و همگان ویرابدقت نظر و احاطه و تتبع ستوده‌اند از آنجمله: اعیان الشیعه (ص ۱۳۵ یازدهم) الذریعه - مواضع مختلفه بمناسبت اسامی تألیفات روضات الجنات (ص ۲۹) ریحانة الادب (ص ۴۴۵ دوم) فوائد الرضویه (ص ۴۲ یکم) قصص العلماء در ضمن شرح حال مرحوم شیخ جعفر نجفی . الکرام البرره (ص ۱۲۲ یکم) مصفی المقال (ص ۷۶) معجم رجال الفكر و الادب (ص ۳۶۸) مکارم الاثار (ص ۹۷۸ سوم) مرآت الکتب (ص ۴۴) وحید بهبهانی (ص ۲۱۵) هدیة العارفين (۲۰۳ ستون اول) و برخی از کتابهای دیگر . در کتابهای یاد شده وفات او را از سال ۱۲۲۰ تا ۱۲۳۷ به اختلاف نوشته‌اند لکن سال ۱۲۳۴ ظاهراً اصح تواریخ باشد .

مشار الیه داماد شیخ جعفر نجفی کاشف الغطاء بوده و از این مخدره شش فرزند پسر و احتمالاً فقط يك دختر یافته است . دختر او زوجه سید ابوالحسن بن سید صالح عاملی متوفی بسال ۱۲۷۵ مدفون در یکی از حجرات صحن مطهر در کربلا می‌باشد (ص ۴۳۹ تکمله امل الامل) و فرزندانش، سید جعفر (۱۲۴۶ - ۱۲۹۸) و سید محمد علی (۱۲۴۷ - ۱۲۹۰) مدفون در کربلا می‌باشد (صفحات ۱۱۸ و ۳۸۱ تکلمه) .

در کتاب : موسوعة العتبات المقدسه : قسم الکاظمین (ص ۸۰) در ضمن بیوتات علمی کاظمین که آقای دکتر حسینعلی محفوظ نوشته‌اند گوید :
بیت اسد الله ذریه شیخ اسد الله انصاری تستری کاظمی متوفی بسال ۱۲۳۴

فرزند حاج اسماعیل . . . امروز به نسبت جدشان : اسدین معروفند و آنها منسوبند
به جابر بن عبد الله انصاری صحابی مشهور .

۵ - حاج آقا باقر قزوینی

۱۳۶۳ -

داماد مرحوم آقا جلال الدین فرزند مرحوم حاج شیخ محمد تقی نجفی
(آقا نجفی) .

فرزند حاج محمد جواد بن حاج آقا محمد (متوفی در ۲۸ ذی الحجه سال
۱۳۰۴ مدفون در یکی از اطاقهای تکیه مرحوم آقا میرزا عبد الغفار تویسرکانی)
فرزند علامه جلیل حاج محمد ابراهیم قزوینی (از معروفترین شاگردان مرحوم
حاج سید محمد باقر حجة الاسلام شفتی اصفهانی بید آبادی) .

مرحوم حاج آقا باقر از علماء معروف و فضلاء مشهور اصفهان بوده در این
شهر متولد و در نزد جمعی از بزرگان و مدرسین تلمذ نموده در محله در دشت
شهرت و عنوانی داشته و در مسجد آقا نور بجای پدر و اجداد امامت مینموده
است . در شب ۳ شنبه ۸ ربیع الثانی سال ۱۳۶۳ در اصفهان پس از يك عمر
عزت و ریاست وفات یافته در تخت فولاد در تکیه ای مخصوص بنام خودش :
« تکیه حاج آقا باقر » مدفون گردید پس از مدتی یکی از ثروتمندان نیز بنام :
خلیلی در این تکیه مدفون گردید و عوام گاهی آنجا را بنام تکیه خلیلی میخوانند .
نام زوجه مرحوم قزوینی مخدره ربابه خانم می باشد (ص ۵۰ کتاب اعلاط
در انساب بنقل از نسب نامه مرحوم الفت) .

۶ - حاج شیخ محمد باقر فشارکی

حدود ۱۳۲۲ - ۱۳۷۴

داماد مرحوم آقای حاج شیخ مهدی نجفی علیه الرحمه .

فرزند مرحوم آیت الله آخوند ملا محمد حسین فشارکی اصفهانی (۱۲۶۶

- ۲۳۵۳) فرزند مرحوم ملا محمد جعفر .

در اصفهان بدنیا آمده و در نزد جمعی از علماء و فضیلاى این شهر تلمذ نموده

که اسامی برخی از آنان از اینقرار است :

۱ - ادیب نیشابوری بمدت دو سال در مشهد مقدس : میرزا عبد الجواد

(۱۲۸۱ - ۱۳۴۴)

۲ - استاد جلال الدین همائی علوم ادبی (مغنی و مطول)

۳ - آخوند ملا محمد حسین فشارکی پدر بزرگوارش رحمة الله علیه .

۴ - مرحوم حاج آقا رحیم ارباب مکاسب

۵ - آقا شیخ محمد حکیم خراسانی کتابهای قوانین، شرح منظومه سبزواری

و مطالع .

مرحوم حاج شیخ محمد باقر پس از فوت پدر بمناسبت پیش آمدهای

زمان رضا شاه و شخصیت گری نسبت به علماء و روحانیون مجبوراً ترك لباس

روحانیت کرده و بکارهای اجتماعی مشغول گردیده و در سال ۱۳۷۲ به مکه مشرف

گردیده و در سال ۳۳۷۴ در اصفهان بعارضه سگته وفات یافته و جنازه به مشهد

مقدس حمل گردیده در باغ رضوان آن شهر بخاک رفت .

مرحوم حاج شیخ محمد باقر در دوره تحصیل در مدرسه صدر ساکن بوده

و از طلاب مبرز و متین و ساعی و فهیم بشمار میرفته و متعهد و شب بیدار بوده

و امید ترقیات دربارہ او میرفت لکن اوضاع زمان ویرا از مسیر اولیہ منحرف گردانید . رحمة الله عليه . (نقل از رسالہ ہدیہ نجفیہ) .

۷ - شیخ محمد باقر کوبلانی

فرزند علامہ فقیہ اصولی مرحوم آقا شیخ محمد حسین صاحب فصول بوده است .

علامہ طهرانی در الذریعہ (ص ۲۲۲ دوازدهم) می نویسد :
در سال ۱۳۰۱ نسخه ای از کتاب : « سلوان المطاع فی عدوان الاتباع » تألیف ابو عبد الله محمد بن ابوالقاسم بن علی قرشی معروف به : ابن ظفر متوفی بسال ۵۵۴ را کتابت نموده است بنابر این صاحب عنوان از علماء قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم بوده و ظاهراً در طهران ساکن بوده است . در اعیان الشیعه (ص ۲۱۶ چهل و چهارم) می نویسد : مات باصفهان .

مرحوم بلاغی در اعلاط در انساب (ص ۴) ضمن فرزندان مرحوم صاحب فصول فقط نامی از او برده و هیچگونه مطلبی بر آن نیفزوده است .

۸ - حاج سید بدرالدین کتابی

۱۴۳۰ - ۱۴۰۷

فرزند مرحوم حاج آقا هلال الدین فرزند مرحوم آقا میرزا علی رضا فرزند علامہ فقیہ زاهد مرحوم حاج میر محمد صادق حسینی معروف بکتابفروش اصفهانی فرزند مرحوم آقا سید محمد .

مرحوم حاج میرزا محمد صادق از علماء و مدرسین اصفهان و خود داماد مرحوم حاج سید محمد باقر حجة الاسلام شفتی بید آبادی بوده و در سال ۱۳۰۳

مدفون در تخت فولاد در مقبره‌ای مخصوص در مجاورت تکیه میرزا رفیعا نائینی که در موقع احداث فرودگاه تکیه مزبور وبقعه نامبرده خراب و کلیه آثار قبور محو گردیده .

مرحوم حاج آقا هلال‌الدین سیدی‌محبوب‌بزرگوار و محترم و نجیب و اصیل بوده مادرش دختر مرحوم حاج سیدجعفر بیدآبادی فرزند مرحوم سیدحجة‌الاسلام (دختر دائی خود) و زوجه‌اش مخدره بی بی خانم دختر مرحوم حاج شیخ محمد علی ثقة‌الاسلام نجفی میباشد . در روز ۱۰ ذی‌حجه سال ۱۳۶۵ در اصفهان وفات یافته در تخت فولاد در تکیه گلزار در روی سکوی جنب عموزادگان خویش مدفون گردید رحمه الله علیه .

مرحوم حاج آقا بدر‌الدین در نهم شوال سال ۱۳۴۰ در محله مسجد حکیم متولد گردید پس از گذشتن از ایام کودکی به مکتب رفته و سواد خواندن و نوشتن آموخت و سپس در نزد اساتید بفرآگرفتن علوم ادبیت از صرف و نحو و معانی و بیان پرداخته و علوم نامبرده را بخوبی فراگرفت و در مدرسه صدر بحوزه‌های علمی راه یافت و مخصوصاً از محضر حکیم بزرگوار مرحوم آقا شیخ محمد خراسانی منظومه حکمت و در خدمت مرحوم آیت‌الله حاج آقا رحیم از باب سطوح فقه و اصول بیاموخت در سال ۱۳۵۰ بدبیرستان سعدی و سپس به دبیرستان صارمیه وارد شده و پس از دریافت دیپلم یعنی گواهینامه شش دبیرستان رهسپار طهران و دانشسرای عالی شده و در رشته فلسفه وارد و با کمال سعی و کوشش به تحصیل در دانشسرا و مطالعه خارج پرداخته تا فارغ‌التحصیل گردیده به اصفهان مراجعت کرده و بشغل دبیری اشتغال جست . آنچه درباره فضائل اخلاقی و سجایای انسانی این دانشمند بزرگوار گفته شود حق او اداء نشده است . او دانشمندی بود بدون ادعاه و خودنمایی . خود را برای دیگران میخواست و آنچه در قدرت

وامکان داشت به دانش آموزان و دانشجویان خود میآموخت . در هیچ مقامی از دبیری دبیرستان و ریاست آن و معاونت آموزش و پرورش و بالاخره استادی دانشگاه (دانشکده ادبیات اصفهان) اخلاق و روحیات تغییر نکرد همیشه بیک حال بود مردی خلیق و متواضع فردی متین و باوقار ، زیرک و هوشیار باحسن تدبیر و پشتکار و دوراندیشی در مواقع بحرانی و کشمکش های اداری کارها را بخوبی و خوشی اصلاح میکرد .

شرح حال نسبتاً جامع و کاملی از آن مرحوم در مجله : « کیهان فرهنگی » شماره (۶ سال چهارم) شهریور ماه ۶۶ منتشر گردیده این مقاله که بقلم دانشمند گرانقدر جناب آقای دکتر سید محمد باقر کتابی (فرزند مرحوم حاج میر محمد صادق بن حاج میرزا محمد تقی بن علامه فقیه میرزا محمد صادق حسینی معروف بکتابفروش خاله زاده مرحوم حاج آقا بدر الدین کتابی) نوشته شده است بطور کلی بیانگر حالات روحی و برخورد های اجتماعی و کیفیت تدریس و رفتار با شاگردان آن مرحوم میباشد قابل مطالعه بوده اسامی تألیفات آن مرحوم که ذیلا بدان اشاره می شود مأخوذ از همان مقاله است .

تالیفات و آثار چاپ شده

کتابهای زیر از آثار مرحوم کتابی بچاپ رسیده است :

- ۱ - اخلاق از دکتر بیرژانه ترجمه از فرانسه
- ۲ - بسوی اصفهان ترجمه سفر نامه پیرلوتی از فرانسه
- ۳ - پیرامون سیره نبوی ترجمه کتاب : دکتر طه حسین از عربی
- ۴ - ترجمه آداب المتعلمین منسوب بخواجه نصیر الدین طوسی
- ۵ - فروغ خاور ترجمه از کتاب : هرمان الدمبرک از فرانسه

۶ - هبپنوتیسیم در دسترس همه (اولین اثر آن مرحوم)

۷ - مقالات متعدد از آنجمله :

۱ - جبر و اختیار در اسلام ترجمه فصلی از کتاب اسلام نوشته : هانری

دوکاستری در سالنامه دبیرستان ادب بچاپ رسیده است .

۲ - شرح حال مرحوم حاج شیخ محمد باقر الفست در مقدمه دیوان آن

مرحوم بچاپ رسیده است .

۳ - علم تاریخ و تحقیق در مقدمات آن ترجمه از نوشته : دکتر بیرژانه از

فرانسه در مجله « آئینه پزشکی » چاپ اصفهان

۴ - علم و اخلاق مندرج در نشریه اداره فرهنگ استان دهم

۵ - مقدمه بر کتاب : فصوص فارابی ترجمه دانشمند محترم آقای غلام

حسین آهنی

۶ - مکتب‌های اصلی فلسفه ترجمه از نوشته : ویکتور کوزن مندرج در سال

نامه دبیرستان ادب

۷ - تعلیم و تربیت و حقوق بشر از نظر حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام

مندرج در نشریه اداره فرهنگ استان دهم .

۸ - ده‌ها مقاله دیگر که در سالنامه‌های دبیرستانهای اصفهان و نشریه اداره

فرهنگ استان دهم و غیره بچاپ رسیده .

کتابهای چاپ نشده : کتابهای زیر از آثار آن مرحوم تاکنون بچاپ نرسیده

است :

۱ - حضرت حسن بن علی علیهما السلام ترجمه از نوشته : کامل سلیمان

بزبان عربی

۲ - درباره تصوف اسلامی و تاریخ آن ترجمه مقالات از : « رنیولد نیکولسون »

ترجمه از عربی . بضمیمه :

۳ - رساله‌ای در تشریح تصوف خاص مولوی و عطار و سنائی و امتیاز
خاص این تصوف از اندیشه‌های صوفیانه دیگر صوفیان ایران و جهان

۴ - دیوان اشعار با تخلص « امید » بیشتر بشکل رباعی

۵ - مبنای جامعه‌شناسی ترجمه از نوشته : « پروفیسور شارل لالو » دو
مبحث آن در نشریه فرهنگ استان دهم بچاپ رسیده بقیه بطبع نرسیده است .

نویسنده گوید : برای بیان حالات روحی مرحوم کتابی کافی است که بگویم :
من از سال ۱۳۵۰ (تقریباً) با ایشان آشنا شدم و بعداً به رفاقت و همکاری
واردت انجامید و تا پس از فوت ایشان نمیدانستم که آن مرحوم شعر هم می‌گوید
وی تا این حد از اظهار فضل و خود نمائی اجتناب میکرد رحمة الله علیه .

فوت :

مرحوم کتابی در یکی دو سال آخر عمر در اثر عارضه سکنه دچار بیماری
شده بود و اگر چه بستری نبود لکن دیگر قدرت مطالعه و نوشتن نداشت . کمتر
صحبت میکرد و بیشتر گوش میداد سرانجام در شب يك شنبه ۶ ذی الحجة الحرام
سال ۱۴۰۷ در اصفهان وفات یافت . مقررات غلط و خراج از رویه شهرداری
مانع از آن شد که ویرا در امامزاده احمد (مقبره آقا نجفی جسد مسادری او)
و یا تخت فولاد در جنب پدر و بنی اعمامش دفن کنند و مجبوراً ویرا بقبرستان جدید
برده در آنجا بخاک سپردند . رحمة الله علیه .

اینک غزلی که آن مرحوم جهت سنگ مزار خود سروده است :

منکه در هر هوسى پستتر از حیوانم

نتوان گفتم که پویای ره انسانم

بس جفا دیده‌ام از وفاداری خویش
 اینهم از حاصل نادانی خود میدانم
 پس شکایت نکنم هیچ زبیداد کسی
 من زبیداد سرشت بد خود نالانم
 جان و دل باختم در غم هر بی دل و جان
 لاجرم در طلب زنده دلان می‌مانم
 پای من لنگ و دل افسرده و دستم کسوتاه
 در ره عشق و ادب خسته و سرگردانم
 دارم امید که آن خسرو خوبان جهان
 آنکه هم درد مراداند و هم درمانم
 بگشاید زره لطف بسویم نظری
 وانگه از چنگ بدیها برهاند جانم
 می‌کند سیل فنا یکسره بنیاد مرا
 نگشاید اگر از مهر در احسانم
 شادم اندر غم حیوانی خود همچو امید
 گر بدانم به یقین خاک ره انسانم

ماده تاریخ فوت

دانشمند محترم و ادیب فرزانه و شاعر گرانمایه آقای منوچهر قدسی در رثاء
 و ماده تاریخ مرحوم کتابی اشعاری سروده و در آن اشاره به ارادت ایشان به غمام

همدانی و مرحوم الفت نموده است :

آه ای نادره فضل و هنر بسته زی ملک بتارخت سفر
 ای سپهر ادب ای کوه وقار خلق تو تازه کن عهد بهار

عمر با فضل و ادب سر کرده	محفل علم منور کرده
رسته از خلق و بحق پیوسته	از همه غیر خدا بگسسته
خوانده يك عمر وز راه تعلیم	کرده آن جمله بیاران تقدیم
فیض را عهد تو تا ماند دیر	قلمت کرده سخن‌ها تحریر
چه قلم؟ آیتی از سحر حلال	پارسی رفته بسر حد کمال

* * * *

گاه زان نابغه فضل و ادب	مرد اندیشه دنیای عرب
بو العلامی دوم از دانش و هموش	سینه‌اش مہبط انوار سروش
سیرۂ خواجه و آن راهبری	بازگردانده ز تازی به دری ^{۱)}
گاه با الفت در ظل غمام	زده از باده بودائی جام ^{۲)}

* * * *

آه بدر الدین ای فاضل راد

پاك دل عارف پاکیزه نهاد

عمر هفتاد اگر گم کردی

صرف آسایش مردم کردی

آن نه گم گشته بمیزان عمل

عمر، در راه خدا، عز و جل

وان نه طاعت که در او روی و ریاست

بندگی خدمت مخلوق خداست

* * * *

۱ - اشاره به دکتر طه حسین مصری نویسنده « علی‌های السیره » پیرامون سیره نبوی ترجمه آنست .

۲ - اشاره بکتاب فروغ خاور ترجمه مرحوم کتابی .

آه بدر الدین ای آیت عشق زده بر اوج فلك رایت عشق
آنچه در عالم و آدم دیدم رسته از خویش چو تو کم دید
داشت با جان عزیزت پیوند دل آشفته هر حاجتمند

* * * *

محفلی نغز به مینو بر پاست
محفل آنست که الفت آنجاست
محفلی نغز و بهشت آئین است
کز صفا لایق صد تحسین است
میر آن جمع بصدرا ایوان
عارف پیر ادیب همدان
الفت آنجا زره صدق و نیاز
در بر پیر ستاده به نماز
در آن قصر بهشتی باشد
یاری از گوشه در پیدا شد
روی خود کرده بسوی یاران
اشک شوقش بصفای باران
راز بنهفته مگر فاش گرفت
کز عزیزان همه شایبش گرفت
ناگهان رفت قرار و تمکین
بانگ برداشت که ها بسدر الدین

* * * *

آه بدر الدین ای گوهر پاک برده جان فلکی تا افلاك

وقتی و داغ غمت ماند بدل از دل این داغ نگردد زایل
 هر نفس ذکر تو بایاد آید قلم و نامه بفریاد آید
 خامه از هجر تو بشکافته سر نامه آورده سیه گون معجر
 سال فوتت بحساب قمری است « بی کتابی قلم و نامه گریست »

۱۴۰۷

۹ - آقا جمال الدین چهار سوقی

۱۳۳۹ -

داماد مرحوم حاج شیخ محمد باقر نجفی

فرزند علامه فقیه مرحوم آقا میرزا محمد هاشم چهار سوقی

مرحوم آقا جمال الدین محمد از جمله علماء و فقهاء و از شاگردان پدر علامه

خود (و جمعی دیگر از بزرگان علماء و مجتهدین اصفهان) بوده و از پدر خویش

دو اجازه روایتی و گواهی اجتهاد داشته تاریخ یکی از آندو غره رمضان المبارک

۱۳۱۷ و تاریخ دیگری دوازدهم جمادی الثانیه سال ۱۳۱۸ می باشد .

وی دارای مؤلفاتی است از آنجمله : ۱ - رساله در غسله که بامر پدر تألیف

نموده و مرحوم آقا میرزا محمد هاشم پس از دیدن و خواندن آن رساله ویرا

اجازه داده است .

مرحوم آقا جمال الدین عالمی زاهد و متقی بوده و بعد از پدر در مسجد آن

مرحوم امامت مینموده است . در صبح روز دوشنبه چهارم ماه رجب سال ۱۳۳۹

پس از فراغت از نماز جماعت و منبر و موعظه و خواندن صیغه توبه و گفتن

بیست مرتبه : « العفو » هنگام فرود آمدن از منبر دچار سکت شده و پهای خود در

محراب رفته و متوجهاً الی الله تبارک و تعالی بیهوش شده و چند نفر طبیب جهت

او حاضر کرده لکن معالجات مفید واقع نشده و عصر همانروز (تقریباً دو ساعت بغروب مانده) وفات یافت. جنازه را بغسالخانه مزار متبرک «ستی فاطمه» برده و غسل داده و مراسم مذهبی انجام گرفته و صبح روز پنج شنبه با تشییع شایسته بسه تخت فولاد حمل و آنجا در پشت تکیه صاحب روضات بخاک سپردند و تقریباً پس از نه سال در پنج شنبه ۱۴ جمادی الاولی سال ۱۳۴۸ عظام ویرا به نجف اشرف حمل و در بقعه پدر بزرگوارش دفن نمودند.

ماده تاریخ وفاتش جمله: «با امیر المؤمنین محشور شد» می باشد. چندین ماده تاریخ و مرثیه جهت او گفته شده است. شرح حالش در کتاب: «زندگانی آیت الله چهار سوقی» در ذیل شرح حال پدرش (ص ۱۱۹) مسطور است. همچنین در کتابهای: دانشمندان و بزرگان اصفهان (صفحات) و مقدمه کتاب: «مناهج العرفان» (ص) .

فرزند ایشان مرحوم حاج سید محمد رضا غروی و صهر جلیل ایشان مرحوم آیت الله آقا میر سید حسن چهار سوقی می باشد.

۱۰ - حاج آقا حسین ملاذ الاسلام

۱۳۳۶ -

داماد مرحوم آقا نجفی

مرحوم حاج آقا حسن ملاذ الاسلام فرزند حاج سید جعفر بن حاج سید محمد باقر حجة الاسلام شفتی بیدآبادی. عالم فاضل جلیل از رؤساء علماء اصفهان در خدمت بسیاری از علماء این شهر و عهده‌ای از مجتهدین در نجف اشرف تلمذ نموده. پس از فوت پدر (سال ۱۳۲۰) در مسجدسید اقامه جماعت مینمود و مورد نظر و احترام عموم اهالی بیدآباد بوده است.

در موضوع تأسیس شرکت اسلامی و مبارزه علیه نفوذ اقتصادی دول استعمارگر با آقایان مسجد شاه و دیگر علمای اصفهان همراه و یار و مدد کار بوده و از سال ۱۳۲۰ بعد در بیشتر قضایای اصفهان مستقیماً دخالت داشته است .

مشار الیه مخدره « خانم آغا » دختر مرحوم حاج شیخ محمد تقی آقا نجفی را بزوجیت اختیار نموده اما مخدره نامبرده در جوانی وفات یافته و مرحوم ملاذ الاسلام دختری دیگری از مرحوم آقا نجفی را بنام : «عالم خانم» بزوجیت اختیار کرده و از این بانوی صالحه دو فرزند پسر یافته است .

۱ - حاجیه رباب خانم زوجه مرحوم حاج میرزا محمد علی ملاذ الاسلام دوم فرزند آقا میرزا هاشم فرزند مرحوم حاج سید جعفر فرزند مرحوم سید حجة الاسلام علیهم الرحمه .

۲ - حاجیه صغری خانم زوجه مرحوم حاج میرزا ابوالفضل کنابی فرزند آقا میر محمد تقی بن میر محمد صادق حسینی کتابفروشی داماد سید حجة الاسلام . این دو مخدره از مرحومه : خانم آغا دختر مرحوم آقا نجفی می باشند .

مرحوم حاج میرزا محمد علی ملاذ الاسلام دوم متولد در حدود سال ۱۳۰۰ و متوفی در سال ۲۱ ربیع الاول سال ۱۳۷۲ مدفون در بقعه مرحوم سید حجة الاسلام از عیال نامبرده خود فرزند پسر و دو دختر یافت که اولین فرزند پسر او موسوم به آقا حسن در اوائل نوجوانی وفات یافت و دامادهای آن مرحوم عبارتند از :

۱ - مرحوم آیت الله حاج آقا حسین خادمی (مذکور در جلد یکم کتاب حاضر)

۲ - مرحوم آقا سید ریحان الدین مهدوی (مذکور در جلد دوم کتاب حاضر)
مرحوم حاج آقا حسن ملاذ الاسلام در حدود سال ۱۲۸۰ و اندی در اصفهان متولد گردیده و در شب ۱۷ شعبان سال ۱۳۴۶ در سفر زیارت در مشهد مقدس

وفات یافته در دارالحفاظ مبارك دم درب مدفون گردید . رحمة الله عليه .
واما پسران مرحوم ملاذ الاسلام :

۱ - مرحوم حاج میرزا محمد مهدی جعفری قبل از ۱۳۳۰ متولد و در شب
پنج شنبه ۱۲ شعبان المعظم ۱۴۰۸ در اصفهان بعارضه سکنه وفات یافت و در مقبره
مسجد سید مدفون گردید .

۲ - مرحوم حاج میرزا محمد جعفری علیه الرحمه در اصفهان متولد و در
شهرداری اصفهان خدمت میکرد و بمرض سرطان وفات یافته در تخت فولاد در
جنب قبر پدر زن خود مرحوم حاج آقا رضا غروی چهار سوقی مدفون گردید .

۱۱ - حاج میوزا حسن شیخ الاسلام

..... - ۱۳۰۹

دختر زاده مرحوم حاج شیخ محمد باقر نجفی و فرزند حاج میرزا رحیم
شیخ الاسلام

عالم فاضل از شاگردان مرحوم حاج شیخ محمد باقر و جمعی دیگر از اکابر
مجتهدین و علماء اصفهان بوده پس از فوت پدر منصب شیخ الاسلامی یافته
و بر تق و فتق امور پرداخته عالمی متین و محترم بوده در شب ۱۸ جمادی الثانیه
سال ۱۳۰۹ وفات یافته جنازه به مشهد مقدس حمل و در مدرسه میرزا جعفر در
مقبره اجدادی خود دفن گردید .

مرحوم حاج میرزا حسن خان انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۳۱۵)
ضمن وقایع سال ۱۳۰۹ و اختلاف میرزا حبیب الله مشیر الملک انصاری و ظل
السلطان بخلاصه می نویسد :

چند روز بعد ظل السلطان تمارض کرد و مهدیقلی میرزا آمد مشیر را بعبادت برد شیخ الاسلام و آقا میرزا علی مستوفی خزانة و میرزا محمد خان امین الدوله هم بودند . ظل السلطان در اندرون بود به ابراهیم خلیل خان گفت چسای و قهوه آوردند نزد مشیر گذاردند اولی را او (یعنی مشیر) نزد شیخ گذاشت و دومی را نزد میرزا علی خان و سومین را به میرزا محمد خان بالاخره چهارمی را خود و پس از سه روز جنازه هر چهار نفر را از خانه‌هایشان بیرون آوردند . حال سم داشته یا نداشته یا فوت چهار نفر تصادف بوده یا خود ظل السلطان آگاه بوده یا نبوده در غیب الهی است .

نویسنده گوید : مرحوم انصاری از نهایت احتیاط بصراحت مطلب را ننوشتہ ولی از مثالهای معروف آن عصر یکی قهوه قجری بوده که بهر کس میخورانیده‌اند مرگ در عقب آن بوده مشیر با اخلاق و روحیات ظل السلطان بخوبی آشنا بوده و میدانسیه که قهوه‌ای که ابراهیم خلیل خان آورده پیک مرگ است به شیخ الاسلام تعارف می‌کند و بعداً یکی بعد از دیگری به دو نفر دیگر و هر چهار نفر از حال فنجان و آنچه در او بوده است آگهی داشته‌اند و در آن موقعیت در منزل ظالم سفاکی چون ظل السلطان چاره‌ای جز خوردن نداشته‌اند خداوند اینان را رحمت و ظالمین بکیفر سخت و شدید برساند .

۱۲ - حاج آقا حسن ملا باشی

۱۲۹۸ - ۰۰۰۰

فرزند مرحوم حاج میرزا رضاملا باشی مادرش دختر مرحوم حاج شیخ محمد تقی آقا نجفی اصفهانی است
مرحوم حاج آقا حسن در حدود سال ۱۳۲۸ در اصفهان متولد گردیده و در

خدمت فضلاء این شهر همچون مرحوم آقا شیخ علی مدرس یزدی و آقا شیخ محمد حکیم و مرحوم شیخ محمد علی فتحی دزفولی و دیگران تحصیل نموده و در اثر هوش و استعداد فی الجمله پیشرفتی نموده لکن در اثر ابتلاء بمرض فالج سالهای متمادی بستری و خانه نشین بوده سرانجام در شب ۹ جمادی الاولی سال ۱۲۹۸ بسن قریب هفتاد در اصفهان وفات یافته در بقعه آفانجفی جناب امامزاده واجب التعمیم والتکریم جناب احمد از اعقاب حضرت امام محمد باقر علیه السلام مدفون گردید .
مرحوم حاج آقا حسن ملا باشی فاضل ادیب طبع شعری داشت و در اشعار « صافی » تلخیص مینمود . نسخه دیوان او شامل : چهار قطعه ترجیع و رباعیات و مثنویات بشماره (۱۰۴۹۰) در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است .
آغاز نسخه آستانه مقدسه :

نیک دیدم عالم لاهوت را عقل و نفس عالم ناسوت را
انجام :

شد خرابیات خراب هیچ هیچ

زان سپس خود را خوش و آباد ساخت
نسخه ۵۷ بزگ بخط نستعلیق ۹ سطری (متجاوز از چهار صد و هشتاد سطر)
خریداری آستان قدس (ص ۱۴۳ نهم فهرست کتابهای آستان قدس) .
و هم از اشعار اوست :

این حسن و لطافت زدیاری دگر است

وین قامت موزون زدیاری دگر است

چون خوبی این جهان همه عاریتی است

در دیده تحقیق از دیاری دگر است

(ص ۱۵۹ شعرای معاصر اصفهان)

۱۳ - شیخ محمد حسن نظام العلماء

فرزند حاج عبد الکریم شیرازی داماد مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی
صاحب حاشیه

مادرش دختر مرحوم شیخ محمد از منقطه یزدیه بوده است بنابراین مشار الیه
نواده مرحوم شیخ و خواهرزاده مرحوم حاج شیخ محمد باقر نجفی بوده است .
وی در اصفهان متولد و نزد فضیلابی این شهر تحصیل نموده مردی فاضل
و ادیب بوده و در اوائل مشروطیت جزو آزادیخواهان و مشروطه طلبان بوده
است .

مهدی ملک زاده فرزند میرزا نصر الله بهشتی ملك المتکلمین در کتاب :
زندگانی ملك المتکلمین (صفحات ۶۴ و ۱۵۲) ویرا در عداد آزادیخواهان
و روشنفکران صدر مشروطیت ذکر نموده است .

در اصفهان وفات یافته و در یکی از اطاقهای سمت جنوب شرقی نکیه
کازرونی در تخت فولاد بخاک سپرده شد اعقاب او در این شهر بنام خانوادگی
« نظامی » ساکن و از محترمین بشمار میروند .

۱۴ - شیخ حسن طهرانی اصفهانی

فرزند شیخ محمد طهرانی خواهرزاده مرحوم آقا شیخ محمد تقی صاحب
حاشیه .

صاحب عنوان از علماء و فضلاء زمان خود بوده و در نزد جمعی از بزرگان
تلمذ نموده و احتمالاً بدرس مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی و آقا شیخ محمد
حسین صاحب فصول و پدر دانشمند خود و همچنین جمعی از افاضل اصفهان

حاضر شده است . مشار الیه مؤلف کتابی است بنام : انوار البصائر در انواع علوم از فقه و اصول و حکمت و نحو و درایه و منطق و غیر از اینها از علوم در دوازده مجلد . جلد اول این کتاب در حکمت و مفعول و امور عامه است و آنرا مؤلف در اصفهان تألیف نموده تاریخ فراغت از تألیف غره شوال سال ۱۲۲۲ می باشد . نسخه ای از این کتاب که ظاهراً بخط مؤلف می باشد در کتابخانه عالم جلیل آقا شیخ علی فرزند حاج ملا محمد مدرس طهرانی مدرس مدرسه معبر در طهران بنظر علامه طهرانی رسیده است .

آقا شیخ علی نامبرده در شب جمعه ۲۷ ربیع الثانی سال ۱۳۷۳ در طهران وفات یافته و در حضرت عبد العظیم (شهر ری) مدفون گردید رحمة الله علیه (ص ۵۸ بیست و ششم الذریعه) .

۱۵- شیخ محمد حسین جویباره ای

مادرش دختر علامه فقیه رجالی مرحوم آقا سید صدر الدین عاملی بوده و با آقایان مسجد شاه فرزندان مرحوم حاج شیخ محمد باقر خاله زاده بوده است . پدرش مرحوم مولی صالح بن مولی محسن بن مولی عبد الفتاح مازندرانی جویباره ای بوده است . این سلسله از علماء بجهت سکونتشان در محله جویباره اصفهان به جویباره ای معروفند .

صاحب عنوان در اصفهان متولد و در نزد پدر دانشمند خود و جمعی دیگر از بزرگان علماء و مجتهدین شهر که ظاهراً مرحوم حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی (شهر خاله اش) و آقا میرزا محمد هاشم چهار سوقی (شهر خاله دیگرش) تحصیل نموده تا بدرجات عالی علم ارتقاء یافته و پس از فوت پدر (سال ۱۲۸۵) در مسجد شیره پزها و همچنین مسجد شیشه گری امامت نموده (برادرش مرحوم

حاج میرزا مهدی نیز در همین مساجد بتناوب امام جماعت بوده است) . مرحوم آقا شیخ محمد حسین عالمی فاضل و جامع بوده و در زهد و تقوی نیز مورد قبول عموم طبقات و احترام کلیه افراد از علماء و غیره بوده و هم در این شهر در سال وفات یافته در جنب پدر مدفون گردید .

فرزندش مرحوم حاج شیخ محمد رضا صالحی از علماء اتقیاء و فضلاء و زهاد اصفهان بشمار میرفت و در استخاره از قرآن عنوان و شهرتی داشت در شب غره رجب سال ۱۲۸۶ بسن متجاوز از نود سال در اصفهان وفات یافته در تخت فولاد در تکیه فاضل سراب در جنب قبر پدر و اجداد مدفون گردید رحمه الله علیه . نویسنده گوید : مرحوم انصاری در کتاب : تاریخ اصفهان وری (ص) می نویسد : مسجد شیره پزها از بناهای حاج سید جعفر شیره پز و در نزدیکی میدان کهنه قرار دارد و مساحت آن هشت قفیز است و مسجد شیشه گری نیز در نزدیکی بابا قاسم و معادل نیم جریب مساحت دارد .

مرحوم جناب در کتاب : الاصفهان (ص ۵۵) مسجد شیره پزها را در بازار و طول و عرض آنرا ۲۰ در ۴۰ ذرع می نویسد و مسجد شیشه گری را محله شهشهان و طول و عرض آنرا ۲۵ در ۲۵ ذرع می نویسد .

مسجد شیشه گری در قسمت شرقی خیابان هانف نزدیک بابا قاسم و مسجد شیره پزها در بازار قسمت شمالی خیابان جمال الدین عبدالرزاق در قسمت غربی و اول بازار قرار گرفته است .

۱۶ - شیخ محمد حسین افشار

۱۳۵۱ - ۰۰۰۰

فرزند مرحوم حاج عبد الکریم شیرازی

مادرش دختر مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی صاحب حاشیه است .
صاحب عنوان (و برادرش شیخ محمد حسن نظام العلماء) خواهرزاده
(پدری) مرحوم حاج شیخ محمد باقر نجفی و عمه زاده آقایان مسجد شاهی
می باشد .

در اصفهان متولد گردیده و در نزد بزرگان این شهر تلمذ نموده و بوعظ
و ارشاد خلایق پراخته و اعظی فصیح و در دوره مشروطیت از زمره آزادیخواهان
و مشروطلبان وارد گردید . و پس از استقرار مشروطیت و تشکیلات جدید عدلیه
بعنوان قاضی دادگستری استخدام شده و مشغول خدمت گردیده است .

وی در سال ۱۳۵۱ در اصفهان وفات یافته در تخت فولاد در تکیه کازرونی
جنب برادر در اطاق مشار البسه بخاک سپرده شد فرزندش مرحوم عبدالحسین
نظامی (نام خانوادگی کلیه اعقاب حاج عبد الکریم) می باشد .

۱۷ - حاج شیخ محمد حسین طریحی نجفی

۱۳۲۱ - ۰۰۰۰

داماد آقا سید محمد علی آقا مجتهد موسوی عاملی اصفهانی
خاندان طریحی از خانواده های علمی نجف اشرف و از اعقاب علامه فقیه
رجالی لغوی مرحوم شیخ فخر الدین طریحی مؤلف کتاب : مجمع البحرین
و مطلع النیرین در لغات غریبه قرآن و حدیث و متوفی بسال ۱۰۸۵ نسب این خاندان
جلیل به جناب حبیب بن مظاهر (مظهر) اسدی شهید کربلا منتهی میشود .
مرحوم حاج شیخ محمد حسین عالمی زاهد و پارسا بوده از نجف اشرف به
اصفهان مهاجرت کرده و بدامادی مرحوم آقا مجتهد مفتخر شده در یکی از
حجرات مسجد شاه بعبادت و ریاضت اشتغال داشته و کمتر با مردم معاشرت

مینموده لباسی سفید می پوشیده و نیزه‌ای بعنوان عصا در دست داشت با قدی بلند و قیافه عربی بدون آنکه با احدی سخن گوید حرکت مینموده است .

اتصال نسبت اوبه خاندان طریحی رماحی نجفی راحتی بزرگان این سلسله که در نجف ساکن می باشند هم نمیدانند در هر حال وی بر حسب آنچه بلاغی در : اعلاط در انساب (ص ۲۷) بنقل از نسب نامه الفت می نویسد : وی يك مرد متصوف رسمی نبوده است ولیکن دستگیری وارشاد مینموده است .

وی در رمضان المبارک سال ۱۳۲۱ در اصفهان وفات یافته در مقبره حاجی کلباسی مدفون گردید . مدفن زوجه او که موسوم به : فاطمه جان بیگم بوده است نیز در همین مقبره است .

مرحوم حاج شیخ محمد حسین فرزندی داشت موسوم به : آقا نجم الدین که در مدرسه میرزا مهدی بر سر جوی بابا حسن در بید آباد حجره داشت و سطوح ادبیات تدریس میکرد و حدود سال ۱۳۵۰ وفات یافته در تخت فولاد مدفون گردید . اولادش فعلا در اصفهان ساکن می باشند .

۱۸- حاج میرزا محمد رحیم شیخ الاسلام

۱۳۰۶ -

داماد مرحوم حاج شیخ محمد باقر نجفی اعلی الله مقامه .

مرحوم حاج میرزا رحیم فرزند میرزا عبدالله (فوت ۱۲۷۵) فرزند میرزا رحیم (فوت ۱۲۴۹) فرزند مرحوم میرزا مرتضی (فوت ۱۲۲۶) فرزند شیخ عبدالمطلب (فوت ۱۳ رجب ۱۱۶۰) فرزند میرزا رحیم اول (فوت) فرزند میرزا محمد جعفر سبزواری مدفون در برف انداز جنوب غربی مسجد حکیم اصفهان آثار قبر تا سالهای اخیر باقی بود فرزند علامه فقیه مولی محمد باقر سبزواری مؤلف کتاب

ذخیره المعاد در شرح ارشاد و کفایة الفقه و معروف به محقق سبزواری متوفی
بسال ۱۰۹۰ مدفون در مدرسه میرزا جعفر در مشهد مقدس .

نویسنده شرح حال اجمالی از خاندان شیخ الاسلام را در کتاب : « زندگینامه
علامه مجلسی » نوشته ام طالیبن مراجعه فرمائید .

صاحب عنوان از علماء صاحب نفوذ و بزرگوار و شیخ الاسلام اصفهان و امام
جماعت در مسجد شیخ الاسلام در محله : سینه پائینی در جنب منازل خود
و خاندان شیخ الاسلامی را داشته و در امر بمعروف و نهی از منکر و رسیدگی
بامور در ماندگان و بیچارگان ساعی و کوشا و در برابر ظلم حکام و مأمورین دولتی
سدی محکم و استوار بوده است تحصیلات او نزد علماء اصفهان همچون حاجی
آبادی و توبسرکانی و شهشانی و حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی بوده
است

مرحوم شیخ الاسلام از دختر اسناد خود مرحوم شیخ محمد باقر بنام فاطمه
خانم شش فرزند بناهای زیر یافت :

- ۱ - مرحوم حاج میرزا حسن شیخ الاسلام .
- ۲ - مرحوم حاج میرزا علی اکبر شیخ الاسلام آخرین شیخ الاسلام
اصفهان .

۳ - مرحوم حاج میرزا علی شیخ الاسلام متوفی بسال ۱۳۳۴ .

۴ - مرحومه مخدره مریم سلطان .

۵ - مرحومه مخدره قمر سلطان .

۶ - مرحومه مخدره جهان سلطان .

فائده : سجع مهر مرحوم حاج میرزا رحیم شیخ الاسلام : « سلام قولاً - من

رب رحیم » .

وسجع مهر زوجه او عبارت : « آفتاب برج عصمت فاطمه » بوده است .

۱۹ - حاج میرزا رضا ملا باشی

۱۳۳۴ - ۰۰۰۰

داماد مرحوم حاج شیخ محمد تقی نجفی (آقا نجفی)

نام زوجه اش زهرا خانم از علویه مریم بیگم دختر علامه فقیه آقا میرزا محمد
هاشم چهار سوقی

پدر : مرحوم حاج میرزا احمد ملا باشی (متوفی در روز ۱۱ ربیع الثانی
سال ۱۳۳۱) فرزند مرحوم میرزا محمد حسن منجم (متوفی سال ۱۲۹۸) فرزند
مرحوم میرزا محمد علی منجم (متوفی بسال ۱۲۸۲) فرزند میرزا عبدالله حسینی
تفرشی مرحوم میرزا محمد حسن و میرزا محمد علی از منجمین معروف بوده اند
و در دستگاه سلاطین قاجاریه منصب منجم با شیگری داشته اند .

در المآثر والاثار (ص ۲۱۱ ستون اول) درباره مرحوم حاج میرزا احمد
منجم باشی معروف به : « ملا باشی » و پدرانش شرحی نوشته و آنان را از اساتید
فن معرفی نموده است .

مرحوم میرزا محمد حسن منجم دو فرزند داشته : ۱ - میرزا سید محمد
جد آقایان نجومی از محترمین سادات اصفهان ۲ - حاج میرزا احمد پدر صاحب
عنوان داماد مرحوم آقا میرزا ابوالمعالی کلباسی وبانی ساختمان بقعه آن عالم
جلیل القدر ومدفون در بقعه و بعداً به اعتاب مقدسه نقل گردید .

مرحوم حاج میرزا احمد دو فرزند پسر داشته : ۱ - مرحوم حاج میرزا رضا
ملا باشی صاحب عنوان ۲ - مرحوم حاج میرزا محمود ملا باشی داماد مرحوم

حاج میرزا هاشم امام جمعه خاتون آبادی رحمة الله عليه .

صاحب عنوان (مرحوم حاج میرزا رضا ملا باشی) عالم وفاضل واز شاگردان مرحوم آقا میرزا ابوالمعالی کلباسی و حاج میرزا بدیع موسوی درب امامی وجمعی دیگر از علماء اصفهان بوده واز اجزای سه گانه عدالت خانه اصفهان بوده است وی مردی خیر و نیکوکار و صاحب موقوفاتی است .

در کتاب : « المآثر والاثار » در باب هشتم در ذکر کارهاییکه در عهد ناصر الدین شاه انجام گردیده (ص ۱۰۵ ستون اول) می نویسد :

تشکیل دیوانخانه عدلیه در جمیع ممالک محروسه دولت علیه .

و در جای دیگر (ص ۱۱۵ ستون دوم) در تحت عنوان : « ایجاد هیئت در حکومت ممالک محروسه » در ضمن بیان مطالبی می نویسد :

از جانب دیوان اعلی دو عنوان علیحده بحکام انضمام یافت :

- ۱ - جنایت خراج را با سمت وزارت ملکیه .
- ۲ - قطع خصومات را با رسم امانت عدلیه .

واز این تثلیث عناوین (عنوان حکومت و دو عنوان یاد شده در بالا) و ایجاد هیئت مخصوص معدلت را بنیانی مرصوص بهم رسید .

و این در سال تألیف کتاب : المآثر والاثار یعنی سال ۱۳۰۶ بوده است .

اعضاء عدالتخانه اصفهان عبارتند از : ۱ - شیخ الاسلام ۲ - رکن الملك

۳ - ملا باشی

مرحوم ملا باشی در سال ۱۳۳۴ در اصفهان وفات یافته و در مقبره مرحوم آقا نجفی مدفون گردید سپس به اعتبار مقدسه ائمه عراق علیهم السلام منتقل گردید .

مرحوم ملا باشی قسمتی از املاک خود را در انجان وقف کرده و مصرف آنرا کمک به ارحام فقیر خود قرار داده است . رحمة الله علیه .

مرحوم حاج میرزا رضا ملباشی از زوجه نامبرده خود چندین فرزند یافته که در این کتاب بنام دو نفر از آنها مرحومین فاضلین حاج آقا حسن و حاج آقا مرتضی ملا باشی اشاره شده و میشود .

۲۰ - حاج سید محمد رضا غروی موسوی چهار سوقی

۱۳۰۸ - ۱۳۹۷

داماد مرحوم حاج شیخ محمد تقی آقا نجفی اصفهانی
فرزند مرحوم آقا جمال الدین فرزند علاءه جلیل القدر آیت الله آقا میرزا
محمد هاشم موسوی چهار سوقی

در سال ۱۳۰۸ در اصفهان متولد گردیده و در نزد علمای این شهر تحصیل
علوم کرده و پس از فوت پدر بجای ایشان در مسجد نو چهارسوشیرازیها معروف
به : « مسجد آقا میرزا محمد هاشم » اقامه جماعت نموده و تا آخرین سالهای عمر
ادامه داد . سرانجام در سال ۱۳۹۷ در اصفهان وفات یافته در پشت تکیه آقا حسین
خونساری (تکیه حاج آقا جمال الدین نجفی) مدفون گردید . رحمة الله علیه .
پدر آن مرحوم : عالم جلیل متقی مرحوم آقا جمال الدین محمد در اصفهان
متولد و در نزد بزرگان علماء این شهر بالاخص پدر علامه اش تحصیل نموده تا
بمقامات عالیه علم و اجتهاد رسیده و از پدر خویش و جمعی دیگر مجاز گردیده
و تاریخ اجازه پدرش که ضمناً گواهی بر اجتهاد او نیز میباشد غره رمضان
المبارک ۱۳۱۷ و دیگری دوازدهم جمادی الثانیه ۱۳۱۸ می باشد ویرا تألیفاتی بوده
از آنجمله : رساله در مسئله غسله که بامر پدر مرقوم داشته است .

مرحوم آقا جمال الدین در صبح روز ۲ شنبه چهارم ماه رجب ۱۳۳۹ بعارضه
سکته گرفتار و دو ساعت بغروب مانده همانروز وفات یافته در روز ۳ شنبه جنازه به

تخت فولاد منتقل شده و در پشت تکیه صاحب روضات مدفون و پس از مدتی عظام او را به نجف اشرف نقل و در وادی السلام در جنب پدر مدفون گردید رحمة الله علیه .
فرزندش (فرزند مرحوم حاج سید محمد رضا) مرحوم حاج سید محمد باقر نیز از فضلاء اصفهان بشمار میرفت در ۱۳۳۱ متولد و در ۱۴۰۵ در اصفهان وفات یافته در جنب پدر مدفون گردید .

۲۱ - حاج شیخ محمد رضا حسین آبادی جرقویه‌ای

۱۳۰۹ - ۱۳۷۲

فرزند حاج ملا علی بن ملا محمد تقی بن حاج حسین عالم فاضل جلیل

داماد مرحوم حاج آقا جمال الدین نجفی مسجد شاهی

در اصفهان از محضر مرحوم آقا سید محمد باقر درچه‌ای و آخوند کاشی و ظاهراً حاج میر محمد صادق خاتون آبادی و در نجف از حوزه درس مرحوم آقا سید محمد کاظم یزدی و شیخ الشریعه اصفهانی و جمعی دیگر از اکابر مجتهدین استفاده علمی نموده و از اساتید خود و با احتمال قوی (بنا بقول برخی از مطلعین) از آقا شیخ محمد رضا نجفی اجازه اجتهاد و روایت داشته و پس از مراجعت به اصفهان در منزل تدریس مینمود و عده‌ای از افاضل طلاب بدرس فقه و اصول او حاضر میشدند و از تحقیقات علمی آن عالم جلیل بهره‌مند میشدند . ویرا تألیفاتی است از آنجمله : ۱ - تقریرات فقهی و اصولی مرحوم آقا سید محمد باقر درچه‌ای ۲ - تقریرات فقهی مرحوم آقا سید محمد کاظم طباطبائی ۳ - رساله‌ای مبسوط و استدلالی در معنی غنا و احکام آن و غیره .

مرحوم جرقویه‌ای در ۱۳۰۹ در قریه حسین آباد از قراء جرقویه متولد و در

شب يك شنبه ۸ محرم سال ۱۲۷۲ در اصفهان وفات یافته در تکیه مرحوم سید
العراقین مدفون گردید .

توضیح : علت آنکه نوشتیم با احتمال قوی مجاز از مرحوم آقا شیخ محمد
رضا نجفی بوده است اینکه :

در دوره اختناق رضاخانی و فشار بعلما و روحانیون و قانون خلاف عقل و منطق
و آزادی فردی یعنی قانون اتحاد شکل و تغییر لباس نوشته بودند که مجتهدین در
پوشیدن لباس روحانیت آزاد میباشند و برای تشخیص مجتهد نوشته و گواهی
عدهای از بزرگان را می پذیرفتند که در اصفهان مرحومین حاجتین آیتین آقا شیخ
محمد رضا نجفی و آقا سید محمد نجف آبادی جزو آنها بودند لهذا علماء برای
حفظ مقام روحانیت خود و داشتن لباس مقدس روحانی مجبور بودند که علاوه
بر گواهی از مراجع از اینان نیز تصدیق بر اجتهاد دریافت دارند .

فائده : مرحوم حاج شیخ محمد رضا حسین آبادی جرقویه ای اصفهانی غیر
از مرحوم :

آیت الله حاج شیخ محمد رضا دستجردی جرقویه ای حائری فرزند محمد
تقی می باشند .

آیت الله جرقویه ای از اکابر علماء و فقهاء و مجتهدین معاصر بودند که در حدود
سال ۱۳۰۵ متولد گردیده و در اصفهان و قم و نجف نزد جمعی کثیر از اعظم فقهاء
و فحول مجتهدین تلمذ نموده و در کربلا سکونت اختیار کرده و در مدرسه هندیه
بتدریس فقه و حدیث و کلام اشتغال جسته و جمعی کثیر از افاضل طلاب از محضر
او مستفیض و کامیاب میشدند .

صاحب عنوان از قائلین بوجوب عینی نماز جمعه در زمان غیبت امام علیه

السلام بود و خود آنرا در مسجد صافى كربلا محل اقامه جماعت خود بر پا
میداشت .

وبرا تألیفاتی است از آنجمله : ۱ - ازاحة الربيه ۶-ن حکم صلوة الجمعة
فی زمن الغيبه ۲ - تنبيه الغافلین عن معرفة رب العالمین هر دو عربی و مطبوع .
مرحوم آقا شیخ محمد رضا حائری جرقویه‌ای در جمادى الاولى سال ۱۳۹۳
در كربلا وفات یافته در آن ارض اقدس بخاک رفت رحمة الله علیه .

۲۲ - آقا رضا صدر العلماء (صدر هاشمی)

داماد مرحوم حاج شیخ مهدی نجفی مسجد شاهی .
فرزند مرحوم حاج سید محمد هادی صدر العلماء حسینی شمس آبادی
(متوفی در شب پنجم محرم ۱۳۶۱) فرزند سید عبد الوهاب
در اصفهان متولد و در خدمت جمعی از افاضل تحصیل نموده و پس از فوت
پدر (وگاهی در زمان آن مرحوم) در مسجد شمس آباد که آنرا مسجد صدر
العلماء نیز می گویند اقامه جماعت مینمود و بعداً ترك مسجد و محراب نموده به امور
اجتماعی و رتق و فتق کارهای مردم از عقود و ایقاعات و غیره پرداخته و در کمال
امانت و درستی رفتار کرده مورد احترام قاطبه طبقات بود .
از زوجه نامبرده خود چندین فرزند دختر یافته دامادهای ایشان عبارتند
از :

۱ - مرحوم حاج آقا مهدی سادات فرزند عالم جلیل مرحوم حاج سید محمد
رضا سادات (متوفی در بعد از ظهر چهار شنبه ۷ جمادى الثانی ۱۳۷۸ م. مدفون
در تکیه گلزار) فرزند عالم فقیه زاهد مرحوم آقا میرزا حسن معروف به
دگمه چین خاتون آبادی (متوفی در شب يك شنبه ۲۸ جمادى الثانيه سال ۱۳۴۰

مدفون در بقعه سر قبر آقا در محله خابجون (مرحوم سادات فاضلی محترم و خلیق و مهربان بود و در شب جمعه ۱۵ ماه صفر ۱۴۰۷ وفات یافته در قبرستان جدید مدفون گردید. مشار البسه از دوستان قدیم و خانوادگی نویسنده بود رحمة الله علیه.

- ۲ - دوست ارجمند گرامی آقای آقا محمد تقی نجفی فرزند علامه بزرگوار آقا شیخ محمد رضا ابوالمجد مسجد شاهی .
۳ - جناب آقای دکتر جبل عاملی .
۴ - جناب آقای مقدس .

۲۳ - حاج میرزا محمد صادق کتابی

۱۴۰۱ - ۰۰۰۰

داماد مرحوم حاج شیخ محمد علی ثقة الاسلام نجفی
فرزند مرحوم حاج میرزا محمد تقی کتابفروش عالم جلیل فرزند علامه فقیه
زاهد مرحوم حاج میرزا محمد صادق حسینی داماد مرحوم حاج سید محمد باقر
حجة الاسلام شفتی بید آبادی .
بعد از سال ۱۳۱۵ در اصفهان متولد گردیده و در نزد علمای این شهر تحصیل
نموده عالمی عامل و عابدی زاهد و دایم الذکر و مواظب مستحبات و نوافل در
نزد عموم طبقات بالاختصاص علماء و دانشمندان و مؤمنین محترم و مغرر بود عالمی
خلیق و مهربان و دور از ریا و تظاهر .
در شب ۳ شنبه ۲۲ ماه صفر المظفر سال ۱۴۰۶ پس از يك عمر عبادت در
اصفهان وفات یافته و مراسم تغسیل و تکفین در منزل انجام یافته مرحوم آیت الله
حاج آقا حسین خادمی بر جنازه نماز خوانده سپس به مشهد مقدس انتقال یافته
و در آن ارض مقدس بخاک سپرده شد .

مرحوم کتابی از مخدره نامبرده چندین فرزند پسر همگان دانشمند وفاضل
واز مفاخر علمی وادبی اصفهان یافته که بغیر از مرحوم آقا میرزا محمد علی بقیه
در قید حیات می باشند . مغفرت گذشتگان و طول عمر با ماندگان را از خداوند قادر
متعالم خواستارم .

خاندان کتابی که در قدیم به کتابفروش معروف بودند از سلسله سادات اصیل
وصحیح النسب اصفهان و عموماً اهل علم و فضل و تقوی میباشند .

۲۴- حاج میرزا عبد الجواد کلباسی

۱۳۱۹ - ۱۳۸۷

فرزند عالم زاهد جلیل مرحوم حاج میرزا هاشم (متوفی بسال ۱۳۵۸ مدفون
در بقعه تکیه کازرونی) فرزند مرحوم حاج میرزا عبد الجواد مؤلف تذهیب الاصول
(متوفی بسال ۱۳۱۴ مدفون در بقعه مرحوم حاجی کلباسی) فرزند مرحوم آقا
محمد مهدی (متوفی بسال ۱۲۷۸) فرزند علامه جلیل فقیه زاهد عابد محقق
مدقق مرحوم حاج محمد ابراهیم کلباسی (۱۱۸۰ - ۱۲۶۱) فرزند مرحوم حاج
محمد حسن (متوفی بسال ۱۱۹۰) فرزند محمد قاسم خراسانی کاخکی .

در رمضان المبارک سال ۱۳۱۹ در اصفهان متولد و در نزد جمعی از علماء
این شهر تلمذ نموده عالمی خلیق و متواضع و مهربان و مورد احترام کلیه طبقات از
ملت و دولت و پشت و پناه ستمدیده و یار و مددکار ضعیفان و درماندگان در رفع
حوادث اجتماعی آنان بود . در روز شنبه ۱۹ جمادی الاولی سال ۱۳۸۷ در جاده
طهران در اثر تصادف ماشین وفات یافته در روز یکشنبه جنازه با کمال عزت و احترام
با تشییع کم نظیر از خیابانهای اصفهان عبور داده و بعداً بقم منتقل شده در یکی
از اطاقهای صحن جدید مدفون گردید از آثار ایشان کتاب : منهاج السالکین در
آداب حج و زیارت مدینه منوره بطبع رسیده است .

مادر مرحوم حاج میرزا عبد الجواد دختر مرحوم حاج شیخ محمد علی ثقة الاسلام میباشد . نامش سکینه خانم بوده است .

برادر ایشان مرحوم حاج آقا مهدی کلباسی فردی شایسته و خدمتگزار و از هیئت ائمه کتابخانه علامه مجلسی علیه الرحمة والرضوان بود در عصر جمعه شعبان بعارضه سکنه وفات یافته در مقبره زینبیه مدفون گردید .

برادر دیگرشان نیز مرحوم آقای آقا رضا کلباسی نیز در حدود بیست و چند سال قبل بعارضه سکنه وفات یافته در داخل بقعه میرزا ابوالمعالی کلباسی مدفون گردید رحمة الله عليهم اجمعین اینان همگان نواده‌های مرحوم ثقة الاسلام حاج شیخ محمد علی نجفی می‌باشند .

۲۵ - شیخ عبدالحسین حائری اصفهانی

. . . . بعد از ۱۲۹۴

فرزند علامه فقیه اصولی مرحوم شیخ محمد حسین صاحب فصول در اصفهان (احتمالاً) متولد گردیده و در نزد جمعی از بزرگان این شهر و همچنین پدر علامه خود تحصیل نموده تا بمقامات عالیه علم و کمال رسیده ظاهراً در خدمت پدر بکر بلا مهاجرت نموده و در آن شهر مقدس سکونت نموده و هم در آن شهر بر حسب آنچه در اعیان‌الشیعه (ص ۲۱۶) و چهارم) نوشته وفات یافته و مدفون گردید . فوت او را بعد از سال ۱۲۵۴ نوشته‌اند (ص ۷۱۰ دوم الکرام البرره) .

علامه طهرانی در : « الکرام البرره » شرحی مربوط به او و شاگردانش نزد صاحب ضوابط و ارتباطش با علماء هندوستان نوشته طالبین مراجعه فرمایند .
در اعلاط در انساب (ص ۴) بنقل از نسب نامه الفت در باره فرزندانش می‌نویسد : شش فرزند پسر داشته بشرح زیر :

- ۱ - شیخ مهدی فصولی کربلائی .
 - ۲ - شیخ محمد حسن فصولی کربلائی .
 - ۳ - حاج آقا فصولی بلاعقب .
 - ۴ - شیخ عبد الرحیم آل صاحب فصولی حائری طهرانی (شرح حالش جداگانه نوشته می شود .
 - ۵ - شیخ محمد علی مشهور به « مواوی صاحب » مهاجر به حیدر آباد هند
 - ۶ - شیخ ابراهیم کربلائی .
- مرحوم حاج شیخ عبدالرحیم در ربیع الاول سال ۱۲۹۴ در کربلا متولد گردیده بنا بر این فوت صاحب عنوان بعد از این تاریخ خواهد بود .

۲۶ - حاج شیخ عبدالکریم فصولی طهرانی

۱۲۹۴ - ۱۲۶۷

فرزند مرحوم آقا شیخ عبد الحسین فرزند علامه فقیه شیخ محمد حسین صاحب فصول : عالم فاضل و فقیه کامل ادیب شاعر محقق مدقق صاحب تألیفات کثیره در دوم ربیع الاول سال ۱۲۹۴ در کربلا متولد گردیده و در کربلا و نجف و اصفهان نزد جمعی کثیر از بزرگان علماء همچون شیخ زین العابدین مازندرانی و مرحوم آقا میرزا محمد هاشم چهار سوقی و دیگران تلمذ نموده تا بمقام عالی اجتهاد رسیده و از اساتید بزرگوار خود و جمعی دیگر از بزرگان باخذ اجازه و گواهی اجتهاد مفتخر گردیده و سالها در طهران ساکن و بوظائف روحانیت از تبلیغ و ارشاد و اقامه جماعت و رسیدگی بامور شرعی مردم و امر بمعروف و نهی از منکر و دیگر شئون روحانیت پرداخته سرانجام در سال ۱۳۶۷ (شب ۶ ذی قعدة)

در طهران وفات یافت کتب زیر از تألیفات اوست : ۱ - بدایع الاحکام در شرایع اسلام ۲ - بدر التنجیم در تقویم ۳ - جامع الشتات در متفرقات ۴ - داستان سلمان و ابسال ۵ - دیوان اشعار عربی و فارسی ۶ - رساله در بیع وقف ۷ - رساله در اینکه شریعت سر طبیعت است ۸ - رساله در اینکه مراد از ذکر در آیه شریفه : « ولذکر الله اکبر » نماز است ۹ - رساله در احکام ساکنین نواحی قطیف ۱۰ - رساله در رد صوفیه ۱۱ - شرح رساله حی بن یقظان ۱۲ - غنائم النبیین در تفسیر قرآن ۱۳ - مجمع الاسرار منظومه در عرفان مطبوع ۱۴ - مشرق الانوار منظومه فارسی در ذکر اسرار قرآن مطبوع ۱۵ - ملخص المقال فی احوال الرجال مطبوع ۱۶ - ملخص المقال فی نظم مختصر خلاصه الاقوال غیر از ملخص المقال ذکر شده مطبوع ۱۷ - منظومه مناسک حج مطبوع ۱۸ - منظومه درایه و رجال ۱۹ - موجز المقال در درایه مطبوع ۲۰ - ودایع الاسرار و بدایع الاخبار در مراتب یقین و درجات ایمان و غیره .

تذکر و تنبیه : مرحوم علامه طهرانی در مصفی المقال (ص ۲۲۷) در ضمن

شرح حال صاحب عنوان می نویسد :

توجه بصوفیه پیدا کرده و از جمله اقطاب آنها گردیده و ساکن سلطان آباد

(اراک) گردیده و همانجا وفات یافت .

نویسنده گوید : منشأ این سخن علامه طهرانی را ندانستیم و عدم صوفی

بودن او از کتاب رد بر صوفیه او معلوم و همچنین کلیه مشایخ و اقطاب تمام سلسله های

صوفیه در زمان ما معین و مشهورند و علامه صاحب فصول در عداد آنان ذکر نشده

است و آن مرحوم در طهران ساکن بود و هم در آن شهر از دنیا رفت رحمة الله علیه .

شرح حال نسبتاً مفصل و جامعی از آن مرحوم در مجله خرد (شماره

تاریخ) بچاپ رسیده و نویسنده در شعرای معاصر (ص ۱۵۱) و دانشمندان

و بزرگان اصفهان (ص ۲۱۴) از آنجا نقل نموده‌ام علامه طهرانی نیز در نقباء البشر (ص ۱۱۰۴ سوم) و مستدرکات نقباء (ص ۴۹ ضمیمه قسم چهارم) شرح حال او را نقل فرموده و گوید : در طهران در خیابان سلسبیل هاشمی مدفون گردید . بنابراین بطلان تصوف و دفن در اراک از مطالب منقوله معلوم شد والله العاصم .
 دیگر از تألیفات آن مرحوم : ۱ - رساله در افضلیت نماز بر ذکر ۲ - رساله در حکم تشریح احکام دین میباشد .

۲۷ - آقا عبدالعلی کرمانشاهی

داماد آقا محمد علی کرمانشاهی از دختر الله وردی بیگ

نام زوجه او : « رقیه خانم » بوده و به « عمه » شهرت داشته و بانوئی عالمه و فاضله بوده است و صلت او با عموزاده اش پس از رحلت پدر اتفاق افتاده است .
 مرحوم آقا عبد العلی فرزند آقا عبد الحسین بن وحید بهبهانی است در اواخر عمر از کرمانشاه به کربلا مهاجرت کرده و در آنجا مجاور گردیده و هم در آن شهر از دنیا رفته است .

مادر آقا عبد العلی (یعنی همسر آقا عبد الحسین) دختر حاجی محمد جعفر داماد ملا میرزای شیروانی بوده و او (ملا میرزا) داماد مولی محمد تقی مجلسی اول است (ص ۲۷۱ وحید بهبهانی) .

نویسنده گوید : مرحوم میرزا حیدر علی مجلسی در کتاب : تذکره الانساب (ص ۱۰۵) می نویسد : آقا عبد الحسین دختر حاجی محمد جعفر بن آقا علاء الدین محمد بن آقا بزرگ ملا محمد صالح بن ملا عبد الباقی فرزند ملا محمد صالح مازندرانی داماد ملا محمد تقی مجلسی را بزوجهیت داشته است . و همو گوید :

دو خواهر آقا علاء الدین محمد (پدر حاجی محمد جعفر) یکی زوجه مرحوم آقا محمد صادق بن ملا محمد تقی گیلانی نواده دختری ملامیرزا شیروانی و دیگری حایله مرحوم ملا عزیز الله والد حقیر . و باز گوید (ص ۱۰۷) :
 و صبیبه ملا میرزا شیروانی حلیله ملا محمد تقی (بن ملا محمد قاسم بن ملا محمد شفیح استرآبادی) بود از او اولاد بسیار است دو صبیبه ملا محمد تقی یکی زوجه مرحوم میرزا محمد جعفر خلف علامه مغفور ملامحمد باقر و دیگری زوجه آقا علاء الدین محمد بن آقا بزرگ بود و از او حاجی محمد جعفر که در عتبات است بهم رسید .

نویسنده گوید : پس از نقل مطالب مورد نیاز از کتاب : « تذکره الانساب » وجه ارتباط و نسبت مرحوم آقا عبد العلی با خاندان مجلسی و ملامیرزای شیروانی روشن گردید .

مرحوم معلم حبیب آبادی فوت مرحوم آقا عبد الحسین را در سال ۵-زار و دو بیست و چهل و اندی نوشته است (ص ۲۳۵ یکم نکارم الآثار) .

۲۸ -- حاج عبد الکریم شیرازی

داماد مرحوم شیخ محمد تنی رازی صاحب حاشیه از منقطه یزدی .
 مرحوم الفت در نسبنامه (بنقل مرحوم بلاغی در اعلاط در انساب ص ۶)
 می نویسد :

حاج عبد الکریم شیرازی حدود یکصد سال عمر کرد و مردی درویش مسلک و تا اندزه ای متصوف و سحر خیز بوده است . وی در اثر زلزله سخت شیراز کسان خود را از دست داده و از شیراز باصفهان مهاجرت نمود و در این شهر متوطن گردیده و دختر مرحوم شیخ را بزنی گرفت .

صاحب عنوان از این مخدره دو پسر و يك دختر آورد و پس از وفات زنش (یعنی دختر مرحوم شیخ) زنی دیگر اختیار کرده و از او نیز پسران و دختران چندی آورد .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۲۴۹ قسمت پائین صفحه) ضمن وقایع سال ۱۲۳۹ می نویسد :

زلزله اصفهان که در اثر آن در سقف ایوان مسجد شاه شکست ایجاد شد و هم زلزله سخت شیراز که بچند دقیقه مانند زلزله تبریز بعهد حکیم قطران (تمام شهر شیراز ویران و عده زیادی تلف شدند) بنا بر این ورود حاج عبد الکریم باصفهان و ازدواج با دختر مرحوم شیخ بعد از این تاریخ بوده است .

فرزندان مرحوم حاج عبد الکریم شیرازی از دختر مرحوم شیخ عبارتند از :

- ۱ - شیخ محمد حسن نظام العلماء .
- ۲ - شیخ محمد حسین واعظ .
- ۳ - خدیجه سلطان زوجه مرحوم حاج آقا نور الله نجفی ثقة الاسلام دوم .

۲۹ - حاج میرزا علی اکبر شیخ الاسلام

..... - ۱۳۵۰

دختر زاده مرحوم حاج شیخ محمد باقر نجفی مسجد شاهی .
فرزند میرزا محمد رحیم شیخ الاسلام پس از فوت برادر (حاج میرزا حسن شیخ الاسلام) منصب شیخ الاسلامی یافته است عالم و فاضل بوده و در نزد علماء اصفهان تحصیل نموده در تمام جریانات و اتفاقات اصفهان و کشمکش های حاصله بین آقایان مسجد شاه و باغ نو یعنی ظل السلطان حاکم مقتدر و ظالم اصفهان از طرفداران آقایان علماء بوده است .

در طول انقلاب مشروطیت از هواخواهان مشروطه و از یاوران مرحوم آیت الله

حاج آقا نور الله نجفی بوده و عضویت انجمن ولایتی اصفهان را داشته از
اعضاء مؤثر شرکت اسلامیة بوده و پس از استقرار مشروطیت در سالهای گرانی
وقحطی (۱۳۳۴ - ۱۳۳۶) بعنوان رئیس بلدیة (شهردار) انتخاب گردیده .
مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۳۷۶ - اورقی) ضمن وقایع
سال ۱۳۳۶ و بیان موجبات گرانی وقحطی می نویسد : سوم از دلایل قحطی :
خطای سهو و عمد شیخ الاسلام رئیس بلدیة . . . و این قحطی مشهور را
بقحطی شیخ الاسلامی خواندند .

مرحوم حاج میرزا علی اکبر در ۲۲ ذی القعدة الحرام سال ۱۳۵۰ در مشهد
مقدس در سفر زیارت وفات یافته در سرداب مدرسه میرزا جعفر مدفون گردید .
مشار الیه دارای فرزندان متعدد بوده از آنجمله :

- ۱ - مرحوم آقا میرزا (میرزا عبدالله) که در جلد دوم ذکری از او در بین
شاگردهای مرحوم آقا شیخ محمد رضا شد .
- ۲ - مرحوم آقا شیخ عباس از منبریان اصفهان .
- ۳ - مرحوم آقا حسین فاضل محترم از کارمندان دولت .
- ۴ - جناب پروفیسور علمی شیخ الاسلام رئیس سابق دانشگاه ملی و استاد
فلسفه مقیم خارج از کشور علوم قدیمه رابخوبی تحصیل نموده و سپس به تحصیلات
جدید پرداخت و در فلسفه بمقام پروفیسوری رسید .

۳ . - سید محمد علی : آقا مجتهد

حدود ۱۲۳۹ - ۱۲۷۴

فرزند علامه فقیه رجالی آقا سید صدر الدین عاملی .
مادرش دختر مرحوم شیخ الطائفة شیخ جعفر کاشف الغطاء نجفی (مخدیره
جان جان خاتون) :

زوجه اش دختر مرحوم سید حجة الاسلام شفتی حاج سید محمد باقر موسوی
بیدآبادی (علویه زینب بیگم) .

دخترش زوجه مرحوم آقای حاج شیخ محمد حسین نجفی مسجد شاهسی
(مخدره ربابه سلطان بیگم) .

تولد : در حدود سال ۱۲۳۹ در اصفهان متولد گردید . در تکمله امل الامل
(ص ۳۸۸) تولد او را بسال ۱۲۵۰ می نویسد .

در اصفهان در نزد پدر و دیگران تحصیل کرده و از جمله کسانی است که قبل
از رسیدن بسن بلوغ به مرتبه اجتهاد رسیده است .

علت شهرت او به آقا مجتهد

مرحوم علامه رجالی مرحوم سید حسن صدر کاظمینی رحمه الله علیه در کتاب
تکمله امل الامل (ص ۳۸۶) می نویسد :

پدرم میفرمود که من در مجلس مرحوم حاج میرزا حسن امام جمعه (فرزند
مرحوم حاج میر محمد حسین امام جمعه و متوفی در دوم محرم الحرام سال ۱۲۴۸
در اصفهان) حاضر بودم که :

مرحوم امام جمعه که خود در علوم عربیت ممتاز بود از آقا سید محمد علی
که کودکی هفت ساله بود سؤالاتی در موضوعات تفسیر و علوم ادبی نمود و سید
محمد علی آنها را به بهترین صورت که در باره او در چنین سنی گمان نمیرفت
جواب داد . امام جمعه روی بمرحوم آقا سید صدر الدین پدر سید محمد علی
نموده و فرمود « آقا مجتهد است » از آن وقت این نام و لقب برای آن مرحوم
باقیمانده و بدان مشهور شد .

کتابی در فقه بنام : البلاغ المبین در احکام صبیان و بالغین در دوازده سالگی

تألیف نموده چون کتاب بنظر سید حجة الاسلام رسید فرمود نویسنده کتاب مجتهد است واجتهاد آقا سید محمدعلی را تصدیق کرده و آنرا بخط مبارک خود نوشت .
 عموم نویسندگان کتب تراجم رجال که نامی از وی برده اند ویرا بعلم و عمل و هوش و فطانت و استعداد و حسن قریحت و کثرت تحقیقات علمی و قدرت حافظه ستوده اند . وی پس از فوت پدر بجای ایشان اقامه جماعت مینموده (در مسجد نو حاج رسولیها که جهت پدر ایشان ساخته شده است) و پس از فراغت از نماز بمنبر رفته و مردم را موعظه میفرمود و مسائل مشکل توحید و سایر مسائل اعتقادی را بطوری ساده و روشن بیان میفرموده که حتی عوام الناس نیز از منبر ایشان بهره علمی می یافتند در حوزه های درس مسائل فقهی و اصولی را نیز بعلم کثرت علم و تعمق در مسائل با حسن بیان تقریر میفرموده و جماعتی زیاد از فضلاء و علماء اصفهان به مجالس درس او حاضر می شده اند که یکی از جمله آنها :
 برادر بزرگوارش مرحوم آیت الله العظمی حاج سید اسماعیل صدر یکی از مراجع بزرگ تقلید می باشد .

تالیفات :

کتابهای زیر از جمله تألیفات آن مرحوم است که متأسفانه برخی از آنها ناقص مانده و عموماً بچاپ نرسیده و در دسترس اهمل علم و دانش قرار نگرفته است :

۱ - احیاء النقای در شرح « دروس الشرعیه » تمام کتاب دروس تألیف مرحوم شهید اول است .

۲ - الفیه در نحو ناتمام .

۳ - البلاغ المبین فی احکام الصبیان و المجانین و البالغین و آن اولین تألیف

ایشانست که در سن دوازده سالگی تألیف فرموده و بنظر مرحوم سید حجة الاسلام شفتی رسیده و مرحوم سید بنظر اعجاب و تحسین در او نگریسته و اجتهاد مؤلفش را گواهی فرموده است .

۴ - دیوان اشعار فارسی (ظاهراً غیر از منظومه ها که یاد می شود شعر دیگری به عربی نگفته باشد) .

۵ - العلائم در شرح کتاب مراسم ناتمام (المراسم العلویة فی الفقه) از تألیفات ابو علی حمزه بن عبدالعزیز دیلمی معروف به سلار (سلار) متوفی شنبه ۲۴ رمضان ۴۶۳ .

۶ - فرائد الفوائد در اصول فقه .

۷ - منظومه ای در موارث ناتمام .

۸ - منظومه ای در وقف .

۹ - نفائس الفرائد مختصر کتاب : فرائد الفوائد .

نمونه اشعار فارسی

مرحوم آقا سید محمد علی آقا مجتهد علاوه بر کلیه فضائل و کمالات از غریزه شعریه نیز بهره کافی داشته و شعر فارسی را در نهایت جودت و سلاست میسروده است اینک نمونه ای از اشعار آن مرحوم :

به استشاره رندان گسسته ام تسبیح

بیسار خوشه تاکی که استخاره کنم

* * * *

نقاش خواست نقش دهان ترا کشد

از بسکه تنگ بود بر او عرصه تنگ شد

* * * *

خرمن حسن ترا روزی که میگردند جمع
آفتاب از دامن يك خوشه چین افتاده بود

* * * *

رازی که نگفتند نیش نام نهادند

نی دم زد از آن راز و نیش نسام نهادند

این دو سطر شعر زیر را حضرت حجة الاسلام والمسلمین آقاسی حاج آقا
علاء الدین مدرس فرزند مرحوم حجة الاسلام آقا میرسید حسن بن میر محمد تقی
بن علامه جلیل آقا میرسید حسن مدرس میر محمد صادقی سلمه الله از مدرسین
عالی مقام مدرسه صدر اصفهان بنام آن مرحوم خواندند .

توضیح آنکه مرحوم حاج میرسید حسن مدرس والد بزرگوار ایشان داماد
مرحوم آقا میرزا بهاء الدین صدر فرزند مرحوم آقا مجتهد بوده و ایشان از نبیره های
مرحوم آقا مجتهد می باشند .

سحری نگار مستم قدمی نهاده به بستم

فاذا رأیت جماله طلع الصباح کانما

* * * *

محتسب است شیخ و من صحبت عشق در میان

از چه کنم مجابشان پخته یکی و خسام دو

عیال و اولاد

مرحوم آقا سید محمد علی آقا مجتهد از دو زوجه خود (دائمیه و منقطه)

جمعا دارای پنج فرزند پسر و دختر بشرح زیر می باشد :

۱ - فاضل ادیب شاعر مرحوم آقا میرزا بهاء الدین صدر که در ماه شعبان سال ۱۳۲۱ بعرضه سکنه وفات یافته در رواق مقبره سید حجة الاسلام جد مادری خود مدفون گردید . دخترش زوجه مرحوم حاج میر سید حسن مدرس وپسرش مرحوم آقا وجهه الله سید حسیب نجیب بزرگوار محجوب ودیندار بعد از سال ۱۳۵۰ بدون اولاد وفات یافت .

۲ - مخدره رباب سلطان بیگم زوجه علامه زاهد حاج شیخ محمد حسین نجفی ومادر علامه جلیل آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی

۳ - فاطمه جان بیگم زوجه شیخ محمد حسین طریحی

مادر این سه فرزند دختر مرحوم حاج سید محمد باقر حجة الاسلام شفتی می باشد .

واما فرزندان زوجه منقطه ایشان عبارتند از :

۴ - عالم عابد جلیل مرحوم حاج سید محمد جواد عاملی معروف به مسجد شاهی (بعلت سکونت در محله مسجد شاه) امام جماعت در مدرسه ملا عبدالله قریب هشتاد سال عمر کرد وسرانجام در ۱۳۴۷ در اصفهان وفات یافته در صحن تکیه مادر شاهراده در تخت فولاد مدفون گردید . ماده تاریخ وفاتش این است : یکی پیامد وتاریخ این معما گفت « جواد حجة الاسلام رفته ازدنیا »

۱۳۴۷ مساوی ۱ باضافه ۱۳۴۶

۵ - دختری که همسر مرحوم میرزا محمد حسن قاضی شد .

آخرین قاضی اصفهان که بسا پیش آمد مشروطه ایران کلیه عناوین : امام جمعگی - شیخ الاسلامی وقضاوت اسماً ورسماً ازین رفت گرچه دراواخر دوره حکومت سابق بعلم سیاسی عنوان امام جمعگی را تجدید کردند اما ...

فوت :

علامه سید حسن صدر الدین کاظمینی در تکمله امـل الامل (ص ۳۸۸)

می نویسد :

در شب جمعه عید غدیر (۱۸ ذی الحجۃ الحرام) سال ۱۲۸۰ در اصفهان

وفات یافت .

در اعیان الشیعه (ص ۱۰۲ چهل و ششم) بنقل از کتاب : بغیة الراغبین وهم
علامه طهرانی در الذریعه (ص ۵۰۵ یکم و ۱۴۱ سوم) و در کتاب دانشمندان
و بزرگان اصفهان (ص ۱۴) و زندگانی حضرت آیت الله چهارسوقی (ص ۲۱۵)
فوت او را در سال ۱۲۷۴ نوشته اند (در شب ۱۸ ذی حجه و چون غره ذی الحجۃ
الحرام در این سال مطابق تقویم تطبیقی هزار و پانصدساله روز ۳ شنبه بوده است
شب عید غدیر مصادف با جمعه خواهد بود) .

علامه امینی در شهداء الفضیله (ص ۳۱۹) و مترجم کتاب نامبرده (ف ج)

بنام شهیدان راه فضیلت (ص ۴۷۰) فوت او در سال ۱۲۴۷ (شب شنبه ۱۸ ذی
حجه) بسن پنجاه و سه سالگی می نویسد :

نویسنده گوید : در کتاب شهداء الفضیله ارقام بصورت (۱۲۴۷) نوشته شده
و به حروف نوشته نشده است همچنین در سن آن مرحوم که در هر دو مورد غلط
چاپی و اعداد جا بجا بطبع رسیده و باید بجای ۱۲۴۷ می نوشت ۱۲۷۴ و بجای
عدد ۵۳ باید ۳۵ می نوشت . و اما در ترجمه کتاب مترجم محترم بدون مراجعه به
سایر مآخذ و مصادر عیناً اعداد را نقل نموده اند من آقای مترجم که نام شریفشان را
نمیدانم اما بایشان بخاطر خدمتی که در ترجمه این اثر نفیس وارزنده نموده است
سپاسگزاری نموده و احترام می کنم اما اگر ایشان اندکی زحمت بخود داده

بودند و تاریخ تولد وفات پدر بزرگوار این عالم جلیل را مشاهده فرموده بودند متوجه خطای چاپی شده بودند (تولد مرحوم آقا سید صدرالدین ۱۱۹۳)
 اگر مرحوم آقا مجتهد در سن ۵۴ سالگی در سال ۱۲۴۸ وفات یافته باشد باید تولد او در سال ۱۱۹۴ یعنی يك سال بعد از تولد پدرشان باشد بعبارت دیگر مرحوم آقا سید صدرالدین در يك سالگی مرحوم آقا مجتهد را پیدا کرده باشد و هذا امر غیر معقول. در هر حال در شهداء الفضيله مرگ او را مسموماً نوشته لکن ذکرى از علت و عامل آن نبرده است والله العالم بحقایق الامور .

محل دفن : جنازه مرحوم آقا مجتهد را بعد از فوت به نجف اشرف حمل کرده و در ایوان اطایکه پدر بزرگوارش در آن مدفون بود در صحن نجف اشرف دفن کردند .

قبلاً در ضمن بیان شرح حال مرحوم حاج شیخ محمد حسین نجفی اسامی برخی از مدفونین در این اطاق و ایوان را ذکر کرده ایم طالبین بدانجا مراجعه کنند.

۳۱ - آقا محمد علی کرمانشاهی

۱۱۴۴ - ۱۲۱۶

داماد الله وردی بيك بن مهدی قلی خان بیگدلی (باجناق مرحوم حاج محمد رحیم بيك استاجلو)
 فرزند مرحوم وحید بهبهانی و خود از بزرگان علماء و محققین و رؤساء علماء و مسلمین در زمان خود بوده است در روز جمعه ۲۶ ذی الحجه الحرام سال ۱۱۴۴ در کربلا متولد گردیده و در وقت زوال روز جمعه ۲۷ ماه رجب سال ۱۲۱۶ در کرمانشاه وفات یافته در بیرون دروازه غربی شهر کرمانشاه دفن شده و مقبره او در این زمان به « سر قبر آقا » شهرت دارد .

شرح حال او و خدمات او بشرح مطهر و مخا لفتهایش بافرقه صوفیه و همچنین اسامی اساتید و شاگردانش و نام مؤلفات و مصنفاتش در عموم کتب ذکر شده از آنجمله در مکارم الآثار (ص ۵۶۱ تا ۵۶۷) و از همه مفصلتر و جامعتر در کتاب: «وحید بهبهانی» (از صفحه ۲۷۵ تا ۳۵۶) .

مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الآثار نام نوزده کتاب و رساله از تألیفات صاحب عنوان را ذکر کرده و در کتاب «وحید بهبهانی» سی و هفت کتاب و رساله را نام برده است طالبین به آن دو کتاب و دیگر مراجع رجوع فرمائید .

۳۲ - آقا محمد علی هزار جریبی اصفهانی

۱۱۷۸ - ۱۲۴۵

داماد شیخ الطائفه شیخ جعفر کاشف الغطاء نجفی فرزند علامه آقا باقر (متوفی بسال ۱۲۰۵) فرزند آقا محمد باقر هزار جریبی مازندرانی حائری نجفی
مرحوم آقا محمد علی در ۱۲ رجب سال ۱۱۸۸ در نجف اشرف متولد گردید و در آن شهر در خدمت جمعی از علماء تلمذ نمود که از آنجمله: مرحوم شیخ الطائفه شیخ جعفر کبیر نجفی و -و- حسب آنچه در قصص العلماء نوشته دختر استاد را بزوجیت اختیار نموده و از نجف به ایران مهاجرت کرده و مدتی در ارومیه ساکن و سپس باصفهان آمده و پس از سالها توقف در این شهر معلی چند که مهمتر از همه مساعد نبودن ارضاع و تناضای مردم قمیسه بدان شهر رفته و در سال ۱۲۴۵ که مرض وبا در آن منطقه شیوع پیدا یافته بود بجهت فرار از این بیماری به سمت قریه شاه سید علی اکبر در دو فرسنگی قمیسه رفته و در آنجا در شب شنبه ۱۸ ربیع الآخر سال ۱۲۴۵ وفات یافته در داخل بقعه امامزده در سمت چپ و بسمت پائین پا مدفون گردید .

نویسنده قبر این عالم جلیل و محقق بزرگوار را در آن محل زیارت کرده
و جهت ترویج روح شریف او فاتحه خوانده‌ام .

مرحوم آقا محمد علی هزار جریبی پس از فوت دختر استاد بزرگوار خود که
ظاهراً در نجف اتفاق افتاده است در اصفهان دختر علامه فقیه و ادیب مفسر مرحوم
میرزا محمد باقر نواب لاهیجی را بزوجیت اختیار کرده و اولاد آن مرحوم از
این مخدره می‌باشد .

مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الآثار (ص ۱۲۲۳ چهارم) ویرا عنوان
فرموده و نام نوزده کتاب و رساله از تألیفاتش را بر شمرده است .

دانشمند محترم جناب حاج شیخ علی دوانی در کتاب : «وحدید بهبهانی» در
ضمن شرح پدرش (ص ۱۶۰) می‌نویسد :

عجب این جا است که آقا محمد علی هزار جریبی در تمام رشته‌هایی که
آقا محمد علی پسر آقا کتاب نوشته او نیز تألیف دارد و بهمان اوصاف که او
دارد او را ستوده‌اند .

در کتاب نامبرده (وحدید بهبهانی) می‌نویسد :

آقا محمد علی مدتی در قم ساکن و نزد مرحوم میرزای قمی تلمذ نموده و از
خواص اصحاب او بشمار می‌آمده و از مرحوم میرزا اجازه‌ای دریافت داشته است .
در کتابهای : تذکرة القبور - روضات الجنات - الکرام البرره و دیگر کتب
شرح حال او بطور تفصیل و اجمال ذکر شده طالبین بدانجا مراجعه کنند .

۳۳ - ملا محمد علی خراسانی

داماد حاج محمد رحیم بیک استاجلو (شوهر خواهر حاجتین آیتین : شیخ
محمد تقی صاحب هدایة المسترشدين و شیخ محمد حسین صاحب فصول .

فرزند ملا محمد شفیع خراسانی ساکن طهران از علماء زمان و با مرحوم آقا احمد کرمانشاهی هم داماد و به اصطلاح معروف « باجناب » و یا بر حسب گفتار مردم اصفهان « همیش » و یا با اصطلاح مردم برخی از شهرها « همزلف » و در عربی آنان را « سلفان » به کسر سین خوانند .

مرحوم ملا محمد علی تا آنجا که آگهی داریم از این مخدره فرزندی یافت بنام : شیخ محمد که بعداً بنام او و مختصری از شرح حالش اشاره خواهیم کرد. از مجاری احوال و گزارشات زندگانی و تولد و اساتید و دیگر خصوصیات زندگانی او تا این وقت اطلاعی نداریم و از سال وفات و مدفن و آثار علمی او اگر داشته باشد ، نیز بی خبریم .

۳۴ - حاج میرزا فتح الله شیخ الشریعه اصفهانی

۱۲۶۶ - ۱۳۳۹

معروف به آقای شریعت یکی از مراجع بزرگ تقلید و از زعماء و رؤساء :
ثورة العراقیه (جنگ عراق و انگلیس)

فرزند مرحوم حاج محمد جواد نمازی شیرازی
زوجه او نواده مرحوم آفا شیخ محمد حسین صاحب فصول می باشد باین
شرح که :

دختر مرحوم صاحب فصول : بانو سکینه زوجه عبد الله عطار بوده و از او
دختری یافته که همسر مرحوم شیخ الشریعه اصفهانی گردید .

مرحوم آقای شریعت از اجله علماء و اعظام فقهاء و مراجع تقلید بوده و عموم
نویسندگان کتب ویرا بعظمت و جامعیت در علوم ستوده اند از آنجمله :

مرحوم مدرس تبریزی در ریحانة الادب (ص ۳۱۷ دوم چاپ اول) می نویسد :
از طرز اول علمسای عصر حاضر ما که جامع معقول و منقول و حساوی فروع

و اصول و فقه اصولی رجالی حکیم متکلم ادیب مفسر اخلاقی و بالجمله در جامعیت و اشتراك در اكثر علوم عقلیه و نقلیه از اغلب معاصرین خود امتیاز داشته و بالخصوص در رجال و علوم حدیثیه و قرآنیه گوی سبقت از دیگران ر بوده و علاوه بر مراتب علمیه بسیار لطیف المحاوره بوده و قوه حافظه او را از خوارق عادات و عجائب اتفاقات می شمارند .

در احسن الودیعہ (ص ۲۱۱ یکم) و علمای معاصرین (ص ۱۲۳) ویرا نیز بهمین گونه ستوده اند .

علامه طهرانی در مصفی المقال (ص ۱۹۳) درباره او می نویسد :
جامع فنون بخصوص در فسن حدیث و رجال پس از محدث نوری از کلیه کسانیکه من آنها را درك نمودم آگاه تر و جامعتر بود .

تولد : مرحوم آقای شریعت در ۱۲ ربیع الاول سال ۱۲۶۶ در اصفهان متولد گردید (بنا بقولی در ۱۲ ربیع الثانی این سال ص ۱۵۸ چهارم الذریعه)
اگر تولد ربیع الاول باشد روز تولد شنبه و اگر ربیع الثانی باشد دوشنبه خواهد بود (در هیچ يك از ماخذ موجود بروز تولد مرحوم آقای شریعت اشاره نشده است) .

اساتید و مشایخ اجازه

مرحوم آقای شریعت در اصفهان در خدمت جمع کثیری از بزرگان تحصیل نموده و بمرتبہ اجتهاد رسیده و بساط تدریس و مباحثه گسترده وعده زیادی از فضلاء بمحضر او حاضر میشده و از بیانات و تحقیقات علمی او بهره مند میشده اند در قبل از مسافرت به اعتاب مقدسه سفری بخراسان مشرف گردیده و در آنجا نیز مورد توجه و عنایت علماء آن شهر مقدس که در آن زمان مهسد علم و دانش

و مجمع فضلاء و مجتهدین بوده قرار گرفته سپس به اصفهان مراجعت کرده و در سال ۱۲۹۶ جهت زیارت و دیدار علماء بزرگوار اعتبار مقدسه ائمه عراق علیهم السلام به نجف اشرف مهاجرت فرموده است .

اسامی برخی از اساتید مرحوم شیخ الشریعه اصفهانی: علماء زبر را در عداد اساتید آن مرحوم در اصفهان ذکر کرده اند :

۱ - مرحوم ملا احمد سبزواری (ص ۷۲ یکم الکرام البرره)

۲ - مرحوم حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی .

۳ - مرحوم آقا میرزا محمد باقر چهار سوقی صاحب روضات الجنات استاد

و شیخ روایت .

۴ - مرحوم ملا تقی هروی .

۵ - مرحوم ملا حیدر علی اصفهانی (ص ۴۵۰ یکم الکرام البرره)

۶ - مرحوم ملا محمد صادق تنکابنی (ص ۶۲۹ دوم الکرام البرره)

۷ - مرحوم ملا عبد الجواد حکیم خراسانی .

۸ - مرحوم آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی رحمة الله علیهم اجمعین . استاد

و شیخ روایت .

اسامی برخی از اساتید و مشایخ اجازه او در نجف :

۹ - مرحوم حاج میرزا حبیب الله رشتی .

۱۰ - مرحوم شیخ محمد حسین کاظمی شیخ روایت .

۱۱ - مرحوم شیخ محمد طه نجف شیخ روایت .

۱۲ - مرحوم آقا سید محمد مهدی قزوینی شیخ روایت .

مؤلفات

مرحوم شیخ الشریعه اصفهانی دارای تألیفات عدیده در موضوعات مختلف می باشد که عموماً بچاپ نرسیده است ذیلا اسامی برخی از آنها :

* اجازات : علامه طهرانی در الذریعه (ص ۲۲۵ یکم) در ضمن اجازات می نویسد :

اجازه مرحوم شیخ الشریعه جهت من مفصل ودر آن اسامی مشایخ خود را ذکر فرموده تاریخ اجازه ۱۳۲۰ وبعداً اجازه آن مرحوم را جهت سید هادی خراسانی نوشته وگوید :

وله اجازات کثیرة توجد عند المستجیزین لم نذکرها لکثرتها .

علامه روضاتی در ذیل مکارم الاثار (ص ۱۸۱۷ پنجم) می نویسد :

صورت برخی از اجازاتش بدست راقم سطور رسیده ودر کتاب : « ریاض الابرار » خود آورده ام . انتهی محل الحاحه اگر این اجازات يك جا جمع شود خود کتابی خواهد شد .

۱ - ابانة المختار در ارث زوجه از ثمن عقار و آنرا « رساله در ارث الزوجه » نیز نوشته اند . مرحوم آقای شریعت در این مسئله بر خلاف نظریه مرحوم آیت الله آفا سید محمد کاظم یزدی نظر داده است .

۲ - ابرام القضاء فی وسع القضاء یکی از ادباء معاصر گفته بوده که جائز نیست لفظ (وسع) بر کلمه « فضا » اضافه شود این رساله در اثباب این موضوع است که : جائز است اضافه نمودن لفظ « وسع » بر فضا .

۳ - افاضة التقدير در حل مسئله عصیر یا رساله در عصیر عنبی .

۴ - انارة الحالک در قراءت ملک و مالک (در سوره حمد) وبدوازده دلیل

قرآءت ملك را مقدم دانسته و آنرا مطابق قرآءت اهل البيت عليهم السلام شمرده است .

۵ - تعاليق بر فصول ۶ - رساله در تفصيل جلود بين سباع وغير آنها ۷ - رساله در علم باری ۸ - رساله در غساله ۹ - رساله در قاعده صدور حکمت ۱۰ - رساله در قاعده طهارت * رساله در قاعده «الواحد البسيط لا يصدر عند الا الواحد» و این همان رساله قاعده صدور حکمت است ۱۱ - رساله در کعب ۱۲ - رساله در: لاضرر و لاضرار و آنرا بنام رساله در قاعده لاضرر و یا رساله در قاعده الضرر نیز نوشته اند ۱۳ - رساله در لباس مشکوک ۱۴ - رساله در افظ جلاله که آن علم (بفتح اول و دوم) است یا صفت می باشد ۱۵ - رساله در متمم کر ۱۶ - رساله در مناظره ایشان با سید محمود شکری افندی الوسی در سفر مکه بسال ۱۳۱۳ هجری قمری ۱۷ - صیانة الابانه عن وسمة الرطانه ، پس از آنکه مرحوم آقای شریعت کتاب : ابانة المختار را نوشت مرحوم آخوند خراسانی در حاشیه نسخه ای از آن اعتراضات و ایراداتی نوشتند که مرحوم شیخ الشریعه این کتاب را در جواب انفة اادات آن مرحوم مرقوم داشته است ۱۸ - القول الصحيح (القول الصریح) فی حول الصحاح الست علامه طهرانی در الذریعه (ص ۲۱۱ هفدهم) می نویسد :

من نسخه ای از این کتاب را جهت خود استنساخ کردم و چون مؤلف بزرگوار آن جهت کتاب نامی ننهاده بود این اسم را جهت آن برگزیدم و چون با فرزند آن مرحوم شیخ محمد حسن در میان نهادم وی نیز آنرا پسندید و آنرا در پشت کتاب نوشتیم در بعضی از فهرس بنام : « رساله در صحاح ست » از این کتاب یاد شده است .

فائده : علامه طهرانی در الذریعه (ص ۱۱ هفدهم) پس از ذکر رساله در قاعده لاضرر می نویسد : آخرین تألیفات ایشانست و اخیراً با شرح حال آن مرحوم

بقلم میرزا محمد علی قاضی تبریزی بچاپ رسیده است .

فرزندان مرحوم آقای شریعت : مرحوم شیخ الشریعه اصفهانی دارای سه
فرزند پسر بوده است :

۱ - میرزا محمد مهدی مؤلف کتاب اعلام الاعلام که در زمان حیات پدر در
سال ۱۳۱۸ وفات یافته است .

۲ - شیخ محمد حسن

۳ - شیخ محمد

شاگردان ومجازین :

مرحوم شیخ الشریعه اصفهانی قبل از مهاجرت به نجف در اصفهان وبعداً
در نجف حوزه درس در فقه واصول ورجال وتفسیر وحديث داشته وعده زیادی
از بزرگان در خدمتش شاگردی کرده اند وهمچنین جمعی کثیر از وی اجازة
روایت واجتهاد دارند . تعداد شاگردان ومجازین از وی بصددها تن میرسد .
نویسنده با مراجعه به مجلدات چهارگانه نباء البشر وسه مجلد کتاب معارف الرجال
اسامی بسیاری از اینان را استخراج نموده که مقام ذکر آن نمی باشد فقط بنام
چهارده نفر از آنان تبییناً وتبرکاً مطابق تعداد معصومین چهارده گانه مبادرت
می کنیم :

۱ - علامه محقق متبع مرحوم حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی (۱۲۹۳

- ۱۳۸۹)

۲ - حضرت آیت الله العظمی آقای حاج ابوالقاسم خوئی متع الله المسامین

بطول بقائه (تولد ۱۳۱۷)

۳ - مرحوم شیخ محمد امین فرزند حاج شیخ یحیی امام جمعه نخوی
(۱۳۶۶ -)

۴ - مرحوم آیت الله حاج سید محمد تقی خونساری (۱۳۰۵ - ۱۳۷۱)

۵ - مرحوم میرزا محمد باقر قاضی تبریزی (۱۲۸۸ - ۱۳۶۶)

۶ - مرحوم آیت الله ابوالمجد شیخ محمد رضا نجفی مسجد شاهی (۱۲۸۷

- ۱۳۶۲)

۷ - مرحوم محدث قمی حاج شیخ عباس رضوان الله علیه (۱۳۹۴ - ۱۳۵۹)

۸ - مرحوم آیت الله شیخ عبدالحسین رشتی (۱۲۹۲ - ۱۳۶۵)

۹ - مرحوم آیت الله سید عبدالحسین شرف الدین عاملی (۱۲۹۰ - ۱۳۷۷

۱۰ - مرحوم آیت الله العظمی سید عبدالهادی شیرازی (۱۳۰۵ - ۱۳۸۲)

۱۱ - مرحوم سید علی مدد نجفی (۱۳۰۱ - ۱۳۸۴)

۱۲ - مرحوم شیخ هادی کاشف الغطاء نجفی (۱۲۸۹ - ۱۳۶۱)

۱۳ - مرحوم آیت الله العظمی سید محمد هادی میلانی (۱۳۰۰ - ۱۳۹۵)

۱۴ - مرحوم سید هبة الدین شهرستانی (۱۳۰۰ - ۱۳۸۶)

در خانمه متذکر میشود که عدده زیادی از مجتهدین بزرگوار و مراجع تقلید

همچون آیات الله العظام :

۱ - حاج میرزا حسین فقیه سبزواری (۱۳۸۶ -)

۲ - حاج شیخ محمد حسین کاشف الغطاء نجفی (۱۳۸۲ -)

۳ - حاج سید علی یثربی کاشانی (۱۳۷۹ -)

۴ - حاج سید محسن امین عاملی (۱۳۷۱ -)

۵ - سید محمد حجت کوه کمری (۱۳۷۲ -)

وده‌ها بلکه صدها مجتهد و عالم دیگر نیز از محضر این علامه جلیل استفاده

علمی کرده‌اند فجزاه الله عن الاسلام والمسلمین خیر جزاء المحسنین ،

فوت ومحل دفن

مرحوم آقای شریعت در شب يك شنبه ۸ ربیع الثانی سال ۱۳۳۹ پس از مراجعت از سفر جهاد و ابتلاءات و سختی‌هایی که در این سفر متحمل شده بود و در اثر آن بهارضه سینه درد و تنگ نفس مبتلا شده در نجف وفات یافته وداعی حق را لیک اجابت فرمود و در جوار رحمت حق جمل و علا در یکی از حجرات صحن مطهر علوی مدفون گردید .

برای آگهی خوانندگان محترم از جریان مبارزات علماء بزرگوار شیعه علیه استعمار بطورعموم و جنگ عراق و انگلیس در اواخر جنگ جهانی اول « الثورة العراقیه » باید بکتب مربوطه مراجعه کنند . در این جا بطور خلاصه گوئیم : اگر چه دولت انگلیس در اثر داشتن تجهیزات کامل و کافی وقشون مرتب و آزموده و خیانت برخی از افراد عراقی غالب شده و پیروز گردید اما علماء و بزرگان بوظیفه خود عمل کردند هم حکم جهاد دادند (درحقیقت حکم دفاع) و هم خود شخصاً در میدان مبارزه شرکت نمودند .

مرحوم شیخ الشریعه در سن هفتاد و سه سالگی در جنگ شرکت می کند :
مرحوم آیت الله سید مهدی حیدری کاظمی در سن هشتاد و سه سالگی حکم جهاد علیه انگلیسی‌ها صادر می کند و خود و نه تن از خاندانش در آن شرکت می کنند
(تولد حدود ۱۲۵۰ - ۱۳۳۶)

متأسفانه در کتب فارسی تا آنجا که نویسنده آگهی دارد از مبارزات علماء شیعه علیه انگلیس در جنگ اول جهانی مطلب قابل توجهی نوشته نشده و عموماً از اسامی آنان و مبارزاتشان بی خبرند ، جهت اطلاع باید کتابهای مربوطه :

الامام الثائر السيد مهدي الحيدري تأليف دانشمند عالی‌قدر و محقق جناب آقای سید احمد حسینی اشکوری و کتاب الثورة العراقية الكبرى تأليف دکتر عبدالله فیاض مراجعه کنند .

و همچنین از مجاهدات مرحوم آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی علیه حکومت و سرپرستی انگلیس‌ها بر مملکت عراق و مبارزات دیگر علماء شیعه در این موقع که در نتیجه تسلط رسیدن ملک فیصل اول در آن مملکت بود باید یاد آور شد که همه این مبارزات علیه استعمار و استثمار خارجی بوسیله علماء شیعه رهبری شده است اکنون اگر دولتهای استعمارگر و دست نشاندگان با حوزة علمیه نجف مخالفت کنند جهت انتقام جوئی از آن اقدامات ضد استعماری است اما غافل از اینکه همیشه حق بر باطل غلبه داشته و پیروز بوده است .
در خاتمه این مقال که بر خلاف نظریه بطول انجامید گوئیم :

شیخ عبدالحسین بن قاسم حلّی یکی از شاگردان مرحوم شیخ الشریعه مترجم رساله مناظره آن مرحوم با سید محمود شکری الوسی بغدادی رساله‌ای در شرح حال آن مرحوم (مرحوم آقای شریعت) تألیف نموده است (ص ۱۵۸ چهارم الذریعه) .

۳۵ - حاج آقا فخر الدین کلباسی

۱۴۰۷ - ۱۳۴۲

داماد مرحوم آقا شیخ محمد علی نجفی فرزند مرحوم حاج شیخ مهدی نجفی علیهما الرحمه .

فرزند مرحوم حاج میرزا محمد رضا کلباسی (۱۲۹۵ - ۱۳۸۳) فرزند مرحوم آقا میرزا عبد الرحیم (۱۲۴۵ - ۱۳۳۵) فرزند مرحوم حاج میرزا رضا

(۱۲۱۹ - ۱۲۸۴) فرزند علامه فقیه زاهد حاج محمد ابراهیم کلباسی رحمه الله
علیهم اجمعین .

در شب يك شنبه ۱۷ شعبان المعظم سال ۱۳۴۲ هنگام اذان صبح متولد گردیده
در اصفهان و مشهد نزد فضلاء و علماء و بزرگان همچون : ۱ - مرحوم آقا سید
احمد یزدی در مشهد جلد اول شرح لعمه و معالم ۲ - مرحوم آیت الله حاج آقا
حسین خدادمی در اصفهان ۳ - مرحوم حاج میرزا محمد رضا کلباسی پدر
بزرگوارش در مشهد جلد دوم شرح لعمه و منظومه سبزواری و شرح تجرید و رجال
و هیئت ۴ - آقای شمس در مشهد در مسجد نزدیک به مقبره نادر شاه کتاب شرح نظام
۵ - مرحوم حکیم متأله بزرگوار فقیه زاهد پرهیزکار آقای حاج سید صدر الدین
فرزند سید حسن هاطلی طباطبائی کوپائی در مدرسه صدر اصفهان (۱۳۰۱ - ۱۳۷۲) از
حکماء و مدرسین عالی مقام اصفهان ۶ - مرحوم شیخ علی ادیب نیشابوری علوم صرف
و نحو و معانی بیان و منطق و ادبیات و جزواتی از تقریرات درس آن مرحوم نوشته
است . مرحوم ادیب در تدریس مطول در موقع بیان شواهد از اشعار خود مثال
میاورده است ۷ - مرحوم عالم فقیه زاهد آقا سید علی اصغر بن سید محمد حسین
حسینی برزانی از مدرسین عالی مقام مدرسه صدر که بخصوص در تدریس کتاب
قوانین الاصول استاد منحصر بفرد و بی نظیر بود و همچنین در تدریس فرائد
فرید و وحید بود . در اصفهان و نجف تحصیل نموده از اساتید معروف او مرحومین
آیتین حجتین آقا سید محمد باقر درجه ای در اصفهان و آقا ضیاء الدین عراقی
در نجف می باشند در حدود سال ۱۳۱۰ در اصفهان متولد و در شب جمعه ۱۷
ذی قعدة سال ۱۳۹۵ در اصفهان وفات یافته در تخت فولاد مدفون گردید رحمه
الله علیه . جمعی دیگر از بزرگان اهل علم و قبل از شروع به تحصیل علوم دینی
در مدارس علیه و صاریه سالها تحصیل مینمود .

مرحوم حاج آقا فخر الدین کلباسی علاوه بر خدمات فرهنگی که در دبیرستان و دانشگاه اصفهان انجام میداد در مسجد تکیه : « محمد علی یزدی » و همچنین مسجد رکن الملک که اولی در محله شیش بید آباد و دومی در تخت فولاد واقع است اقامه جماعت مینمود و علاوه بر آنها بر منبر موعظه و ارشاد رفته و مردم را هدایت و راهنمایی میکرد و اعظی شیرین بیان و طابق اللسان بود و مردم او را موعظش را دوست میداشتند . وی یکی از مؤسسين ساختمان قائمیه و احمدیه اصفهان است جلسه صبح های جمعه و قراءت دعای شریف ندبه ایشان در ساختمان قائمیه از جلسات پر شور و جذاب و روحانی بود خدایش رحمت کند در این راه بسیار کوشید سر انجام در ذی قعدة سال ۱۴۰۷ در یکی از بیمارستانهای طهران پس از انجام يك عمل جراحی وفات یافته جنازه باصفهان منتقل و با تشییع شایسته با وجود مخالفت شهرداری در تخت فولاد در اطاق مسجد رکن الملک در جنب برادر مدفون گردید .

مطالب یاد شده علاوه بر اطلاعات شخصی از : « رساله شرح حال مرحوم حاجی کلباسی و اولاد او » تألیف مرحوم معلم حبیب آبادی (ص ۵۴) نسخه خطی اتخاذ شده است . در تذکره شعرای معاصر اصفهان نیز نامی از ایشان مذکور است لکن متأسفانه اشعار از شاعر دیگری است که اشتهاً بنام ایشان چاپ شده است .

۳۶ - حاج آقا کمال الدین قزوینی

۱۲۹۴ -

داماد مرحوم حاج شیخ محمد تقی نجفی (آقا نجفی) علیه الرحمه .
مرحوم حاج آقا کمال الدین قزوینی فرزند مرحوم حاج محمد جواد بن

حاج آقا محمد بن حاج محمد ابراهیم قزوینی اصفهانی در دشتی (بمناسبت سکونت در محله در دشت) عالم فاضل جلیل در اصفهان متولد گردیده و تحصیلات خود را نیز در شهر در نزد بزرگان از اهل علم و دانش و مجتهدین بپایان رسانیده . در مسجد آقا نور امام جماعت بود عالمی محترم و دانشمندی معزز و مکرم . مشار الیه آخرین فرد روحانی از اعقاب حاج محمد ابراهیم قزوینی عالم جلیل از خواص اصحاب و شاگردان مرحوم سید حجة الاسلام شفتی بید آبادی می باشد و این خود یکی از آثار شوم حکومت پنجاه ساله خاندان پهلوی است که عموم خاندانهای علمی و روحانی در اصفهان و عموم شهرهای ایران از بین رفته و دیگر فرد دانشمند روحانی در بین آنان یافت نمیشود .

مرحوم حاج آقا کمال الدین در صبح روز شنبه شانزدهم محرم الحرام سال ۱۳۹۴ در اصفهان بسن متجاوز از هفتاد سالگی وفات یافته و چهار فرزند پسر همگان اهل فضل و دانش و خدمتگزار اجتماع در پست دبیری و پزشکی و سه دختر از او باقیماندند . یکی از دامادهای آن مرحوم عالم فاضل و دانشمند بزرگوار جناب حجة الاسلام آقای دکتر حاج سید احمد تویسرکانی نجل جلیل علامه زاهد و فقیه عابد مرحوم حاج میرزا محمد باقر بن حاج میرزا عبدالغفار تویسرکانی سلمه الله تعالی میباشد .

مرحوم حاج آقا کمال الدین را در تخت فولاد در تکیه برادرش (حاج آقا باقر در دشتی) دفن کردند رحمة الله علیه .

۳۷ - حاج آقا محسن عراقی

۱۲۴۷ - ۱۲۲۵

فرزند مرحوم آقا سید ابوالقاسم حسینی انطسی عراقی (اراکی)

پدر زن مرحوم حاج آقا جمال الدین نجفی مسجد شاهی .

در « احسن الودیعہ » در ضمن تعداد شاگردان مرحوم حاج سید شفیق موسوی جابلقی (ص ۴۶ یکم) ویرا ذکر نموده و گوید استادش مرحوم جابلقی درخاتمه کتاب : « الروضة البهية » ویرا نام برده و از اوستایش زیاد کرده و تصریح به اجتهادش نموده است .

محدث قمی در : « فوائد الرضویه » نیز ویرا عنوان کرده (ص ۲۷۵ دوم)

و گوید :

السید الجلیل والفاضل النبیل عالم بالعلوم العقلیه وله ایضاً الام بالعلوم الشرعیه از آثار باقیه او ساختمان مدرسه دینی در شهر عراق (سلطان آباد یا اراک) را ذکر نموده و گوید برای آنجا موقوفاتی معین کرده و خود از شاگردان حجة الاسلام حاج ملا اسد الله بروجردی بوده است .

در « المآثر والاثار » باب دهم (ص ۳۴۴ ستون اول) ویرا نام برده

ومی گوید :

جامع ما بین منقول و معقول است بریاست و ثروت و مزایای دیگر بر اقران

تقدم دارد و از این جهت همواره محسود بوده و خواهد بود .

مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الآثار (ص ۱۳۱۶ چهارم) ضمن و تاریخ

سال ۱۲۴۷ ویرا عنوان نموده و نسب او را تا جناب حسن الافس ذکر کرده

تولدش را ۱۲۴۷ و وفات ویرا در سوم یا پنجم جمادی الاخر سال ۱۳۲۵ نوشته

است و گوید میرزا محمد صادق ادیب الممالک برای او مرثیه و ماده تاریخ وفات

سروده است .

و همچنین مرحوم معلم در کتاب نامبرده اسامی دو تن از پسران ویرا بنامهای :

۱ - حاج میرزا شمس الدین ۲ - حاج آقا مصطفی متوفی بسال ۱۳۷۱ ذکر

نموده است . انتهی . و نام دختر او یعنی زوجه مرحوم حاج آقا جمال الدین ،
مخدره حاجیه عالم تاج خانم بوده است که از شوهر خود سیزده فرزند آورده
که در شرح حال مرحوم حاج شیخ جمال الدین ذکر گردید .

۳۸ - حاج آقا محمد آل رسول شمس آبادی

۱۳۳۶ - ۱۳۹۲

داماد مرحوم حاج شیخ جمال الدین نجفی .

فرزند مرحوم عالم جلیل آقا سید محمد ابراهیم آل رسول شمس آبادی مادر
ایشان دختر مرحوم حاج محمد حسن حمیدی قمیسه‌ای از تجار محترم و متدین
شهرضا (قمیسه) بوده تحصیلات مقدماتی از صرف و نحو و معانی بیان و منطق
را در منزل نزد اساتید فرا گرفته سپس در مدارس جدید تا سال سوم دبیرستان
تحصیل کرده بعد از آن بمدرسه صدر بازار وارد شده و در تکمیل مراتب علمی
نزد اساتید ایشان عبارتند از : ۱ - مرحوم آیت الله آخوندی ملا محمد حسین
فشارکی ۲ - آیت الله حاج میر سید علی مجتهد نجف آبادی ۳ - آیت الله آقا
سید محمد نجف آبادی رحمة الله علیهم اجمعین و بدرس مرحوم حاج شیخ محمود
مفید نیز مدتی حاضر میشد .

پس از فوت پدر در مسجد بجای ایشان اقامه جماعت مینمود و پس از آنکه
مرحوم آیت الله حاج میرزا ابوالحسن آل رسول شمس آبادی (شهید اصفهانی)
برادر بزرگ ایشان از نجف اشرف معاودت فرمود مسجد کوچه سر تیپ بنام مسجد
اباذر (در قدیم بنام مسجد زینی یا مسجد محمد آقا زین الدین « آم زینی » معروف
بود) را بایشان تفویض کرده و خود در مسجد جنب حمام اقامه جماعت مینمود .
مرحوم حاج آقا محمد عالمی فاضل و غیور و ساعی در رفع حوائج مؤمنین

و خوش رفتار و شیرین گفتار بود اوقات فراغت را بامور زراعتی و شخصی میپرداخت
 سرانجام در روز پنجشنبه ۱۴ ذی حجة الحرام سال ۱۳۹۲ در یکی از بیمارستانهای
 تهران پس از عمل جراحی وفات یافته و در قم مدفون گردید رحمة الله علیه .
 مرحوم آل رسول دارای چهار دختر بود (فرزند پسر نداشت) و یکی از
 دامادهای ایشان : فاضل محترم آقای حاج جواد شفتی فرزند مرحوم حاج سید
 محمد رضا شفتی عالم بزرگوار می باشد .

۳۹ - شیخ محمد طهرانی

فرزند ملا محمد علی بن ملا محمد شفیع خراسانی خواهرزاده و داماد
 مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی اصفهانی .

محمد حسن خان اعتماد السلطنه در کتاب : المآثر والاثار (ص ۱۵۸ متون
 دوم) در باره او می نویسد :

آقا شیخ محمد اصفهانی الاصل طهرانی السکنی همشیره زاده شیخ محمد
 تقی اصولی صاحب الحاشیه است کتاب : فصول شیخ محمد حسین و کتاب شرح
 لمعه را کسی مثل او تدریس نمی کرد اعلی الله مقامه .

علامه طهرانی در : الکرام البرره (ص ۲۱۶ یکم) در ضمن بیان مؤلفات
 مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی اصفهانی می نویسد :

جلد سوم هدایة المسترشدين را خواهر زاده اش مرحوم آقا شیخ محمد از
 مسوده خارج نموده و پاکتویس کرده و آن تا مبحث اجتهاد و تقلید می باشد .

مرحوم معلم حبیب آبادی در مکالم الاثار (ص ۱۳۲۹ چهارم) می نویسد :
 راجع به هدایة المسترشدين از شیخ محمد تقی و حاشیه ای بر : « اصول معالم »
 تألیف شیخ حسن ابن شهید ثانی اعلی الله مقامه بنام : « هدایة المسترشدين »

دارد که بغایت مشهور و مورد تدریس و تدریس علماء اعلام و فضلاء کرام قرار گرفته و آن دراصل متفرق بوده و خواهرزاده اش شیخ محمد طهرانی (مذکور در سنه ۱۲۷۲) آنرا مدون و مرتب نموده و انجام تألیف جلد اول آن شب جمعه دهم ربیع الثانی سنه ۱۲۳۷ بوده (است) .

نویسنده گوید : از ظاهر عبارت مرحوم معلم حبیب آبادی چنین برمیآید که هر سه مجلد کتاب : « هداية المسترشدين » جمع و تدوین مرحوم آقا شیخ محمد می باشد و حال آنکه همانگونه که علامه طهرانی تذکر فرموده فقط جلد سوم را صاحب عنوان جمع و مرتب و پاکنویس کرده است .

مرحوم آقا شیخ محمد درابتداء دختر دانی خود مرحوم آقا شیخ محمد قزنی موسوم به شهربانو از دختر مرحوم شیخ جعفر نجفی را بزوجیت اختیار نموده . مرحوم الفت می نویسد :

شنیده ام که با این دختر خوش رفتار نبوده بهر حال کار آنان بطلاق انجامیده و دختر باصفهان بخانه پدر برگشته و ناکام درسین جوانی (۲۶ صفر ۱۲۵۷) وفات یافته در پیش روی پدر دفن گردید . مادرش در مصیبت او بی اندازه ناراحت و افسرده بوده و بی تابی زیاد میکرده و گاهی از حال معمولی خارج گردیده و کارهای خلاف عادت و شرع از او سر میزده بطوریکه بعضی مواقع سر برهنه بکوجه میرفته است در هر حال این مادر داغ دیده در اصفهان وفات یافته و در بقعه تکیه مادر شاهزاده ما بین قبر شوهر و دختر بخاک رفت .

مرحوم آقا شیخ محمد پس از طلاق گفتن مشار البها زوجه دیگری از مردم طهران گرفته و از او اولاد یافته است .

۴۰ - شیخ محمد نجفی وکیل

فرزند مرحوم آقا شیخ علی فرزند شیخ محمد جامع هدایة المسترشدين
فرزند ملا محمد علی بن ملا محمد شفیع واعظ خراسانی طهرانی .
شیخ محمد طهرانی اصفهانی را قبلاً متذکر شدیم ونسبت او را با مرحوم
آقا شیخ محمد تقی صاحب حاشیه بیان داشتیم .
مرحوم آقا شیخ علی ظاهراً در طهران سکونت داشته و از فضلاء این خاندان
محسوبست .

مرحوم آقا شیخ محمد نجفی معروف به مستنطق در اصفهان ساکن و در نزد
علماء این شهر وهم بزرگان خاندان مسجد شاهیان تلمذ نموده در دوره مشروطه
خدماتی انجام داده و پس از استقرار آن در دادگستری (عدلیه) بعنوان مستنطق
استخدام گردیده و سالها در رأس این دایره خدماتی صادقانه برآستی و درستی
وامانت و دینداری انجام داده و بعد از انقضاء مدت خدمت به شغل وکالت در
دادگستری اشتغال جسته و از اینرو به : آقا شیخ محمد وکیل شهرت یافت به
پاکدامنی و کردانی شهرت داشت و از وکلاء مبرز در دادگستری اصفهان بشمار
میرفت .

سرانجام در در اصفهان وفات یافت .

زوجه مشار الیه علویه : رباب بیگم صبیبه مرضیه مرحوم آقا میرسید علی
خادمی (متوفی حدود ۱۳۳۶ قمری مدفون در نجف اشرف) فرزند مرحوم عالم
جلیل آقا سید ابو جعفر خادم الشریعه فرزند علامه فقیه آقا سید صدرالدین عاملی
می باشد و از این مخدیره فرزندان چند شایسته و تحصیل کرده و خدمتگزار متولد
شدند که در مشاغل مختلفه بخدمات اجتماعی روزگار می گذرانند .

فائده: گفتیم که مرحوم آقا شیخ محمد از وکلاء معروف دادگستری اصفهان بشمار میرفت اینک جهت مزید فائدت بذکر اسامی چند تن دیگر از وکلاء معروف ومبرز اصفهان در آن زمان میادرت می کنیم:

۱ - مرحوم آقا میرزا ابوالحسن مانی

۲ - مرحوم آقا سید بهاء الدین بهمن فرزند مرحوم آقا سید شهاب الدین

نحوی

۳ - مرحوم میر محمد حسین مرتضوی معروف به روغن چراغی

۴ - مرحوم ملا عبدالحمود حقیقی

۵ - مرحوم حاج سید علی محمد مدرس میر محمد صادقی عالم فاضل مؤلف

شرح دعای صباح مطبوع فرزند مرحوم علامه آقا سید محسن حسینی

۶ - مرحوم آقا کمال الدین داد خواه فرزند مرحوم عالم جلیل آقا سید اسد

الله بهشتی

۷ - مرحوم آقا شیخ محمد صاحب عنوان

۸ - مرحوم میرزا محمود وکیل سدهی وغیره .

تذیل: مرحوم آقا شیخ علی طهرانی پدر آقا شیخ محمد نجفی علاوه بر

آن مرحوم دو فرزند دختر نیز داشته است:

۱ - مخدره گلین خانم

۲ - دختری که زوجه مرحوم میرزا ابوطالب دزفولی اصفهانی ملقب ومشهور

به « معین الشریعه » بوده است (ص ۳ - اعلاط در انساب بنقل از نسب نامه

الفت) .

۴۱ - حاج آقا محمد جویباره‌ای

حدود ۱۳۰۸ - ۱۳۸۷

مادرش مخدره موسومه به : « بیگم صاحب » دختر مرحوم حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی است .

پدرش مرحوم حاج میرزا مهدی بن مولی صالح جویباره‌ای می‌باشد .
جده مرحوم حاج آقا محمد علویه صالحه زمزم بیگم دومین دختر علامه فقیه رجالی آقا سید صدر الدین عاملی (ما در بیگم صاحب) و علویه صالحه مخدره زهرا بیگم دختر دیگر مرحوم آقای صدرمادر مرحوم حاج میرزا مهدی جویباره‌ای و مادر هر دو علویه : مخدره جان جان خاتون دختر مرحوم شیخ الطائفه شیخ جعفر کبیر نجفی بوده است .

مرحوم حاج آقا محمد جویباره‌ای داماد مرحوم آقا جلال الدین مسجد شاهی فرزند مرحوم آقا نجفی بوده است .

مرحوم حاج آقا محمد در حدود سال ۱۳۰۷ در اصفهان متولد گردیده و در نزد علماء و بزرگان این شهر فی الجمله تحصیلاتی و از ابتدای جوانی بعلمت انتخاب و انتساب بچندین خاندان بزرگ و مشهور علمی و روحانی (خاندان کاشف الغطاء - خاندان آقا سید صدر الدین - خاندان مسجد شاهیان و بالاخره خاندان مولی صالح جویباره‌ای) اصفهان در امور این شهر دخالت مینموده و همین ورود در امور اجتماعی و سیاسی و مذهبی مانع ادامه تحصیلات مشار الیه گردیده است .

مرحوم حاج آقا محمد در رفع حوائج مردم و بر طرف ساختن گرفتاریهای آنان و برابری با دستگاه حکومت جابر و ستمکار ظل السلطان و اتباعش سعی

و کوشا بوده و سالها مأمورین دولتی و کلانتری‌های سفارشنامه‌های او را مورد توجه قرار میدادند .

مرحوم حاج آقا محمد به شیخ العراقین معروف و در نزد عموم طبقات محترم و مورد اعزاز و اکرام بود اما پس از استقرار حکومت رضا خان و مخالفت دستگاه با روحانیت و تشکیل ادارات و تنظیم قواعد و قوانین مختلفه دیگر کمتر به نوشته و توصیه‌های علماء و امثال مرحوم شیخ العراقین اهمیت میدادند و از رونق بازار ایشان بسی کاسته شد علماء اسلام و خدمتگزاران شرع و جامعه چون وضع را بدینگونه دیدند صلاح خود را در کناره و جدا شدن از دستگاه دیدند و خود را از جامعه کنار کشیدند . در این هنگام دستگاه حاکم که برای اجرای مقاصد شوم خود دیگر مانعی و سدی نمی‌دید کرد آنچه نباید بکند . شرح جنایات و خلائکاریهای زمان رضا شاه نیاز به نوشتن کتابها دارد .

مرحوم شیخ العراقین پس از فوت پدر (سال ۱۳۲۵) و ۶-م بزرگوارش مرحوم شیخ محمد حسین جوئیباره‌ای در مسجد شیره پزها در بازار بزرگ اصفهان اقامه جماعت مینمود و در این اواخر یعنی در زمان رضاخان ترك مسجد و محراب نمود .

از پیش آمدهای قابل ذکر در دوره حیات او یکی :

بمناسبت پیش آمدی از مردم رنجیده و بطور قهر از شهر خارج گردیده و به تخت فولاد رفت البته مقصر در این جریان مأمورین کمیساریای (کلانتری) ناحیه بازار بوده که نسبت به ایشان در موقع عبور از بازار اهانت کرده بودند . روز بعد از حرکت ایشان به تخت فولاد جماعت زیادی از مردم بازار و ساکنین محله میدان کهنه و جوئیباره بصورت اجتماع بهمراهی عده‌ای از علماء به تخت فولاد رفته و ایشان را با عزت و احترام بشهر برگرداندند رؤساء نظمیه (شهربانی)

وکلانتری در منزل از ایشان عذر خواهی کردند .
فرزند ایشان مرحوم حاج آقا مهدی نیز فردی فاضل و هوشیار و با حافظه
قوی بود در زمان حیات پدر وفات یافته در تخت فولاد در تکیه اجدادی مدفون
گردید .

۴۲ - آقا محمود کرمانشاهی

۱۲۷۱ - ۱۲۰۰

فرزند مرحوم آقا محمد علی بن آقا باقر وحید بهبهانی علیه الرحمه .
مادرش دختر الله وردی بیک استاجلو (برادر ابوبنی آقا احمد کرمانشاهی) .
مرحوم آقا محمود از بزرگان علماء و فقهاء و در طهران ساکن و مورد عزت
و احترام کلیه طبقات بوده در کتاب المآثر والاثار (ص ۱۵۲ ستون اول) درباره
او شرحی نوشته و گوید : در طهران رئیسی بزرگ بود . در کتاب : وحید بهبهانی
بنقل از مـ رآت الاحوال . شرح حال نسبتاً مبسوطی از او نوشته . اساتیدش
 عبارتند از : ۱ - آقا احمد برادرش ۲ - آقا محمد جعفر برادر دیگرش ۳ - شیخ
 الطائفه شیخ جعفر کاشف الغطاء نجفی ۴ - آقا سید علی صاحب ریاض ۵ - آقا
 محمد علی پدر بزرگوارش در سال ۱۲۲۳ جهت تحصیل علوم عقلی باصفهان
 مهاجرت نموده و در این شهر خدمت اساتید فن تلمذ نموده است .

کتابهای زیر از تألیفات اوست :

- ۱ - ایقاص الراقدین بعربی ۲ - تحفه ناصری که بنام ناصر الدینشاه نوشته
 شده است ۳ - تنبیه الغافلین در رد صوفیه تاریخ فراغت از تألیف شعبان ۱۲۲۸
- ۴ - ق ۴ - جنة الواقیه ۵ - دیوان اشعار (یا اشعار) ۶ - رساله‌ای در احوال
 رجال ۷ - رساله‌ای در اصول فقه ۸ - رساله‌ای در صلوة ۹ - رساله‌ای در فقه

(خمس - زکوة - حج) ۱۰ - شرح دعای سمات بفارسی ۱۱ - کشف الحجب
۱۲ - معجون الهی یا مهیج الاشواق در کتاب وحید بهبهانی می نویسد : سیاقاً
فارسی است .

مرحوم آقا محمود در سال ۱۲۷۱ بنقل المآثر والاثار ویا سال ۱۲۶۹ بنقل
میرزا محمد حسین شهرستانی در کتاب : موائد در قریه دز آشوب طهران وفات
یافته ودر رواق مطهر حسینی در کربلا در پائین پای جد بزرگوارش مرحوم وحید
بهبهانی مدفون گردید . رحمة الله علیه .

در کتابهای : المآثر والاثار وطرائق الحقایق ومجمع الفصحاء ومکرم الاثار
بنقل از کتابهای نامبرده ویرا صوفی شمرده اند وگویند : بتصوف وعالم درویشان
وسودا وسر ایشان اقبالی عظیم داشته است اما با توجه به تألیف کتاب : تنبیه
الغافلین که در رد صوفیه نوشته چگونه میتوان ویرا صوفی ودر دیش خواند و او
را مخالف روش پدردانست . خداوند عالم وخبیر از حقایق امور آگاه تراست وبس .

۴۳ - حاج آقا مرتضی ملا باشی

عالم فاضل جلیل .

فرزند مرحوم حاج میرزا رضا ملا باشی مادرش دختر مرحوم حاج سیخ
محمد تقی آقا نجفی بوده است .

در اصفهان متولد گردیده ودر اصفهان وقم وبروجرد تحصیل نموده اسامی
برخی از اساقید او از اینقرار است :

۱ - مرحوم آقا شیخ علی مدرس یزدی سطوح ادبیات

۲ - مرحوم آقا سید آقا جان ریزی (سید محمد نوربخش)

۴ - مرحوم آقا شیخ محمد علی مدرس فتویٰ دزفولی در علوم غربیه و سطوح

ادبیات

۴ - مرحوم آقا شیخ محمد حکیم خراسانی شرح منظومه و اسفار

۵ - مرحوم حاج میرزا علی آقا واعظ شیرازی. نهج البلاغه و تفسیر و اخلاق

۶ - مرحوم حاج آقا رحیم ارباب سطوح فقه و اصول .

۷ - مرحوم حاج میر سید علی مدرس نجف آبادی خارج فقه و اصول

۸ - مرحوم آقا سید محمد مدرس نجف آبادی خارج فقه و اصول .

۹ - مرحوم آیت الله العظمی حاج آقا حسین بروجرودی عطر الله مضجعه

الشریف در بروجرد .

مرحوم آقای ملاباشی از فضلاء معروف اصفهان بشماره میرفت عالمی جامع و کامل و کم معاشرت بود . در سال ۱۳ در اصفهان وفات یافت جنازه به مشهد مقدس منتقل گردیده و در باغ فردوس مدفون گردید و بعداً گورستان نامبرده در زمان حکومت سابق تسطیح شده و برخلاف سنت اسلام و مسلمین بصورت فضای سبز در آمد .

تسطیح گورستان و از بین بردن قبور مسلمین روش وهابیان و ایجاد فضای سبز رسم غربیان و غیر مسلمانان است و هیچکدام به شیعه ارتباط ندارد . خداوند همه را از خواب غفلت بیدار کند .

۴۴ - حاج آقا هرنضی رشتی

داواد مرحوم حاج شیخ جمال الدین نجفی .

مرحوم رشتی فرزند عالم فاضل حاج میرزا عید الرزاق رشتی (داماد مرحوم حاج سید جعفر بید آبادی و متوفی بسال ۱۳۱۹ در نجف اشرف که جهت زیارت مشرف شده بود) فرزند حاج محمد کاظم فرزند حکیم وفیلسوف بزرگوار حاج محمد جعفر لنگرودی اصفهانی (از شاگردان حاج ملا علی نوری و مؤلف « شرح مشاعر » و متوفی در روز هفتم وفات حاج سید محمد باقر حجة الاسلام شفتی ربیع الثانی ۱۲۶۰) فرزند حاج محمد صادق .

مرحوم رشتی در حدود سال ۱۳۰۰ در اصفهان متولد گردیده و در نزد فضلی این شهر تحصیل نموده عاملی خلیق و زاهد عابد و متقی بود . در نزد عموم طبقات از علماء و مؤمنین مورد احترام و محفل او . مجمع فضلاء و دانشمندان بود . در بعد از ظهر روز محرم الحرام سال ۱۳۲۶ در اصفهان وفات یافته در داخل بقعه مرحوم آقا میرزا ابوالمعالی کلباسی در فولاد تخت مدفون گردیده و بعد از چندین سال به نجف اشرف منتقل گردیده و پس از سالها فرزند ارشد ایشان صدیق مکرم مرحوم آقا میرزا محمد علی رشتی در سال ۱۴ وفات یافته در قبر پدر مدفون گردید رحمة الله علیه علیهم .

۴۵ -- مریم (مادر شاهزاده)

کسیکه نکیه مرحوم شیخ محمد تقی رازی را گاهی بنام او: «نکیه مادر شاهزاده» می خوانند .

مقصود از شاهزاده : سیف الدوله سلطان محمد میرزا فرزند فتح علی شاه قاجار است .

سیف الدوله سی و هفتمین (سی و هشتمین) فرزند فتح علی شاه از تاج الدوله طاوس خانم اصفهانیه که چهل و دومین همسر شاه بوده می باشد .
سیف الدوله در پنج شنبه ۲۶ جمادی الاولی سال ۱۲۲۸ متولد و در سال

۱۲۴۰ یعنی در سیرده سالگی پس از عزل عبد الله خان امین الدوله فرزند حاج محمد حسین خان صدر اعظم از حکومت اصفهان به حکومت ووالیگری اصفهان منصوب گردید و تا سال ۱۳۵۰ باین سمت باقی ماند . وزارت او را نخست به به یوسف خان گرجی سپهدار واگذار کردند و چون مشارالیه در همین سال (یعنی سال ۱۲۴۰) در اصفهان مرد و خلفی از ظلم و بیداد او آسوده شدند وزارت اصفهان را به فرزند هفده ساله او موسوم به غلامحسین خان سپهدار که داماد شاه بود وا گذاشتند

خوب توجه کنید حاکم شهر فرزند سیزده ساله شاه وزیر بی تدبیر او داماد هفده ساله شاه دیگر تکلیف مردم این شهر از بابت ظلم و بیداد مأمورین از خدا بی خبر معلوم است .

سپهدار جدید همان کسی است که در زمان حکومت او بسال ۱۲۶۵ شورش مردم اصفهان بشرحی که در تواریخ مسطور است در اثر سوء سیاست او و ظلم و بیداد بیش از حد مأمورین دولتی رویداد که منجر به کشته شدن صدها نفر و تلف شدن اموال مردم و خراب شدن خانه‌ها و غیره گردید . شرح شورش و طرز بر خورد مأمورین دولتی را با علماء و طلاب و بزرگان این شهر نویسنده در کتاب : « بیان المفایر در شرح حال حاج سید محمد باقر حجة الاسلام شفتی » نوشته‌ام .

مریم نامبرده دایه سیف الدوله بوده و از همین جهت ویرا « مادر شاهزاده » می گفتند . مشار الیها در سال ۱۲۴۶ در اصفهان بدون اولاد فوت شده و در تخت فولاد در جنب تکیه آقا حسین خونساری مدفون گردید .

بعد از آن معتمد الدوله منوچهر خان گرجی زیر نظر و سر حسب دستور مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی که وصی مریم نامبرده بوده برای او بقعه‌ای

زیبا بنا کرد . قبر در وسط بقعه قرار گرفته و بر روی او سنگ نبشته‌ای بخط مرحوم آقا محمد باقر سمسوری خطاط معروف و اشعار ضیاء اصفهانی (محمد حسین بن محمد اسماعیل) که در مرثیت او و ماده تاریخ وفاتش سروده است منقور است . ماده تاریخ فوتش این است :

ضیاء از بهر تاریخش رقم زد « بحوران همنشینی کرده مریم »
سبک ساختمان تکیه نماینده این است که تکیه از آثار و نشانه‌ای از آن عهد صفوی است بخصوص قسمت غربی آن اما هیچگونه آثار و نشانه‌ای از آن عهد در آن دیده نمیشود . بقعه از آثار عهد قاجاریه است .

در سال ۱۲۴۸ که مرحوم شیخ محمد تقی رازی وفات یافت چون وصی مریم نامبرده بوده و پرا در همان بقعه دفن کردند و تکیه را گاهی بنام او : « تکیه شیخ محمد تقی » و زمانی بنام « تکیه مادر شاهزاده » می‌خوانند .
مرحوم گزی در تذکرة القبور (ص ۴۶) درباره این تکیه می‌نویسد :
به وصیت او (مریم دایه سیف الدوله) این تکیه بنا شده و وصی او مرحوم شیخ محمد تقی بوده است .

۴۶ - حاج میرزا مهدی جویباره‌ای

۱۲۶۱ - ۱۳۲۵

داماد مرحوم حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی و مادرش دختر علامه جلیل آقا سید صدرالدین عاملی بوده است پدرش علامه فقیه مرحوم مولی محمد صالح بن ملا محسن ملا عبد الفتاح مازندرانی جویباره‌ای (بمناسبت سکونت در محله جویباره اصفهان) بوده شرح حال او بطور اختصار در کتاب : دانشمندان و بزرگان اصفهان (ص ۲۸۶) ذکر شده است و در آنجا از تألیفاتش : ۱ - اصول

الفقه ۲ - کواشف الحجب عن مشکلات الکتب در اصول را یاد آور شده اکنون
گرتیم جلد یکم کتاب کواشف الحجب ضمن مجموعه شماره (۴۵۱۰) در
کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی در قم موجود است (ص ۸۶ دوازدهم) که
آقا محمد ابراهیم بن محمد اسماعیل بن محمد جعفر خراسانی در پنجشنبه ۲۱
محرم سال ۱۲۵۳ در اصفهان در زمان حیات مؤلف بخط نسخ نوشته است .

علامه طهرانی در الذریعه (ص ۱۷۷ هیجدهم) بعد از آنکه نام کتاب کواشف
الحجب در اصول فقه را ذکر نموده میفرماید از شاگردان شیخ علی و شیخ موسی
پسران مرحوم شیخ جعفر نجفی کاشف الغطاء و همچنین شاگرد مرحوم شریف
العلماء بوده است در کتاب : دانشمندان و بزرگان اصفهان (ص ۳۸۶) مرحوم
آقا سید صدر الدین عاملی پدر زنش را نیز از اساتید او نام برده و فاتش بسال
۱۲۸۵ در اصفهان و قبرش در تکیه مرحوم شیخ محمد تقی رازی صاحب حاشیه
در تخت فولاد است .

مرحوم حاج میرزا مهدی در اصفهان و نجف تحصیل نموده و خدمت مرحوم
حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی و دیگران بمقامات عالیه علم رسیده و پس از
وفات پدر بجای او در مسجد شیره پزها در بازار و مسجد شیشه گری اقامه جماعت
نموده و مرجعیت کلی یافته و اجرای حدود شرعیه مینموده است .

در دوم شوال ۱۲۶۱ متولد و در ۲۰ ذی الحجه سال ۱۳۲۵ در اصفهان
وفات یافته در تکیه فاضل سراب جد بزرگوار خود در تخت فولاد مدفون گردید .
در کلیه جریانات اجتماعی و سیاسی با آقایان مسجد شاه متحد و یار و پشتیبان
آنها در حدود میدان کهنه و جویباره بوده است . فرزندش مرحوم حاج آقا محمد
جویباره ای است که قبلا یاد آور شده ایم رحمه الله علیهما .

مرحوم حاج میرزا مهدی جویباره ای از مخدره نامبرده علاوه بر مرحوم

حاج آقا محمد شیخ العراقین چهار فرزند دیگر یافته بدین شرح :

۱ - میرزا قوام الدین که در سال ۱۳۱۹ در کربلا بسن جوانی و در موقع تحصیل و تکمیل معلومات و فضائل بلا عقب بدست اشرار بقتل رسید .

۲ - مخدره خانم آقا بلا عقب وفات یافته است .

۳ - بانو حاجیه مریم خانم شاعر و ادیب همسر مرحوم حاج آقا مرتضی خاتون آبادی فرزند مرحوم حاج میرزا حسین نایب الصمد (متوفی در ربیع الثانی سال ۱۳۲۶) فرزند میر محمد صادق (فوت ۱۲۷۲) فرزند میرزا محمدرضا (فوت ۱۲۳۸) فرزند مرحوم میرزا ابوالقاسم مدرس مدرسه چهارباغ (فوت ۱۲۰۲) .

مرحومه حاجیه مریم خانم در ۱۶ شوال سال ۱۳۸۹ در اصفهان وفات یافته در تکیه خانوادگی خود (تکیه فاضل سراب) بخاک سپرده شد . رحمة الله علیها .

۴ - مخدره بانو حاجیه زمزم خانم همسر مرحوم حاج آقا حسن خادم الشریعه (متوفی در روز ۳ شنبه ۱۴ محرم الحرام سال ۱۳۷۹ مدفون در تکیه حاج آقا مجلس) فرزند مرحوم آقا سید ابوجعفر (فوت ۱۳۲۴) فرزند مرحوم آقا سید صدر الدین عاملی رحمة الله علیه .

۴۷ - حاج آقا مهدی میر عمادی (سید العراقین)

۱۴۰۴ - ۰۰۰۰

داماد مرحوم حاج شیخ محمد باقر الفت .

فرزند مرحوم حاج سید عبد الحسین سید العراقین (۱۲۹۴ - ۱۳۵۰)
فرزند مرحوم حاج میرزا مهدی خاتون آبادی عالم فاضل در اصفهان متولد گردیده
و در نزد جمعی از بزرگان و مجتهدین همچون آقا میر سید محمد نجف آبادی

و پدر بزرگوار خود تحصیل نموده عالمی خلیق و مهربان و نزد عموم طبقات اجتماع بالاخص علماء و مقدسین مورد کمال و ثوق و احترام بود . شبها در مسجد قصر منشی اقامه جماعت مینمود .

مشارالیه در جمعه ۱۴ ذی قعدة سال ۱۴۰۴ در اصفهان وفات یافته و جنازه او همچون جنازه جد بزرگوارش حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام شبانه خائفاً بترقب حرکت داده به تخت فولاد برده در تکیه پدر و در بقعه جنب برادر مدفون گردید رحمة الله علیهما .

زوجه مشارالیه بانو حاجیه رباب خانم قبلا عیال مرحوم آقا مهدی فرزند مرحوم حاج میرزا رضا ملا باشی بوده و چون شوهر اول او بسن جوانی وفات یافت به مرحوم میرعمادی شوهر نمود .

فائده : مسجد قصر منشی از آثار میرزا رضی مستوفی الممالک عهد سلاطین صفوی است .

شاردن در سفرنامه خود (ص ۷ ترجمه دانشمند بزرگوار جناب آقای حسین عریضی) بخلاصه می نویسد :

کوچه منشی الممالک (امروز بنام قصر منشی شهرت دارد) این محل سابقاً قبرستان بوده و پنجاه سال قبل بشاه اجازه داده که در آن ساختمان نمایند . در میان بناهاییکه منشی الممالک در این جا نمود : يك - بازار - يك کاروانسرا - يك مسجد و يك حمام و يك قهوه خانه است .

مرحوم جناب در اصفهان (ص ۵۵) از این مسجد در جزو مساجد محله پا قلعه نامی برده و گوید ۷ در ۸ زرع میباشد .

تذکر : دوست دانشمند گرامیمان فقید سعید مرحوم ابوالقاسم رفیعی مهر آبادی در کتاب ارزشمند : « آثار ملی اصفهان » آنجا که نام مساجد اصفهان را

ذکر می‌کند از این مسجد نامی نمیرد و علت آن اینست که آن مرحوم باستناد تاریخ اصفهان وری تألیف مرحوم انصاری که اسامی مساجد جدید و قدیم اصفهان را ذکر می‌کند (از صفحه ۲۸۰ تا ۲۹۹) و مرحوم انصاری در تألیف خود نام این مسجد و چندین مسجد دیگر را از قلم انداخته است که « الانسان محل السهو والنسیان »

در کتاب : تاریخچه اوقاف اصفهان (ص ۴۲۹) محل این مسجد را قرب دروازه حسن آباد می‌نویسد و حال آنکه خیابان نشاط بین آندو فاصله است و مسجد در سمت شرقی خیابان در اول کوچه قصر منشی قرار گرفته است .

۴۸ - حاج آقا نور الله امامی سدهی

۱۳۱۷ - ۱۳۹۷

داماد مرحوم آیت الله حاج جمال الدین نجفی مسجد شاهی .

فرزند مرحوم حاج میر سید علی امام جمعه سده (۱۲۶۴ - ۱۳۵۷) فرزند

مرحوم آقا سید مهدی بن سید اسماعیل دیباجی . عالم جلیل فاضل .

پدرانش عموماً از علماء و بزرگان ساکن سده ماربین (فروشان) بوده و بعلم

و فضل و زهد و عبادت و تقوی شهرت داشته‌اند .

مرحوم حاج آقا نور الله در اصفهان و قم در نزد اساتید تحصیل نموده پس

از وصول بمقامات عالیه علمی و کسب اجازات از اساتید خود بموطن خویش

باز گشتند و تا آخرین دقایق عمر به تبلیغ احکام و ترویج شریعت و اقامه جماعت

و دیگر شئون روحانیت اشتغال داشتند و عندالخواص و العوام معزز و محترم و نافذ

الکلامه بوده است . از اساتید بشار الیه در اصفهان مرحومین حجین آیین حاج

میر سید علی نجف آبادی و مرحوم آقا سید مهدی در چه‌ای اعلی الله مقامهما می‌باشند .

مرحوم امامی سدهمی را پس از فوت در جنب پدر بزرگوارش بخاک سپردند
رحمة الله علیه .

۴۹ - سید محمد هادی صدر العلماء شمس آبادی

پدرزن مرحوم مجد العلماء نجفی .

فرزند مرحوم سید عبد الوهاب حسینی شمس آبادی عالم غیور و فاضل جامع
و متنفذ اصفهان .

مرحوم آقا سید عبد الوهاب از علماء معروف زمان خود بوده و نزد علماء
اصفهان تحصیل کرده و در مسجد محله شمس آباد واقع در کوچه حاج زرگر باشی
که بنام خود ایشان نیز شهرت دارد (مسجد صدر العلماء - مسجد آقا سید
عبد الوهاب) اقامه جماعت مینموده و در ناحیه خود صاحب قدرت و مجری احکام
و حدود شرعیه بوده است پس از وفات در تکیه آقا حسین خونساری در تخت فولاد
مدفون گردید . شجره نامه آنان تا امام معصوم بر روی سنگ قبر مرحوم آقا
سید محمد صدر هاشمی نژاده آن مرحوم منقور است . این خاندان از سلسله
سادات صحیح النسب و حسینی می باشند .

مرحوم آقا سید محمد هادی صاحب عنوان در اصفهان متولد گردیده و در
نزد علمای این شهر تلمذ کرده سالها مصدر امور شرعی در محله شمس آباد بوده
و قدرت و نفوذی داشته در نزد عموم طبقات از عالم و عامی مأمورین دولتی و غیره
محترم و مقبول القول بوده است .

زوجه مشارالیه موسوم به : بانو زیور خانم دختر مرحوم آقا میرزا محمد
مهدی فشارکی فرزند علامه فقیه مرحوم مولی محمد باقر فشارکی بوده و از این
مخدره پنج نفر فرزند سه پسر و دو دختر یافته است :

۱ - مرحوم آقا رضا صدر هاشمی : صدر العلماء .

۲ - مرحوم آقا میرزا هاشم صدرهاشمی .

۳ - آقای آقا محمد صدرهاشمی .

۴ - مرحوم علویه زینت آقا زوجه مرحوم مجد العلماء نجفی .

۵ - علویه اقدس آقا زوجه مرحوم حاج آقا مهدی جعفری فرزند مرحوم ملاذ الاسلام .

مرحوم سید هادی صدرالعلماء در سال ۱۳۲۱ وفات یافته در تخت فولاد در مقبره خانندان صدرهاشمی جنب تکیه آقا حسین خونساری مدفون گردید . رحمه الله علیه .

۵۰ - آقا میرزا محمد هاشم چهار سوقی

۱۲۳۵ - ۱۳۱۸

پدر زن مرحوم حاج شیخ محمد تقی نجفی (آقا نجفی) علیه الرحمه .

فرزند علامه جلیل زاهد عابد مرحوم حاج میرزا ابن العابدین موسوی خونساری اصفهانی چهار سوقی . مرحوم آقا میرزا محمد هاشم چهار سوقی از اکابر علماء واجله فنهار محققین و از رؤساء علماء ومجتهدین در کلیه علوم اسلامی بالخصوص فقه واصول ورجال سر آمد علماء زمان و از مدرسین ومراجع مسلم عامی زمان خود بوده در روز دوم ذی القعدة سال ۱۲۳۵ در خونسار متولد گردیده و در سال ۱۲۴۰ در خدمت پدر بزرگوار و برادر ارجمند و افراد خانواده پدر به اصفهان مهاجرت نموده و تحصیلات خود را در این شهر وهم در نجف نزد اساتید بزرگوار بیابان رسانیده و از اساتید خود اجازه روایت و گواهی اجتهاد دریافت داشته و پس از وصول بمقامات عالیة اجتهاد به اصفهان معاودت نموده و تا آخر عمر در این شهر از اساتید مسلم ومجتهدین نافذ الکلمه بشمار میرفته .

در جریان مبارزه علماء اسلام علیه نفوذ اقتصادی بیگانگان و مسئله تحریم تنباکو یکی از جمله مجتهدینی است که در آن باره مبارزه داشته که شرح اجمالی آن در جلد دوم در ضمن شرح حال مرحوم آقای نجفی ذکر شد .

در عموم کتب رجالیه شرح حال او بطور اختصار و تفصیل نوشته شده است از آنجمله : ۱ - احسن الودیعہ (ص ۱۴۱ یکم) ۲ - اعلاط در انساب (ص ۲۳) ۳ - اعیان الشیعہ (صفحات ۱۰۸ و ۱۰۹) ۴ - ذرعیہ و هفتم در دو محل لکن خیلی مختصر (ص ۴) ۵ - دانشمندان و بزرگان اصفهان (ص ۵۳۵) ۶ - الذریعہ مواضع مختلفه (ص ۶) ۷ - رجال اصفهان (ص ۷۵) ۸ - ریحانہ الادب (ص ۴۳ یکم) ۹ - زندگانی حضرت آیت الله چهار سوقی (ص ۱۱۲) ۱۰ - زندگانی و شخصیت شیخ انصاری (ص ۱۲۰) ۱۱ - فهرست کتب چاپی ۱۱ - المآثر والاثار (ص ۱۴۵) ۱۲۰ - مرآت البلدان (ص سوم) ۱۳ - معجم رجال الفکر والادب (ص ۱۱۳) ۱۴ - مکارم الاثار (ص ۹۷۹ سوم) ۱۵ - مناهج المعارف (ص ۳۰۸ تا ۳۱۹ مقدمه) ۱۶ - میزان الانساب (ص ۱۹ مقدمه) ۱۷ - نسبت نامه الفت (منقول در اعلاط و ص ۱۰۹ مقدمه مناهج) .

تعداد اسامی مؤلفات آن مرحوم در کتابهای نامبرده مختلف و از مجموع آنها و حذف مکررات جمعاً سی و شش کتاب و رساله را نام برده اند که مهمترین آنها : ۱ - اصول آل الرسول ۲ - رساله در حرمت ذبائح اهل کتاب که اولین تألیف آن مرحوم است ۳ - مبنای الاصول می باشد .
در اعلاط در انساب می نویسد : (ص ۳۴ بنقل از نسبنامه) :

مرحوم آقا میرزا محمد هاشم که بیشتر مدت زندگی با تنگدستی گذشته بود اخیراً در اثر بدست آوردن سه چهار رتبه ملک خالصه بی نیاز گردید و خود را به اصطلاح واجب الحج دانست . در آخرین سال حیاتش که بسکته ناقصی مبتلی

شده و بسیار ناتوان گردیده بود محض اداء فریضه حج خود را از اصفهان تانجف اشرف کشانید .

فوت :

مرحوم آقا میرزا محمد هاشم چهار سوقی پس از چند روز که به نجف وارد گردیده و مورد احترام و بزرگداشت حوزه علمیه و مراجع عظام تقاید شده بود در ساعت چهارم از روز ۷ شنبه ۱۷ ماه مبارک رمضان سال ۱۳۱۸ وفات یافته جنازه با کمال عزت و اقدام تشییع گردیده و مرحوم شیخ محمد طه نجف عالم جلیل القدر بر او نماز خوانده و در وادی السلام مدفون گردید .

محل دفن :

پس از چند سال که از فوت آن عالم جلیل گذشته بود . عالم بزرگوار مرحوم حاج میر سید حسن چهار سوقی فرزند علامه فقیه زاهد آقا میرزا مسیح بن صاحب روضات (بر حسب آنچه در زندگانی آیت الله چهارسوقی می نویسد) و یا بوسیله مرحوم حاج میر سید محمد فرزند میرزا محمد صادق بن حاج میرزا زین العابدین (بر حسب آنچه در احسن الودیه گفته است) بر سر قبر آن مرحوم قبه ای عالی بنا کردند و در آنجا قبور جمعی از اولاد و اعقاب او مدفونند .

تذکر : در سال ۱۳۸۱ عظام مرحوم آقا سید شهاب الدین نحوی پدر نویسنده - بر حسب وصیت آن مرحوم به نجف اشرف انتقال یافته و در جنب قبه مرحوم چهار سوقی در سمت شمال مدفون گردید . رحمة الله علیه .

ازدواج : مرحوم آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی دختر استاد عالیقدر خود علامه فقیه رجالی مرحوم آقا سید صدرالدین عاملی موسوم به « حبیبه بیگم » را بزوجیت

اختیار نموده است . علویه نامبرده از زنان فاضله و عالمه و صالحه بوده و در سال ۱۳۰۹ در کربلا وفات یافته (جهت زیارت مشرف شده بود) و آنجا در یکی از اطاقهای صحن مطهر حضرت اباالفضل العباس علیه السلام مدفون گردید .

اولاد

مرحوم آقا میرزا محمد هاشم چهار سوقی از علویه نامبرده جمعا هشت فرزند (دو نفر پسر و شش دختر) بشرح زیر یافته است :

۱ - آقا جمال الدین (شرح حالش قبلا نوشته شد) .

۲ - آقا ضیاء الدین . در مقدمه مناهج المعارف (صفحه ۳۲۱) بنقل از : « نسب نامه الفت » می نویسد : مردی وارسته و دارای اطواری غیر عادی بوده در ۱۲۸۹ متولد و در ۱۳۴۸ وفات یافته در پشت تکبیه صاحب روضات نزدیک دیوار مسجد مصالی مدفون گردید . او مردی با سخاوت و بذال بود و هر چه داشت بفقراء و محتاجین کمک میکرد و در این خصوص راه افراط می پیمود و اما دختران آن مرحوم عبارتند از :

۱ - علویه آمنه بیگم زوجه مرحوم آقا میرزا محمد ابراهیم بن میرزا محمد صادق (۱۲۶۹ - ۱۳۳۱)

۲ - مخدره بیگم صاحب زوجه مرحوم آقا میرزا احمد بن آقا میرزا محمد باقر صاحب روضات (۱۲۶۳ - ۱۳۴۱)

۳ - علویه فاطمه بیگم زوجه مرحوم میرزا اسد الله بن میرزا نصیر ملا باشی

۴ - علویه مریم بیگم زوجه مرحوم حاج شیخ محمدتقی نجفی (آقا نجفی) (۱۲۶۲ - ۱۳۳۲)

۵ - علویه نازنین بیگم زوجه مرحوم حاج میر سید علی بن میر سید محمد

بن حاج میرزا زین العابدین موسوی خونساری (۱۲۴۷ - ۱۳۲۶)

۶ - علویه - زوجه مرحوم آقا میرزا مهدی بن علامه مولسی محمد

باقر فشارکی فوت ۱۳۴۰

برای آگهی از احوالات اصهار سته (دامادهای ششگانه) مرحوم آقا میرزا محمد هاشم چهار سوقی باید بکتاب رجالیه مراجعه شود (شرح حال مرحوم آقای نجفی در جلد دوم بطور تفصیل ذکر گردیده است)

فائده : در کتابخانه نویسنده مجموعه ای است بقطع خشتی در یکصد صفحه

شامل :

۱ - اصول دین تألیف مرحوم میرزای قمی اعلی الله مقامه از صفحه ۵ تا

صفحه ۴۱

۲ - احکام آب چاه صفحات ۴۳ و ۴۴

۳ - رساله در نماز از صفحه ۴۷ تا ۵۷

۴ - رساله در روزه از صفحه ۸۰ تا صفحه ۹۶ در حاشیه ضمیمه آخر کتاب

نوشته است . احکام فطره باقی است .

بقیه صفحات متفرقات است از نماز جناب جعفر طیار و نماز غنیمه و برخی

احادیث متفرقه و در صفحه آخر (صفحه ۱۰۰) خطبه ای که مرحوم آقا میر سید

حسن در صیغ عقود میخوانده اند را نوشته است .

کاتب مجموعه حسین بن آخوند ملا محمد ابراهیم اصفهانی تاریخ رساله

اول جمادی الثانیه ۱۲۶۸

آغاز رساله سوم : بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی سیدنا محمد وآله اجمعین .

وبعد : این مختصریست ملخص از کتاب کبیر جناب مستطاب استاد اعظم

افخم اورع اعلم سرکار شریعتمدار آقا میر سید اسدالله (قبلاً حسن نوشته شده و بعداً کسی آنرا پاک نموده و اسدالله نوشته است و یقین است که نام استاد حسن بوده است نه اسدالله) دام ظلّه العالی که این حقیر کثیر التصصیر محمد هاشم بن زین العابدین الخوانساری بالتماس جمعی از مؤمنین و اذن جناب ایشان تلخیص نموده و ترتیب داده بر یک مقدمه و چند مقصد مقدمه . در ضمن مقدمه می نویسد :

اگر مجتهد بی دین یا فاسق یا دیوانه شد بعد از تقلید مخیر میباشد مقلد در باقیماندن و عدول نمودن .

و تقلید را فرا گرفتن مسئله میدانند بجهت عمل هر چند عمل نکرده باشد .

تاریخ تحریر رساله رجب ۱۲۶۸ .

آخرین تاریخی که در این مجموعه بنظر میرسد جمادی الثانی ۱۲۶۹

میباشد .

۵۱ - حاج میرزا هاشم کلباسی

۱۲۵۸ - ۰۰۰۰

داماد مرحوم حاج شیخ محمد علی ثقة الاسلام نجفی .

فرزند مرحوم حاج میرزا عبد الجواد (متوفی بسال ۱۳۱۴) فرزند مرحوم

آقا محمد مهدی (متوفی شب چهارم جمادی الثانی ۱۲۷۸) فرزند علامه فقیه

زاهد مرحوم حاج محمد ابراهیم کلباسی (فوت ۱۲۶۱/۲) رحمة الله علیهم .

مرحوم حاج میرزا هاشم در حدود سال ۱۲۷۸ در اصفهان متولد گردیده و در

نزد بسیاری از علماء و دانشمندان این شهر تلمذ نموده است . عالم فاضل زاهد

از محترمین علماء و مورد وثوق کلیه طبقات بالخاص علماء و مؤمنین و مقدسین بوده

و در مسجد حکیم اقامه جماعت مینموده و نماز جماعت او بخصوص در ایام ماه

مبارك رمضان از حيث كميت و كيفيت قابل توجه بود .

مرحوم حاج ميرزا هاشم كلباسي در سال ۱۳۵۸ در اصفهان وفات يافته در بقعه تكيه كازروني مدفون گرديد فرزند ايشان مرحوم حاج ميرزا عبدالجواد كلباسي است كه قبلا ذكرى از اوشد . فرزندان ديگر مرحوم آقاي كلباسي از اين مخدره عبارتند از :

۱ - مرحوم آقا رضا كلباسي مدفون در بقعه تكيه ميرزا ابوالمعالي در تخت

فولاد

۲ - آقاي حاج آقا كاظم كلباسي سلمه الله تعالى

۳ - مرحوم حاج آقا مهدي كلباسي از افراد مندين و خدمتگزار و شايسته

متوفى در عصر جمعه ۱۵ ماه رجب سال ۱۴۰۸ بسن شصت و سه سالگي مدفون در

مقبره زينبيه منسوب بهليا جناب زينب خاتون دختر حضرت باب الحوائج موسى

بن جعفر عليهما السلام .

الباقیات الصالحات خیر عند ربك ثواباً و خیر املاً
قرآن کریم

فصل سوم

آثار خیریه و باقیات الصالحات

۱ - مدارس دینی (مدارس خمسہ)

۲ - مساجد (دو مسجد)

۳ - موقوفات (سه موقوفہ)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

در این مبحث از آثار خیریه و موقوفات و مدارس و مساجدی که در زمان ریاست
و قدرت آقایان مسجد شاه و بوسیله آنان تأسیس یا تعمیر شده بحث میشود : باین
شرح :

۱ - مدارس

۲ - مساجد

۳ - موقوفات

نخست بحثی کوتاه و مختصر راجع بوقف
سپس مدارس خمسه و ذکرى از مدارس هفتگانه و همچنین نامى از مدرسه
اسماعیلیه .

وقف :

معنى كلمه : مرحوم آيت الله العظمى آفاسيد ابوالحسن مديسه اى اصفهانى در

رساله : « وسیله النجاة » در معنی وقف میفرماید: الوقف هو تحبیس العین ونسیل منفعتها وفيه فضل کثیر وثواب جزیل . قال رسول الله صلی علیه وآله وسلم : اذا مات ابن آدم انقطع عمله الا عن ثلثه : ولد صالح يدعو له وعلم ينتفع به بعد موته ، وصدقة جاریة . وفسرت الصدقة الجارية بالوقف .

علماء بزرگوار و مجتهدین در کتب فقهیه مسائل مربوط به وقف و واقف و موقوف علیهم را مشروحاً بیان فرموده اند و در این جا نیازی بتکرار آن نیست طالبین بکتاب مربوطه مراجعه فرمایند .

آنچه در این جا تذکرش لازم است این دو نکته است :

۱- از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده است که فرموده اند:

« الوقوف علی حسب ما یوقفها اهلها » .

موقوفات باید بهمانگونه که واقفین وقف کرده اند عمل شود و متولی وقف یا دیگری نمیتواند به نظر خود و صوابدید خویش در آن تصرف کند (مگر بشرطی که در مبحث وقف در کتابهای فقهی ذکر شده است) .

۲- مرحوم حاج شیخ ابوالحسن شعرانی در شرح و ترجمه تبصره علامه

حلی (ص ۴۶۳) می نویسد :

تبدیل به احسن غلطی است که در زبان جهال متداول گشته و در فقه از آن مقوله سخن نیست (انتهی) بنابراین فروش موقوفات ، خراب کردن مدارس دینی و ساختن مدرسه جدید و هر نوع کاریکه در زمان ما آنرا به « تبدیل به احسن » تعبیر می کنند از نظر شرعی حرام و معصیت و غیر جائز است . (در این مسأله نیز علاوه بر اینکه باید بکتاب فقهیه مراجعه کرد نظر مجتهدین و مراجع تقلید را نیز نباید از نظر دور داشت) .

عن النبی صلی الله علیه وآله وسلم :

اذا مات الانسان انقطع عمله الا من ثلاث :

۱ - صدقة جاریه ۲ - او علم ینتفع به ۳ - او ولد صالح یدعوله
(نهج الفصاحه) .

وقتی که انسان مرد و از دنیا رفت کارهای او از نیک و بد از او بریده میشود
(برای او اثری ندارد) مگر از سه چیز :

۱ - صدقه‌ای که او جاری کرده باشد (کار خیری کرده که نفع آن بجامعه
رسیده از ساختمان مسجد - مدرسه - بیمارستان یا چاپ و انتشار کتب دینی و غیره) .
۲ - دانشی که مردم از آن بهره‌مند شوند .

۳ - فرزند نیکوکاری که برای او دعا (ی خیر) کند .

عن الصادق علیه السلام :

لیس یتبع الرجل بعد موته من الاجر الا ثلاث خصال :

۱ - صدقة أجر اهافی حیاته فهی تجری بعد موته الی یوم القیامة و صدقة موقوفة

لاتورث .

۲ - اوسنة هدی سنها فکان یعمل بها و عمل بها من بعده غیره .

۳ - او ولد صالح یتغفر له (خصال صدوق - باب ثلثه)

انسان پس از مرگ برای کارهای دنیائیش مزدی و پاداشی در یافت نمی‌کند
مگر برای سه کار :

۱ - صدقه جاریه‌ای که در موقع زنده بودن آماده کرده و پس از مرگش نیز

مورد بهره برداری است همچون ساختمان مدرسه و مسجد و پل و حفر چاه و قنوات
و اینگونه امور خیریه عام المنفعه .

سعیدی می‌گوید :

برگ عیشی بگور خویش فرست کس نیارد زپس تو پیش فرست

همچنین موقوفاتی که از خود (جهت امور خیریه و عام المنفعه) باقی گذاشته که پس از مرگش وارثین او آنرا وارث نبرند (و برای همیشه باقی باشد) .

۲- سنت و روش پسندیده و صحیحی که در بین مردم و اجتماع معمول گردانیده و خود بدانها عمل کرده و پس از او دیگران نیز بدان عمل می کنند (مانند اقامه مجالس جشن و سرور در اعیاد مذهبی و ایام تواتر پیشوایان معصوم و همچنین مجالس عزاداری و سوگواری جهت آن بزرگواران) .

۳- فرزند نیکوکاریکه جهت او طلب آموزش می کند .

در کتب فقهی شیعه و کتابهای حدیث بابی راجع به وقف و تعریف و موضوع و اهمیت و ارزش اجتماعی و معنوی آن میباشد طالبین بدان کتابها مراجعه کنند .

دانشمند فرزانه آقای دکتر علی اکبر شهابی مدیرکل اسبق اوقاف ایران کتابی جامع و مفید درباره : « اوقاف ایران » تألیف نموده که بچاپ رسیده است همچنین ممکن است از طرف دانشمندانی دیگر نیز در این زمینه کتاب یا رساله‌ای تألیف شده باشد که نویسنده سطور از آن آگاهی ندارد .

آقایان علماء مسجد شاه (مرحوم آقا نجفی - مرحوم نفع الاسلام - مرحوم حاج آقا نور الله) نیز در زمان حیات خود قسمتی از اموال خود را وقف نموده و مصارف آنرا معین نمودند .

مدارس خمسه

مدرسه‌های پنج گانه : در ناحیه مسجد شاه و چهار سو مقصود و بازار حسن آباد پنج مدرسه دینی وجود داشت که زیر نظر مستقیم آقایان علماء مسجد شاه اداره میشد و طلاب این مدارس عموماً از وابستگان بدستگاه آقایان بوده و در جریانات سیاسی و مذهبی از وجود آنها استفاده میشد اینان بیشتر مأمورین امر

بمعروف ونهی از منکر از طرف آقایان بودند . عموماً بدرس آقایان مسجد شاه حاضر میشدند و از اینان حقوق دریافت میکردند . دیگر طلاب اصفهان نیز بدرس آقایان می آمدند و از حقوق وشهریه بهره مند میشدند اما این دسته از طلاب امتیازات بیشتری از نظر قرب جوار داشتند و این پنج مدرسه عبارت بود :

۱ - مدرسه الماسیه .

۲ - مدرسه نقة الاسلام .

۳ - مدرسه عربان .

۴ - مدرسه مریم بیگم .

۵ - مدرسه ناصریه .

اینک شرح مختصری راجع بهر يك از این مدارس :

۱ - مدرسه الماسیه

مدرسه الماسیه واقع در بازار چهار سو مقصود از آثار دوره صفوی بوسیله حاج الماس از غلامان خاصه پادشاهان صفوی در سال ۱۱۰۴ در زمان سلطنت شاه سلیمان در دو طبقه بنا گردیده و هیچگونه آثار تاریخی قابل ذکر نداشت بغير از يك سنگ نبشته که آنهم در سالهای اخیر مفقود گردید .

مرحوم جناب در الاصفهان (ص ۶۸) طول و عرض مدرسه را ۲۰ در ۳۰ ذرع (مساحت ششصد ذرع مربع) و تعداد حجرات آنرا جمعاً ۲۰ و مجموع طلبه آنرا ۱۴ نفر در سال ۱۳۴۲ قمری می نویسد .

در سال ۱۳۵۵ قمری اداره اوقاف اصفهان مدرسه را خراب نموده و آجرهای آنرا بثمان بخش دراهم معدودی فروخت و برخی از مردم لایابالی و از خدا بسی خبسر نیز آنرا گنج باد آورده تصور نموده خریدند و در ساختمان خانه و منزل

خود بکار بردند لکن خوشبختانه دولت موفق نشد که بجای آن ساختمانی دیگر احداث نماید . پس از شهریور ۱۳۲۰ (شعبان ۱۳۶۰) ویبرون راندن شاه از مملکت مرحوم آیت الله آقای حاج شیخ مهدی نجفی اقدام در تصرف زمین مدرسه و ساختن مجدد حجرات نموده و فی الجمله تعمیراتی در آنجا انجام گردید و اکنون بحمد الله طلبه نشین است .

۲ - مدرسه ثقة الاسلام

مدرسه حاج شیخ محمد علی ثقة الاسلام : مرحوم حاج شیخ محمد علی ثقة الاسلام در سالهای ۱۳۱۶ و ۱۳۱۷ بفکر تأسیس و بنای مدرسه‌ای جهت سکونت طلاب و تدریس علوم اسلامی از فقه و اصول و تفسیر و غیره افتاد .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۳۱۲ قسمت بالای صفحه) در ضمن بنای مدارس اصفهان می نویسد :

مدرسه ثقة الاسلام حاج شیخ محمد علی نیز بحد جنوبی مسجد سار و تقی مدرسه‌ای بنام خود بنا نمود . مساحتش شانزده قفیز .

مرحوم جناب در کتاب : الاصفهان (ص ۶۸) طول و عرض مدرسه را ۴۰ در ۴۰ و تعداد حجرات آنرا ۲۵ و تعداد طلبه ساکن در آنجا را بسال ۱۳۴۶ چهل نفر می نویسد .

در سمت شمال مدرسه ، مدرس ساخته شده و در جبهه آن اشعاری از : طغرل شاعر معروف آن زمان بر روی کاشی نوشته شده که ماده تاریخ بنای ساختمان (سال ۱۳۱۷) را نشان میدهد متأسفانه بیشتر کاشیهای این کتیبه ریخته شده مطلع آن :

ز بعد آل نبی کسی ندید در ایام بزرگوارتر از آل حجة الاسلام
در حال حاضر تولیت مدرسه با جناب آقای دکتر مهربار و از مدارس معمور
اصفهان بشمار میرود بیشتر موقوفات اینجا را رعایا و کشاورزان غصب کرده و بابت
آن چیزی نمی دهند .

۳ - مدرسه عربان

از مدارس قدیمی و مربوط به قبل از دوران سلاطین صفوی است و چون در
زمان صفویه بیشتر طلاب و دانشجویان این مدرسه را عرب ها تشکیل میداده اند
باین نام شهرت یافته است . هیچگونه آثار تاریخی و امتیازی ندارد .

مرحوم جناب در « الاصفهان » (صفحه ۶۸) طول و عرض مدرسه را ۵-۸ ر
کدام چهل ذرع می نویسد و تعداد حجرات آنجا را بیست و مجموع طلاب
ساکن در مدرسه را در سال ۱۳۴۲ جمعا ۹ نفر می نویسد .

شاردن فرانسوی در سفر نامه خود (ص ۲۱ ترجمه جناب آقای عریضی)
بخلاصه می نویسد :

بالاخر از آن مقبره (مقصود امامزاده احمد است که قبلا از او نام برده لکن
به اشتباه آنرا از فرزندان حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام دانسته است)
مدرسه بزرگی است که دارای چهل اطاق میباشد و مردم بعنوان مزاح آنرا مدرسه
خران مینامند .

غیر از عربها که کودکانترین و جاهلترین طبقه طلاب هستند کسی در آن نمیرود ...
(قضاوت بی جا و بدون تحقیق ابن فرد خارجی از عبارتش پیداست اعرابی
که در اصفهان در زمان صفویه تحصیل میکردند عموماً از شیعیان عراق و یا جبل
حامل بودند که هر دو بهوش و استعداد و ذکارت معروف بوده و میباشند . شیعه

لبنان و جبل عامل از قدیم الایام یکی از مفاخر عالم تشیع و سنگر دار مذهب بوده‌اند .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۳۰۴ بالای صفحه) ذکر می‌نویسد را ندانستیم .

این مدرسه همانگونه که در جلد دوم در ضمن شرح حال مرحوم آیت الله آقا سید محمد رضا خراسانی گفتیم به همت ایشان تعمیر و قابل سکونت گردیده و اخیراً سه سمت (شمال و جنوب و مغرب) آنرا خراب نموده و بدستور مرحوم آیت الله حاج آقا حسین خادمی از محل خیریه همدانیان تجدید بنا بسبب و نقشه در چند طبقه ساختمان گردید .

۴ - مدرسه مریم بیگم

در سال ۱۱۱۵ قمری مریم بیگم دختر شاه صفی صفوی در محله حسن آباد اصفهان مدرسه‌ای جهت سکونت طلاب با شرایط خاصی بنا نموده و برای آن موقوفاتی قرار داده که تاریخ و قفنامه‌های آن تا تاریخ جمادی الاولی سال ۱۱۳۱ می‌باشد .

این مدرسه به علت شرایط سخت واقف (واقفه) وهم در اثر خرابی محلات خواجه و حسن آباد در اثر قحطی ها و گرانیها و سالهای وبائی تقریباً خالی از سکنه و حجرات آن مخروبه شده بود .

مرحوم آقا محمد مهدی ارباب در کتاب : « نصف جهان در تعریف اصفهان »

در آنجا که ذکر می کند (ص ۷۲) گوید :

مدرسه مریم بیگم در اول محله خواجه در بازارچه چهار سو نقاشی . . .
و این جا کاروانسرائی بوده است و آنرا خریده و مدرسه نموده و از وضع آن
چنین هم مینماید . بالجمله موقوفات زیاد و شرایط بسیاری برای طلبه آن معین
نموده باین جهت طلبه آن کمتر گشته و مدرسه در شرف خرابی است و موقوفات
آن بمخارج دیگر رفته و الحال طلبه علمی در آن نیست (سال ۱۳۰۴ ه . ق)
و در باره بازارچه چهار سو نقاشی در آن کتاب (ص ۵۰) می نویسد :
بازارچه چهار سو نقاشی در کمال زیبایی ساخته شده و قریب بیازار قیصریه
است و قدری از آن عریضتر اما طول آن چندان نیست . چهار سو در وسط آن
واقع است . مدرسه مشهور مریم بیگم نیز در آنست . و در جای دیگر (ص ۵۲)
در وصف چهار سو نقاشی می نویسد :

در راسته بزرگ میان محله خواجه و محله حسن آباد در وسط بازارچه است
بنام آن و بکمال زینت و آراستگی بود ، اطراف و نماهای آن متصور بصورت
سلاطین و بعضی پهلوانان قدیم و جدید بود . آن چهار سو بجاست آن صورتهای
اکثر ضایع و خراب گشته . . .

مرحوم جناب در کتاب : « الاصفهان » آنجا که اسامی مدارس دینی اصفهان
(ص ۶۸) را ذکر می کند فقط بذکر نام این مدرسه قناعت کرده و طول و عرض
آنرا شصت ذرع در شصت می نویسد ولی از تعداد حجرات و سکنه آن نامی
نمیبرد و ظاهراً بعلت خالی بودن آن از طلبه بوده است .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۳۰۵ قسمت بالای صفحه)
در باره این مدرسه می نویسد :

دیگر از مدارس عهد صفویه ، مدرسه مریم بیگم است و آن در چهار سو

نقاشی (است) . مساحتش تقریباً چهار جریب و آنرا مریم بیگم دختر شاه سلیمان صفوی (ساخته) و موقوفه بسیاری برای طلبه و لوازم آبادانی تعیین کرده حتی از شهرهای جز اسپهان نیز ملك خریده و وقف بر آنجا نموده تا جائیکه از تبریز و بسطام و قزوین و غیرها موقوفه دارد و توسعه در موقوف علیها داده . حال اداره معارف تبدیل بدبستان جدید نموده .

توضیح و تکمیل : قبلا متذکر شدیم که مدرسه مریم بیگم را دختر شاه صفی ساخته و اکنون از قول مرحوم انصاری نوشتیم که از آثار مریم بیگم دختر شاه سلیمان صفوی است . برای رفع توهم و اشکال گوئیم شاه صفی فرزند شاه عباس دوم بوده و در اوایل سلطنت بعلل پاره‌ای از جهات و توهمات تغییر نام داد و بشاه سلیمان هوسوم و مشهور گشته است .

شاه صفی دوم همان شاه سلیمان است : مرحوم سید عبدالحسین خاتون آبادی در کتاب : « وقایع السنین و الاعوام » در ضمن وقایع سال ۱۰۷۸ می‌نویسد :
جلسه فانی نواب اشرف در روز ۳ شنبه شوال ۱۰۷۸ و پس از شرحی موجز از جریان مجلس تاجگذاری در دوامخانه و سپس در مسجد شاه و حضور جمیع علماء و بزرگان و همگی اصناف مردم و خطبه خواندن علامه جلیل مرحوم آخوند ملا محمد باقر سبزواری در هر دو مجلس به اطلاع عموم رسانیدند
که :

اسم پادشاه از : صفی به سلیمان تبدیل شده است .

در کتاب . « تاریخچه اوقاف اصفهان » صورت وقفنامه‌های مدرسه مریم بیگم و همچنین شرایط سکونت در آنجا را (از صفحه ۲۹۸ تا صفحه ۳۱۶) بطور مفصل بچاپ رسانیده است طالبین مراجعه نمایند .

مریم بیگم خواهر شاه سلطان حسین صفوی از زنان محترم و متنفذ در دربار شاه نامبرده بوده است . در کتاب : « رستم التواریخ » پس از آنکه از طرز حرکت و سواری شاه که بر الاغ (خر) سوار میشده و خواهرش زینب بیگم در يك طرف او سوار بر اسب میشده (ص ۱۰۶) گوید :

ويك خواهر ديگرش ، ستر كبرى « مریم بیگم » از جانب چپش بر استر براق مرصع سوار ، سیم مسكوك می افشاند و دعا چنین می نمودند که : « خدا شاه را نگاهدار باد و دولتش پاینده باد » .

چند تذکره الف : شاه طهماسب اول صفوی (۹۳۰ - ۹۸۴) ۸ دختر داشته از آنجمله :

۱ - گوهر سلطان بیگم زوجه سلطان ابراهیم میرزا

۲ - خدیجه بیگم زوجه جمشید خان جملة الملك

۳ - پری خان خانم

۴ - زینت بیگم زوجه علی قلی خان شاملو که قبل از مراسم ازدواج از شوهر جدا شده و در حرم شاهان صفوی محترماً میزیسته تا در سال ۱۰۴۱ ویرا شاه صفی از حرم شاهی بیرون کرد .

۵ - شهر بانو فوت ۹۹۱ (ص ۲۹۶ یکم عالم آراء)

۶ - مریم بیگم زوجه احمد سلطان فومنی . و نباید این مریم بیگم با بانوی ساختمان مدرسه اشتباه نمود .

فوت مشارالیه در سال ۱۰۱۸ در اصفهان و مدفون در مشهد مقدس (ص ۸۰۳ دوم عالم آراء) .

ب : سجع مهر مریم بیگم که در ذیل وقفنامهها بنظر میرسد این شعر است :
ز صلب شاه صفی تابسید عالم رسانده نسبت والای زاده مریم

ج : برای آگاهی از حالات دختران شاه طهماسب به عالم آراء عباسی (ص ۱۴۵ یکم) مراجعه شود .

د : تاریخ وقفنامه‌ها و کتیبه‌ها که در : « تاریخچه اوقاف اصفهان » ذکر شده بدینقرار است :

۱ - کتیبه سردرب مدرسه مریم بیگم که اکنون درموزه ایران - استان در تهران موجود است (ص ۲۹۸ تاریخچه اوقاف اصفهان - ص ۶۶۲ گنجینه آثار تاریخی اصفهان) .

اوقاف اصفهان : بخط علی نقی امامی تاریخ ۱۱۱۵ . ه . ق

۲ - دولوح سنگی بخط علی نقی امامی تاریخ ۱۱۱۶ ه . ق

۳ - تاریخ چندین وقفنامه از ۱۱۲۸ تا رجب سال ۱۱۳۱ هجری قمری

۴ - موقوفات عموها از مزارع مربوط به برخوار و رویدشت (از بلوک اصفهان) میباشد و از شهره - ای دیگر در آنها ذکر شده است (احتمالاً نوشته مرحوم انصاری از مسموعات بلا اصل میباشد)

ه : امضاء کنندگان اوراق عبارتند از :

۱ - محمد باقر بن سید حسین (احتمالاً خلیفه سلطانی)

۲ - میر محمد صالح حسینی (خاتون آبادی)

و : در چند جا از این وقفنامه‌ها ذکر از مسجدی می‌کند که در خلف منازل خود (احیاء کرده نواب واقفه) قرار داشته است .

مسجد مریم بیگم در محله دولت (کوچه دروازه دولت فعلی) قرار دارد . مرحوم جناب در کتاب : « الاصفهان » آنرا در محله در کوشک و طول و عرض

آنرا ۲۵ در ۲۸ ذرع مینویسد .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۲۷۲ قسمت بالای صفحه) در

ذکر مساجد اصفهان می نویسد : دیگر از مساجد زمان صفویه مسجد مریم بیگم است و مساحتش نزدیک به هفتصد و پنجاه ذرع در محله باب القصر و بنای آنرا اگر بخواهند نسبت به مدرسه که مریم بیگم ساخته و موقوفات بسیار از املاک و رقبات برای آن معین کرده بی اهمیت است چه آن مدرسه قریب سه جریب و نیم در چهار سوق نقاشی . . .

مرحوم ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی در کتاب : « آثار ملی اصفهان » در ذکر مساجد اصفهان می نویسد :

مسجد مریم بیگم واقع در محله باب القصر و دارای حدود ۷۵۰ و پنجاه ذرع مساحت ، بانی آن مریم بیگم زن میرزا رضی منشی الممالک است (ص ۷۲۹) .
در این مسجد هیچگونه آثار تاریخی وجود ندارد .

فائده : اکنون که نامی از مدرسه مریم بیگم برده شد و گفتیم دولت وقت در عهد رضا شاه آنجا را خراب کرده و بصورت مدرسه جدید درآورد بی مناسبت نیست از چند مدرسه دینی دیگر که در این اواخر بعنوان مختلف خراب گردیده جهت بقاء نام آنها ذکر بشود :

۱ - مدرسه حاجی کلیاسی در محله مسجد حکیم آنرا اداره اوقاف فروخته و بصورت چندین خانه درآمد .

۲ - مدرسه شاهزاده‌ها در نزدیکی مسجد حکیم که آنرا خراب کرده و آجرهای آنرا بشمن بخش فروخته و بجای آن مدرسه جدید بنا کردند . مطابق نظریه چندین نفر مهندس ساختمان و معمار خرج خراب کردن این مدرسه چندین برابر قیمت زمین آنجا بود .

۳ - مدرسه شقیهیه احمدآباد بصورت جدید درآمد .

۴ - مدرسه مبارکیه و مسجد جنب آن در کوچه کرمانی از منفذات خیابان

حافظ آنرا اداره اوقاف خراب کرده و بجای آن مدرسه جدید بناگردید .

۵ - مدرسه مریم بیگم که ذکر آن گذشت .

دو مدرسه دینی دیگر بنامهای : جلالیه در محله احمد آباد و مدرسه صدر خواجه را نیز اداره آموزش و پرورش و شهرداری تصرف نموده اولی بصورت مدرسه جدید و دومی بصورت تیمارستان در آورده بودند که پس از شهریور ۱۳۲۰ (شعبان ۱۳۶۰) و بیرون راندن رضا شاه از مملکت و خلع از سلطنت بوسیله مراجع تقلید آیات الله العظام حضرت آیت الله گلپایگانی متع الله المسلمین بطول بقائه و مرحوم آیت الله العظمی آقای حاج آقا حسین بروجردی رحمه الله علیه از دولت متزع و بصورت اولیه در آمد والحمد لله علی جمیع نعمه .

تذکر : در ماه جمادی الاولی سال ۱۴۰۸ شهرداری اصفهان مدرسه میرزا مهدی واقع در سر جوی بابا حسن در محله بید آباد را بعنوان توسعه معا بر خراب کرد .

توجه : مرحوم عبدالحسین سپنتا در کتاب « تاریخچه اوقاف اصفهان » آنجا که صورت مدارس قدیم اصفهان (ص ۴۲۲) را نام میبرد گوید :

۱ - مدرسه سلطان محمد سلجوقی تبدیل بدبستان حکیم نظامی گردیده

۲ - مدرسه حاج عبد الغفار صراف (مدرسه حاجی کلباسی را باین نام می نویسد) در نزدیکی مسجد حکیم بوده که سابقاً متجاوزین بموقوفات آنرا خراب و اینک تبدیل به خانه شده است .

نویسنده گوید : متجاوزین بموقوفات را نشناختیم مقصود چه کسانی هستند زیرا تا این اواخر مرحوم میرزا عبد الغفار زاهدی ورشوساز (برادر سرهنگ محمود زاهدی متصدی اوقاف اصفهان) در امور مدرسه دخالت میکرد و هر سال ده روز جلسه روضه خوانی مختصری در آنجا اقامه مینمود و بعداً اداره اوقاف

آنجا را فروخت بنابراین اگر متجاوزی باشد مربوط به اداره اوقاف ودوات بوده است و مردم در آنجا دخالتی نداشته‌اند

۴ - مدرسه احمدیه واقع در بازار بیدآبادرا که از مدارس جدید است جزو مدارس قدیم ذکر می‌کند .

ضمناً فهرست یاد شده اشتباهات دیگری نیز دارد که مقام ذکر آنها نمی‌باشد .

۵ - مدرسه ناصری و مسجد شاه

این مدرسه از منفرعات مسجد شاه و در ضلع جنوب شرقی آن به محازات چهلستون و قسمتی از صحن مسجد میباشد . طول آن شمالی جنوبی است و در سمت مشرق دربی بخارج راه دارد .

در ضلع جنوب غربی مسجد نیز مدرسه‌ای بهمین کیفیت بنا شده و در ضلع جنوبی آن یکی از ابواب سه‌گانه مسجد بنا گردیده است .

مدرسه سمت شرقی از بناهای شاه عباس کبیر بانی اولیه مسجد و در دوره شاه صفی تکمیل و کاشیکاری شده است . تاریخ‌های کتیبه‌های سمت جنوب ساهای ۱۰۸۷ و ۱۰۹۵ هجری و مربوط بدوران پادشاهی شاه سلیمان صفوی میباشد و کاتبین آن : محمد رضا امامی و محمد محسن امامی می‌باشند .

ذکر يك حديث : در داخل محراب این مدرسه کتیبه‌ای بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی لاجوردی رنگ بقلم محمد محسن امامی و مورخ بسال ۱۰۹۵ -باین شرح نصب گردیده است :

بسم الله الرحمن الرحيم قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم :

لو ان الفياض اقلام والبحر مداد والارض قرطاس والجن والانس حساب وكتاب ما احصوا فضائل علي ابن ابيطالب صاواة الله عليه .

خوارزمی در مناقب (ص ۲) حدیث را از مجاهد و او از ابن عباس روایت
نموده است :

« لوان القیاض اقلام والبحر مداد والجن حساب والانس کتاب ما احصوا
فضائل علی بن ابیطالب علیه السلام » .

خوارزمی وهو حافظ ابوالمؤید موفق بن احمد بن محمد بکری مکی حنفی
معروف به : اخطب خوارزم (۴۸۴ - ۵۶۸) صاحب مقتل الحسین علیه السلام وغیره .
در مقدمه کتاب مناقب چسپ نجف اشرف شرح حال نسبتاً جامعی از او بقلم
دانشمند فرزانه : سید محمد رضا موسوی خراسان (فرزند سید حسن ومتولد
بسال ۱۳۵۲) نوشته شده طالبین مراجعه کنند .

در ضلع شرقی مدرسه چندین حجره جهت سکونت طلاب وخدام مسجد بنا
گردیده است . مرحوم جناب در کتاب : « الاصفهان » تعداد حجرات را ۹ وعده
ساکنین را ۱۱ نفر می نویسد (ص ۶۸) .

وجه تسمیه : بطوریکه گفته شد این مدرسه از آثار صفوی است لکن در
زمان ناصر الدین شاه جزئی تعمیر در آن شده وبه : « مدرسه ناصری » شهرت
یافته است

مدرسه سلیمانیه : در گوشه جنوب غربی مسجد شاه حیاطی همانند مدرسه
ناصریه با همان خصوصیات بنا گردیده که فاقد حجرات بوده وتنها اسم مدرسه
دارد . کتیبه سردر مدرسه بنام شاه سلیمان وتاریخ ۱۰۷۸ وخط محمد رضا امامی
است .

هر دو مدرسه بوسیله دو دهنه (دو مدخل) بصحن مسجد راه دارد ودر ضلع
شمالی آندو به محوطه زیرگنبد های شرقی وغربی متصل میشود .

در پای یکی از جرزه های (پایه ها) شمالی مدرسه سلیمانیه شاخص معروف

جهت تعیین ظهر حقیقی بافق اصفهان قرآردارد که از آثار فقیه عالیقدر علامه بزرگوار مرحوم شیخ بهائی می باشد .

فائده : جهت آگهی بیشتر از مدرسه سلیمانیه و اینکه آیا مدرسه ناصریه همان سلیمانیه است یا نه بنام دو نفر از دانشمندان قرن یازدهم که در این مدرسه سکونت داشته اند اشاره می کنیم :

۱ - مرحوم تربیت در کتاب : دانشمندان آذربایجان (ص ۲۵۶) می نویسد :
عبدالصمد بن عاشور تبریزی در سال ۱۱۰۱ شرح شرایع را بفارسی ترجمه کرده و آنرا : « سفینه ترفیق » نام نهاده و کنابرا بنام شاه سلیمان و در مدرسه سلیمانیه اصفهان نوشته است . نسخه این کتاب بخط مؤلف نامبرده بنظر مرحوم تربیت رسیده است .

۲ - در فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه گوید :

عبدالصمد شریف بن موسی (بن) رضا نسخه ای از شرح توحید مفضل را که احتمالاً شارح نیز خود او می باشد در سال ۱۰۷۵ در مدرسه رفیعیه سلیمانیه نوشته است . کتاب بشماره (۳۵۱۴) در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است .

مدرسه رفیعیه سلیمانیه همان مدرسه سلیمانیه است و احتمال اینکه این دو نفر که هر دو عبدالصمد موسوم می باشند متحد بوده و یک نفر باشند بعید است زیرا نام پدرانشان مختلف و اولی بصراحت تبریزی است .

آنچه بنظر میرسد وظن قوی در باره صحت آنست آنکه :

مدرسه ناصریه همان مدرسه سلیمانیه است و از زمانیکه ناصرالدین شاه قاجار در آنجا تعمیراتی انجام داده باین نام خوانده شده است و نویسندگان چون بنام مدرسه سلیمانیه بر خورد کردند و این مدرسه را ناصریه مینامیدند ناچار صحن

و حیاط قرینه آنرا مدرسه سلیمانیه تصور کردند و حال آنکه مدرسه احتیاج به حجره و اطاق دارد و آنجا فاقد حجرات است .

آخرین عالم بزرگوار و مشهور ساکن مدرسه ناصریه (سلیمانیه) :

مرحوم آقا میرزا احمد صدیقی زنجانی معروف به « مدرس » شاعر ادیب فقیه و عالم عابد فاضل کامل می باشد در ابهر زنجان متولد گردیده و در زنجان و قزوین و نجف تحصیل نموده سالها در کرمان ساکن و در اواخر عمر باصفهان مهاجرت کرده و در مدرسه ناصریه ساکن شده و بر حسب تقاضای جمعی از مؤمنین بدستور مرحوم آقای شیخ مهدی نجفی صبحها در مسجد شاه اقامه جماعت مینمود سر انجام در روز ۹ ربیع الثانی سال ۱۳۶۹ وفات یافته در تخت فولاد مقال تکیه میرزا ابو المعالی مدفون گردید از آثارش : ۱ - وجیزه در فرق بین سحر و معجزه ۲ - هدیه الانام منظومه ای در کلام بچاپ رسیده است . در فهرست علمای زنجان (ص ۱۵ چاپ اول) و تاریخ زنجان (ص ۶۳) و دیگر کتب نامی از او برده اند و عموماً ویرا نشناخته و بطور اجمال ذکری از او کرده اند .

حجرات مسجد شاه : در سمت شمال مسجد شاه در طبقه دوم نیز در دو طرف ایوان چندین حجره جهت سکونت طلاب و دانشجویان ساخته شده است که تا اواسط زمان رضا شاه دائر بود و بعداً بعنوان حفظ آثار باستانی درب مسجد را بسته و از اقامه نماز جماعت که مسجد برای آن ساخته شده بود ممانعت نموده و طلاب محترم را از مسجد و مدرسه ناصری اخراج کردند و سالها بعد بحمد الله دیدیم که خود و سپس فرزندش را از مملکت اخراج نمودند .

مرحوم جناب در کتاب : « الاصفهان » تعداد حجرات را ده (در هر طرف ایوان پنج حجره) و تعداد طلاب ساکن در آنجا را پانزده نفر می نویسد (ص ۶۸) .

مدارس هفت گانه

در زمان صفویه یعنی در دوران رواج علم و دانش و موقعیکه اصفهان از روی شایستگی لقب : « دارالعلم شرق » رایافته بود در حدود بازار حسن آباد هفت مدرسه دینی وجود داشت که بعداً در اثر فتنه خانمان برانداز افغان که در اثر آن عده زیادی از مردم یا مردند و با کشته شدند و آنان که از این مهلکه جان بدر بردند ترك خانه و کاشانه نموده بشهرها و دهات پناهند، شدند در نتیجه شهر از جمعیت خالی و مدارس بی سرپرست ماند دیگر نه استادی بود و نه طلبه ای حجرات خالی شد بعداً در دوره نادر و کریم خان و اوایل دوره قاجاریه وضع بهمین قراد بود قحطی ها و گرانیهای پی در پی بیماریها و سالهای وبائی نیز مزید بر علت شده و بطوریکه مؤرخین آن زمان می نویسند شهر در این قسمت تا حدود چهار سو مقصود ویرانه ای بیش نبوده دکانها و خانه ها بی در و طاقها نیمه خراب و جایگاه سنگ های ولگرد و مردمان هرزه . .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۵۷ قسمت بالای صفحه) می نویسد :

میرزا رضای نیان الملك می گفت :

«خانه ای را اجاره کرده ام ب ماهی پنجقران و يك محله پر از خانه را يدك می کشم». همچنین از قول مرحوم آقا میر محمد علی موسوی مازندرانی فرزند مرحوم آقا سید محمد شاهاندشتی جد آقایان «آل رسول» از خاندانهای علمی و روحانی اصفهان نقل شده است که فرموده بود :

خانه ای از میرزا شفیع مستوفی در محله شمس آباد اصفهان خریدم و چون باین شهر و محله وارد شدم تمام خانه های آنجا را خالی و بدون سکنه یافتم در یکی

از خانه‌ها ساکن شده و خانه‌های دیگر را به گماشتگان خود واگذار کردم.

اسامی هفت مدرسه :

گفتیم که در محله خواجو و حسن آباد در زمان صفویه هفت مدرسه دینی وجود داشته که بعد از آنان به علل چندی همگی خراب شده و برحسب دستور و فتوای مرحوم حاج شیخ محمد باقر نجفی مصالح آنها را در ساختن مسجد نو بازار بکار بردند اینک اسامی این هفت مدرسه :

۱ - مدرسه اسفند یاریک از امرای عهد شاه عباس اول صفوی محل آنرا در نزدیکی چرخاب در کنار خیابان می نویسند . فوت اسفند یاریک متخلص به انیس در سال ۱۰۲۳ ه . ق بوده است .

۲ - مدرسه پری خان خانم از بانوان صفویه در نزدیکیهای چهارسو مقصود واقع بوده و احتمالاً جزء محل معروف به : « باغ حاج کوبک » میباشد .

۳ - مدرسه دده خاتون از بانوان صفوی محل آنرا نزدیک چهارسو مقصود و چهارسو نقاشی می نویسند .

۴ - مدرسه زینب بیگم از بانوان حرم صفویه آنهم در حوالی چهارسو اسفندیار بیک بوده است .

فائده : در بین بانوان حرم و دختران سلاطین صفوی بنام : « زینب » چندین نفر موسوم و برخی از آنان معروفند از آنجمله :

۱ - زینب بیگم دختر شاه طهماسب که بعقد علی قلی خسان شاملو درآمده و بخانه شوهر نفرت (بشرحی که در کتب تاریخ ذکر گردیده) و در حرم سلطان محمد خدا بنده و شاه عباس محترم میزیسته و مورد مشورت آنان بوده و در سال

۱۰۴۱ شاه صفی ویرا از حرم و اندرون شاهی بیرون کرده و در سال ۱۰۵۱ وفات یافته است .

۲ - زینب بیگم دختر شاه سلیمان خواهر شاه سلطان حسین .

در «رستم التواریخ» پس از مقدمه‌ای که در مورد : آثار زوال حکومت صفوی می‌نویسد (ص ۱۰۶) گوید :

يك خواهرش (خواهر شاه سلطان حسین که برالاغ سوار میشده) « مهد علیا زینب بیگم » براسب یراق مرصع سوار ، از طرف راستش زر مسكوك نثار میکرد .

۳ - زینب نساء بیگم دختر شاه اسماعیل سوم (میرزا ابوتراب نواب فرزند میرزا مرتضی صدر الممالک خواهر زاده شاه سلطان حسین که اسماً پادشاه بود و کریمخان زید و بارانش در حقیقت حکومت و سلطنت میکرد در سال ۱۱۸۷ در جهرم فارس از دنیا رفت) .

زینب نساء بیگم در ۱۸ شعبان سال ۱۱۹۶ در اصفهان وفات یافته و در داخل حرم امامزاده اسماعیل مدفون گردیده است .

۴ - زینب بیگم از بانوان حرم صفوی بانی مدرسه زینب بیگم .

۵ - زینب بیگم از بانوان حرم صفوی که حمام زینب بیگم واقع در محله دركوشك منسوب به او می‌باشد و محتمل است این دو « زینب بیگم » يك نفر باشند . چنانکه ممکن است اینان همان زینب بیگم دختر شاه سلیمان صفوی باشد . موضوع قابل تحقیق و بررسی میباشد . زیرا عده‌ای آنرا منسوب به سلاطین آق قویونلو می‌دانند .

* زینب بیگم زوجه امیر محمد مهدی حکیم الملك اردستانی بانی ساختمان مدرسه نیم آورد اصفهان که بنا بر آنچه مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری

(صفحه) می نویسد در سال ۱۱۱۷ ساخته شده است .

کتیبه سردرب مدرسه از آثار جدید و مؤرخ بسال ۱۳۴۹ در زمان مرحوم حاج سید عبد العلی عقدائی نایب التولیه مدرسه میباشد .

۵ - پنجم از مدارس هفتگانه : مدرسه ساروتقی است .

اعتمادالدوله میرزا تقی فرزند هدایت الله تبریزی معروف بساروتقی از مردان زیرک و کافی و فهمیده زمان خود بوده از نانوایی به مقام صدارت رسید . وی صدر اعظم شاه صفی و شاه عباس دوم بوده و بشرحیکه در کتابها مسطور است در سال ۱۰۵۵ مخالفین او را در خانه اش بقتل رسانیدند .

از آثار او : مسجد ساروتقی - کاروانسرای بازار و مدرسه و کاخ او در حدود امامزاده احمد معروفست و همچنین بازار و کاروانسرا و مسجدی دیگر از او در بازار باقیست بازار ساروتقی را امروز : « قهوه کاشیها » می گویند و در اصطلاح عامه کاروانسرای « سال تقی » می خوانند .

قبر او ظاهراً در کنار مسجدی است که اکنون در ضلع جنوبی خیابان کمال در محله جویباره قرار دارد . (ص ۲۷۰ تاریخ اصفهان وری) .

مدرسه ساروتقی را که خراب شده بوده است (احتمالاً) مرحوم حاج شیخ محمد علی ثقة الاسلام نجفی مسجد شاهی تجدید بنا نموده و بنام خود ایشان : « مدرسه حاج شیخ محمد علی » و یا « مدرسه ثقة الاسلام » معروف گردید .

۶ - مدرسه شاه حسن : در مجاورت دروازه حسن آباد قرار داشته است و محل آن در مجاورت دبیرستان صارمیه در قسمت غربی آن در کنار کوچه و جنب چهارسوی اسفندیار بیک بوده است .

مرحوم انصاری در کتاب : « تاریخ اصفهان وری » می نویسد :
مقبره شاه حسن تا حدود هفتاد سال قبل (از تألیف کتاب - نامبرده یعنی سال

۱۳) در سجاورت چهارسو نقاشی وجود داشت و بعداً خراب شده و ج-زو خانه‌ها گردید .

۷- مدرسه مریم بیگم که شرح آن قبلاً نوشته شد .

مدرسه اسماعیلیه : یکی دیگر از مدارس قدیمیه واقع در این حدود مدرسه‌ای است بنام : مدرسه اسماعیلیه منسوب به آقایان خاتون آبادی پسا قلعه در کوچه قصر منشی .

مرحوم جناب در کتاب : الاصفهان (ص ۶۸) طول و عرض آنجا را ۲۵ در ۲۵ ذرع می نویسد و مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۳۰۶ ستون دوم قسمت بالای صفحه) وسعتش را قریب به هفتصد می نویسد و گوید در آن مدرسه قبری هست که گویند قبل از بنای مدرسه بقعه صاحب آن زمین بوده است . این مدرسه خالی از طلبه و متروکه بوده و اکنون نیز . . .

۲ - مساجد

قال الله تبارك و تعالی :

انما يعمر مساجد الله من آمن بالله واليوم الآخر .

عن النبی صلی الله علیه و آله وسلم :

من بنی مسجداً ولو كمفحص قطة بنی الله له بیتاً فی الجنة (ص ۴۲۴ چهارم

مستدرک سفینه البحار) .

کسیکه مسجدی بنا کند گرچه باندازه شتر مرغ باشد (از کوچکی)

خداوند در بهشت برای او خانه‌ای بنا می کند .

از جمله وصایای حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم به ابی ذرغفاری

است که فرمودند :

یا اباذر! من اجاب داعی الله واحسن عمارة مساجد الله كان ثوابه من الله الجنة (حدیث دنباله دارد) ای ابوذر کسیکه دعوت خدا را اجابت نمود و عمارت مساجد خدا را نیکو گردانید ثواب و پاداش او نزد خداوند بهشت است . اکنون بدو حدیث زیر توجه کنید :

۱ - عن موسى بن جعفر عليهما السلام عن آبائه عليهم السلام عن النبي قال : قال النبي صلى الله عليه وآله :

جنبوا مساجدكم مجانينكم وصبيانكم ورفع اصواتكم الا بذكر الله تعالى وبيعكم وشراءكم وسلاحكم وجمروها في كل سبعة ايام وضعوا المطاهر على ابوابها (ص ۶۰۰ یکم سفینه البحار) .

۲ - يأتي في آخر الزمان قوم يأتون المساجد فيقعدون حلقة ذكرهم الدنيا وحب الدنيا لانجاسوهم فليس لله تعالى فيهم حاجة (ص ۶۰۰ یکم سفینه البحار) . در حدیث اول حضرت رسالت پناهی میفرماید :

دیوانگان و کودکان را از مساجد خود دور کنید و در مسجد جز برای ذکر خدا صدای را بلند نگردانید و در مسجد خرید و فروش نکنید و سلاح نبرید و در هر هفته مسجد را خوشبو کنید و آب جهت وضو و غیره در ب مساجد بگذارید (که کسی بدون وضو وارد مسجد نشود) .

و در حدیث دوم میفرماید :

در دوره آخر الزمان مردمی می آیند که در مساجد دور هم دیگر می نشینند و حرف آنها دنیا و دوستی دنیا (و امور مربوط دنیا) می باشد ، با اینان هم نشینی نکنید که خدای را بدانان نیازی نیست .

آقایان علماء مسجد شاه در دوره قدرت و ریاست خود در اصفهان دو مسجد

بنا کردند :

- ۱ - مسجد دار الشفاء در بازار نجارها
 - ۲ - مسجد نو در بازار بزرگ اصفهان
- همچنین در چندین مسجد دیگر امامت و تدریس میکردند باین شرح :
- ۱ - مسجد ساروتفی در مجاورت مدرسه ثقة الاسلام
 - ۲ - مسجد شاه : مسجد جامع جدید عباسی
 - ۳ - مسجد شیخ لطف الله
 - ۴ - مسجد قصر منشی

در هر يك از این مساجد پس از فوت ائمه جماعت سابق یکی از آقایان امامت مینموده و اکنون در مسجد شاه و مسجد نو امامت میفرمایند .
ایک شرح هر يك از دو مسجد نامبرده :

۱ - مسجد دار الشفاء

یکی از مساجدی که در زمان قاجاریه و دوره ریاست و قدرت آقایان مسجد شاهی در اصفهان بنا گردیده است مسجدی است بنام : « مسجد دار الشفاء » واقع در بازار نجارها .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری در ذکر مساجد اصفهان (ص ۲۹۸ بالای صفحه) می نویسد :

جنب مدرسه صدر بخیبان دار الشفاء برابر درب بازار چیت سازان به اهمیت آقا کمال الدین شریعتمدار فرزند مرحوم آقا نجفی و جوهی که اهل بر شاید در سر داده بودند ساخته شد موسوم به « مسجد اقصی » ولی ناقص ماند . مساحتش چهار جریب آغاز ساختمانش ۱۳۲۰ بود .

مرحوم ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی در کتاب : آثار ملی اصفهان (ص ۳۹۱)

می‌نویسد :

دارالشفاء نام تاریخی بیمارستان بسیار بزرگت شاهی است که در عهدصفویه وجود داشته و اکنون قسمتی از زمین ویرانه آن بصورت مسجدی کوچک بنام « مسجد دارالشفاء » بنا شده و معروف است .

و در همان کتاب (ص ۹۶) می‌نویسد :

دارالشفاء بیمارستانی بوده در اصفهان که در نزدیکی قیصریه واقع میشده است و بازار متصل بآن هم معروف : « بیازار دارالشفاء » میباشد که بازار رنگرزا بوسیله بازار ترکش دوزها بآن منتهی میشود .

و در جای دیگر (ص ۹۹) در ضمن نام قهوه‌خانه‌ها گوید :

قهوه‌خانه جنب دارالشفاء در دوره صفویه قهوه‌خانه مرکز فضلاء و شعراء و بزرگان بوده است . . . این قهوه‌خانه در نزدیکی دارالشفاء قیصریه یعنی بیمارستانی که در بازار قیصریه بوده واقع میشده سپس شرح مختصری از آن بنقل از تذکره نصرآبادی (ص ۳۲۶) می‌نویسد ، طالبین بدان کتاب مراجعه کنند .

جایگاه بیمارستان (دارالشفاء) : دارالشفای نامبرده در جنب باغ خلفاء (باغ خلفاء در سمت مغرب دارالشفاء قرار داشته و احتمالاً این باغ مربوط به اهل تسنن و یا مربوط به خلفای (خلیفه‌گری) آرامنه بوده است در حال حاضر بیشتر از این از وضع باغ و غلت شهرت آن باین نام آگهی ندارم .

دارالشفاء : شاردن فرانسوی در سفر نامه خود (ص ۵۶ ترجمه جناب آقای

حسین عریضی) در ذکر بازارهای اصفهان می‌نویسد :

بازار بزرگ یا بازار شاه . . . این بازار ب بازار چوب فروشان (میدان

کهنه - سبزه میدان) و ذغال فروشان منتهی میشود . . . وصل بان بیمارستانی است که آنرا : « دارالشفاء » می نامند .

این بنا عبارت از باغی است که اطراف آن اطاقهای کوچک زیبای دو طبقه است و عده آنها تقریباً هشتاد باب است . . .

پزشک بیمارستان بنزدیک در، روی نیمکتی از ساعت هشت تا ظهر می نشیند و دستورهایی لازم و نسخه مجانی به بیماران میدهد و دوا و غذای بیماران را از عواید موقوفه میپردازد . . .

تنها یک بیمارستان دیگر در اصفهان است که نه از بیمارستان سابق الذکر بزرگتر و نه وضع آن بهتر است (خلاصه از سفر نامه با اندکی تصرف و تغییر در عبارت) .

بیمارستان سده : نصر آبادی در تذکرة الشعراء (ص ۴۲۴) در شرح حال :
« سامعا » گوید :

بهرام بیک ولد باقر بیک همدانی . . . در ترقیب نظم طبعش خالی از لطف نبود

قبل از حالت تحریر کوفتی بهمرسانیده یاران که باو مربوط بودند او را برای معالجه به بیمارستان ورنوسفادران بردند معالجه مفید نیفتاد فوت شد در آنجا مدفونست . (سپس ۹ سطر شعر از نمونه اشعارش می نویسد از آنجمله) :
کشیدم آنقدر از فرقت وصال الم که حاصل دو جهان مزدانتظارم نیست

* * * *

عادت از بسکه دل مرا بمروت باشد نگزم گر همه انگشت ندامت باشد
نویسنده گوید: ورنوسفادران که آنجا را « بن اصفهان » بکسرباء می خوانند

یکی از قراء ثلثه سده ماربین است که اکنون خود شهری است در سه فرسنگی اصفهان .

نکته‌ای که از بیان نصر آبادی بدست می‌آید :

۱ - اهمیت ورنوسفادران (سده ماربین) در دوران صفویه .

۲ - وجود بیمارستان در آنجا علاوه بر دو بیمارستانی که شاردن می‌نویسد

در شهر اصفهان میباشد .

توضیح و تصحیح : ۱ - مرحوم ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی در کتاب : « آثار

ملی اصفهان » در بیان بازار زرگرها (ص ۲۹۸) می‌نویسد :

بازار زرگرها بازاری است که از چهار سوی کرباس فروشها (شروع) و بازار قهوه کاشیها منتهی میشود (بلکه بازار بزرگ تقریباً مقابل بازار قهوه کاشیها) در وسط آن چهار سوئی است و مدار الشفاء منشعب میشود چنانکه گفته شد مسجد کوچک دار الشفاء در این بازار انشعابی قرار دارد .

و در همان کتاب (ص ۲۹۱) نیز مسجد کوچک دار الشفاء را در زمین‌های ویرانه دار الشفاء صفوی واقع در بازار انشعابی از بازار زرگرها می‌نویسد و حال آنکه :

الف : مسجد دار الشفاء در بازار نجارها قرار دارد و آن بازاری است که از دروازه اشرف شروع وبسمت مغرب تقریباً بموازات بازار زرگرها وعمود بر بازار چیت سازها می‌باشد .

ب : مسجد دار الشفاء را نباید از مساجد کوچک شمرد بلکه از مساجد نسبتاً بزرگ اصفهانست .

مرحوم جناب در کتاب « الاصفهان » طول و عرض مسجد را ۶۰ در ۷۰ ذرع می‌نویسد (ص ۵۴) و بطوریکه قبلانیز نقل کردیم مرحوم انصاری مساحت آنرا چهار جریب می‌نویسد .

۲ - گفتیم که مرحوم انصاری نام مسجد را « مسجد الاقصی » می‌نویسد و مرحوم رفیعی مهر آبادی نیز در کتاب « آثار تاریخی اصفهان » به تبعیت از آن مرحوم همین نام را ذکر می‌کند .

نویسنده گوید : اگر بانی اولیه مسجد قصد داشته است که نام مسجد را « مسجد الاقصی » بگذارد از همان زمان تا کنون مسجد بنام : « مسجد دارالشفاء » شهرت داشته و در سالهای اخیر در ضلع جنوب غربی چهارراه فلسطین محل تقاطع خیابان شاه عباس و خیابان فردوسی مسجدی زیر نظر مرحوم آیت الله آقا سید محمد رضا خراسانی ساخته شد و بنام « مسجد الاقصی » موسوم گردید و آن مرحوم در مسجد نامبرده اقامه جماعت میفرمود .

۳ - گفتیم که محل مسجد دارالشفاء در جنب باغ خلفاء (سمت مغرب) آن قرار دارد .

اکنون گوئیم از پشت مدرسه شاهزاده‌ها که بسمت مسجد حکیم بروند در قسمت سمت راست جاده محلی که جاده بسمت چپ می‌پیچد کوچه‌ای است که اکنون خانه‌های زیادی در آن ساخته شده است . این کوچه در محل باغ خلفاء قرار دارد .

مرحوم انصاری در کتاب : « آگهی شهان از کار جهان » در جائیکه اسامی باغات اصفهان و عمارات تاریخی آنرا ذکر می‌کند (ص ۹۱ جلد سوم) در ضمن وقایع سال ۱۳۱۱ قمری گوید :

قسمت مهم عمارات دولتی و سر دربهای باغات را از این سال ببعد بالانصال از میان بردند . . .

بمدا نام ۷۷ باغ را در داخل شهر ذکر می‌کند که از آنجمله است : باغچه فرنگک (ص ۹۱ ستون چهارم) .

مرحوم رفیعی مهر آبادی در کتاب : « آثار ملی اصفهان » در جائیکه اسامی

باغهایی که بعد از اسلام احداث گردیده و اکنون اثری از آنها نیست را ذکر می‌کند نام ۱۴۲ (یکصد و چهل و دو) باغ را ذکر می‌کند که یکی از آنها باغ فرنگک می‌باشد لکن هیچکدام از محل و جایگاه آن ذکر نکرده‌اند .

در هر دو فهرست اسامی برخی از باغهای دیگر برده نشده است مانند : باغ کلم در نزدیکی مسجد سید (کوچه باغ کلم معروفست) . باغ گردو نزدیک مسجد ذکر الله در محله در کوشک و غیره .

مسجد دار الشفاء ه مانگونه که مرحوم انصاری نوشته است همچنان تا زمانه مانده بود و تا حدود سی و چند سال تقریباً بائر و نیمه خراب بود تا آنکه مرحوم آیت الله حاج آقا حسین خادمی رحمه الله علیه همت کرده و به تعمیر و تکمیل ساختمان آنجا اقدام نموده و شبها در آنجا اقامه نموده جماعت مینمود و همچنین ظهرها مرحوم حجة الاسلام حاج آقا رضا هرندی از فضلاء و سادات جلیل القدر حسینی که عالمی بزرگوار و واعظی شیرین گفتار بود در آنجا اقامه جماعت میفرمود (فوت ۲ شنبه ۶ ربیع الثانی ۱۴۰۲ ه . ق) .

بیمارستان درویشان : در محله حسن آباد در مجاورت مسجد و مدرسه و حمام درویشان قرار داشته و در زمان صفویه نیز (ظاهراً) دائر بوده است بعداً در اثر پیش آمدهای جنگ افغانه و بیماریهای وبا و قحطیها که قبلاً بطور اجمال از آنها یاد شده و خالی شدن این ناحیه از ساکنین بیمارستان نیز بسر نوشت مسجد و مدرسه و حمام دچار گردیده و خراب شده است (ص ۱۳ تاریخچه محله خواجو) .

۲ - مسجد نو بازار

از مساجد زمان قاجاریه و محل آن در بازار بزرگ اصفهان قرار دارد .
مرحوم انصاری در کتاب : « تاریخ اصفهان وری » در ذکر مساجد اصفهان

(ص ۲۹۶ بالای صفحه) می نویسد :

در بازار قرب محله نهم آورد فضاهائی بود قرب هفت جریب همان که مرحوم حجة الاسلام حاج شیخ محمد باقر را اولادگرامی مانند مرحوم آقا شیخ محمد تنی شهیر به آقا نجفی اول عالم سیاسی و مرحوم آقا شیخ محمد حسین ابی ذرئانی و مرحوم حاج شیخ محمد علی ثناء الاسلام اول عقل آن خانواده اجل بیرومندی رسیدند ، برای هر يك مسجدی جداگانه و مهم طلبیدند . مسجد شاه و مسجد شیخ لطف الله را که داشتند در مقام ساختن مسجدی بمرکز اصفهان خاطر گماشتند و جوهی از تجار و دیگر موارد پدیدار و از مساجد و مدارس عاطله که پس از عهد صفویه در ویرانه های عباس آباد و مهتلك و چرخاب و خواج و بسیار بود یکی مسجد قبا و دیگر هفت مدرسه آثار مینمود مقداری آجر و سنگ آوردند دوازده هزار تومان هم وجوه البر از ثلث و غیره موجود شد . مرحوم حاج خدا بخش تاجر خونساری نیز خوشخانه و ملحقاتش را ترقیبی دادند زمین را هم از مالکین گرفتند مجملاً در ۱۲۹۹ ساختمان اتمام و شبی مرحوم حجة الاسلام حاج شیخ محمد باقر تشریف بآن مقام آورده و ابوانها را چراغانی شایان کرده بودند . مؤلف (یعنی مرحوم حاج میرزا حسن خان انصاری) دوازده ساله بودم بتماشا رفته رندی لایالی شنیدم این شعر خواند :

ثلث و موقوفه و مخروبه و اموالی جمع

گشت و شد مسجد نو بزم صفاهان را شمع

تاریخ بنای مسجد : مرحوم انصاری در دنباله مطالب فوق می نویسد :
اتفاقاً در ۱۳۰۵ که تمام جهات مسجد نیز جمع شد و نقایصش رفع بنده
تاریخ را این مصراع گفتیم : « اصفهان را مسجد نو شمع شد » .
و موقعیت و نام این مسجد نو جدید بکل نام و نشان مسجد نو واقع در کوچه

حاج رسولیها را در محله دروازه نو محو کرد .

توضیحات : اول: چرخاب - خواجو - عباس آباد و مستهلك نام چهار محله از محلات اصفهانست که در عهد صفویه بسیار آباد و معمور بوده و بعداً در اثر فتنه افغن و قحط و غلاهای متعدد در اصفهان و جنگ و آشوبهای عهد نادر و افشاریه و اوایل قاجاریه محلات خالی از سکنه و در نتیجه خراب گردید لکن اکنون مجدداً جزو محلات آباد اصفهان می باشد .

توضیح دوم : در اصفهان چندین مسجد بنام : مسجد نو خوانده میشود البته هر کدام با قید يك كلمه اضافه :

۱ - مسجد نو بازار .

۲ - مسجد نو حاج رسولیها .

۳ - مسجد نو چهار سو شیرازیها (مسجد آقا میرزا محمد هاشم)

۴ - مسجد نو واقع در محله نو (مسجد فشارکی ص ۸۰۴ گنجینه آثار تاریخی اصفهان - پاورقی) .

توضیح سوم : در گنجینه آثار تاریخی اصفهان (ص ۲۹۳) مسجد سلطان ابو سعید بهادرخان نزدیک به باغ قوشخانه را ذکر نموده و در پاورقی صفحات بعد می نویسد :

وجه تسمیه این مسجد به « بابا سوخته » معلوم نیست

جمعی از مطلابین اصفهان بنگارنده (یعنی آقای دکتر لطف الله مزفر مؤلف بزرگوار کتاب : گنجینه آثار تاریخی اصفهان) اظهار داشتند که حدود سال ۱۲۹۸ هجری قمری مسجد مزبور را خراب نموده و از مصالح آن مسجد نو را در بازار اصفهان بنا کرده اند .

مرحوم ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی در کتاب : « آثار ملی اصفهان » در ذکر

مساجدی که بعد از اسلام احداث گردیده و اکنون اثری از آنها باقی نیست (ص ۵۴) گوید :

مسجد قبا : مسجدی بود جزء مخروبه‌های عباس آباد اصفهان که بر طبق اجازه علمای دین آجر و مصالح آن در ساختمان مسجد نو بکار رفت .
نویسنده گوید : مرحوم انصاری نیز در تاریخ اصفهان وری (ص ۲۹۷) همین موضوع را بیان نموده لکن از محل مسجد قبا نام نمیبرد و بظن نویسنده : مسجد قبا همان مسجد ابو سعید بهادر خان است که آنرا مسجد « قبا صورت » نیز می‌گفته‌اند . در هر حال :

قسمتی از زمین مسجد ابو سعید بهادر خان تا این اواخر از دستبرد زارعین اطراف محفوظ مانده بود و مناره مسجد نیز باقی بود در سالهای اخیر که شهر اصفهان از کلیه جهات توسعه یافته و اطراف این محل نیز از صورت زمینهای زراعی خارج شده و خانه و مغازه شده بهمت مردم مسلمان و دیندار در همین زمین مسجدی بنا گردیده است و اکنون بحمد الله معمور و آباد است .

توضیح و رفع اشتباه : مرحوم آقا محمد مهدی ارباب در کتاب « نصف جهان در تعریف اصفهان » آنجا که از مساجد اصفهان نام میبرد ذکری از مسجد نو (ص ۶۷) نموده و گوید :

دیگر مسجدی جدید در این سالها جناب حاجی شیخ محمد تقی و فقه الله در در محله نیماور بنا نموده‌اند و هنوز ناتمام است بزرگتر و خوبتر از مسجد حاجی محمد جعفر (آبادهای) است گنبدی با دو طرف ایوان و صحن با فضا و خوب حوضی مرغوب در آن ساخته‌اند خداوند انشاء الله توفیق اتمام آنرا عطا فرماید .
نویسنده گوید : بطوریکه قبلا ذکر شد بانی بنای این مسجد مرحوم حاج شیخ محمد باقر نجفی می‌باشند و گویا عبارت این چنین بوده : جناب حاجی شیخ

محمد باقر فرزند آقا شیخ محمد تقی و یک قسمت از عبارت یا در نسخه اولیه و یا در حین چاپ افتاده است و ظاهراً حاج شیخ محمد تقی (معروف به آقا نجفی) در تأسیس و بنای مسجد مؤثر نبوده است و الله اعلم .

سؤال از جناب میرزای شیرازی : گفتیم که مصالح ساختمان مسجد نو بازار (و همچنین ساختمان شبستان مسجد نو فشارکی در محله نو) از خرابه‌های مساجد و مدارس قدیمی مخروبه و متروکه واقع در محله خواجه و عباس آباد و شاید برخی جاه‌های دیگر تأمین گردیده است . این موضوع سبب شد که مؤمنین و مقدسین و آنان که در امور مذهبی بیشتر احتیاط می‌کنند درباره جواز حضور در این مسجد و نماز خواندن در آن همچنین وضو ساختن در آن مردد بودند و لازم شد که از مرجع تقلید در این باره استفتاء کنند و نظر شرعی و حکم آنرا بخواهند . بدین جهت نامه‌ای حضور جناب میرزای شیرازی در سامره در سال داشته و جریان ما وقع را کمأ و کیفأ گزارش نموده و حکمی قطعی درباره آن خواستند .

چون خبر ارسال چنین نامه‌ای از جمعی از مقدسین بمحضر جناب میرزای شیرازی به مرحوم حاج شیخ محمد باقر نجفی رسید روزی در بالای منبر در موقع وعظ فرمود :

آنها که نامه استفتائیه خدمت حضرت آقا ارسال داشته‌اند و نوشته‌اند که مصالح مدارس و مساجد مخروبه را در این و مسجد بکار برده‌اند ، نوشتند که : « این حکم را باقر داده است » یعنی آیا نوشتند که خراب کردن مساجد و مدارس نیمه خراب و غیر قابل استفاده که محل اجتماع اراذل و اوباش در روزها و شبها و مرکز کثافات و نکبات شده بود را حاج شیخ محمد باقر مجتهد حکم کرد بکلی خراب کنند و از مصالح آن در ساختمان دیگر مساجد استفاده کنند .
معروف آنست که مرحوم آخوند ملا محمد باقر فشارکی نیز برای خراب

گردن برخی از مدارس قسمت مستهلك و عباس آباد من جمله : مدرسه آقا کافور و بکار بردن مصالح آن در مسجد نو (فشارکی) حکم داده است .
از کیفیت جواب مرحوم حاج میرزا محمد حسن شیرازی باین استفتاء تاکنون آگهی صحیحی نداریم .

وضع ساختمان مسجد نو بازار : مرحوم جناب در کتاب : « الاصفهان » در ذکر مساجد اصفهان (ص ۵۵) در جمله مساجد واقع در بازار نام مسجد نو را ذکر نموده و طول و عرض آنرا هر يك ۸۰ ذرع می نویسد . انتهی .
مسجد دارای دو درب یکی در سمت مشرق که به بازار باز میشود و دیگری در سمت شمال که درب اصلی مسجد محسوب میگردد . در سمت جنوب مقصوره مسجد و دارای گنبدی نسبتاً کوتاه و در دو طرف آن چهارستونهای مسجد بنا گردیده است . در سمت مغرب شبستان بزرگ و روشن و در سمت مشرق چندین ایوان پشت بازار و در سمت شمال ایوان بزرگ و يك ایوانچه و راهرو درب ورودی و حوضخانه مسجد قرار دارد . در روی بسام ایوان شمالی گلدسته مسجد ساخته شده و در قسمت فوقانی دارای چندین حجره جهت سکونت طلاب و غیره میباشد . تزئینات مسجد از حیث کاشیکاری تا این اواخر ناقص بود تا در سالهای اخیر در زمان امامت مرحوم مجد العلماء قسمت عمده نمای مسجد قسمت جنوبی و غربی به بهترین صورت کاشیکاری شده و خود مرحوم مجد العلماء نیز در ایوان کوچک شمالی مدفون گردید رحمة الله علیه .

مسجد نو از حیث موقعیت محلی و وقوع آن در بازار از مساجد معمور و جماعت آن از جمله جماعات قابل توجه و بخصوص در ایام مساه مبارك رمضان از نماز جماعتی باشکوه و آبرومند از حیث کمیت و کیفیت بوده است .

اسامی ائمه جماعات مسجد نو : ذیلا بنام ائمه جماعات این مسجد مبادرت می‌کنیم :

۱ - حاج شیخ محمد باقر بسانی مسجد و اولین امام جماعت آنجا جهت افتتاح .

۲ - مرحوم حاج شیخ محمد علی ثقة الاسلام

۳ - مرحوم حاج شیخ نور الله ثقة الاسلام ثانی

۴ - مرحوم آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی .

۵ - مرحوم مجد العلماء علیهم الرحمه .

۶ - مرحوم آخوند ملا محمد حسین کرمانی صبح‌ها

۷ - مرحوم حاج شیخ محمد تقی کرمانی فرزند مرحوم آخوند کرمانی

و پس از فوت او (۱۳۴۱) ظاهراً دیگر صبح‌ها اقامه جماعت نشده است .

۳ - موقوفات

۱ - موقوفات آقا نجفی (حاج شیخ محمد تقی) :

مرحوم آقا نجفی در سال آخر عمر خود که بمرض استسقاء مبتلا بود و دیگر امیدی بحیات نداشت وصیت نامه خود را تنظیم نموده و قسمتی از املاک و دارائی خود را وقف نمود و کمک بفقراء و بیچارگان و نیازمندان را بیش از پیش کرد .

برای املاکی که وقف نموده بود وقفنامه مفصلی تنظیم نموده و آنرا با مضامین برخی از وراثت و چند تن از علمای اصفهان رسانید . تاریخ وقفنامه ربیع الثانی ۱۳۴۱ یعنی تقریباً چهار ماه قبل از فوت ایشان می‌باشد اینک خلاصه‌ای از مفاد وقفنامه .

موقوفات : رقبات هیجده گانه زیر را در تاریخ فوق وقف نموده است :

- ۱ - موازی بیست فنجانہ الاکسری آب و املاک زرخریدی و ملکی و متصرفی ازقریه « اندان » ماربین سده .
- ۲ - تمام آب و املاک زرخریدی و ملکی و متصرفی کہ درقراء علوی ودهق و خنداب دارند .
- ۳ - يك دانگ از قریه جمال آباد لنجان جنب قریه دارجان .
- ۴ - يك طاق و کسری ازقریه نصرآباد یزد آباد جرقویه .
- ۵ - آنچه درقریه محمد آباد زرخرید و متصرفی دارند .
- ۶ - نصف از آب و املاک زرخرید و متصرفی ازقریه آذرخواران و مزرعه قاسم آباد جرقویه دارند تقریباً موازی پنج طاق و نیم .
- ۷ - نصف از آب و املاک زر خرید و متصرفی ازقریه نصرآباد جرقویه تقریباً موازی دو طاق و نیم
- ۸ - تمامی آب و املاک حسن آباد علیای جرقویه و مزارع
- ۹ - تمامی آب و املاک و باغات علی آباد .
- ۱۰ - بیست طاق و نیم قریه کمال آباد علیای جرقویه فقط از موضوع وقف خارج است و بقیه تماماً جزو وقف می باشد (آنچه ملکی و زر خرید و متصرفی می باشد) .
- ۱۱ - سه طاق و کسری ازقریه دستجرد علیای جرقویه .
- ۱۲ - تمامت آنچه آب و املاک و باغات از مزرعه طلاشن و مزرعه خارار و مزرعه علی آباد و مزرعه شیدان و مزرعه حاجی آباد و قریه دستجرد دولت علیای جرقویه ملکی رز خرید و متصرفی ایشانست .
- ۱۳ - تمامی آب و املاک کسل ششدانگ مزرعه های کل از مزارع دولت آباد برخوار .

۱۴ - دوطاق ونیم املاك زرخربسد و متصرفی مزرعه کریم آباد صرافها واقع در ماربین .

۱۵ - موازی پنج طاق آب و املاك مزرعه نهرهاشم برخوار .

۱۶ - دوطاق و نیم مزرعه امیرآباد بلوک برخوار .

۱۷ - تمامی آب و املاکی که از مزارع : قمیسه دارند با کافه ملحقات از قبیل . . . و باغات .

۱۸ - تمامی آب و املاکی که در حسن آباد جرقویه دارند و مزارع تابعه آنها . آیا آقا نجفی موقوفه خوار است ؟ یکی از نویسندگان بی اطلاع معاصر در برخی از نوشته های خود مرحوم آقا نجفی را بقید موقوفه خوار وصف نموده بود بدون آنکه برای نمونه يك قطعه ملك كه عنوان وقفیت داشته و آن مرحوم بعنوان ملكیت متصرف شده باشد را نشان داده باشد .

اینك توجه آن نویسنده عزیز را به اقلام یاد شده بالامعطوف داشته می گویم : آیا کسیکه این همه باغ و آب و ملك وقف می کند را میتوان و باید موقوفه خوار دانست و یا اینکه ویرا بعنوان واقف باید شناخت . هر بلائی بسر این مردم می آید در اثر عدم آگاهی و بی خبری و تعصب غلط و جاهلانسه است ممکن است گفته شود که مرحوم آقا نجفی این همه ثروت و املاك را از کجا آورده است . در ضمن آنکد می گوئیم این سؤال مربوط بمن و شما و دیگران نمی باشد تذکر می دهیم که در جلد اول در این باره بحث شده است بدانجا مراجعه شود موضوع خرید و فروش خالصجات را نیز مطالعه فرمائید .

مصرف درآمد موقوفات : مرحوم آقا نجفی رحمه الله علیه مصارف درآمد موقوفه را بشرح زیر معین کرده است :

۱ - در آمد قریه جمال آباد لنجان (فقره شماره ۴) مخصوص طلاب علوم

دینیہ .

۲ - در آمد کریم آباد ماریین و مزرعه نهر هاشم بر خوار (رقبات ۱۵ و ۱۵) وقف بر مقبره ایشان است از اجرت قاری و چراغ و فرش و تعمیر مقبره و هر چه زیاد آید بین سادات مستحق و فقراء مضطر قسمت نمود .

۳ - بقیه در آمد بمصرف خیرات و مبرات راجحه در شرع و آنچه موجب ترویج شرع بنظر متولی و ناظرین برسد و آنچه را ذخیره آخرت واقف دانند . تعیین اشخاص و کیفیت تقسیم بین آنها موقوف بصلاح دید و نظر متولی هر عصری است .

منولی و ناظر موقوفات : تولیت موقوفات یاد شده مادام الحیوة با خود ایشان است بدون حق التولیه و حق النظاره

۱ - بعد از فوت واقف تولیت بعهدہ شیخ عبد الحسین بن آقا جلال الدین فرزند مرحوم آقا نجفی می باشد

۲ - پس از مرگ حاج میرزا عبدالحسین نجفی تولیت با اکبر اولاد ذکور مرحوم آقا نجفی است نسلا بعد نسل

۳ - نظارت در امر موقوفات زیر نظر سه نفر از فرزندان ایشان است که عبارتند از : شیخ جلال الدین ۲ - شیخ کمال الدین ۳ - شیخ محمد باقر

۴ - نظارت بعد از مرگ هر یک از آنان با اکبر اولاد ذکور مشارالیه نسلا بعد نسل .

شرایط : ۱ - اگر متولی و ناظر یک نفر شد تولیت با اکبر و نظارت با اکبر بعد از او .

۲ - احدی از حکام شرع و دیگران حق مداخله در امور وقف ندارند ، از عزل

و نصب متولی و ناظر و رسیدگی به کار آنان و غیر از اینها و رسیدگی بحساب متولی و ناظرین را با خدا در روز جزا قرار داده

۳ - با حدوث اختلاف رأی بین متولی و ناظر رأی ناظر مقدم است

۴ - با حدوث اختلاف رأی بین ناظرین موقوفه رأی حاصله از متولی و ناظر معتبر است و اگر یکی از آنان از دادن رأی تجافی کند رأی دیگران معتبر است .

۵ - اگر متولی و یا ناظر در اصفهان نباشند باید از اولاد و احفاد واقف که در اصفهان حاضر می باشد کسی را وکیل خود معین کنند .

۶ - اگر اولاد ذکور منقرض شدند تولیت و نظارت مربوط به اکبر اولاد اناث واقف خواهد بود .

۷ - متولیان و نظارد در هر عصری باید که عالماً عامداً در محافظت اعیان موقوفه تسامح نکنند و مراعات نفع آخرت واقف را بر حسب علم و اعتقاد خود بر همه چیز مقدم دارند .

۸ - واقف می تواند متولی و ناظر را تغییر دهد .

حق التولیه و حق نظارت : حق متولی و ناظرین در هر عصری نیم عشر است و جمعاً يك عشر که نیم عشر آن مربوط به متولی و نیم عشر دیگر مربوط به ناظرین می باشد .

شهود وقف نامه : مرحوم آقای نجفی پس از تنظیم وقفنامه و اجرای صیغه وقف و تصرف املاك و رقبات نامبرده بعنوان وقف در حضور عده ای اقرار بوقفیت آنها نموده و آنان نیز اعتراف واقف را در حاشیه ورقه مرقوم داشته و مهر کرده اند
اعضاء و مهر و تاریخ اعتراف مرحوم واقف بقرار زیر است :

۱ - محمد اسماعیل شب ۱۶ ربیع الاول ۱۳۲۲ (ظاهراً مرحوم حاج ملا

اسماعیل بن ملا محمد نقنه‌ای متوفی سال ۱۳۵۰ (

- ۲ - آقا جلال‌الدین فرزند مرحوم آقا نجفی : ربیع‌الثانی ۱۳۳۲ .
- ۳ - حاج آقا جمال‌الدین بن حاج شیخ محمد باقر : شب ۷ ربیع‌الاولی ۱۳۳۲
- ۴ - حاج شیخ محمد باقر الفت
- ۵ - مرحوم آخوند ملا محمد حسین فشارکی : ربیع‌الثانی ۱۳۳۲ .
- ۶ - سید محمد رضا بن محمد تقی حسینی : ۱۸ ربیع‌الثانی ۱۳۳۲ .
- ۷ - حاج میرزا عبدالحسین بن آقا جلال‌الدین : شب ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۳۳۲
- ۸ - لایقاً : چند تن دیگر نیز اعتراف به وقفیت رقبات مذکور را مرقوم داشته‌اند که مهر آنان خوانده نشد (چهار نفر) .

- ۹ - حاج آقا منیرالدین بروجردی : ربیع‌الثانی ۱۳۳۲ .
- ۱۰ - شریعتمدار : مرحوم حاج آفاکمال‌الدین فرزند مرحوم آقا نجفی :
شب ۱۸ ربیع‌الثانی ۱۳۳۲ .
- ۱۱ - مرحوم آقا نجفی : حاج شیخ محمد تقی فرزند مرحوم حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی واقف در پنج جا برگ و قفنامه مهر نموده است .
در زمان حاضر سال ۱۴۰۸ تولیت موقوفات نامبرده با صدیق مکرم آقای حاج آقا رضا نجفی فرزند مرحوم حاج شیخ محمد جواد فرزند مرحوم آقا نجفی میباشد .

۲ - موقوفات حاج شیخ محمد علی ثقة الاسلام :

مرحوم ثقة الاسلام در سالهای آخر عمر خود پس از بنای « مدرسه ثقة الاسلام » در محله حسن آباد قسمتی از اموال خود را نیز وقف نمود پس از وفات ایشان فرزند ارشدشان مرحوم حاج شیخ مهدی نجفی چون اصل و قفنامه

پدر را در بین متروکات ایشان نمی‌یابد مجدداً در سال ۱۳۱۹ مبادرت بوقف مجدد می‌نماید و برای آن وقفنامه‌ای تنظیم نموده و آنرا مه‌هور بامضای علماء خاندان خویش و دیگران می‌کند. ذیلاً خلاصه وقفنامه نامبرده.

واقف: مرحوم حاج شیخ مهدی نجفی فرزند مرحوم ثقة الاسلام بر حسب وصایت آن مرحوم.

تاریخ وقفنامه: اصل ورقه نامبرده بدون تاریخ است لکن تاریخی که برخی از شهود مرقوم داشته‌اند شانزدهم رجب ۱۳۱۹ و دوم شهر رجب سال مزبور می‌باشد و مرحوم حاج شیخ مهدی در تاریخ ربیع الاول سال ۱۳۴۷ می‌نویسد که در تاریخ ۱۳۴۲ بقسمتی از وقفنامه پدر آگاه میشود و در ذیل ورقه اول که در رجب ۱۳۱۹ تنظیم نموده است آنرا توضیح می‌دهد.

مورد وقف: ۱ - يك دانك و يك سوم دانگ و يك سوم از يك سوم دانگ (جمعاً معادل يك دانگ و چهار نهم از دانگ) از قریه قشافران لنجان.

۲ - دو سوم از يك دانگ و يك سوم از يك ششم دانك از هرستان ماربین (جمعاً معادل ۱۳، هیجدهم دانگ).

اصالاً از طرف خود و وکالتاً از طرف مادر خود نسبت بسهم الارث مشارالیه و از طرف برادر خود آقا شیخ ابوالفضل که قیم او بوده است و احتیاطاً باذن حاکم شرع (حاج آقا نور الله نجفی).

مصرف موقوفات: رقبات فوق وقف بر مدرسه حاج شیخ محمد علی می‌باشد. مرحوم حاج شیخ مهدی نجفی بر حسب وصیت پدر، درآمد دورقبه موقوفه نامبرده را جهت مدرسه احداثی پدر وقف نموده که:

۱ - تعمیرات مدرسه و اصلاح کردن و زیاد کردن ساختمانهای مدرسه هرگاه متولی مقتضی و لازم بداند.

۲ - پرداخت بطلاب ساکنین در مدرسه بهر مقدار که در نظر متولی رجحان داشته باشد

۳ - جهت عزاداری حضرت زهراء سلام الله علیها در مدرسه (سالی یکصد تومان)

۴ - قراءت قرآن بوسیله طلاب (مازاد درآمد پس از مخارج اقلام سه گانه فوق)

۵ - خیرات و میرات (از محل مازاد درآمد)

متولیان : مرحوم حاج شیخ مهدی نجفی تولیت دو رقبه موقوفه نامبرده را مرحوم حاج شیخ نور الله نجفی و شخص خودش مادام الحیوة معین کرده و هر کدام از آندو که بمیرند دیگری مستقلا و پس از فوت هر دو آنها تولیت مربوط به حاج شیخ ابوالفضل نجفی برادر ایشان است و پس از فوت او بزرگترین فرزند پسر از اولاد واعقباب مرحوم حاج شیخ محمد علی ثقة الاسلام و در صورت انقراض با اکبر اولاد مرحوم حاج شیخ محمد باقر کبیر از اولاد پسری هر چه پائین برود و در صورت انقراض با حاکم شرع .

حق التولیة : در متن وقفنامه يك دهم منافع جهت متولی و در طبقه اول متولیان معین گردیده که بالمناصفه بین خود تقسیم کنند و هر وقت یکی از آندو بمیرد کلیه يك دهم مربوط به متولی است .

بعد از چندین سال که از وقف کردن رقبات ذکر شده مرحوم حاج شیخ مهدی نجفی به وصیت نامه پدر توجه می کند و وقفنامه ای که مرحوم ثقة الاسلام نوشته اند را میخواند در آنجا مشاهده می کند واقف اولیه یعنی پدرشان برای متولی حقی معین نکرده است و قسمتی دیگر از دو رقبه را نیز وصیت بوقف نموده . در ذیل ورقه شرحی نوشته و آنجا می گوید :

مجموع آنچه در قدیم وقف کردم و اکنون وقف می‌کنم عبارتست از :

۱ - دو دانگ از قریه قشافران لنجان .

۲ - يك دانگ از قریه هرستان ماربین .

۳ - چون پدرم در مصرف در آمد موقوفات چیزی برای متولی ذکر نکرده است ، من خود چیزی باین عنوان بر نمیدارم و حق التولیه برداشتن (دیگران) در نهایت اشکال است و من در وقف جدید چیزی برای متولی معین نکردم (اگر چه در وقفنامه قدیم سهمی برای او در نظر گرفته‌ام) .

امضاء کنندگان و شهود وقفنامه : وقفنامه در مرحله اول بامضاء و مهر مرحوم حاج شیخ مهدی نجفی است در اصل وقفنامه و قسمت دوم آن

۱ - حاج شیخ محمد تقی آقا نجفی . تاریخ شهر ۱۳۱۹ سجع مهر : عبده محمد تقی بن محمد باقر

۲ - حاج شیخ نور الله نجفی : تاریخ ۱۶ رجب ۱۳۱۹ سجع مهر : عبده الراجی نور الله بن محمد باقر

۳ - سید محمد رضا حسینی : تاریخ ۲ رجب ۱۳۱۹ سجع مهر : محمد رضا بن محمد تقی الحسینی

۴ - حاج سید محمد جواد عاملی : تاریخ رجب ۱۳۱۹ سجع مهر : محمد جواد بن محمد علی الموسوی

۵ - حاج شیخ محمد باقر الفت . تاریخ ۲ رجب ۱۳۱۹ سجع مهر : عبده محمد باقر بن محمد تقی

توضیح : مرحوم حاج شیخ مهدی نجفی در حاشیه وقف نامه می‌نویسد :
بسم الله الرحمن الرحيم . چو طاحونه بعد از وقف مسطور احداث شده

است مقضی است هر ساله ملاحظه ازین بابت بشود وبمدرسه ازین بابت وجهی
تأدیه شود . العبد مهدی النجفی .

۳ - موقوفات حاج آقا نور الله نجفی :

مرحوم ثقة الاسلام حاج آقا نور الله نجفی پس از برگشت از مسافرت عراق
در سال ۱۲۳۲ و مشاهده وضع نابسامان اصفهان بفکر املاك خود افتاده وتصميم
گرفت كه قسمتی از آنها را جهت امور خیریه وقف نماید . لذا در ربیع الاول
سال ۱۲۳۴ چندین فقره از آنها را وقف نموده ووقفنامه را بامضای عده ای از
علماء زمان وبستگان وبرادر زادگان رسانید . اینك شرح برخی از آنها : صورت
وقفنامه :

۱ - بسم الله الرحمن الرحيم . الحمد لله الواقف على الضمائر والنيات
وصلى الله على سيد الكائنات محمد وعترته المعصومين وبعد الحمد والصلاة ،
باعث بر تحریر این كلمات شرعية الدلالات آنستكه بواسطه شمول تأییدات الهیه
ونزول فیوضات وتوفیقات نامتناهیة ملازمان حضرت مستطاب شریعتمدار ملاذ
العلماء والاساتذہ ناصر الدین والملہ رئیس الطائفہ الحقہ الاثناسا عشریہ آیه الله
فی البریة آقای حاجی آقا شیخ نور الله متع الله المسلمین بطول بقائه العالی نجل
اجل مرحوم مبرور خلد مقام ساکن دار السلام آقای حاجی شیخ محمد باقر
حجة الاسلام اعلى الله مقامه ونور مرقدہ (از کلمه مرحوم تا مرقدہ در سمت
راست وبالای ورقه نوشته شده است) بعد ان نظرفی یومہ لغده من قبل ان یخرج
الامر من یدہ فی حالة الصحة والسلامه وكمال العقل والدرایة قربة الى الله تعالی
وطلباً لمرضاته وخالصاً لوجهه الکریم . وقف صحیح مؤبد وحسب صریح مخلد
اسلامی فرمودند . . .

اینک رقبات موقوفه : ۱ - سه دانگ از شش دانگ قریه چم کاکا از بلوک
ایدغمش لنجان

۲ - بیست و پنج حبه ونیم از هفتاد و دو حبه از قریه مدیسه از بلوک لنجان
توضیح در حاشیه : سه دانگ مزرعه چم ایدغمش و سه دانگ از مزرعه
چم کرکی و سه دانگ چم سنگی و سایر توابع و ملحقات قریه چم کاکا بقدر الحصه
سه دانگ بنحویکه مالک و متصرف اند بدون استثناء نیز از آن جزو موقوفه
مرقومه است .

مصرف وقف : عواید وقف پس از وضع حق التولیه و حق النظاره و آنچه
جهت آبادی ملک و حفظ و نگهداری آن لازم است و پرداخت مالیات بتربیب زیر
بنظر متولی و ناظر باید بمصرف برسد :

۱ - افطاری در ماه مبارک رمضان

۲ - قراءت قرآن

۳ - اطعام در عید غدیر

۴ - اعانه بقراءه در ماه مبارک رمضان

منولی و ناظر موقوفات : تولیت و نظارت در امر موقوفات مادام الحیوة با
خود واقف و بعد از فوت ایشان با اکبر اولاد ذکور مرحوم حاج شیخ محمد باقر
(پدر واقف) ما تعاقبوا و تناسلوا بشرط عدم ظهور فساد عقیده و یافسق با رعایت
تقدم بطن اعلی بر اسفل .

و با انقراض اولاد ذکور با اکبر اولاد اناث بهمین کیفیت و شرط .

و با انقراض اولاد اناث با اقرب علماء منسوب بخاندان ایشان .

و در صورت عدم وجود و یا انقراض با دو نفر مجتهد جامع الشرایط با رعایت

الاقرب فالاقرب ثم الاورع فالاورع

ودر صورت عدم وجود دو نفر مجتهد عادل با دو نفر عادل از مؤمنین
ونظارت نیز بهمین کیفیت با اکبر اولاد ذکور مرحوم حاج شیخ محمد باقر
بالاضافه .

حق التولیة وحق النظارة : مرحوم حاج شیخ نور الله نجفی يك عشر از كل
عواید موقوفه را جهت متولی ونیم عشر جهت ناظر تعیین نموده است که باید
کلیه کارها را باتفاق رأی انجام دهند ودر صورت اختلاف انجام نظر به يك نفر
مجتهد جامع الشرايط مرضی الطرفین مراجعه کرده وطبق نظریه او رفتار کنند
تاریخ وقفنامه : در آخر وقفنامه پس از ذکر مطالب یاد شده می نویسد :

هر کس مخالفت کند و تغییر در مراتب مرقومه و ترتیب مسطوره دهد و یا اخلاقی
نماید بوسیله حيله شرعیه و دسیسه توجیهی بخواهد تغییر دهد ، بلغنت و غضب الهی
گرفتار باد و من غیرها و خالفها فعليه لعنة الله الی يوم القیامه و قد جرت الصیغه
والقبض والاقباض والاشهاد علی جمیع ما سطر فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه
علی الذین یدلونہ وکان ذلک فی شهر ربیع الاول سنه ۱۲۳۳ . مهر مرحوم حاج
شیخ نور الله سجع مهر : عبده الراجی نور الله بن محمد باقر

شهود وقفنامه : در بالای ورقه وحاشیه وقفنامه اعتراف مرحوم حاج شیخ
نور الله نجفی را هفت نفر مرقوم داشته و مهر نموده اند باین ترتیب :

۱ - مرحوم حاج آقا منیر الدین بروجردی .

بسم الله الرحمن الرحيم ، قد طلعت شمس الاقرار من افق لسانه متناً وهاشأ

مع اجتماع الشرايط خصوصاً قبض الوقف ۱۳۳۳ حرره الاقل منیر الدین .

۲ - اعتراف دام ظلله العالی بصحة ما سطر فی المتن والهاش لدی فی ليله

۶ع ۱۳۳۲/۲ مهر - سجع مهر : یا امام حسن (ظاهراً مرحوم حاج آقا حسن ملاذ

(الاسلام)

۴ - بسم الله تعالى اعترف دام ظله بالوقف والقبض كما رقم لدى « الاحقر
محمد باقر النجفی فی ۶ ربیع الثانی ۱۳۳۲ سجع مهر
۴ - اعتراف متع الله المسلمين بطول بقائه بالوقف والقبض متناوفاً مشالدى
فی ليله ۶/ ۲۴ ۱۳۳۲ مهر سجع مهر : عبده الراحى : عبدالحسين بن جلال الدين
النجفى

۵ - اعترف به دام ظله بالوقف والقبض لدى فى ليلة ۶/ ۲۴ ۱۳۳۳ مهر سجع
مهر عبده كمال الدين بن محمد تقى النجفى

۶ - بسم الله الرحمن الرحيم . قد اعترف مولانا الاجل وملاذنا الاعظم اية
الله مدظله آفاى حاج شيخ نورالله ادام الله بقائه بصحة جميع ما تضمنه الورقه
متناً وفى سطر الهامش وموقفه وقبض الوقف المزبور وباتمامه كما فيه لدى شفاهاً
۲۹ ربیع المولود ۱۳۳۳ فشاركى مهر سجع مهر حسين منى وانسا من حسين .
۸ - اعتراف خلد ظلاله بما فى الورقه لدى وانه وقف وانه دام ظله قبض
الموقفه ربیع الثانی ۱۳۳۳ مهر لا يقرأ . (ايندو اعتراف دربالاى ورقه سمت چپ
نوشته شده است) .

وقفنامه دوم : مرحوم حاج آقا نورالله درهشتم ربیع الاول سال ۱۳۳۳ قسمتى
ديگر از املاك خود را بشرح زير وقف نموده است :

- ۱ - چهار دانگك وشش دانگك قريه فخرآباد بلوك لنجان
- ۲ - پنج دانگك از شش دانگك يك درب باغ بزرك واقعه در قريه نامبرده .
شرائط وقف و متولى : كليہ شرايط وقف و متولى و ناظر و حق التوليہ و حق
نظارت و ديگر موارد عيناً مطابق وقفنامه اول كه در اين جا نيازى بتكرار ندارد .
شهود و وقفنامه : اين ورقه و وقفنامه را هشت نفر بشرح زير گواهى و مهر کرده اند
از آن جمله :

- ۱ - حاج آقا منیرالدین بروجردی ۸ ذی حجه ۱۲۲۴
- ۲ - مهر : یا امام حسن - تاریخ شب ۶ع ۲ / ۱۲۲۴
- ۳ - حاج شیخ محمد باقر الفت تاریخ ۶ع ۲ / ۱۲۲۴
- ۴ - حاج میرزا عبدالحسین نجفی تاریخ شب ۶ع ۲ / ۱۲۲۴
- ۵ - حاج آقا کمال الدین شریعتمدار تاریخ ۶ع ۲ / ۱۲۲۴
- ۶ - مرحوم آخوند ملا محمد حسین فشارکی - تاریخ ۲۹ ربیع المولود

۱۲۲۴

سومین موقوفه : سومین ورقه از موقوفات مرحوم حاج آقا نورالله نجفی که اکنون در نزد نویسنده موجود است فتوکپی رونوشت موقوفات آن مرحوم است که بامضاء چندتن از علماء و همچنین بستگان آن مرحوم رسیده است ذیلا شرح این برگ :

- ۱ - شانزده حبه از قریه کوبان و قریه شهاب آباد هر دو از قراء لنجان .
- ۲ - چهار دانگ از قریه فخرآباد از بلوک لنجان (که قبلا ذکر شد) .
- ۳ - سه دانگ از محمود آباد سمیرم و دودانگ و نیم از قریه .
- ۴ - چهار دانگ از قریه خولنجان و شش دانگ قریه سمسان هر دو از بلوک

لنجان .

۵ - سه دانگ قریه چم کاکا و . . . (قبلا نوشته شد)

۶ - چهل و دو حبه از قریه : کره از بلوک سمیرم سفلی

توضیح : در کلیه این وقفنامه ها قید شده است که :

باکافه ملحقات شرعیه (و عرفیه) از ممر و مدخل و شروب و مشارب و مجاری
المیاه و اراضی و کشتخو انسانیت و املاک دائره و باثره و قلعه و عمارات و اشجار

وكلما يتعلق بها شرعاً بقدر الحصه بنحويكه مالك ومتصرفند .

مصرف در آمد وقف : مصرف در آمد موقوفات غير از آنچه قبل در دو قبالة
اوليه ذكر شد عبارتست از :

۱ - تکميل و تربيت و تعليم اطفال يتيم سادات و علماء بترتيب جديد و قديم .
۲ - اقامه مجالس تمزيه داری جهت حضرت امير المؤمنين عليه السلام و فرستادن
نايب الزياره و دادن پاپوش بزوار و اعانت بقراء و زوار مجاورين و تزويج عزاب
علويين و علويات و اين ماده بنام : « وقف جهت ناحيه مقدسه امير المؤمنين عليه
السلام » ذکر شده است .

۳ - تشكيل مجالس عزاداری بنام حضرت سيد الشهداء عليه السلام و فرستادن
نايب الزياره و تهیه پاپوش جهت زوار و اعانت بزوار فقير . و اين قسمت بنام :
« وقف جهت ناحيه مقدسه حضرت سيد الشهداء عليه السلام » خوانده شده است .
۴ - اعانت و کمک به فقراء از ارحام و سادات و غيره و همچنين تزويج
عزاب آنان .

۵ - جهت تقويت دين مبين اسلام و تضعيف كفار از قبيل بعث (فرستادن)
دعاة اسلاميه و تعمير مساجد و مدارس و طرق و امثالها كه سبب اعلاء كلمه اسلام
و تقويت دين باشد .

امضاء کنندگان ورقه سوم : در حاشيه سمت راست ورقه و همچنين بالای
برگه گواهی و امضاء ده نفر از علماء و وابستگان مرحوم ثقة الاسلام مشاهده میشود
باين شرح :

۱ - مرحوم حاج ميرزا محمد حسن ملاذ الاسلام طاب ثراه .
۲ - مرحوم حاج سيد محمد جواد نجل مرحوم ميرور آقا مجتهد طاب ثراه
امضاء و مهر اين دو نفر در زیر اين عبارت ديده میشود :

- بسمه تعالی . حضرت آیه الله آقای ثقة الاسلام مدظله اعتراف بتمام ما رقم
 فی الورقة من الوقف والقبض فرمودند ۸ ذا الحجه سنه ۱۳۳۳ .
- ۳ - مرحوم حاج آقا منبر الدین بروجردی تاریخ ۸ شهر ذی الحجه ۱۳۳۳ .
- ۴ - مرحوم حاج شیخ محمد باقر نجفی (مرحوم الفت) تاریخ ۶ ربیع
 الثاني ۱۳۳۳ .
- ۵ - مرحوم حاج میرزا عبدالحسین نجفی . تاریخ ۶ ربیع الثاني ۱۳۳۳ .
- ۶ - مرحوم حاج شیخ کمال الدین شریعتمدار تاریخ ۶ ع ۱۳۳۳/۲ .
- ۷ - مرحوم : سید احمد حسینی مهر مطابقت ورقه را با اصل آن گواهی
 فرموده است و ظاهراً آن مرحوم آقا میرزا احمد مدرس می باشند .
- ۸ - مرحوم حاج میر محمد صادق خاتون آبادی
- ۹ - مرحوم آخوند ملا محمد حسین فشارکی تاریخ ربیع المولود ۱۳۳۳
 امضاء الاحقر الفشارکی
- ۱۰ - مرحوم آخوند فشارکی مطابقت ورقه نامبرده را با اصل اوراق
 وقفنامه گواهی فرموده اند
- تاریخ گواهی مطابقت ورقه با اصل آنها هفتم رجب ۱۳۴۴ می باشد و امضاء:
 الاحقر حسین الفشارکی سجع مهر : حسین منی وانا من حسین .
- بیان مرحوم الفت درباره موقوفات مرحوم ثقة الاسلام : مرحوم بلاغی در
 اعلاط در انساب (ص ۱۳) بنقل از نسب نامه مرحوم الفت می نویسد :
- در سالهای آخر عمرش (یعنی مرحوم حاج آقا نور الله) با چهار منقطه بسر
 میبرد ، هیچ فرزندی از اوزنده نماند و بنابراین بیشتر املاک خود را برای مصارف
 خیرات عمومی و اسلامی وقف نمود . سپس مرحوم بلاغی در دنباله مطلب بنقل
 از مرحوم الفت می نویسد :

این موقوفه تا بحال که هیجده سال از وفاتش می گذرد تقریباً بمصرف نرسیده . اغلب تلف و تفریط شده است . در زمان حیاتش بذل و بخشش نداشت پس از وفاتش نیز فقراء و مستحقین از مالش بهره مند نشدند .

نویسنده گوید : از نقل این بیان معلوم گردید که :

۱- مرحوم ثقة الاسلام اولاد داشته لکن در زمان حیات او مرده اند و هیچکدام پس از وی نبوده اند .

۲ - با توجه بتاریخ تولد آن مرحوم (۱۲۷۸) و سالی که قسمتی از املاک خود را وقف کرده (۱۳۳۳) و همچنین سال فوت آن مرحوم (۱۳۴۶) معلوم میشود که در سن ۵۵ سالگی املاک خود را وقف نموده و این آخر عمر او بحساب نمی آید و پس از آن تقریباً چهارده سال در قید حیات بوده است .

۳ - بطوریکه عالم ثقة مرحوم حاج شیخ زین الدین نجفی (برادر زاده مرحوم ثقة الاسلام) نقل فرمودند :

یکی از عادات و اخلاق مرحوم حاج شیخ نور الله نجفی این بوده است که هر ملك جدیدی میخرید قسمتی از آنرا بیکي از بستگان فقیر خود می بخشید و چند نمونه آنرا نیز ذکر نمودند که بجهت رعایت برخی از نکات از ذکر آنها خود داری میشود .

خاتمه

۱ - وجه تسمیه تخت فولاد

۲ - اسامی تکایای تخت فولاد

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بعد الحمد والصلوة .

اکنون که بخواست خداوند عالم بصبر آنچه اراده کرده بودیم که در شرح حال این خاندان جلیل بنویسم از مؤسس اولیه تا آخرین فرد وابسته بدانها فارغ شدیم ذکری نیز از مزار باستانی و متبرک این شهر لازم بنظر میرسد .
اولین نامی که در این گورستان مورد توجه مؤرخین و نویسندگان و همچنین مؤمنین و مقدسین بوده و می باشد و باید برای همیشه باقی بماند : « لسان الارض »
یعنی زبان زمین است .

در وجه تسمیه این زمین مقدس باین نام دو قول بنظر رسیده است :

۱ - حافظ ابو نعیم اصفهانی در کتاب بسیار معتبر و ارزشمند خود بنام :

« ذکر اخبار اصفهان » گوید :

وقتی از طرف حضرت رب العزه خطاب به آسمانها وزمین شد که : ائینا

طوعاً او کرها قالنا ائینا طائعين (سوره فصلت آیه ۱۱) زمین اصفهان جواب خداوند

را داد و بدین جهت آنجا را : لسان الارض یا فـم زمین (دهان زمین نامیدند)
(ص ۴۱ جلد یکم ذکر اخبار اصفهان) .

همچنین مفضل بن سعد بن حسین ، فروغی اصفهانی در کتاب : « محاسن
اصفهان » بنقل از حافظ ابو نعیم حدیث فوق را نقل نموده (ص ۴) است .

۲ - علامه جلیل مرحوم مولی عبدالکریم گزی در مقدمه تذکرة القبور (ص

۳۱) می نویسد :

« لسان الارض » یعنی زبان زمین گویند حضرت امام حسن علیه السلام که
باصفهان آمده این زمین با او تکلم کرده که یهود جادومی کنند پس آن حضرت تختی
از فولاد ساخته در آن منزل کرده که جادو در او اثر نکند و باین مناسبت این
قبرستانرا : تخت فولاد می گویند ولی آمدن حضرت باصفهان محل تأمل است
اگر چه بعضی از علماء ورود حضرت را به : کهنگ (بروزن نهنگ) از دهات
اصفهان و غیر آن را نقل نموده اند . (انتهی) .

حافظ ابو نعیم اصفهانی در کتاب : ذکر اخبار اصفهان (ص ۴۳) و مفضل
بن سعد ، فروغی در کتاب : محاسن اصفهان (ص ۳۵) و همچنین حسین بن
محمد بن ابی الرضا آوی اصفهانی در کتاب : ترجمه محاسن اصفهان (ص ۱۲۶)
آمدن حضرت مجتبی علیه السلام را به اصفهان ذکر نموده اند .

همچنین بین الخواص والعوام از قدیم الایام معروف بود که حضرت مجتبی
علیه السلام در مسجد لبنان نماز خوانده اند و بهمین مناسبت این مسجد از مساجد
متبرک بود که روزهای جمعه ارباب حاجات عرائض خود را که خدمت حضرت
بقیة الله الاعظم روحی و ارواح العالمین له الفداء می نوشتند در نهر مجار آن
می انداختند و بوسیله آن حضرت از خداوند متعال حوائج خود را مستجاب میکردند .
مرحوم عباس بهشتیان در کتاب : بخشی از گنجینه آثار ملی (ص ۷۴) جهت

تسمیه این زمین باین نام وجهی ذکر می کند که نباید مورد توجه قرار گیرد .
دیوار قدیمی اسان الارض که متأسفانه در این اواخر آن را خراب کردند در
بعضی از قسمت ها آجری و آثار دیلمی داشت که حکایت از قدمت آن سرزمین
مقدس میکرد .

ساختمان وسط لسان الارض از آثار صفوی بود که آنهم در سالهای اخیر
بعنوان توسعه تکیه شهاده خراب گردید .

قدیمترین اثر و قبر در تخت فولاد : از آثار و قبور قدیمی این گورستان فقط
بذکر نام اکتفاء می کنیم :

۱ - قبر جناب یوشع از پیغمبران بزرگوار بنی اسرائیل مربوط به حداقل ده
قرن قبل از اسلام که اطاق آنرا هم که در لسان الارض قرار داشت در سالهای اخیر
خراب کردند و در حال حاضر فقط قبر باقی است تاکی آنرا هم از بین ببرند .

۲ - قبر فولاد دیلمی مربوط بقرن چهارم در مغرب غسلخانه قدیم که اخیراً
شهرداری آنجا را نیز از بین برد (تخت فولاد منسوب به اوست - ص ۹۳ تاریخ
اصفهان وری) .

۳ - سکاکی متوفی بسال ۶۲۶ (قرن هفتم)

۴ - بابا بیات - بابا لکات - شیخ رضی الدین لالا غزنوی هر سه در قسمت
جنوب تخت فولاد حوالی فرودگاه که در ابتدای قرن ۱۳ خراب شده و بعداً از
بین رفته و محل عبادت و ریاضت عرفاء نامبرده بوده است (عرفاء قرن هشتم) .

۵ - بابا رکن الدین بیضاوی گنبد و تکیه او معروفست مربوط بقرن ۸ (فوت
۷۶۹) در عهد صفویه از گورستانهای معروف شهر بوده است .

برای آگاهی بیشتر از وضع تخت فولاد در دوره های مختلف بکتاب : « تاریخچه
مزار تخت فولاد » از آثار چاپ نشده (تحت چاپ) نویسنده باید مراجعه شود .

اینک اسامی تکایای تخت فولاد برحسب حروف نهجی با توجه به این نکته که بسیاری از این تکایا فعلا وجود ندارد (در سالهای اخیر و یا قبلا خراب شده است) .

اسامی تکایای تخت فولاد

در سالهای اخیر تمام گورستانهای اصفهان که در داخل شهر واقع شده بودند و مزار و مدفن بسیاری از علماء و بزرگان و فقهاء و مجتهدین و ادباء و شعراء و عرفاء و حکماء و فلاسفه بود یکی پس از دیگری بوسیله شهرداری تسطیح شده و از بسن رفت و از آنهمه آثار بزرگان جز نسامی در کتابها باقی نماند . تنها گورستانی که از نظر اهمیت و قدمت و هم از جهات دیگری بر همه آنها رجحان داشت یعنی قبرستان «تخت فولاد» باقی ماند که گورستان منحصر بفرد اصفهان بشمار میرفت آنهم در تاریخ اول اردی بهشت ماه سال ۱۳۶۳ مطابق با ۱۹ رجب ۱۴۰۴ . ه . ق از طرف شهرداری متروکه اعلان گردید و دفن اموات در آنجا ممنوع شد .

شهرداری در مرحله اول اظهار میکرد که در حفظ این گورستان می کوشد و آنرا از بین نمیرد لکن پس از مدتی خلاف آن ظاهر شد . مأمورین شروع در تخریب قبور و تکایا کردند البته با اسم ایجاد فضای سبز ، آب بقبور مؤمنین بستند که میخواهیم درخت کشت کنیم و در اثر آن قبورها را خراب کردند برای آب رسانیدن بدرخت قبورها را خراب کردند . دیوار تکیهها و اطاقهای آنرا خراب کردند و چون خود را وارث اموات میدانند کلیه مصالح ساختمانی آنرا از درها پنجرهها و تیر آهن همگی بغنیمت و شاید بعنوان اجرت خراب کردن بردند سنگ قبور مؤمنین و مؤمنات که بسیاری از آنها قیمتی و ارزشمند بود زیر بولدوزر خرد

و شکسته شد و نام همه این اعمال را خدمت نهادند و آنرا اصلاحات گفتند و مخالفین آنرا مخالف اصطلاحات خواندند .

اکنون که شهرداری در محو آثار تاریخی و علمی اصفهان اینگونه سعی و کوشا می‌باشد لازم است حد اقل برای بقای نسام آنهمه قبور فکری اندیشید و آن جز ثبت نام آنها راهی دیگر ندارد .

اینک بطور اجمال اسامی تکایای تخت فولاد را ذکر نموده و شرح حال و اسامی بزرگان مدفون در هر یک از آنها بکتابی دیگر نیزمند است .

سه تکیه از این تکایا مربوط به آقایان مسجد شاهی می‌باشد و آن عبارتست از:

۱ - تکیه حاج آقا جمال الدین نجفی

۲ - تکیه حجت نجفی : حاج شیخ مرتضی عماد الاسلام

۳ - تکیه مادر شاهزاده یاتکیه شیخ محمد تقی رازی

ذکر و حدیث : قبل از نامبردن از اسامی تکایا توجه خوانندگان محترم را بدو

حدیث زیر معطوف میدارم :

۱ - عن موسی بن جعفر علیهما السلام :

من لم یقدر ان یزور نافلیر صالحو موالینا یکتب له ثواب زیارتنا و من لم یقتدر علی صلتنا فلیصل علی صالحو موالینا یکتب له ثواب صلتنا . (ص ۳۱۹ باب ۱۰۵ حدیث اکامل الزیارات) .

عمر بن عثمان گوید از حضرت ابی الحسن اول شنیدم که فرمود :

هر کسی نمیتواند ما را زیارت کند (بزیارت قبر ما بیاید) پس صالحین دوستان ما را زیارت کند ثواب زیارت ما برای او نوشته میشود و آنکس که نمیتواند بما بیوندد بنکوکاران دوستان ما پیوند کند ثواب پیوستگی ما برای او نوشته میشود .
نجاشی درباره ابن راوی می‌نویسد . . . نقی الحدیث صحیح الحکایات

(ص ۲۰۴ نجاشی) .

۲ - عن اسحق بن عمار عن موسى بن جعفر عليهما السلام ، قال :

قلت له : المؤمن يعلم بمن يزور قبره ؟

قال : نعم ولا يزال مستأنساً به ما زال عنده فاذا قام وانصرف من قبره دخله من

انصرافه عن قبره وحشة . (ص ۲۲۱ باب ۱۰۵ حدیث ۹ کامل الزیارات)

اسحق بن عمار گوید بحضرت موسی بن جعفر علیه السلام عرض کردم :

آیا مؤمن کسیکه قبرش را زیارت می کند رامیداند ؟ حضرت فرمودند : بلی

اوتا وقتی که وی بر سر قبر اوست با او مانوس است و چون از قبر او برگشت

وحشت بر او داخل میشود .

نجاشی در باره این راوی گوید : شیخ من اصحابنا ثقة (ص ۵۱ رجال

نجاشی) .

استحباب زیارت قبور مؤمنین : استحباب زیارت قبور مؤمنین و فاتحه خواندن

جهت آنان و حاجت خواستن از خداوند تبارک و تعالی در نزد قبور آنها بخصوص

قبر پدر و مادر از جنبه شرعی و عقلی از امور مسلمه است که در آن بین کلیه مسلمین

خلافی نیست .

از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمودند : زوروا

موتاکم فانهم بفرحون بزیارتکم یعنی مرده های خود را زیارت کنید که آنان بزیارت

شما خوشنود می شوند .

برای دانستن آداب زیارت اهل قبور و کیفیت سلام کردن بر آنها بکتابهای

مربوطه باید مراجعه شود .

اینک اسامی تکایا (ممکن است نام عده ای از تکیه ها از قلم افتاده باشد و یا

بنامی دیگر شهرت داشته باشد) :

- ۱ - تکیه آغا باشی بین تکیه خاتون آبادی و تکیه سیدالعراقین (تکیه صوفیها)
- ۲ - تکیه سید ابو جعفر خادم الشریعه معروف به تکیه حاج آقا مجلس
- ۳ - تکیه حاج میرزا ابوالحسن بروجردی معروف به تکیه درکوشکی
- ۴ - تکیه سید اب-و القاسم موسوی خواجویی در ضلع شرقی خیابای فیض
نرسیده به تکیه جویباره ایها
- ۵ - تکیه میرزا ابو المعالی کلباسی
- ۶ - تکیه اشراقی (شیخ محمد تقی) جنب تکیه خونسار یها
- ۷ - تکیه امام جمعه نرسیده به تکیه سیدالعراقین ضلع جنوبی کوچه بعد
از تکیه توپسرکانی
- ۸ - تکیه امین - امین النجار مقبره علویه مجتهده افتخار همه زهای مسلمان
بانوی ایرانی حاجیه خانم امین
- ۹ - تکیه بابا رکن الدین قدیمترین اثر تاریخی در تخت فولاد . بقعه از آثار
تاریخی اصفهان
- ۱۰ - تکیه حاج آقا باقر قزوینی (دردشتی) معروف به تکیه خلیلیان
- ۱۱ - تکیه آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی صاحب روضات الجنات
- ۱۲ - تکیه بختیار یها در مجاورت تکیه میر
- ۱۳ - تکیه بروجنیه در مجاورت تکیه ملک جزو تکیه شهداء گردید
- ۱۴ - بقعه فیض
- ۱۵ - بقعه آقا محمد بید آبادی
- * بقعه محمد بیک از آثار عهد صفوی (ص ۲۷۴ تذکره نصر آبادی)
- ۱۶ - تکیه بهشتی در ضلع جنوب غربی مسجد مصلی (بفاصله جاده)
- ۱۷ - تکیه شیخ محمد تقی رازی معروف به : مادرشاهزاده

۱۸ - تکیه توپسرکانی

۱۹ - تکیه حاج محمد جعفر آباده‌ای

۲۰ - تکیه حاج آقا جمال الدین نجفی

* تکیه جویباره‌ایها تکیه فاضل سراب

۲۱ - تکیه جهانگیرخان قشقائی معروف به تکیه سید محمد ترک

۲۲ - تکیه حجت نجفی معروف به تکیه عماد الاسلام جنب تکیه حاج آقا

جمال الدین نجفی

۲۳ - تکیه آقا حسین خونساری معروف به تکیه خونساری بقعه از آثار

تاریخی اصفهان

۲۴ - تکیه خاتون آبادی مقابل غسالخانه قدیم بقعه از آثار تاریخی اصفهان

* - تکیه خلیلی یا حاج آقا باقر دردشتی

* - تکیه خونساریها یا تکیه آقا حسین خونساری

* - تکیه درکوشکی یا تکیه بروجردی

* - تکیه درویش صادق از تکایای عهد صفوی (ص ۲۱۱ تذکره نصرآبادی)

۲۵ - تکیه دهشی (عطاء الملك) از تکیه‌های خصوصی

۲۶ - تکیه راستی در جنوب تکیه خاتون آبادی (از تکیه‌های خصوصی)

۲۷ - تکیه آقا رضی در جنب تکیه آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی

۲۸ - تکیه میرزا رفیعا نائینی در اراضی فرودگاه واقع گردید (بقعه از آثار

تاریخی اصفهان)

۲۹ - تکیه زرگرا متصل به تکیه بهشتی و در شمال آن

۳۰ - تکیه زنجانی

۳۱ - تکیه شیخ زین الدین

- ۴۲ - تکیه سید العراقین
- ۴۳ - تکیه شمس (شیخ اسدالله گلپایگانی)
- ۴۴ - تکیه شهداء
- * - تکیه شهشانی یا تکیه جهانگیرخان قشقائی
- ۴۵ - تکیه صدر العلماء شمس آبادی صدرهاشمی
- ۴۶ - تکیه صدریها از تکابای خاوادگی جنب تکیه حاج آقا باقر دردشتی
- ۴۷ - تکیه فاضل سراب یا تکیه جویباره‌ای‌ها
- ۴۸ - تکیه کارونی
- ۴۹ - تکیه کرمانی در جنوب تکیه بهشتی
- ۴۰ - تکیه کوهی جنب تکیه معارفی
- ۴۱ - تکیه گزی‌ها (حاج محمد حسن گزی)
- ۴۲ - تکیه گلزار .
- ۴۳ - لسان الارض مقدسترین زمین تخت فولاد .
- ۴۴ - تکیه آقا سید محمد لطیف ابرقوئی خواجوئی .
- * تکیه ما در شاهزاده یا تکیه شیخ محمد تقی رازی .
- ۴۵ - تکیه شیخ مرتضی ربزی .
- ۴۶ - تکیه معارفی جنب تکیه زنجانی .
- ۴۷ - تکیه مقدس (حاج آقا محمد) .
- ۴۸ - تکیه ملك .
- ۴۹ - تکیه مهدوی (اعقاب سید محمد حسن مجتهد اصفهانی) .
- ۵۰ - تکیه میر فندرسکی (میر ابوالقاسم حکیم و عارف و ادیب و فیلسوف بزرگوار) .

۵۱ - تکیه میر محمد صادقیها (سادات میر محمد صادقی - مرحوم آقا سید
عبد الله ثقة الاسلام) .

۵۲ - تکیه واله یا والهیه مقبره آقا محمد کاظم ادیب عارف و شاعر ارجمند.

۵۳ - تکیه همدانیه مؤسس : خیریه همدانیان .

و بسیاری از مقابر خصوصی وابسته به افراد همچون :

۵۴ - مقبره یسا تکیه احمدیه متصل به تکیه میر محمد صادقیها مربوط به

مرحوم دکتر میرزا احمد خان محیی .

مقبره بدیعی - مقبره سپینا ادیب بزرگوار و شاعر ارجمند صاحب دیوان

اشعار و دیگر آثار - مقبره حاج فاتح الملك در جنوب تکیه مرحوم آقا شیخ

مرتضی ریزی و مقبره کسائی و دیگر مقابر .

قبوری که خارج از این نکایا و مقابر می باشند از علماء و بزرگان بسیار زیاد

و متجاوز از صدها تن فقیه و مجتهد - عالم و عارف - ادیب و شاعر - خطاط

و هنرمند در این گورستان خفته اند که اکنون شهرداری با قدرت هر چه تمامتر

در محو آثار آنان می کوشد و بسا این کیفیت اگر مانعی در پیش نیاید تا یکی دو

سال دیگر فقط نامی از تخت فولاد در کتابها باقی خواهد ماند لعل الله بحدث

بعد ذلك امرا .

ذکر چند نکته

در خاتمه توجه خوانندگان را بنکات زیر معطوف میدارد :

۱ - از رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم روایت شده است که فرمودند:

اذکروا محاسن موتاکم و کفوا عن مساویهم .

خوبیهای مردگان را یاد کنید و از بدیهایشان چشم پوشید (نهج الفصاحه)

اصل درباره علماء ودانشمندان عدالت وایمان است (یعنی ما همه آنان را مؤمن واقعی و عادل می شناسیم) مگر آنکه خلاف آن به ادله شرعیه ثابت شود آنهم اگر بطور کلی غیر ممکن نباشد بسیار مشکل است زیرا طبق دستور بزرگان دین باید برای هر کاری راهی شرعی و محمل صحت پیدا کرد و آنرا بوجهی تعبیر کرد و در غیر این صورت اظهار عدم اطلاع و علم نمود و بدون دلیل قاطع اظهار نظر نکرد . برای بزرگ جلوه دادن فردی بدیگران تهمت نزد واهانت ننمود . از روی ظن و گمان چیزی نگفت و ننوشت و متوجه بود که : ان الظن لا یغنی عن الحق شیئاً (سورة النجم آیه ۲۷) و مسلمان نباید با حدی خاصه بعلماء و مجتهدین گمان بد داشته باشد که خداوند میفرماید : ان بعض الظن اثم (سورة الحجرات آیه ۱۲) . آنچه درباره افراد مسی شنویم تحقیق نکرده نگوئیم و ننویسیم و آنچه نقل می کنیم را بصاحب آن گفته ها نسبت دهیم که بصلاح دنیا و آخرت ما می باشد .

در قرآن مجید می فرماید : ان جاء کم فاسق بنیاء فبیینوا (سورة الحجرات آیه ۶) آنکس که بهمه علماء توهین می کند و از آنان عیب جوئی می نماید و نسبت بدو ناروا بدانها می دهد بی گمان فاسق است و گفتار او بدون دلیل منطقی پذیرفته نیست .

در این کتاب سعی شده است که کلیه مطالب با ذکر مأخذ نقل شود و درباره علماء خود قضاوت و داوری نکنم . اهل تحقیق با مطالعه کتابهای مختلف نه يك و دو کتاب که موافق یا مخالف نوشته است درباره اشخاص قضاوت و داوری می کنند (اگر اغراض نفسانی چشم و گوش آنها را نیسته باشد) .

۲ - جبران ما فات :

در جلد دوم ضمن گاه دوستانه از مجله نور علم نوشتیم که :

الف : مجله نامبرده نام نویسنده مقاله را حذف کرده است . (شماره ۹ دوره دوم خرداد ۱۳۶۶ شماره مسلسل ۲۱) .

ب : نام دو نفر از شاگردان مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی را ظاهراً بخاطر عدم توافق فکری حذف کرده است و این دو از مؤلفین معروفند و کتابها و رسائل متعدد از ایشان بچاپ رسیده ردر همه جا خود را بعنوان شاگرد مرحوم آقا شیخ محمد رضا ابوالمجد نجفی معرفی کرده اند .

مجله نامبرده در شماره (۱۲) دوره دوم منتشر شده در دیماه ۱۳۶۶ شماره مسلسل ۲۴ ضمن فهرست مطالب سالیانه (ص ۱۴۹) نام نویسنده مقاله نامبرده ذکر شده است بدین وسیله پس از پوزش از گذشته از یاد آوری آقایان تشکر نموده موفقیت آنها را خواهانم .

۳ - در طی مجلات سه گانه احادیث زیادی نقل گردیده است اینک بعنوان: واما بنعمت ربك فحدث می گویم نویسنده با عدم قابلیت از عده ای از آیات عظام و حجج اسلام در نقل احادیث اجازه یافته ام که اولین آنها مرحوم عالم محقق متبوع بصیر حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی می باشد در تاریخ ۲۳ محرم الحرام سال ۱۳۶۳ در نجف اشرف در منزل ایشان رحمه الله علیه . اسامی دیگر مشایخ اجازه ام را در جای دیگر نقل خواهم کرد .

سپاس و تشکر و اعتذار

خداوند تبارك و تعالی را سپاسگزارم و او را ستایش می کنم که با همه ناراحتیهای حاصله از وضع زمان و جنگ خانمانسوز و بنیان کن به این بنده خود توفیق عنایت فرمود که مجلدات سه گانه کتاب را همانگونه که در نظر داشت بپایان برساند لله الحمد وله الشکر

از کلیه کسانی که مرا در این راه کمک کرده‌اند تشکر می‌کنم بخصوص از آیه الله زاده بزرگوار فاضل محترم و دانشمند مکرم آقای آقا شیخ محمد هادی نجفی که در کلیه مدت تألیف که قریب سه سال بطول انجامید پیوسته مرا مشوق بوده و کلیه کتابهای لازم را تهیه فرموده و در اختیار نویسنده قرار دادند صمیمانه تشکر می‌کنم .

از دوست بزرگوار دانشمند فرزانه جناب آقای مرتضی تیموری رئیس کتابخانه دانشگاه اصفهان که از راه لطف و مرحمت و هم از راه علاقه بعلم و روحانیت کلیه فهرستهای این مجموعه را تنظیم نمودند کمال تشکر و قدر دانی نموده دوام عمر و توفیقات ایشان را در راه خدمت به علم و علماء از خداوند منان مسئلت دارم .

ناگفته نگذارم که جناب آقای تیموری منحصرأ از راه علاقمندی بکتاب و کتابخانه از بدو تأسیس کتابخانه علامه مجلسی بدون چشم داشت بجنبه‌های مادی ریاست کتابخانه را قبول فرموده و آن مؤسسه جدید التأسیس را بهترین وجه ایجاد و تکمیل و مرتب و منظم نموده که اکنون یکی از کتابخانه‌های آبرومند اصفهان بشمار میرود و شایستگی نام پر افتخار « علامه مجلسی » را یافته است .

اگر در بین نوشته‌های من خدای نخواستہ نسبت باحدی (زنده یا مرده) سوء ادبی شده باشد از او پوزش طلبیده و بصراحت از آنان معذرت می‌طلبم و از خدای بزرگ طلب آمرزش می‌کنم انه غفور رحیم .

واخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین

سید مصلح الدین مهدوی

استدراك

پس از تنظیم مطالب جلد یکم و دوم و پا کنویس آنها مطالب چندی بنظر رسید که ذکر آنها اگر ضروری و لازم نمی نمود از فایده‌تی نیز خالی نبود بنابراین در آخر جلد سوم آن مطالب را بر حسب ترتیب صفحات کتاب مرتب کرده و یاد آورم بشوم. یادی از گذشته : بخاطر دارم در سال‌هاییکه بیشتر ایام یا قبل از ظهر از کتابخانه شهرداری و یا در بعد از ظهرها جهت کسب فیض و درک محضر مرحوم معلم حبیب آبادی بخدمتش میرسیدم و راستی که چه ساعت‌های زودگذری بود و من غافل که آنچنان که بـاید و شاید از محضرش استفاده نکردم . خداوند او را غریق بحار رحمت بیکران‌ش فرماید و مرا نیز در این آخر عمر بیدار کار خود نماید بمنه و کرمه چندین مرتبه این موضوع را بیان داشت :

او از قول مرحوم حاج شیخ محمد باقر الفت می گفت :

انسان کتابی - رساله‌ای و یا مقاله‌ای می نویسد و سعی می کند که مطالب آن همگان مستند باشد بعداً خود متوجه میشود که یا ناقص نوشته و یا اشتباه نقل کرده در صدد اصلاح آن برمیآید و اینکار انجام میشود پس از گذشت زمانی دیگر باره به اشتباهات و نواقصی برخورد می کند و این حالت تا مؤقبعکه کتاب یا رساله

و مقاله در اختیار اوست ادامه دارد و تکرار میشود . اما اگر دیگری از آن نسخه برداشت و یا بچاپ رسید وقت تصرف و اضافه و نقصان کردن مطالب گذشته است و الحق چه سخن بجائی . خداوند همه ما را از خطای در نقل مطالب محفوظ بدارد انه هو العاصم .

در (صفحه ۱۵۵ یکم) نام بیست و چهار نفر از شاگردان و مجازین از مرحوم شیخ محمد تقی رازی صاحب حاشیه را ذکر نمودیم اینک گوئیم :

۲۵ - میر محمد بن میر محمد حسین حسینی شهرستانی حائری متوفی حدود سال ۱۲۹۰ مجاز از : شیخ محمد تقی و پدرش میر محمد حسین شهرستانی و سید محمد تقصیر و مرحوم آقا سید محمد مجاهد کربلائی بوده است (ص ۲۲ یازدهم الذریعه) .

اسامی جمعی دیگر از شاگردان مرحوم حاج شیخ محمد باقر نجفی : در صفحه ۳۲۰ جلد یکم کتاب حاضر به اسامی ۷۱ نفر از شاگردان مرحوم شیخ اشاره کردیم اینک نام چند تن دیگر را یاد آور می شویم .

۷۲ - مرحوم آقا میرزا محمد ابراهیم چهار سوقی فرزند میر محمد صادق بن حاج میرزا زین العابدین موسوی خونساری (۱۲۶۹ - ۱۳۳۱) شرح او در مقدمه مناهج المعارف (صفحه ۲۹۶) ذکر شده و اشاره به شاگردی ایشان نزد مرحوم شیخ گردیده است .

۷۳ - علامه زاهد آقا میرزا محمد باقر چهار سوقی مؤلف روضات الجنات در مقدمه مناهج المعارف (ص دو بیست و چهل) ویرا از مجازین از مرحوم شیخ محمد باقر ذکر می کند .

مرحوم معلم حبیب آبادی در مسکرم الآثار (ص ۸۰۳ سوم) نام یازده نفر از اساتید و مشایخ مرحوم صاحب روضات را ذکر می کند و از مرحوم شیخ نامی نمیبرد .

۷۴ - مرحوم میرزا عطاء الله (ابو القاسم سدید الدین) فرزند مرحوم آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی صاحب روضات الجنات (۱۲۶۶ - ۱۳۳۵) در مقدمه کتاب مناہج المعارف (ص ۲۸۲) مرحوم حاج شیخ محمد باقر را از جمله اساتید او ذکر می کند .

۷۵ - حاج میر سید علی چهارسوقی فرزند حاج میرزا محمد بن علامه حاج میرزا زین العابدین خونساری چهار سوقی اصفهان (۱۲۴۷ - ۱۳۲۶) در مقدمه مناہج المعارف (ص ۲۳۰) ویرا از شاگردان مرحوم شیخ می نویسد .

۷۶ - مرحوم آقا سید محمود خونساری فرزند سید ابوالقاسم جعفر بن سید محمد مهدی صاحب رساله ابوبصیر (۱۲۶۵ - ۱۳۰۰) برادر مرحوم علامه آقا سید ابوتراب خونساری نجفی در مقدمه مناہج المعارف (ص ۱۹۰) ویرا شاگرد و مجاز از مرحوم حاج شیخ محمد باقر نجفی می نویسد تاریخ اجازة (۱۲۹۸) .

۷۷ - مرحوم آقا میرزا محمد مسیح چهار سوقی فرزند مرحوم آقا میرزا محمد باقر صاحب روضات الجنات (۱۲۵۵ - ۱۳۲۵) در مقدمه کتاب مناہج العرفان (صفحه ۲۵۲) مرحوم شیخ محمد باقر نجفی را جزو اساتید او نام برده است .

۷۸ - مرحوم آقا میرزا هدایت الله چهار سوقی فرزند علامه جلیل آقا میرزا محمد باقر صاحب روضات الجنات (۱۲۷۱ - ۱۳۴۵) در مقدمه مناہج المعارف مرحوم حاج شیخ محمد باقر را از اساتید آن مرحوم ذکر می کند .

در (صفحه ۳۲۴ یکم) ضمن اسامی شاگردان مرحوم حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی نوشتیم که :

۵۶ - حاج سید فخرالدین رضوی خونساری اکنون بجهت تکمیل و توضیح

گوئیم :

مرحوم حاج سید فخر الدین خونساری از سادات موسوی و نسب شریفش

بدینقرار است :

حاج سید فخر الدین بن سید محمد رضا (۱۲۴۶ - ۱۰۰۰) فرزند سید

محمد مهدی صاحب رساله ابوبصیر فرزند سید حسن بن سید حسین بن میر ابو-

القاسم موسوی خونساری .

در ۱۶ ربیع الثانی سال ۱۲۷۳ متولد گردیده و نزد حاج شیخ محمد باقر

مسجد شاهی و آقا میرزا ابوالمعالی کلباسی و آقا میرزا محمد هاشم چهار سوقی

تلمذ کرده در ۲۳ محرم الحرام سال ۱۳۴۸ وفات یافته در جنب مرحوم جهانگیر

خان قشقائی در تخت فولاد مدفون گردید (ص ۴۵۸ دانشمندان و بزرگان اصفهان -

صفحه دو یست و دو مقدمه مناهج المعارف) .

آن مرحوم دارای چندین فرزند پسر بود از آنجمله : ۱ - حاج آقا جلال

الدین فار قلیطی از شاگردان مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی ۲ - آقای جمال

الدین رضوان از ایسانسیه‌های دانشسرایعالی طهران از اساتید و معلمین نویسنده

ناچیز .

توضیح در (صفحه ۳۶۵ یکم) شماره ۶۸ ضمن شاگردان مرحوم آقا نجفی

نیز ذکری از آن مرحوم شده است .

در (صفحه ۳۲۵ یکم) اسامی تالیفات مرحوم حاج شیخ محمد باقر مسجد

شاهی را ذکر کردیم اکنون گوئیم :

۶ - شرح حجیت مظنه از کتاب هدایة المسترشذین .

آغاز : الحمد لله الذی شرح صدور العلماء العالمین باشراف انوار الیقین .

نسخه در کتابخانه مرحوم شیخ الشریعه اصفهانی بنظر علامه طهرانی رسیده و تاریخ نسخه ۱۲۷۹ می باشد (باید تطبیق و تحقیق شود که این رساله همان رساله در حجیت مظنه است یا رساله دیگری می باشد) نسخه قریب ۱۲۰۰ بیت می باشد (ص ۱۸۵ سیزدهم الذریعه) .

اساتید آقا نجفی :

در (صفحه ۳۵۰ یکم) نام پنج نفر از اساتید آقای نجفی را ذکر نمودیم اینک گوئیم :

۶ - سید محمد حسن خونساری

در مقدمه کتاب : مناہج المعارف (صفحه یکصد و نود و شش) از قول مرحوم حاج شیخ محمد باقر الفت می نویسد :

پدرم (یعنی آقا نجفی) مرحوم آقا سید محمد حسن را بخواه ما دعوت کرد و او تقریباً مدت دو سال در منزل پدرم بود شبهابه او علوم غریبه می آموخت و روزها من در خدمتش با پدر تحصیل می کردم .

در مقدمه مناہج المعارف و همچنین در نقباء البشر (ص ۴۵۲ یکم) ویرا عنوان کرده اند و شرح حال او در آندو کتاب نوشته شده است ویرا تألیفات چندی است که از آنجمله است : ۱ - تدوین الاثار در احوال علماء خونسار و دیوان اشعار با تخلص و غریب و منظومه در صرف و منظومه در نحو و منظومه ای در اصول فقه و غیره مشار الیه در سال ۱۳۳۶ (در نقباء البشر ۱۳۳۷ می نویسد) در اراک وفات یافته و در جنب امامزاده مدفون گردید علامه طهرانی در سنین عمر او را هنگام وفات چهل و چند سال می نویسد .

صاحب عنوان برادر مرحوم آیت الله العظمی حاج سید احمد خونساری فرزند سید یوسف بن سید بابا فرزند سید محمد مهدی صاحب رساله ابوبصیر

می باشد رحمة الله عليه .

برخی دیگر از شاگردان مرحوم آقا نجفی علیه الرحمه .

در صفحه (۳۶۱ یکم) اسامی ۸۸ نفر از شاگردان مرحوم آقای نجفی را نام بردیم اکنون اضافه می کنیم :

۸۹ - مرحوم آقا میرزا احمد فرزند علامه فقیه زاهد آقا میرزا محمد باقر صاحب روضات الجنات (۱۲۶۳ - ۱۳۴۱) در اصفهان متولد گردیده و خدمت جمعی از بزرگان نامذ نموده که از آن جمله است ۱ - آقا سید ابراهیم معروف بهندی ۲ - مرحوم آقا میرزا محمد باقر پدر بزرگوارش ۳ - مرحوم آقا میرزا محمد هاشم چهار سوقی عم گرامیش و از مرحوم آیت الله حاج سید اسماعیل صدر و مرحوم آقای نجفی حاج شیخ محمد تقی اعلی الله مقامهما اجازه داشته است عالمی عابد و زاهد و منزوی و کلبه امور ریاست از تدریس و جماعت و منبر اعراض داشته از آثارش : ۱ - حواشی بر شرایع ۲ - مجموعه ای در ادعیه و اذکار می باشد که بخط بسیار زیبای خود نوشته است وی در سال ۱۳۴۱ پس از سالها مجاورت در نجف اشرف در آن ارض مقدس وفات یافته در وادی السلام در جنب مقبره مرحوم آقا میرزا محمد هاشم چهار سوقی عموی محترم و پدر زن خود مدفون گردید رحمة الله علیه (صفحه دو یست و هفتاد و شش مقدمه مناهج المعارف) .

۹۰ - شیخ محمد حسن گلپایگانی فرزند مولی محمد حسین عالم فقیه سالها در اصفهان در خدمت شیخ محمد تقی (آقا نجفی) و دیگران تحصیل نموده سپس بمولد خود مراجعت کرده و بانجام و ظائف شرعی و روحانی قیام نموده از جمله علماء اختیار و ائمه جماعت مورد اعتماد و وثوق بوده در حدود سال ۱۳۱۵ وفات یافته است (ص ۳۹۵ یکم نقباء البشر) .

۹۱ - مرحوم حاج میرزا محمد حسین ملاذ روضاتی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۲) فرزند

مرحوم آقا میرزا احمد سالف الترجمه از علماء اخیار و فضلاء ابرار در اصفهان متولد گردیده و در اصفهان و نجف در خدمت اساتید بزرگوار تحصیل نموده از جمعی از بزرگان اجازه داشته اساتید او عبارتند از : ۱ - حاج ملا ابوالقاسم زفره‌ای معروف به حاج آخوند ۲ - آقا میرزا احمد مدرس ۳ - مرحوم حاج سید اسماعیل صدر در کربلا ۴ - مرحوم حاج شیخ محمد تقی آقا نجفی ۵ - حکیم بزرگوار مرحوم جهانگیر خان قشقائی ۶ - ملا عبدالکریم گزی (آخوندگزی) ۷ - مرحوم حاج میرزا فتح الله شیخ الشریعه اصفهانی در نجف ۸ - آقا سید محمود کلیشادی معروف به سید مغنی گو ۹ - مرحوم آقا سید مهدی درچه‌ای ۱۰ - آقا میرزا یحیی مدرس بید آبادی و از حضرات آیات عظام : ۱ - آقا سید ابوالحسن اصفهانی ۲ - مرحوم ملا محمد حسین فشارکی (آخوند فشارکی) ۳ - مرحوم آقا سید محمد کاظم یزدی رحمه الله علیهم اجمعین .

مرحوم حاج میرزا محمد حسین ملاذ روضاتی پس از هشتاد سال عمر که در علم و عمل که بسر آمد وفات یافته در بقعه جد خویش صاحب روضات الجنات تخت فولاد مدفون گردید . (ص ۲۸۰ مقدمه منهاج المعارف) .

۹۲ - سید کمال الدین خونساری معروف به میرزا آقا فرزند سید محمد علی رضوی دولت آبادی در نجف از خواص اصحاب مولی حسینقلی همدانی بوده و خدمت حاج میرزا حسین خلیلی تلمذ نموده و از حاج محمد تقی آقا نجفی و حاج میرزا حسین خلیلی و حاج میرزا حسین نوری اجازه روایت داشته و همچنین از ملا حسینقلی همدانی و آخوند ملا فتح علی سلطان آبادی (اراکی) در قرائت کتاب صحیفه سجاده اجازه داشته است از تألیفات و آثار او : ۱ - اشارات در امامت بچاپ رسیده ۲ - تقریرات در قفه و اصول است در ۱۳۲۸ در نجف اشرف وفات یافته است (ص ۱۶۹ یکم نقباء البشر)

در صفحه (۳۶۶ یکم) نام ۹۵ کتاب و رساله از تألیفات مرحوم آقای نجفی را ذکر کردیم و گفتیم که چندین کتاب و رساله نیز بنام ایشان شهرت یافته که از دیگران است و بنام آنها نیز اشاره شد که عبارتست از : ۱ - آداب العارفين ۲ - ترجمه انوار نعمانیه ۳ - ترجمه تأویل الایات الباهره ۴ - تلخیص الانوار ۵ - جامع الاسرار (دو کتاب بنام جامع الاسرار ضمن تألیفات مرحوم آقا نجفی ذکر شد که یکی از آنها تألیف خود ایشان و دیگری از دیگری است) ۶ - حسام الشیعه ۷ - رساله در مواریث ۸ - فضائل الائمه علیهم السلام .

اکنون گوئیم در کتابخانه حضرت آیت الله مرعشی نجفی در قم مجموعه‌ای است بشماره (۵۴۴۶) شامل دو کتاب :

۱ - ترجمه اصول کافی ۲ - ترجمه مجلد ۱۷ بحار الانوار هردو از آثار مرحوم شیخ عباس بن احمد خونساری (اصفهانی) بخط مؤلف (ص ۲۳۰ چهاردهم فهرست کتابخانه مرعشی نجفی - قم) .

نویسنده گوید : محتمل است که این دو ترجمه همان دو کتابی است که بنام مرحوم آقا نجفی شهرت یافته است برای ثبوت و عدم آن باید هردو نسخه بایکدیگر برابری شود .

تذکر : مقام اجتماعی و شهرت و شخصیت مرحوم آقای نجفی ویرا از اینکه کتاب دیگران را بنام خود چاپ کند بی نیاز ساخته است . بلکه موضوع چاپ کتابها : ارجاع مؤلفین و مترجمین آنهاست به مرحوم آقای نجفی و خود آنها برای آنکه زحماتشان هدر نرود با اصرار به ایشان واگذار کرده و وجهی در مقابل دریافت کرده است .

در (صفحه ۳۵ یکم) عده‌ای از مجتهدین و علماء شهرهای ایران را که در موضوع مبارزه علیه امتیاز تنباکو و لغو آن اقداماتی نموده‌اند را از : اصفهان - طهران -

تبریز - سبزوار - شیراز و یزد را ذکر نمودیم اینک جهت تکمیل مطب بدو عالم بزرگوار از مجتهدین شهر مشهد مقدس اشاره می‌کنیم که اینان همچون دیگر علماء در آن لحظات حساس و سرنوشت ساز بوظیفه دینی و اجتماعی خود همچون دیگر علماء اقدام نموده و با ایراد سخنرانیها و نشر اعلامیه‌ها و صدور بیانیه‌ها و ارسال تلگرافات به شاه و دربار و دولت خواستار لغو امتیاز و خروج فوری و ابستگان به کمپانی رژی را نمودند و در بیداری و هشیاری مردم سعی بسیار کردند و آنان :

۱ - مرحوم عالم جلیل شیخ محمد تقی بجنوردی از اکابر علماء و فقهاء و از جمله شاگردان صاحب جواهر و حاج شیخ مرتضی انصاری بوده و پس از رسیدن بمقام اجتهاد به مشهد مقدس مراجعت نموده و باقامه جماعت و تدریس پرداخته و در نهضت مبارزه علیه استعمار خارجی و استبداد داخلی سعی و جهد وافیه فرموده سرانجام در شب ۱۴ صفر سال ۱۳۱۴ در مشهد مقدس وفات یافته در دارالسیاده مبارکه مدفون گردید . علامه طهرانی در نقباء البشر (ص ۲۴۸ یکم) ویرا عنوان فرموده و پس از تجلیل از مقام علمی و زهد و تقوای او و فائش را بسال ۱۳۱۲ می‌نویسد لکن دانشمند گرامی جناب حاج شیخ محمد باقر ساعدی در ضمائم تاریخ خراسان (ص ۲۵۷) و خطیب ارجمند آفای حاج شیخ حسین جلالی شاهرودی در : وفيات العلماء و مرحوم معلم حبیب آبادی در نمونه مختصر المکارم وفيات ویرا در ۱۳۱۴ می‌نویسند و ظاهراً این تاویخ صحیح می‌باشد .

۲ - مرحوم حاج میرزا حبیب الله شهیدی (۱۲۶۶ - ۱۳۲۷) فرزند حاج میرزا هاشم بن میرزا هدایت الله بن میرزا محمد مهدی شهید اصفهانی خراسانی . علامه طهرانی در نقباء البشر (ص ۳۶۳ تکم) و در هدیه الرازی (ص ۱۲۴ ترجمه هدیه) ویرا عنوان فرموده و مقامات علمی او را ستوده و از تألیفاتش :

۱ - تعادل و تراجم ۲ - لباس مشکوک از تقریرات جناب میرزای شیرازی استاد بزرگوارش را نام برده است .

مرحوم حاج میرزا حبیب الله شهیدی علاوه بر تبحر در علوم فقه و اصول و تفسیر و حدیث شاعری بلند پایه و ادیبی مشهور و صاحب دیوان اشعار با تخلص حبیب می باشد و فاتهش را مرحوم معلم حبیب آبادی در ۲۷ شعبان المعظم سال ۱۳۲۷ در مشهد مقدس می نویسد .

ذکر اسامی این علماء بزرگوار که عموماً از علماء و مجتهدین طراز اول شهرها و رؤساء حوزه های علمیه و لایات می باشند علاوه بر یادآوری از خدمات اجتماعی آنانست جهت آشنائی نسل جوان می باشد که بدانند علماء شیعہ در هر عصر و زمان با استبداد داخلی و استعمار خارجی مخالف بوده و در این راه از مبارزه مثبت و منفی هیچگاه غافل نبوده اند . سایر علماء و لایات نیز در این امر خطیر (مبارزه علیه قرار داد تنباکو) متحد و متفق بوده و اگر احیاناً بنام دانشمندی بر خورد می کنیم که یا مخالف با مبارزه و یا در این امر سکوت می کرده تا موقعی است که حکم تحریم از طرف جناب میرزا صادر نشده است بعد از آن حکم دیگر احدی از روحانیون مخالفت نکرده و همگان در يك صف بمبارزه پرداخته تا پیروز شدند .

در (ص ۵۲۴ یکم) به چند دسته از مخالفین مرحوم آقای نجفی و علت مخالفت آنها اشاره کردیم و گفتیم که بزرگترین و مهمترین گروه مخالف با مرحوم آقا نجفی منحرفین و مرتدین از قبیل از لیها و بایبها و بهائیا می باشند آنان در هر محفل و مجلس علیه عموم علماء اسلام و بالخصوص آقای نجفی و پدر بزرگوارش که در دفع و رفع غائله بهائیان (بایان) اقداماتی کرده و حکم بقتل عده ای از آنها که ارتدادشان از نظر شرعی ثابت شده داده اند و نسبت بعهده ای نیز اجرا گردیده

است سخت مخالف بوده و آنان را بیدی یاد کرده اند .

میرزا حسینعلی نوری معروف بیها رئیس فرقه گمراه بهائی (۱۲۳۲ - ۱۳۰۹) و فرزندش عباس افندی معروف بعبد البها (۱۲۶۵ - ۱۳۴۰) دو نوکر سر سپرده استعمار با جمیع علماء اسلام مخالف بودند فرد دوم در یکی از نامه هایش به مریدان و تابعین خود که آنان را « اغنام الله » خوانده (و حقیقتاً اسم بی مسمائی است و تشبیه بموردی که آنها را گوسفند دانسته) بنام : « لوح ابن الذئب » که مرحوم شیخ بزرگوار را گرگ و فرزند عالیقدرش را گرگ زاده : خوانده است نسبت به اینان بغض و کینه خود را آشکار ساخته است . بهائیان مطالب ابن اوح را در بین مردم منتشر کردند و چون عموماً شناخته نمیشدند حرف آنها شهرت یافت و جمعی از مردم زود باور آنرا تصدیق کردند و حال آنکه :

وقتی عالمی بزرگوار همچون مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی و یا مرحوم حاج شیخ مهدی مسجد شاهی که در عدالتشان سخنی نیست و همگن آنها را بصفت عدالت می ستایند عموی بزرگوار خود را عادل بدانند دیگر جای سخن بر دیگران نیست و باید گفتار مخالفین را حمل بر غرض و یا بی اطلاعی و تحت تأثیر گفتار مخالفین قرار گرفتن دانست .

حاج آقا نور الله در قم : در جلد دوم راجع بمهاجرت مرحوم ثقة الاسلام حاج آقا نور الله تجفی بقم و علت و اثرات آن تا آن حد که گنجایش داشت مطالبی نقل کردیم . اینک جهت تکمیل مطالب گوئیم :

مرحوم ثقة الاسلام در ایام توقف شش ماهه در شهر قم بر حسب مقتضیات و هم بملت خواهش عده ای از فضلاء حوزه شروع بتدریس نمود . وی در مبحث « ضمان » از کتب فقهیه مباحثه مینمود و چند تن از حاضرین تقریرات ایشان را می نوشته اند که از آن جمله است حضرت آیت الله العظمی آقای حاج سید شهاب الدین

مرعشی نجفی بنا بفرموده خود ایشان بنقل از حجة الاسلام زاده محترم آقای آقا شیخ هادی نجفی سلمه الله تعالی .

اسامی برخی از انجمن های اصفهان : در (صفحة ۵۲ دوم) کتاب حاضر نامی از انجمن ولایتی اصفهان برده شد اینک جهت مزید آگاهی خوانندگان از اوضاع اصفهان در آن سال می نویسد :

مرحوم انصاری در « تاریخ اصفهان وری » در ضمن وقایع سال ۱۳۲۵ پس از بیان خبر مخالفت مجلس با شاه (ص ۳۵۲ قسمت پائین صفحه) می نویسد :
انجمن ها در اصفهان و بلوکات منعقد گردید : چنانچه قریه اسفید واجان مهری باندازه نعلبکی ساخته بر روی آن نوشته بودند : مجلس مقدس دار الشورای ملی اسفید واجان کرون .»

اینک اسامی برخی از انجمن های اصفهان نقل از : تاریخ جرائد و مجلات (ص ۲۹۰ جلد اول) این انجمن ها در ذی حجه ۱۳۲۵ در اصفهان دائر بوده است .

انجمن اخلاص - انجمن اخوت - انجمن اشراف - انجمن اصناف - انجمن الفت خلیج - انجمن انصار - انجمن ایمانیه - انجمن برادری - انجمن جمفری - انجمن حقیقت - انجمن شرافت - انجمن صدریه - انجمن علیه - انجمن قدسیه - انجمن شورای ملی اصفهان - انجمن مجاهدین - انجمن مرکزی - انجمن مروت - انجمن معارف - انجمن مقدس ملی - انجمن مودت - انجمن مهدویه و شاید انجمن های دیگری که اینان همگی غیر از انجمن ولایتی بوده است .

روزنامه انجمن : آزادیخواهان و مشروطه طلبان اصفهان برای بیان عقاید و افکار خود و آماده ساختن اجتماع به نشر روزنامه ای بنام : روزنامه انجمن

اصفهان و بعداً : انجمن مقدس ملی اصفهان و سپس بانجمن مقدس ولایتی اصفهان اقدام نمودند .

مدیر مسئول این روزنامه مرحوم آقا سراج الدین صدر جبل عاملی موسوی و دبیر آن مرحوم نجم الواعظین موسوی و ناظم و تحویلدار آن میرزا محمد سعید نائینی مدیر مطبعه سعادت (در برخی از شماره‌ها دبیر : میرزا محمد علی علم) معرفی شده و مدت پنج سال مرتباً انتشار یافته است .

تاریخ آخرین شماره آن : پنج شنبه ۷ ذی الحجه سال ۱۳۲۹ مطابق نوامبر ۱۹۱۱ و شماره آن ۱۱ می باشد مطالب این روزنامه مذاکرات انجمن ملی بوده و مرحوم صدر هاشمی در تاریخ جرائد و مجلات (ص ۲۹۲ جلد اول) پس از شرح مفصلی که راجع به روزنامه و جزئیات آن می نویسد اضافه می کند که : برای اطلاع از وقایع تاریخ مشروطیت و جریان حوادث آن در اصفهان روزنامه انجمن یکی از بهترین و معتبرترین مدارك موجود می باشد . . .

اعضاء انجمن ملی : اعضاء انجمن افرادی منور الفکر و آزادیخواه بودند که زیر نظر :

- ۱ - مرحوم ثقة الاسلام حاج شیخ نورالله نجفی و باعضویت :
- ۲ - شیخ الاسلام
- ۳ - میرزا رضا خان نائینی
- ۴ - محاسب الدوله
- ۵ - حاج مشیر الملک نائینی و جمعی دیگر فعالیت میکردند البته افراد زیر :
- ۶ - آقا سراج الدین صدر عاملی
- ۷ - آقا جمال الدین صدر عاملی
- ۸ - سید محمد نجم الواعظین موسوی

۹ - حاج سید سعید طباطبائی نائینی

۱۰ - میرزا محمد علی عالم نائینی نیز در انجمن فعالیت مبرکده‌اند .

اسامی برخی دیگر از شاگردان و مجازین از مرحوم آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی: در (صفحه ۲۶۴ دوم) کتاب حاضر اسامی ۱۹ نفر از شاگردان آن علامه جلیل در قم و نام ۷۷ نفر از شاگردان و مجازین از ایشان در اصفهان (جمعاً ۹۶ نفر) ذکر شد اینک جهت تکمیل مطالب یاد شده بذکر اسامی شریف افراد زیر میادرت می‌شود :

۱ - مرحوم حاج آقا حسن امامی سدهی فرزند مرحوم حاج میر سید علی (حدود ۱۲۶۴ - ۱۳۵۸) فرزند سید مهدی بن اسماعیل دیباجی فروشانی معرف به : حاج آقا عالم فاضل ادیب کامل در ۱۳۲۰ . ق در فروشان سده ماربین متولد گردیده در مولد خود و اصفهان و قم و مشهد و نجف اشرف در نزد بزرگان و مجتهدین تلمذ نموده تا بمقام شامخ اجتهاد رسیده و در سال ۱۳۶۷ بقم مهاجرت کرده (پس از مراجعت از نجف اشرف) و با مر مرحوم آیت الله العظمی آقای بروجردی باتفاق دو عالم جلیل مرحوم حاج آقا عطاء الله اشرفی و فقیه بزرگوار آقا شیخ عبد الجواد جبل عاملی سدهی به کرمانشاه رفته و حوزه علمیه آن شهر را تأسیس و منظم کرده پس از چندین سال خود و آقای جبل عاملی مراجعت بقم کرده و سپس آقای امامی باصفهان و سده معاودت فرموده و به اقامه جماعت و نشر احکام و ترویج شریعت پرداخته . وی بعربی و فارسی در کمال سلامت و روانی شعر میسروده و علاوه بر دیوان اشعاریک دوره کامل فقه تألیف فرموده که بچاپ نرسیده است . در کتاب : گنجینه دانشمندان (ص ۳۴۷ هفتم) نام چهارده نفر از اساتید آن بزرگوار مذکور است که از آنجمله است مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی .

۲ - مرحوم حاج شیخ حیدر علی صلواتی فرزند مرحوم حاج قدیر علی مداح الائمه فرزند ملا هاشم بن ملا مهدی سدهی اصفهانی عالم فاضل زاهد واعظ جلیل عابد در سال ۱۳۲۱ در محله شمس آباد خوزان از سده ماربن متولد گردیده و در نزد عده‌ای از بزرگان علم و دانش و فحول علماء و مجتهدین در اصفهان و قم تلمذ نموده که از آن جمله است : ۱ - مرحوم حاج میرزا رضا کلباسی ۲ - مرحوم حاج آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی ۳ - حاج آقا صدر الدین کوپائی ۴ - مرحوم آیت الله حاج میر سید علی نجف آبادی ۵ - مرحوم آیت الله آقا سید محمد نجف آبادی ۶ - مرحوم حاج شیخ محمود مفید و در قسم در خدمت مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری رحمه الله عليهم تساً بمقام شامخ اجتهاد نائل گردیده و از اساتید خود با اجازه اجتهاد و روایت مفتخر گردیده و به ارشاد و هدایت و تبلیغ احکام و ترویج شریعت و امر بمعروف و نهی از منکر پرداخته واعظی فصیح البیان و گوینده‌ای شیرین کلام بود منابع او مشحون به وعظ و موعظه و نقل احادیث و اخبار و تفسیر کلام الله مجید و ذکر مصائب و مناقب اهل البیت عليهم السلام میبود .

عالمی ادیب و کامل و واعظ شاعر و جامع بود از آثارش کتاب : نجم السهیل در شرح دعای کمیل منظوم به چاپ رسیده و مبین حالات روحی گوینده است . مرحوم صلواتی در ششم ماه صفر سال ۱۳۹۲ در اصفهان وفات یافته در تخت فولاد در تکیه مرحوم حاج آقا باقر قزوینی (در دشتی) معروف به تکیه خلیلی مدفون گردید رحمه الله علیه . (نقل از مقدمه کتاب : نجم السهیل) .

۳ - مرحوم آقا میرزا محمد علی اردوبادی نجفی (۱۳۱۲ - ۱۳۸۰) فرزند شیخ ابوالقاسم بن محمد تقی بن محمد قاسم اردوبادی تبریزی نجفی عالم فاضل محقق مدقق ادیب متکلم شاعر متتبع رجالی از مفاخر علمی و ادبی در ۲۱ رجب سال ۱۳۱۲ متولد و در شب يكشنبه ۱۵ صفر ۱۳۸۰ در کربلا وفات یافته جنازه

به نجف اشرف منتقل و پس از تشییع شایسته و عظیمی که لایق مقام علمی و تقوی او بود در یکی از حجرات صحن مطهر مدفون گردید. علامه طهرانی در نقباء البشر (ص ۱۳۳۲ چهارم) شرح حال نسبتاً مفصلی از او نوشته است در کتابهای اعیان الشیعه (ص ۶۴ چهل و هشتم) و علمای معاصرین (ص ۲۴۶) و ریحانة الادب و الذریعه و دیگر کتب نام او مذکور و همگی ویرا بعظمت و بزرگی و جامعیت و زهد و تقوی ستوده‌اند علامه طهرانی می‌نویسد مشایخ اجازه او قریب شصت نفر می‌باشند که از آنجمله است مرحوم آقا شیخ محمد رضا ابوالمجد نجفی. اسامی عده‌ای از اساتید و برخی از تألیفاتش را نیز ذکر کرده طالبین مراجعه کنند.

۴ - مرحوم ملا محمد دهاقانی فرزند محمد خلیل عالم فاضل ادیب کامل در حدود سال ۱۳۰۰ در قریه دهاقان سمیرم متولد گردیده و در اصفهان خدمت جمعی کثیر از بزرگان علماء همچون آقا نجفی و حاج میر محمد صادق خاتون آبادی و آقا شیخ محمد حکیم خراسانی و حاج میر سید علی نجف آبادی و آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی تلمذ نموده تا بمقامات عالیه علمی رسیده و از جمعی از علماء بزرگوار به اجازه روایتی و اجتهاد در یافت داشته سالها در مدرسه میرزا حسین در محله بید آباد سکونت نموده و بمطالعه و تدریس سطوح فقه و اصول و ادبیات اشتغال جسته و عده‌ای از مشتغلین از او بهره مند میشدند وی تقریرات اساتید خود مرحوم آقا سید محمد باقر درچه‌ای و مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری در قم و آقا ضیاء الدین عراقی در نجف را نوشته و اوراق آنها غیر مرتب و نامنظم در نزد یگانه فرزندش موجود است و همچنین یک دوره کامل فقه نیز مرقوم داشته است. برخی دیگر از مشایخ اجازه او عبارتند از: ۱ - مرحوم آیت الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی ۲ - مرحوم آیت الله آخوند ملا محمد حسین فشارکی

و آیات عظام قم آیت الله حائری و آیت الله خونساری و آیت الله صدر رضوان الله علیهم اجمعین مراتب علمی او را گواهی فرموده اند . مشار الیه در پنج شنبه ۲ جمادی الاولی سال ۱۳۸۹ در اصفهان وفات یافته در تخت فولاد در تکیه حاج آقا محمد مقدس مدفون گردید . رحمة الله علیه .

در (صفحه ۳۴۲ دوم) بنام آیت الله حاج سید مصطفی مهدوی هرستانی از شاگردان و مجازین از مرحوم آیت الله آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی اشاره شد اینک جهت تکمیل و توضیح گوئیم :

نسب شریف آن بزرگوار بقرار زیر میباشد :

حاج سید مصطفی مهدوی فرزند فاضل ارجمند مرحوم سید بحر العطاء فرزند سید محمد بن سید احمد ابن سید محمود زمان موسوی .

در (صفحه ۳۴۷ دوم) در ضمن اسامی شاگردان مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی نوشتیم که :

۷۱ - حاج سید مهدی حجازی فروشانی اینک جهت تکمیل مطلب گوئیم :
مرحوم حاج سید مهدی حجازی فرزند مرحوم سید محمد حسن موسوی در سال ۱۳۹۴ در سده در محله : فروشان متولد گردیده تحصیلات ایشان در نزد جمعی از بزرگان علماء سده و اصفهان بوده است که از آنجمله است : ۱ -
مرحوم آقا میرزا احمد مدرس ۲ - شیخ اسد الله حکیم همیشه ای ۳ - حاج میرزا جواد آدینه ای ۴ - پدردانشمندش مرحوم سید محمد حسن موسوی فروشانی (۱۲۷۷ - ۱۳۲۹) شرح حال این عالم جلیل و مؤلفاتش در مکارم الاثار (ص ۲۱۳۳ ششم) مذکور است . ۵ - مرحوم آخوند ملا محمد فشارکی ۶ - حاج آقا رحیم ارباب ۸ - مرحوم آقا شیخ محمد رضا نجفی مسجد شاهی ۸ - حاج میر محمد صادق مدرس خاتون آبادی ۹ - مرحوم آخوند ملا عبد الکریم گزی ۱۰ - مرحوم

آقا شیخ علی مدرس یزدی ۱۱ - مرحوم آقا شیخ محمد حکیم خراسانی فرزند
آخوند ملازین العابدین بن حاج ملا صادق بیلندی گنابادی خراسانی (از سال
۱۳۱۶ هـ . ق ساکن اصفهان گردیده و در شب غره‌زی الحجه الحرام سال ۱۳۵۵
مجرداً در حجره مدرس صدر اصفهان وفات یافته در تخت فولاد جنب قبر مرحوم
آخوند ملا محمد کاشانی در تکیه ملک مدفون گردید) . مرحوم حجازی‌فروشانى را
تألیفاتی است : ۱ - يك دوره فقه كامل ۲ - رسائل متعدد در موضوعات فقهی
واصولی و غیره مشار الیه در سال ۱۳۹۸ در فروشان وفات یافته و در مقبره درب
سید فروشان مدفون گردید . مادرش دختر عالم بزرگوار سید محمد باقر بن سید
حسنعلی موسوی متوفای عید فطر سال ۱۳۴۲ هـ . ق می‌باشد .

(صفحه ۳۵۰ هفتم گنجینه دانشمندان بعلاوه ص ۲۷۶ دانشمندان و بزرگان

اصفهان و اطلاعات متفرقه خارجی) .

از اساتید دیگر ایشان مرحومین آیتین حجّین : حاج میر سید علی نجف
آبادی و میر سید محمد نجف آبادی را باید ذکر نمود اضافه می‌کنم که مشار الیه
عالمی غیور و متعصب و در امر بمعروف و نهی از منکر بای نحوکان کوشا و ساعی
بود و در این امر دقیقه‌ای اهمال جائز نمیدانست و پرا فرزندان چندی است که عموماً
از اهل علم و علماء و محصلین علوم دینی بوده و در مسیر پدر و آباء و اجداد خود گام
بر میدارند و فقه الله تبارک و تعالی .

در (صفحه ۳۶۵ دوم) ضمن نام بردن اسامی مؤلفات مرحوم آقا شیخ محمد
رضا نجفی نامی از دیوان اشعار آن مرحوم بردیم و گفتیم که هنوز بچاپ نرسیده
است . اکنون گوئیم که :

دیوان اشعار مرحوم ابوالمجد شیخ محمد رضا نجفی مسجد شاهی در سال
۱۴۰۸ بنام : دیران ابی‌المجد العلامة الاکبر الشیخ محمدالرضا النجفی الاصفهانی

به نصیح و تحقیق علامه جلیل محقق متبع حجاج سید احمد اشکوری حسینی
بچاپ رسیده است .

در (صفحه ۳۶۸ دوم) ذکری از رساله: «الروضة الغناء فی معنی الغناء و حکمه»
نمودیم و نسخه‌ای از آن را معرفی کردیم اکنون گوئیم :

رساله نامبرده توسط دانشمند بزرگوار ثقه الاسلام آقای عبد الرحیم عباسی
بفارسی ترجمه شده و پس از مطالعه و بررسی و توضیح و تحشیه علامه بزرگوار
حاج شیخ رضا استادی تهرانی در مجله: کیهان اندیشه (شماره ۱۸ خرداد و تیر
۱۳۶۷) بچاپ رسیده است .

در (صفحه ۴۲۶ دوم) چندین مرثیه و ماده تاریخ که جهت مرحوم آقا
شیخ محمد رضانجفی سروده شده بود را بشرح نوشتیم اکنون جهت مزید فزایدت
و تکمیل مطالب یاد شده گوئیم :

قطعه ذیل را (قصیده) حضرت آیت الله آفسای حاج میر سید علی علامه
فانی در ثناء آن علامه جلیل سروده‌اند و هی هده :
زدست رفت رضا و سیاه گشت جهان

بلی چو مهر رود شام تیره است عیان

در آسمان جلالت چو نیر اعظم

همیشه بسود ز علم و کمال نور افشان

فقیه و عالم و زاهد ادیب و کامل و راد

حکیم و منطقی و عین دانش و عرفان

بعمر خود بجز راه حق نپمودی

نبود در نظرش غیر خالق سبحان

زروح پاک و زاخلاق نیک و از دانش
 هزار مرتبه برتر وجودش از اقران
 در بخت مردم نادان و جاهل و ظالم
 که هم نقش بندش غیر خاطر نالان
 همیشه بود ز بخت بد و ز طالع نحس
 غمین و بیدل و انکار و خون دل و پژمان
 مدام بادل پر درد گفت یا الله
 شبانه روز بد از ظلم دشمنان گریبان
 بنقد فلسفه بنگر ببین نداده بددهر
 کسی جواب طبیعی بدین بیان روان
 از اوست سیف صنیع در مدیح علم بدیع
 که هست اصل معانی و نیست گنج نمان
 ذخائر است و وقایه بعلم فقه و اصول
 بیادگار از او چون دو گوهر تابان
 دلم زدست غم اوریش بجان آمد
 شود ز دیده من اشک همچو سیل روان
 غمی که داشت بدل بود جور دانایان
 و گرنه نیست کسی را توقع از نادان
 از اهل علم ملول و بعلم خود مشغول
 ز قوم و خویش برنج و ز بخت خویش نوان
 هزار شکر که تا زنده بود و بنده بدم
 بد او رضا زمن زار فسانی نالان

یاز هم مربوط به گذشته شدن حاج محمد جعفر خونساری :

مرحوم حاج محمد جعفر تاجر خونساری فرزند حاج محمد علی لزتجار معروف و خوشنام اصفهان بود که در بازار این شهر اهمیت و اعتباری داشت و بصدق و امانت و حسن خلق و دیانت و خوش رفتاری بسا مراجعین و دیگر صفات نیکو بین الاقران شهرتی داشت و در بین تجار خونساری نیز عنوان راهنما و مشاور در امور تجاری و خانوادگی را داشت مردی دیندار و سحر خیز و دائم الذکر و در قرائت زیارت عاشوراء در تمام ایام سال اهتمامی تمام داشت . از اینرو (از نظر دیانت و حسن شهرت) در موقع تشکیل بلدیة (شهرداری) از طرف انجمن ولایتی اصفهان بعنوان کفیل شهرداری (بلدیة) انتخاب گردید . در این موقع دو پیش آمد مرد و بضرر این مرد دیندار که قصدی جز خدمت به اصفهان نداشت در این شهر رویداد که بقیمت جان او تمام شد :

۱ - اختلاف حزب دموکرات که معتمد خاقان حکمران اصفهان و جمعی دیگر از رؤساء ادارات جزو آن حزب بودند .

۲ - گرانی و سختی ارزاق و کمبود نان که بهترین وسیله جهت تحریک عوام الناس و ایجاد آشوب و بلوا بود

مرحوم الفت مقاله ای در تحت عنوان : « بلوای اصفهان » مرقوم داشته که اخیراً نسخه ای از آن بنظر رسید و در آن شرح ماجرای گذشته شدن حاج محمد جعفر خونساری کفیل بلدیة وقت را بطور اجمال مرقوم داشته و از نکات قابل توجهه این مقاله :

۱ - مسافرت حیدر عمو اغلی در یکی دوروز قبل از ماجرا باصفهانست اما نوشته اند که : چرا آمد ؟ چه دستوراتی به حزب دموکرات داد و رفت ؟

۲ - از موضوع گرانی و کمیابی گندم و دستور دادن مرحوم حاجی خونساری در ضبط و تصرف انبار گندم برخی از انبار داران و محترکین که احياناً برخی از آنها منتسب بخود آقای الفت بودند ذکرى نشده است .

۳ - مرحوم حاجی خونساری را برخلاف مشهور و آنچه که این جانب از عده ای از اهل تحقیق (از آن جمله مرحوم حاج میرزا حسن خان انصاری دانشمند و مورخ مشهور و مرحوم حاج محمد رحیم خونساری) شنیده ام مردی خلیق و مهربان و خوش برخورد بوده است مردی سخت گیر و بد زبان می نویسد .

در هر حال از آنچه که مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری نوشته است و قبلاً نقل شد و آنچه را مرحوم الفت در این مقاله می نویسد بصراحت باید گفت: محرك و بانى قتل مرحوم حاجی خونساری شخص معتمد خاقان و حزب دموکرات بوده است و بلوای نان و گرانی گندم و دیگر حرفها همه بهانه و دستاویز این جنایت فجیع بوده است و پس از ارتکاب به این کار عملاً انجمن ولایتی اصفهان را تعطیل کرده و اعضاء آنرا متفرق ساختند و حزب دموکرات و معتمد خاقان آماده انجام جنایاتی دیگر نیز بوده است که بواسطه وساطت مرحوم الفت یکی از اعضاء حزب نامبرده و دوست معتمد خاقان از آن صرف نظر میشود و شبانه دستور میدهد که رؤساء بلوا و الواد (الواط) فردا اقدامی نکنند و ظاهراً نقشه خرابی منزل شریعتمدار و احياناً کشتن او در نظر بوده است .

بیچاره مردم عوام که همیشه وسیله اجرای اغراض افراد جاه طلب و سود جو ... بوده بدون آنکه خود متوجه باشند که چه می کنند و اعمال آنها بئف-ع چه کسانی تمام میشود و اینان در حقیقت : « خسر الدنیا و الاخره » می باشند « و ذاك هو الخسران والمبین » (قسمتی از آیه ۱۱ سوره حج) .



آية الله آقای حاج سید محمد تقی موسوی بیدآبادی امام جماعت و تولیت
مسجد و مقبره سید حجة الاسلام صهر جلیل مرحوم آية الله آقای مجد العلماء نجفی

مربوط به صفحه ۱۶۴ جلد حاضر .

در صفحه ۱۶۸ جلد حاضر ماده تاریخ وفات مرحوم مجد العلماء را نقل کردیم
اینک مرثیه و ماده تاریخ وفات ایشان اثر طبع و قادیب فرزانه و شاعر گرانمایه
دوست بزرگوار آقای فضل الله اعتمادی متخلص به برنا سلمه الله تعالی .

عالم آگاه از معقول و منقول علوم

اوستاد فقه و تفسیر و احادیث و نجوم

بوغیات ابن رضای فعل مجد عالمان

دین حق را ناشر احکام و حامی رسوم

حاجی آقا شیخ مجد الدین علام فهیم
 از جهان شد جانب جانان و آسود از غموم
 آنکه جد جد و باب جد و جسد و والدش
 بوده اند از عالمان نسامی این مرز و بوم
 آنکه در او جمع آمد ز اکتساب و انتساب
 بر مقام مقتدائی هر چه را بسودی لزوم
 آنکه در راه هدایت بود درس و بحث او
 مشعلی تابان علیه کفر و الحاد و ظلوم
 آنکه مشهور و مکرم بسود در بین خواص
 آنکه معروف و معزز بسود در نزد عموم
 شد مکین مأمین معبود زین دار المحن
 رو سوی روضات عقبا کرد زین دار الهموم
 دوستانش سال فوتش را با بجد خواستند
 تا شود معلوم در مصراعی از جمع رقوم
 خامه بر نسا پی تاریخ فوت او نوشت
 [بوده مجدالدین معین شرع قرآن و علوم]
 [بود مجدالدین معین شرع و قرآن و علوم]

« ۱۴۰۳ »

در صفحه ۳۲۱ جلد حاضر نوشتیم که از جواب استفتاء مردم راجع به مصالح
 ساختمانی مسجد نو از طرف جناب میرزای شیرازی اطلاع صحیحی نداریم .
 اکنون جهت توضیح و تکمیل مطلب گوئیم :

در صفحه ۲۳۱ جلد یکم نوشتیم که علی‌المشهور جناب میرزای شیرازی
مرقوم فرموده بودند که :

اگر بدستور حاج شیخ محمد باقر بوده اشکال ندارد .

در شب پنج شنبه نهم رجب سال ۱۴۰۹ صدیق مکرم آیت‌الله‌زاده معظم
جناب آقای حاج شیخ مهدی غیاث‌الدین نجفی اظهارداشتند که این موضوع را
به‌مین کیفیت از پدر علامه‌شان شنیده‌اند .

مصادر وماخذ کتاب (مجلدات سه گانه)

در کتاب حاضر علاوه بر اطلاعات شخصی و آنچه از افراد مطلع و آگاه

شنیده‌ام از کتابهای زیر نیز استفاده شده است :

شماره	نام کتاب	مؤلف
۱ -	آتشکده	آذر بیگدلی
۲ -	آثار الحججه	حاج شیخ محمد شریف رازی
۳ -	آثار ملی اصفهان	ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی
۴ -	آگهی شهان از کار جهان	شیخ جابری انصاری
۵ -	آینه تاریخ	ابراهیم صفائی ملایری
۶ -	آینه دانشوران	سید علیرضا ریحان یزدی
۷ -	احسن الودیعہ	سید محمد مهدی موسوی کاظمینی
۸ -	ادب الطف	سید جواد شبر
		الحسین علیه السلام

- ۹ - از کلینی تا خمینی سید محمد جرفادقانی
- ۱۰ - اسلام در ۱۴ قرن سید محمود خیری
- ۱۱ - الاصفهان حاج میرسید علی جناب
- ۱۲ - اصفهان یا دارالعلم شرق سید مصلح الدین مهدوی نسخه خطی
- ۱۳ - اعلاط در انساب حاج سید عبدالحجبت بلاغی به عین معجمه
- ۱۴ - اعلاط در روضات سید عبدالحججة بلاغی
- ۱۵ - اعیان الشیعه حاج سید محسن امین عاملی چاپ اول
- ۱۶ - امالی شیخ طوسی
- ۱۷ - انقلاب ایران ادوارد برون یا تاریخ مشروطه
- ۱۸ - الانهار حاج شیخ مهدی نجفی
- ۱۹ - اولین مقاومت منفی تحریم تنباکو
- ۲۰ - بحار الانوار علامه مجلسی
- ۲۱ - بخشی از گنجینه آثار ملی عباس بهشتیان
- ۲۲ - بدایع الانساب میرزا مهدیخان بدایع نگار
- ۲۳ - بزرگان و سخن سرايان همدان دکتر مهدی درخشان
- ۲۴ - بهارستان حاج شیخ محمد حسین آیتی
- ۲۵ - تاریخ اصفهان نصف جهان حاج میرزا حسن خان انصاری
- ۲۶ - تاریخ اصفهان وری حاج میرزا حسن خان انصاری
- ۲۷ - تاریخ جرائد و مجلات سید محمد صدر هاشمی
- ۲۸ - تاریخ زفره محمد حسن رجائی زفره‌ای
- ۲۹ - تاریخ زنجان حاج سید ابراهیم موسوی زنجانی
- ۳۰ - تاریخ طهران سید عبدالحججة بلاغی

مجتبی ایمانیہ	۳۱ - تاریخ فرهنگ اصفهان
	۳۲ - تاریخ کاشان
سید حسون برانی	۳۳ - تاریخ الکوفہ
دو جلد	۳۴ - تاریخ معاصر ایران
سید عبدالحجت بلاغی	۳۵ - تاریخ نائین
شیخ محمد حرزالدین بنقل معارف الرجال	۳۶ - التاريخ والادب
عبدالحسین سپینا	۳۷ - تاریخچه اوقاف اصفهان
سید مصلح الدین مهدوی	۳۸ - تاریخچه محلہ خواجو
علامہ حلی	۳۹ - تبصرة المتعلمین
شیخ محمد رضا زنجانی	۴۰ - تحریم تنباکو
آقا طہ بہشتی	۴۱ - تحفة الاحباب
میرزا حیدر علی مجلسی	۴۲ - تذکرة الانساب
مولی عبد الکریم گزی	۴۳ - تذکرة القبور
میرزا طاہر نصر آبادی	۴۴ - تذکرة نصر آبادی
سید احمد حسینی	۴۵ - تراجم الرجال
سید ہاشم بحرانی	۴۶ - ترتیب التہذیب
جلال الدین فارسی	۴۷ - ترجمہ شہداء الفضیلہ
سید حسن صدر کاظمینی	۴۷ - تکملہ امل الامل
میرزا محمد مهدی کشمیری دو جلد	۴۹ - تکملہ نجوم السماء
حاج نجم الدولہ	۵۰ - تطبیقیہ
اسکندر محبوب کار	۵۱ - تقویم تاریخ
	۵۲ - تقویم تطبیقی

- ۵۳ - تفسیر منهج الصادقین ملافتح الله کاشانی
- ۵۴ - تاریخ علماء خراسان میرزا عبدالرحمن مدرس با تعلیقات
و حواشی آقای حاج شیخ محمد باقر ساعدی
- ۵۵ - جامع الانساب حاج سید محمد علی روضاتی
- ۵۶ - جغرافیای اصفهان دکتر سیروس شفیق
- ۵۷ - جنة النعیم حاج ملا باقر کجوری مازندرانی
- ۵۸ - الحصون المنیعه شیخ علی کاشف الغطاء
- ۵۹ - حیات یحیی حاج میرزا یحیی دولت آبادی
- ۶۰ - خصال شیخ صدوق
- ۶۱ - خلاصه تاریخ ایران میر محمد حجازی
- ۶۲ - دانشمندان آذربایجان محمد علی تربیت
- ۶۳ - دانشمندان و بزرگان اصفهان سید مصلح الدین مهدوی
- ۶۴ - درسهائی از تاریخ سیاسی ایران دکتر سید حسن آیت نجف آبادی دو جلد
- ۶۵ - دیوان سنا استاد جلال الدین همائی
- ۶۶ - دیوان سودائی ملا عبدالکریم دستگردی
- ۶۷ - دیوان سید جعفر حلّی سحر بابل
- ۶۸ - دیوان طرب ابوالقاسم طرب اصفهانی
- ۶۹ - دیوان مشتاق سید علی مشتاق
- ۷۰ - الذریعه علامه طهرانی
- ۷۱ - ذکر اخبار اصفهان حافظ ابو نعیم اصفهانی دو جلد
- ۷۲ - راهنمای دانشوران حاج سید علی اکبر برقی ۳ جلد

- ۷۳ - رجال آذربایجان دکتر مهدی مجتهدی
- ۷۴ - رجال اصفهان سید مصلح الدین مهدوی
- ۷۵ - رجال ایران در ۲ قرن اخیر مهدی بامداد ۶ جلد
- ۷۶ - رجال طوسی شیخ طوسی
- ۷۷ - رجال نجاشی
- ۷۸ - رستم التواریخ محمد هاشم آصف رستم الحکماء
- ۷۹ - روزنامه عرفان احمد عرفان
- ۸۰ - روضات الجنات میرزا محمد باقر چهار سوقی چاپ اول
- ۸۱ - روضة البیہ حاج سید شفیع جابلقی
- ۸۲ - رویدادهای مهم تاریخ حسام الدین امامی
- ۸۳ - رهبران مشروطه ابراهیم صفائی
- ۸۴ - ریاض العلماء میرزا عبداللہ افندی اصفهانی ۶ جلد چاپ قم
- ۸۵ - ریحانة الادب میرزا محمد علی مدرس تبریزی ۶ جلد -
- چاپ اول
- ۸۶ - زندگانی آیت الله چهار سوقی حاج سید محمد علی روضاتی
- ۸۷ - زندگانی حضرت موسی بن جعفر علیه السلام
- ۸۸ - زندگانی ملك المتكلمین دکتر مهدی ملك زاده
- ۸۹ - زندگانی و شخصیت شیخ انصاری حاج شیخ مرتضی انصاری
- ۹۰ - ستارگان فروزان
- * - سحر بابل سید جعفر حلی دیوان اشعار
- ۹۱ - سرگذشت مسعودی مسعود میرزا ظل السلطان
- ۹۲ - سفرنامه شاردن حسین عریضی

- ۹۳ - السعادة الابدیه حاج شیخ علی یزدی حائری
- ۹۴ - سیاحت غرب سید محمدحسن قوچانی آفانجنی قوچانی
- ۹۵ - سیاحتنامه شاردن محمد عباسی
- ۹۶ - شرح حال حاجی کلباسی میرزا محمد علی معلم حبیب آبادی
نسخه خطی
- ۹۷ - شرح حال خیابانی جمعی ازدوستان او
- ۹۸ - شعراء الحسین علیه السلام شیخ علی خاقانی بنام: ادب الطف
ذکر شد
- ۹۹ - شعراء الغری سید جواد شبر
- ۱۰۰ - شعراء معاصر اصفهان سید مصلح الدین مهدوی
- ۱۰۱ - شکوفه های اصفهان منوچهر خسروانی
- ۱۰۲ - شمس التواریخ شیخ اسد الله ایرد گشسب
- ۱۰۳ - شهداء الفضیله شیخ عبدالحسین امینی
- * - شهدایان راه حقیقت ف . ج ترجمه شهداء الفضیله
- ۱۰۴ - ضیاء الدرایه حاج سید ضیاء الدین علامه
- ۱۰۵ - الطلیعه من شعراء الشیعه شیخ محمد بن طاهر سماوی
- ۱۰۶ - عالم آراء عباسی اسکندر بیک منشی
- ۱۰۷ - العقبات العنبریه حاج شیخ محمدحسین کاشف الغطاء نسخه عکسی
- * - علمای خراسان میرزا عبدالرحمن مدرس تاریخ علمای خراسان
- ۱۰۸ - علماء معاصر حاج ملا علی خیابانی
- ۱۰۹ - عمدة الطالب ابن عنبه داودی نسابه
- ۱۱۰ - عنوان الشرف

- ۱۱۱ - عیون اخبار الرضا علیه السلام شیخ صدوق
- ۱۱۲ - غایة الاختصار تاج الدین بن محمد نقیب حلب
- ۱۱۳ - غرر الحکم عبدالواحد آمدی ترجمه مرحوم میرزا محمد علی انصاری
- ۱۱۴ - فاجمه قرن جواد بهشتی
- ۱۱۵ - فضائل الشیعه شیخ صدوق
- ۱۱۶ - فوائد الرضویه حاج شیخ عباس قمی دو جلد - چاپ اول
- ۱۱۷ - فهرست آستانه رضویه شاهزاده اوکتانی کتابخانه آستانه رضویه
- ۱۱۸ - فهرست رضویه قم
- ۱۱۹ - فهرست علمای زنجان شیخ موسی زنجانی
- ۱۲۰ - فهرست کتب خطی محمد جواد مقصودی
- کتابخانه فرهنگ اصفهان
- ۱۲۱ - فهرست کتابخانه گلپایگانی
- ۱۲۲ - فهرست کتابخانه مرعشی سید احمد حسینی
- ۱۲۳ - فهرست کتب چاپی فارسی خانبا با مشار
- ۱۲۴ - فهرست مؤلفین کتب چاپی خان بابا مشار
- ۱۲۵ - قیام سادات علوی تشید
- ۱۲۶ - قصص العلماء میرزا محمد تنکابنی
- ۱۲۷ - کافی محمد بن یعقوب کلینی
- ۱۲۸ - کتابنامه امام مهدی علیه السلام
- ۱۲۹ - الکرام البرره حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی
- ۱۳۰ - کشف الظنون حاجی خلیفه
- ۱۳۱ - کشف الغطاء شیخ جعفر نجفی

- ۱۳۲ - الکنی واللقاب حاج شیخ عباس قمی
- ۱۳۳ - گنج دانش
- ۱۳۴ - گنجینه آثار تاریخی اصفهان دکتر لطف الله هنرفر
- ۱۳۵ - گنجینه دانشمندان حاج شیخ محمد شریف رازی ۸ جلد
- ۱۳۶ - لباب الالباب حاج میرزا حبیب الله کاشانی
- ۱۳۷ - لغت نامه علی اکبر دهخدا
- ۱۳۸ - المآثر والاثار محمد حسن خان اعتماد السلطنه
- ۱۳۹ - ماضی النجف وحاضرها
- ۱۴۰ - مجاهد شهید
- ۱۴۱ - مجله خرد حسین عمادزاده
- ۱۴۲ - مجله الفری
- ۱۴۳ - مجله کیهان فرهنگی
- ۱۴۴ - مجله مظفری
- ۱۴۵ - مجله نور علم
- ۱۴۶ - مجمع الرجال
- ۱۴۷ - مدرس سی سال شهادت
- ۱۴۸ - مدرس قهرمان آزادی حسین مکی
- ۱۴۸ - مرآت الکتب حاج میرزا علی آقا ثقة الاسلام تبریزی
- دو جلد
- ۱۵۰ - مشاهد العترة سید عبد الرزاق کمونه
- ۱۵۱ - مصفی المقال حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی
- ۱۵۲ - مطارح الانظار

- ۱۵۳ - مطلع الشمس ○ محمد حسن خان اعتماد السلطنه جلد ۳
- ۱۵۴ - معادن الافادات حاج میرزا حبیب الله نیر جلد ۳
- ۱۵۵ - معارف الرجال شیخ محمد حرزالدین جلد ۳
- ۱۵۶ - معانی الاخبار شیخ صدوق
- ۱۵۷ - معجم رجال الفكر والادب شیخ هادی امینی
- ۱۵۸ - مقدمه رساله امجدیه حاج شیخ مهدی نجفی
- ۱۵۹ - مقدمه لطائف غیبیه حاج سید جمال الدین میردامادی
- ۱۶۰ - مقدمه مناهج العرفان حاج سید احمد روضاتی
- ۱۶۱ - مکارم الآثار محمد علی حبیب آبادی ۶ جلد
- ۱۶۲ - مناقب موفق خوارزمی
- ۱۶۳ - منتقلة الطالیه ابراهیم بن ناصر بن طباطبا
- ۱۶۴ - موسوعة العتبات دکتر حسینعلی محفوظ (ج ۱)
- قسم الكاظمین ۳ جلد
- ۱۶۵ - مواد التواریخ حاج محمد حسین نخجوانی
- ۱۶۶ - میرزای شیرازی ترجمه : هدیه الرازی
- ۱۶۷ - میزان الانساب آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی
- ۱۶۷ - ناسخ التواریخ سپهر
- ۱۶۹ - نسب نامه حاج شیخ محمد باقر الفت
- ۱۷۰ - نصف جهان در تعریف محمد مهدی ارباب
- اصفهان
- ۱۷۱ - نقباء البشر علامه طهرانی جلد ۴
- ۱۷۲ - نهج البلاغه جمع آوری : سید رضی

- ۱۷۴ - نهج الفصاحه جمع آوری : ابوالقاسم پاینده نجف آبادی
- ۱۷۴ - نهضت‌های اسلامی در صد حاج شیخ مرتضی مطهری
سال اخیر
- ۱۷۵ - وحید بهبهانی حاج شیخ علی دوانی چاپ دوم
- ۱۷۶ - وسیلة النجاة آیت الله اصفهانی
- ۱۷۷ - وفیات العلماء حاج شیخ حسین جلالی شاهرودی
- * - هدیه الرازی حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی نسخه عربی
میرزای شیرازی
- ۱۷۸ - هدیه العارفين اسماعیل پاشا بغدادی
- ۱۷۹ - هدیه نجفیه حاج سید محمد علی روضاتی
نسخه عکسی
- ۱۸۰ - یادنامه الفت مرتضی تیموری
- ۱۸۱ - یادنامه بانوی ایرانی مصطفی هادی
- ۱۸۲ - یکصد سال مبارزه روحانیت عقیقی بخشایشی

فهرست موضوعات و مطالب کتاب

۱۵	دنيا جاى آزمائش است	۱	نام كتاب
۱۶	همه مردم مورد آزمائشند	۳	دعا
۱۷	نتيجه امتحان	۴	دعا صحيفه سجديه
۱۸	مواد امتحان	۵	مقدمه
۱۹	جنگ با هم جنگ	۶	جنگ عراق با ايران
۲۱	فصل اول : اولاد پسرى	۷	آثار جنگ
۲۴	حاج شيخ ابوالفضل نجفى	۹	نتايج معنوى
۲۵	دكتور محمد مهربار	۹	جنگ وسيله آزمائش است
۲۷	حاج شيخ اسماعيل نجفى	۹	جغد جنگ
۲۸	كليشه خط شيخ	۱۱	صلح حقيقى
۲۹	اقوال مؤلفين	۱۳	بيان نويسنده
۳۰	اساتيد و مشايخ	۱۴	تقسيم بندى كتاب
۳۰	شاگردان و مجازين	۱۵	پيشگفتار

۴۵	مسافرت‌ها	۴۱	اجازه آقا نجفی
۴۶	الفت و عرفان	۴۱	تالیفات
۴۷	غمام همدانی	۴۲	سکونت در اعقاب مقدسه
۴۸	نمونه اشعار	۴۳	سفر حج
۵۶	مجله آفتاب	۴۴	مراجعت به ایران
۵۸	اولاد	۴۴	حاج شیخ اسماعیل در اصفهان
۵۸	فوت و مدفن	۴۵	امامت جماعت
۵۹	ماده تاریخ	۴۵	عیال و اولاد
۶۱	بهاء‌الدین الفت	۴۶	فوت و محل دفن
۶۲	نمونه اشعار	۴۶	الحائریون
۶۵	فوت	۴۶	مرثیه و ماده تاریخ فوت
۶۵	آقا جلال‌الدین نجفی	۴۷	حجة الاسلام کاشانی
۶۷	همسران	۴۸	حاج شیخ محمد باقر الفت
۶۷	فرزندان	۴۸	نام . پدر . مادر
۶۷	فوت و محل دفن	۴۸	شهرت
۶۸	حاج شیخ جمال‌الدین نجفی	۴۸	اقوال بزرگان
۶۹	اقوال بزرگان	۴۰	اساتید
۷۰	اساتید	۴۱	الفت و مشروطه
۷۰	شاگردان	۴۲	انجمن آفتاب
۷۲	تالیفات	۴۲	مجلس مؤسسان
۷۴	حاج شیخ جمال‌الدین و مشروطیت	۴۳	نمایندگی مجلس
۷۴	گرفتاری حاج شیخ جمال	۴۳	تالیفات

۹۹	فوت	۷۵	بیان مرحوم انصاری
۹۹	برخی از مدفونین	۷۶	حاج آقا جمال الدین در طهران
۱۰۰	ماده تاریخ وفات	۷۶	نماز جماعت
۱۰۳	شیخ محمد حسین امام نجفی	۷۸	حاج شیخ جمال و قیام علیه . . .
۱۰۵	حاج شیخ زین الدین نجفی	۷۹	انتقاد از دستگاه و تبعید
۱۰۶	ماده تاریخ وفات	۸۰	اولاد و اعقاب
۱۰۷	حاج میرزا عبدالحسین نجفی	۸۲	فوت و محل دفن
۱۰۸	فوت	۸۳	ماده تاریخ وفات
۱۰۸	عیال و اولاد	۸۴	تصویر مرحوم حاج آقا جمال
۱۰۸	بیان مرحوم ابرقوثی	۸۵	حاج شیخ جمال الدین و عرفان
۱۰۹	حاج شیخ محمد علی نجفی	۸۵	رفع اشتباه
۱۱۰	لقب و شهرت	۸۶	حاج شیخ محمد جواد نجفی
۱۱۱	ثقة الاسلام کلینی	۸۷	میرزا محمد حسن نجفی زاده
۱۱۲	اساتید و مشایخ	۸۸	حاج شیخ محمد حسین نجفی
۱۱۳	اسامی شاگردان	۸۹	اقوال بزرگان
۱۱۵	فائده آقا حسین بلند	۹۱	اساتید و مشایخ
۱۱۷	تالیفات	۹۲	شاگردان
۱۱۹	بیان مرحوم انصاری	۹۳	تالیفات
۱۱۹	ثقة الاسلام و مبارزه علیه بیدینی	۹۵	درس اخلاق
۱۲۰	بعضی از اقدامات	۹۶	بیان نویسنده
۱۲۲	فرزندان : پسران	۹۷	عیال و فرزندان
۱۲۲	دختران	۹۸	مسافرتها

۱۴۴	گرفتاری شریعتمدار	۱۲۲	آقا حسین
۱۴۶	عزل صارم الدوله	۱۲۲	اثر فوت آقا حسین
۱۴۷	مسافرت بمکه	۱۲۳	ماده تاریخ فوت آقا حسین
۱۴۸	برگشت از مکه	۱۲۴	خبر از مرگ دادن
۱۴۸	مراجعت به ایران	۱۲۵	تذکر
۱۴۹	فروش املاک دولتی	۱۲۵	بیماری حاج آقا نورالله
۱۴۹	فائده لغوی	۱۲۶	فوت و علت آن
۱۵۰	خرید و فروش خالصه	۱۲۸	مراسم ختم
۱۵۱	شریعتمدار و باغات صفوی	۱۲۸	فوت ۷ نفر از علماء
۱۵۲	بیان نویسنده	۱۲۹	بیان نویسنده
۱۵۳	مجلس مؤسسان	۱۳۰	ماده تاریخ وفات
۱۵۳	مجلس تاجگذاری	۱۳۳	حاج شیخ کمال الدین شریعتمدار
۱۵۳	پیش آمدی قابل توجه	۱۳۳	تحصیلات
۱۵۴	شریعتمدار و مهاجرین قم	۱۳۴	شریعتمدار در زمان پدر
۱۵۵	مسافرت رضا شاه باصفهان	۱۳۵	تراشیدن زلف
۱۵۶	باز هم شریعتمدار	۱۳۶	مخالفت با بهائیان
۱۵۷	تبعید بعراق	۱۳۶	توضیح
۱۵۷	برگشت از عراق	۱۳۶	قابل توجه
۱۵۸	فوت	۱۳۷	شریعتمدار و مشروطه
۱۵۹	ماده تاریخ فوت	۱۳۸	کشته شدن حاج محمد جعفر
۱۵۹	اولاد	۱۴۲	نتیجه
۱۶۰	قابل توجه	۱۴۲	تذکر

۱۹۹	شیخ اسدالله دزفولی	۱۶۰	عقیده انصاری درباره ...
۲۰۰	حاج آقا باقر قزوینی	۱۶۱	آثار خیریه
۲۰۱	حاج شیخ محمد باقر فشارکی	۱۶۲	مجد العلماء نجفی
۲۰۲	شیخ محمد باقر کربلائی	۱۶۹	حاج شیخ مرتضی عماد الاسلام
۲۰۲	حاج سید بدرالدین کتابی	۱۷۰	حاج شیخ مهدی نجفی
۲۰۴	تألیفات و آثار چاپ شده	۱۷۲	اساتید
۲۰۶	فوت	۱۷۳	تألیفات
۲۰۷	ماده تاریخ فوت	۱۷۶	نمونه اشعار
۲۱۰	آقا جمال الدین چهار سوقی	۱۷۸	برخی از شاگردان
۲۱۱	حاج آقا حسن ملاذ الاسلام	۱۷۹	اجازه حاج شیخ مهدی
۲۱۳	حاج میرزا حسن شیخ الاسلام	۱۸۰	حالات روحی
۲۱۴	حاج آقا حسن ملباشی	۱۸۲	بیان معین الاسلام
۲۱۶	شیخ محمد حسن نظام	۱۸۴	المکثار کحاطب اللیل
۲۱۶	شیخ حسن طهرانی	۱۸۵	فوت
۲۱۷	شیخ محمد حسین جویباره ای	۱۸۶	مدفونین در تحویلخانه
۲۱۸	شیخ محمد حسین افتخار	۱۸۷	ماده تاریخ فوت
۲۱۹	شیخ محمد حسین طریحی	۱۸۸	اولاد
۲۲۰	حاج میرزا رحیم شیخ الاسلام	۱۸۹	فصل دوم : اولاد دختری
۲۲۲	حاج میرزا رضا ملباشی	۱۹۱	مقدمه
۲۲۴	حاج سید محمد رضا غروی	۱۹۲	آقا ابراهیم بهبهانی
۲۲۵	حاج شیخ محمد رضا جرقویه ای	۱۹۴	آقا میرزا ابراهیم شمس آبادی
۲۲۷	آقا رضا صدرالعلماء	۱۹۶	آقا احمد کرمانشاهی

۲۵۶	آقا کمال الدین قزوینی	۲۲۸	حاج میرزا محمد صادق کتابی
۲۵۷	حاج آقا محسن عراقی	۲۲۹	حاج میرزا عبدالجواد کلباسی
۲۵۹	حاج آقا محمد آل رسول	۲۳۰	شیخ عبدالحسین حائری
۲۶۰	شیخ محمد طهرانی	۲۳۱	حاج شیخ عبدالرحیم فصولی
۲۶۲	شیخ محمد نجفی	۲۳۳	آقا عبدالعلی کرمانشاهی
۲۶۴	حاج آقا محمد جوئیباره‌ای	۲۳۴	حاج عبدالکریم شیرازی
۲۶۶	آقا محمود کرمانشاهی	۲۳۵	حاج میرزا علی اکبر شیخ الاسلام
۲۶۷	حاج آقا مرتضی ملاباشی	۲۳۶	سید محمد علی آقا مجتهد
۲۶۸	حاج آقا مرتضی رشتی	۲۳۷	علت شهرت او به آقا مجتهد
۲۶۹	مریم (مادر شاهزاده)	۲۳۸	تالیفات
۲۷۱	حاج میرزا مهدی جوئیباره‌ای	۲۳۹	نمونه اشعار فارسی
۲۷۳	حاج آقا مهدی میرعمادی	۲۴۰	عیال و اولاد
۲۷۵	حاج آقا نورالله امامی سدهی	۲۴۲	فوت
۲۷۶	سید محمد هادی صدر العلماء	۲۴۳	آقا محمد علی کرمانشاهی
۲۷۷	آقا میرزا محمد هاشم چهار سوقی	۲۴۴	آقا محمد علی هزارجریبی اصفهانی
۲۷۹	فوت	۲۴۵	ملا محمد علی خراسانی
۲۷۹	محل دفن	۲۴۶	شیخ الشریعه اصفهانی
۲۸۰	اولاد	۲۴۷	اساتید و مشایخ اجازه
۲۸۲	حاج میرزا هاشم کلباسی	۲۴۹	مؤلفات
۲۸۵	فصل سوم : آثار خیریه	۲۵۱	شاگردان و مجازین
۲۸۷	مقدمه	۲۵۳	فوت و محل دفن
۲۸۷	وقف	۲۵۴	حاج آقا فخرالدین کلباسی

۲۲۵	متولی و ناظر موقوفات	۲۸۸	حدیث
۲۲۶	شهود و قفنامه	۲۹۰	مدارس خمسه
۲۲۷	موقوفات ثقه الاسلام	۲۹۱	مدرسه الماسیه
۲۳۱	موقوفات حاج نورالله	۲۹۲	مدرسه ثقه الاسلام
۲۳۶	امضاء کنندگان و قفنامه	۲۹۳	مدرسه عربان
۲۳۷	بیان مرحوم الفت	۲۹۴	مدرسه مریم بیگم
۲۳۹	خاتمه: در وجه تسمیه تخت فولاد	۳۰۱	مدرسه ناصری
۲۴۰	مقدمه	۳۰۵	مدارس هفت گانه
۲۴۲	قبر جناب یوشع	۳۰۶	اسامی هفت مدرسه
۲۴۳	اسامی تکابای تخت فولاد	۳۰۹	مدرسه اسماعیلیه
۲۴۴	ذکر دو حدیث	۳۰۹	مساجد
۲۴۵	استحباب زیارت قبور	۳۱۱	مسجد دارالشفاء
۲۴۹	ذکر چند نکته	۳۱۶	مسجد نو بازار
۲۵۰	جبران مافات	۳۲۰	سئوال از جناب میرزای شیرازی
۲۵۱	سپاس و تشکر	۳۲۲	ائمه جماعت مسجد نو
۲۵۳	استدراك	۳۲۱	وضع ساختمان مسجد نو
۲۸۰	مصادر و مأخذ کتاب	۳۲۲	موقوفات
		۳۲۲	موقوفات آقای نجفی

برخی از آثار چاپ شده نویسنده

- ۱ - ارمغان اصفهان
زندگینامه آیت الله حاج سید
علی بهبهانی
- ۲ - تاریخ مختصر سامراء
- ۳ - تاریخچه محله خواجه
- ۴ - تاریخچه مدارس دینی اصفهان
- ۵ - دانشمندان و بزرگان اصفهان
- ۶ - رجال اصفهان
حواشی بر تذکرة القبور
- ۷ - زندگانی حضرت عسکری علیه السلام
ضمیمه تاریخ سامراء
- ۸ - زندگانی حضرت هادی علیه السلام
ضمیمه تاریخ سامراء
- ۹ - زندگینامه علامه مجلسی
دو جلد
- ۱۰ - شرح حال آیت الله حاج آقا حسین بروجردی
- ۱۱ - شرح حال آیت الله آقا شیخ محمد
ضمیمه مجله نور علم : شماره
رضا مسجد شاهی نجفی (۹) دوره دوم
- ۱۲ - شرح حال سه نفر از خاندان حاجی کلباسی مقدمه : حقوق زن و میراث
- ۱۳ - شعرای معاصر اصفهان
- ۱۴ - عطیة الجواد علیه السلام
زندگانی و سخنان آنحضرت
- ۱۵ - غایة الامال والامانی
مقدمه : لوامع

تذکر مهم :

فهرست اعلام کتاب حاضر اعم از نامهای کسان وجایها واسامی کتابها و فرقه‌ها و قبائل و خاندانها و تیره‌ها و مذاهب و فرق وایله‌ها وسلسله‌ها و... درمجلد جداگانه‌ای توسط استاد مرتضی تیموری بعنوان جلد چهارم « تاریخ علمی واجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر » چاپ ومنتشر شده است .

غلطنامه کتاب

ص	س غلط	صحیح	ص	س غلط	صحیح
۱۰	۹ بلای	ندای	۱۲۲	۲ دو	شش صحیح
۱۰	۱۸ بر	پر	۱۲۴	۱۲ برای	سه
۱۷	۲ جون	چون	۱۲۸	۵ مرحوم	مردم
۳۲	۱۵ حادی	حاوی	۱۲۸	۱۸ سر	سه
۳۵	۱۲ ۱۲۹۹	۱۳۹۹	۱۳۰	۸ تزلزش	تزلزش
۳۷	۸ برده	براه	۱۳۱	۸ لای	آوی
۳۷	۱۲ باقی	بانی	۱۴۶	۱۲ منفجر	منفجر
۳۹	۹ لفحه	نفعه	۱۵۰	۲ خدا	جدا
۳۹	۱۰ مهیمن	مهیمن	۱۶۰	۱۱ آنجا	تا آنجا
۴۴	۱۱ ولی	وی	۱۷۷	۱۱ قراز هره	فرازنده
۴۹	۴ نشست	نشست	۱۸۵	۷ مشغول	مشغول
۵۱	آخر دام بکنج	دام تو بکنج	۱۹۵	۱۶ ۱۳۲۳	۱۳۶۳
۵۴	آخر اسباب	اسباب	۱۹۸	۱۷ علامه	علاوه
۶۳	۸ بجای	بجام	۲۰۱	۱۶ شخصیت گری	سخت گیری
۶۳	۱۸ او	تو	۲۰۷	۱ ازوفادادی	از راه وفاداری
۶۴	۹ هیاهوما	هیاهوما	۲۹	۲ دید	دیدم
۷۱	۱۲ حسنی	حسینی	۲۱۱	۱۴ حسین	حسن
۸۳	۱۸ جنب	جنت	۲۱۲	۷ پسر	پسر و دو دختر
۹۷	۱۵ دائیرزاده	عموزاده	۲۱۲	۱۶ خود	خود دو
۹۷	۱۸ دائیرزاده	عموزاده	۲۱۷	۳ مفعول	مفعول
۱۰۶	آخر چو	چون	۲۳۰	۵ شعبان	شعبان ۱۴۰۸
۱۰۷	۹ شد غمگین	شدند غمین	۲۳۱	۱۰ عبدالکریم	عبدالرحیم
۱۱۵	۱ رضوی	موسوی	۲۵۷	۲۰ ۱۲۲۵	۱۳۲۵

ص	س غلط	صحيح
۳۱۶	۸ سال	سال قبل
۳۱۸	۱۸ مزفر	هنر فر
۳۲۰	۱۱ در سال	ارسال
۳۶۸	۱۸ سلامت	سلاست
۳۷۱	۲۰ محمد	محمد حسين
۳۷۳	۲۰ خود	خويش
۳۷۴	۴ همنقش	پندش همنفس نيدش

ص	س غلط	صحيح
۲۵۹	۱۲ نزد	پرداخت
۲۶۸	آخر داواد	داماد
۲۷۱	۱۹ محسن ملا	محسن بن ملا
۲۷۸	۲۱ رتبه	رقبه
۲۷۹	۷ اقدام	احترام
۲۹۲	۱۵ ۱۳۴۶	
۲۹۹	۸ و پنجاه	زائد
۳۰۶	۸ خيابان	خيابان فردوسی

